



سلسله منشورات (۲۸) (بین الملل ۳)

کنگره بین المللی اندیشه‌های قرآنی امام خامنه‌ای (مدظله)

مجموعه مقالات ترویجی بین الملل - اردو زبان
اجلاسیه شیراز

زیر نظر: دکتر محمد علی رضایی اصفهانی

به کوشش: دکتر محمد یعقوب بشوی - دکتر محمد عسکری ممتاز - خادم حسین جاوید

(این نسخه موقت و غیر قابل نشر و استناد است)

«پاییز ۱۴۰۳ اش»





مشخصات کتاب

سرشناسه	:	کنگره بین المللی اندیشه‌های قرآنی امام خامنه‌ای (دام‌ظله)
عنوان و نام پدیدآور	:	مجموعه مقالات ترویجی بین الملل اردو زبان / زیر نظر محمدعلی رضایی اصفهانی به کوشش: دکتر محمد یعقوب بشوی - دکتر محمد عسکری ممتاز - خادم حسین جاوید
مشخصات نشر	:	
مشخصات ظاهری	:	
شابک	:	
وضعیت فهرست نویسی	:	
موضوع	:	
موضوع	:	
موضوع	:	
شناسه افزوده	:	
رده بندی کنگره	:	
رده بندی دیویی	:	
شماره کتابشناسی ملی	:	
اطلاعات رکورد کتابشناسی	:	

عنوان: مجموعه مقالات ترویجی بین الملل اردو زبان

پدیدآورنده: مولفان / زیر نظر محمدعلی رضایی اصفهانی به به

کوشش: دکتر محمد یعقوب بشوی - دکتر محمد

عسکری ممتاز - خادم حسین جاوید

ناشر:

تایپ و صفحه‌آرایی: سید ابوالفضل موسوی

نوبت چاپ:

شمارگان: ...

قیمت:

تقدیم:

هدیه به روح شهیدای (شاهچراغ) آستان مقدس احمد بن موسی (ع)
و سید مقاومت شهید آیت الله سید حسن نصرالله

سپاسگزاری:

از همه شخصیت‌ها و شورای سیاست‌گزاری و شورای علمی و مولفان و ارزیابان مقالات و مراکز
همکار کنگره و نیز همکاران دبیرخانه بویژه در این جلد از:
حجت الاسلام و المسلمین دکتر ابراهیم کلانتری رئیس اجلاسیه شیراز
جناب آقای طلایی دبیر کمیته کنگره در اجلاسیه شیراز
که در تنظیم و آماده‌سازی این جلد تلاش وافر کردند.

فہرست مطالب

۷	مقدمہ ریاست کنگرہ
۹	مقدمہ مدیر علمی کنگرہ
۱۲	گزارش اجمالی کنگرہ
۴۳	سخن معاون علمی کنگرہ
۴۵	مقدمہ تولیت آستان مقدس شاہچراغ شیراز
۴۵	و دبیر علمی کمیٹہ اجلاسہ شیراز
۴۸	مقدمہ نمایندہ مقام معظم رہبری در استان فارس و امام جمعہ شیراز
۵۰	مقدمہ مدیر کمیٹہ بین الملل (بہ زبان اردو)
	عائلی نظام زندگی میں تعلقات اور باہمی حقوق ربیر معظم انقلاب اسلامی کے ارشادات کی
۵۲	روشنی میں
۵۲	ممتاز حسین کھرمنگی
	امام خامنہ ای کے قرآنی نظریات کے تناظر میں اولاد کی تربیت میں ماں باپ کا کردار
۷۷	اور وظیفہ
۷۷	محمد عسکری مقدس
۹۵	سماجی تبدیلی میں نوابغ کا کردار رہبر معظم کے قرآنی افکار کی روشنی میں
۹۵	محمد یعقوب بشوی - سیدہ مریم زہرا زیدی
۱۲۵	مباہلہ کے بارے میں امام خامنہ ای مدظلہ کے قرآنی نظریات کا تحلیلی جائزہ

۱۲۵	ضامن علی - مہدی رستم نژاد - محمد امینی
۱۴۳	امام خامنہ ای کی دفاعی فکر میں ورچوئل اسپیس میں جہاد تبیین کی وضاحت
۱۴۳	محمد نصیر المہدی مجیدی - محمد نظیر عرفانی
۱۶۲	امام خامنہ ای کے افکار اور بین الاقوامی تعلقات میں صلح کے فقہی مبانی
۱۶۲	محمد علی کریمی - خادم حسین جاوید
۱۸۳	کامیاب جوان کی خصوصیات آیۃ اللہ خامنہ ای کے قرآنی افکار کی روشنی میں
۱۸۳	اکبر علی، محمد عسکری مقدس، جاوید اقبال
۱۹۷	ربیر معظم کے نقطہ نظر سے جہاد تبیین کے طریقے اور قرآنی مثالیں
۱۹۷	سید محمد علی موسوی - علی جعفر ہاشمی
	ربیر معظم زید عزه کے افکار خاص کے مطابق انسان کی اعتقادی و اخلاقی زندگی میں
۲۰۶	تویہ کا اثر قرآن اور صحیفہ سجادہ کی نگاہ میں
۲۰۶	سید فیاض حسین - سید علی حیدر - سید ساجد حسین - ریاض حیدر

مقدمه ریاست کنگره

بسم الله الرحمن الرحيم

امروز شاهد رویارویی دو تمدن در جهان هستیم یک تمدن قرآنی که داعیه دار و پرچمدار اخلاق و معنویت است و دیگری تمدن مادی سلطه جو و دور از معنویت و اخلاق که این همه به اخلاق خانواده عدالت جهانی و بشریت آسیب وارد کرده است تمدنی که برای آن سود و منفعت مادی و لذت اصل است و برای این هدف حاضر است از همه مرزهای اخلاقی عبور کند منشور تمدن الهی جدید کتاب مقدس و عزیز قرآن است از این روست که میتوان گفت رفتارهای جسارت آمیزی که در غرب در سالهای اخیر به ویژه در سال ۱۴۰۲ش در اهانت به قرآن کریم میشود حساب شده و بر اساس یک طراحی است که در راستای این تقابل تمدنی است و نیز حمله اسرائیل و حامیان غربی آن به غزه فلسطین نیز در راستای همین تقابل تمدنی تحلیل میشود.

کنگره بین المللی اندیشه های قرآنی امام خامنه ای (مدظله العالی) برای ارائه چهره تابناک معارف قرآن از زبان و اندیشه یک شخصیت عالم و اندیشمند و رهبر حکیم دنیای اسلام است و این کاری تمدنی در مسیر ایجاد تمدن نوین اسلامی است و جای تقدیر و تشکر دارد این کنگره هم عرضه تفسیر و تبیین قرآن کریم است و هم معرفی چهره علمی شخصیتی که امروز پرچم دار این تمدن جدید است. بحمدالله عزم عمومی و اعلام آمادگی شخصیت ها و نهادها و مراکز برای همکاری با این کنگره بسیار قابل توجه بود و استقبال گسترده ای صورت گرفت لازم است بازتاب رسانهای این همایش هم به صورت مناسب باشد و صرفا به برگزاری نشستها در سازمانهای برگزار کننده اکتفا نشود و پیوست رسانه ای مناسبی تدوین گردد و آثاری از این سلسله اجلاس های

همایش فراهم شود که در آینده بتواند به زبانهای مختلف به صورت مقاله و کتاب و در قالبهای متنوع منتشر شود.

محورها و موضوعات مناسبی هم که برای کنگره انتخاب شده همچون؛ سبک زندگی جایگاه زن و خانواده از مسائل روزآمد است که این موضوعات محل چالش و مواجهه فرهنگی و تمدنی جهان اسلام با تمدن مادی غرب است ما در این زمینهها حرفهای فراوان داریم و به تعبیر مقام معظم رهبری مدظله العالی در این زمینه مدعی هستیم نه متهم.

کلید واژه‌های ساخته شده در تمدن غربی مثل حقوق بشر حقوق زنان و آزادی عناوینی است که آنها در این زمینه از دیگران طلبکاری میکنند در حالی که تمدن غرب بدهکارترین تمدنها در این زمینه‌ها است. آسیبی که تمدن غرب به جایگاه زن و خانواده وارد کرده شاید در هیچ یک از تمدن‌های گذشته سابقه نداشته است. بشریت در این زمینه از تمدن غرب طلبکار است.

بایسته است که این گونه مسائل از زبان امام خامنه‌ای در مباحث تفسیری و در سخنان و دیدگاه‌های این شخصیت برجسته که از قرآن کریم الهام گرفته مورد توجه قرار گیرد و نشر یابد. بنده از تلاشهای همه دوستان کنگره بویژه جناب دکتر رضایی اصفهانی و همکارانشان و اعضای شورای سیاستگذاری و عزیزانی که به هر صورت در خدمت این کار ارزشمند و مقدس هستند، تقدیر و تشکر میکنم و برای همگی از خداوند بزرگ سلامتی و توفیق بیشتر مسئلت دارم و در پایان بر ارواح مطهر شهدای وقایع اخیر غزه درود میفرستیم و از خداوند بزرگ مسئلت میکنیم که برای مظلومان فلسطین خلاص و نجات مقدر کند و امیدواریم هر چه زودتر شر اشرار صهیونیست از سر مردم جهان کم شود.

والحمدلله رب العالمین

علی عباسی

رئیس جامعه المصطفی العالمیه

قم ۱۴۰۳/۸/۱۱ ش

مقدمه مدیر علمی کنگره

بسم الله الرحمن الرحيم

«وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ» (نحل / ۴۴)

درآمد:

قرآن کریم، کتاب مبین است اما مخاطبان نا آشنا، نیازمند توضیح کلمات و محتوای آیات آن هستند، از این رو قرآن خود پیامبر اسلام (ص) را به عنوان مفسر قرآن معرفی می کند (نحل / ۴۴) و بر اساس حدیث ثقلین اهل بیت (ع) ملازم و مفسر قرآن هستند.

از این رو احادیث تفسیری زیادی از پیامبر (ص) و امامان معصوم نقل شده است که در کتب تفسیر روایی (مثل تفسیر عیاشی، نورالثقلین، البرهان و ...) جمع آوری شده است و نیز مفسران قرآن در طول قرون متمادی صدها تفسیر کامل و چند هزار تفسیر از برخی سوره های قرآن ارائه داده اند.

یکی از کسانی که در دوره معاصر به تفسیر قرآن پرداخته است حضرت ایت الله العظمی سید علی خامنه ای (مدظله العالی) است که تفسیر را از محضر علامه طباطبایی (رضوان الله علیه) استفاده کرده است و در مشهد از حدود سال ۱۳۴۷ش تفسیر گویی را با تفسیر سوره براءت شروع کرده و در مقاطع مختلف حتی در خطبه های نماز جمعه و سخنرانی ها و دروس خویش به تفسیر قرآن پرداخته است.

نکته جالب آنکه حجت الاسلام ربانی که تفسیر سوره براءت ایشان را به صورت صوتی ضبط می کرده، به بنده گفتند: در دهه ۱۳۴۰ش قدرت مالی نداشتیم که چند نوار کاست بخریم از این رو هر روز بر همان نوار کاست روز قبل ضبط می کردیم سپس پیاده می کردیم.

اکنون حدود ده جلد از تفاسیر ایشان (سوره حمد و بقره و ...) منتشر شده است در این تفاسیر

که علاوه بر استفاده از روش تفسیر اجتهادی جامع (قرآن به قرآن - روایی - عقلی و...) به گرایش‌های اجتماعی، سیاسی و اخلاقی تربیتی در تفسیر توجه شده است. اندیشه‌های قرآنی رهبر معظم انقلاب اسلامی در دهه اخیر مورد توجه فرهیختگان حوزه و دانشگاه قرار گرفته و دهها پایان نامه ارشد و دکتری در مورد آنها نگارش یافته است.

در سال ۱۴۰۰ ش اساتید مجتمع عالی قرآن و حدیث جامعه المصطفی العالمیه با همکاری معاونت فرهنگی و نهاد رهبری دانشگاه آزاد اسلامی، ایده برگزاری کنگره اندیشه‌های قرآنی امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) را مطرح کردند که مورد توجه قرآن پژوهان، مراکز علمی حوزوی و دانشگاهی و مؤسسه نشر انقلاب اسلامی قرار گرفت و طرح نامه مصوب گردید و از خرداد ۱۴۰۰ ش پوستر فراخوان منتشر شد و طی یک سال بیش از ۲۴۰۰ چکیده و مقاله رسید و نیز بیش از ۲۰۰ پیش نشست و کارگاه برگزار شد و این همایش را به یکی از بزرگترین همایش‌های تاریخ ایران تبدیل کرده بطوری که در شورای سیاست گذاری و علمی و اجرایی کنگره پیشنهاد شد که در چند استان تهران، اصفهان - خراسان رضوی (مشهد) و آذربایجان شرقی (تبریز) و چند کشور از جمله سوریه و لبنان و هند و پاکستان و برخی کشورهای آفریقایی اجلاس‌های آن برگزار شود که با همت نمایندگی‌های المصطفی و مراکز همکار این اجلاس‌ها شکل گرفت.

سخن پایانی:

در پایان لازم است از همه کارگزاران کنگره به ویژه مدیران محترم کمیته‌های علمی کنگره، معاونان محترم حجج اسلام دکتر سید عیسی مسترحمی و دکتر سید یوسف موسوی و نویسندگان و ارزیابان محترم کتابها و مقالات و نیز همه کسانی که در آماده سازی آثار و برگزاری کنگره زحمت کشیدند به ویژه مسئول محترم انتشارات بین المللی المصطفی حجت الاسلام والمسلمین نوبخت و همکاران انتشارات و ریاست امور مشترک مجتمع عالی امام خمینی (ره) حجت الاسلام والمسلمین زهادت و به صورت خاص ریاست جامعه المصطفی العالمیه حجت الاسلام والمسلمین دکتر عباسی و معاون پژوهش المصطفی حجت الاسلام والمسلمین عابدی نژاد و معاون آموزش جامعه المصطفی حجت الاسلام والمسلمین دکتر سید حمید جزایری و معاون فرهنگی تربیتی المصطفی حجت الاسلام والمسلمین کریمی قدوسی و همکارشان حجت الاسلام دکتر محمدحسین رفیعی و نیز حجت الاسلام والمسلمین دکتر کاشانی مسئول نمایندگی جامعه

المصطفی در ترکیه و نیز معاونت پژوهش حوزه‌های علمیه حجت الاسلام والمسلمین مقیمی که حمایت خاص از این کنگره نموده‌اند، و نیز حجت الاسلام والمسلمین محمد حسنی رئیس سازمان عقیدتی سیاسی ارتش و حجت الاسلام والمسلمین دکتر حاج صادقی نماینده ولی فقیه در سپاه، دکتر طهرانچی ریاست محترم دانشگاه آزاد و همکارشان حجت الاسلام شریفانی، حجت الاسلام والمسلمین سید مسعود خامنه‌ای و جناب مستطاب دکتر اسحاقی و مسئولان مؤسسه انقلاب اسلامی، حجت الاسلام والمسلمین صالح و همکارشان حجت الاسلام دکتر سعیدی در نمایندگی جامعه المصطفی مشهد، حجت الاسلام والمسلمین طاهایی و همکارشان حجت الاسلام دکتر رضایی آدریانی در نمایندگی المصطفی اصفهان، حجت الاسلام والمسلمین جلالی معاون پژوهش حوزه علمیه اصفهان، حجت الاسلام والمسلمین خضرلو نماینده حجت الاسلام والمسلمین جلالی معاون پژوهش آیت الله آل هاشم امام جمعه محترم تبریز، حجت الاسلام والمسلمین دکتر ابراهیم کلانتری تولید آستان مقدس احمد بن موسی (ع) (شاه چراغ)، حجت الاسلام والمسلمین دکتر حسین علوی مهر نماینده جامعه المصطفی در سوریه، حجت الاسلام والمسلمین مهدوی مهرنماینده جامعه المصطفی در لبنان، حجت الاسلام والمسلمین شاکری نماینده جامعه المصطفی در هند، حجت الاسلام والمسلمین داد سرشت نماینده جامعه المصطفی در پاکستان، حجت الاسلام والمسلمین محسنی نماینده جامعه المصطفی در عراق، جناب آقای اسدی نماینده جامعه المصطفی در سنگال، حجت الاسلام والمسلمین تقوی نماینده جامعه المصطفی در تانزانیا، حجت الاسلام والمسلمین دکتر علی آقا صفری، حجت الاسلام والمسلمین خلیل زاد، حجت الاسلام والمسلمین محمد علوی زاده، حجت الاسلام والمسلمین عقیل یوسفی، حجت الاسلام والمسلمین یوسف یوسف آبادی، حجت الاسلام والمسلمین مهدی ندایی و آقای دکتر عبدالحسین شورچه، حجت الاسلام والمسلمین نصر الله سلیمانی، حجت الاسلام والمسلمین سید ابوالفضل موسوی تشکر کنم.

اجرهم علی الله

والحمد لله رب العالمین

مدیر علمی کنگره بین المللی اندیشه‌های قرآنی امام خامنه‌ای مدظله العالی

محمد علی رضایی اصفهانی

۲ / ۸ / ۱۴۰۳ ش

گزارش اجمالی کنگره

الف) اهداف کنگره:

۱. شناخت اندیشه‌های کلی امام خامنه‌ای مد ظله العالی در مباحث قرآنی
۲. تبیین شخصیت قرآنی امام خامنه‌ای در راستای ترویج فرهنگ قرآنی و تحکیم حکومت اسلامی
۳. تبیین دیدگاه‌های خاص تفسیری امام خامنه‌ای مد ظله العالی
۴. تبیین اندیشه‌های امام خامنه‌ای مد ظله العالی در مباحث علوم قرآنی، علوم انسانی با صبغه قرآنی و ...
۵. فرآوری آثار قرآنی امام خامنه‌ای مد ظله العالی
۶. کشف نوآوری‌های قرآنی امام خامنه‌ای مد ظله العالی
۷. جهت دهی به فعالیتهای قرآنی بر اساس اندیشه‌های قرآنی امام خامنه‌ای مد ظله العالی
۸. توسعه نقش آفرینی قرآن در زندگی مردم و جامعه
۹. زمینه سازی تمدن نوین اسلامی

ب) محورهای کنگره:

۱. شخصیت و سیره قرآنی امام خامنه‌ای (مدظله العالی)
۲. مرجعیت علمی قرآن
۳. قرآن و اهل بیت (علیهم السلام)
۴. علوم قرآنی
۵. تفسیر و معارف قرآن
۶. ترجمه، تدبر و انس با قرآن

۷. قرائت و حفظ قرآن
۸. فعالیت‌های قرآنی
۹. سبک زندگی قرآنی
۱۰. قرآن و نظام سازی و تمدن آفرینی
۱۱. مبانی قرآنی بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی
۱۲. قرآن و انقلاب، دولت و جامعه سازی
۱۳. مبانی قرآنی حکومت داری و رهبری امام خامنه‌ای دامت برکاته
۱۴. قرآن، هنر، رسانه، فرهنگ و تبلیغ
۱۵. قرآن و علوم طبیعی و انسانی (سیاست، مدیریت، تربیت، روانشناسی، اجتماعی، حقوق و ...)
۱۶. مبانی قرآنی اندیشه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی امام خامنه‌ای دامت برکاته
۱۷. قرآن و مستشرقان و غرب
۱۸. مبانی قرآنی شعارهای انقلابی، استکبارستیزی و مقاومت امام خامنه‌ای دامت برکاته

ج) شورای سیاست گذاری کنگره

- حجت الاسلام والمسلمین دکتر علی عباسی — رئیس جامعه المصطفی العالمیه و رئیس کنگره
- جناب مستطاب آقای دکتر محمد مهدی طهرانچی - رئیس دانشگاه آزاد اسلامی
- حجت الاسلام والمسلمین سید مسعود خامنه‌ای - مسئول مؤسسه نشر انقلاب اسلامی
- حجت الاسلام والمسلمین شریفانی - معاون فرهنگی دانشگاه آزاد اسلامی
- حجت الاسلام والمسلمین محسن قنبری — معاون ارتباطات و بین الملل جامعه المصطفی العالمیه
- حجت الاسلام والمسلمین محمد اسحاقی - معاون مؤسسه نشر انقلاب اسلامی

- حجت الاسلام و المسلمین دکتر محمدعلی رضایی اصفهانی — مدیر مجتمع آموزش عالی قرآن و حدیث جامعه المصطفی العالمیه و دبیر علمی کنگره
- حجت الاسلام و المسلمین مسعود طاهری لاری
- حجت الاسلام و المسلمین حسن خیری - رئیس دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم
- حجت الاسلام و المسلمین محمد نقیب - رئیس دانشگاه علوم و معارف قرآن
- حجت الاسلام و المسلمین دکتر عبدالحسین خسروپناه — رئیس شورای انقلاب فرهنگی
- حجت الاسلام و المسلمین مهدی رستم نژاد - معاون آموزش حوزه‌های علمیه کشور
- حجت الاسلام و المسلمین سید حمید جزایری — معاون آموزش جامعه المصطفی العالمیه
- حجت الاسلام و المسلمین سید محمودنبوی؟؟
- حجت الاسلام و المسلمین عبدالله حاج صادقی — رئیس نمایندگی ولی فقیه در سپاه انقلاب اسلامی ایران
- حجت الاسلام و المسلمین عباس محمد حسنی - رئیس عقیدتی سیاسی و نماینده ولی فقیه در ارتش جمهوری اسلامی
- حجت الاسلام و المسلمین محمد فاکر میدی — رئیس مدرسه عالی قرآن و علوم مجتمع عالی قرآن و حدیث
- حجت الاسلام و المسلمین محمد حسن زمانی - معاون اجتماعی حوزه‌های علمیه
- حجت الاسلام و المسلمین نجف لک زایی
- حجت الاسلام و المسلمین ابوالقاسم مقیمی
- حجت الاسلام و المسلمین سعید ارجمندفر - رئیس دانشگاه مجازی المصطفی

- حجت الاسلام و المسلمین عبدالمجید زهادت - رئیس مجتمع آموزش عالی حکمت و مطالعات ادیان جامعه المصطفی
- حجت الاسلام و المسلمین روح اله شاکری - رئیس نمایندگی المصطفی در کشور هند
- حجت الاسلام و المسلمین امیر رضا طاهایی - رئیس نمایندگی المصطفی در اصفهان
- حجت الاسلام و المسلمین محمد رضا صالح - رئیس نمایندگی المصطفی در مشهد
- حجت الاسلام و المسلمین سید کمال حسینی - رئیس نمایندگی المصطفی در گرگان
- حضرت آیت الله آل هاشم آ امام جمعه محترم تبریز
- حجت الاسلام و المسلمین دکتر خضرلو - رئیس نمایندگی المصطفی در آذربایجان شرقی (تبریز)
- دکتر نصر الله زاده - رئیس دانشگاه تبریز
- حجت الاسلام و المسلمین عبدالرسول هاجری
- حجت الاسلام و المسلمین محسن جلالی - مدیر حوزه های علمیه اصفهان
- حجت الاسلام و المسلمین عابدی نژاد - معاون پژوهش جامعه المصطفی العالمیه
- حجت الاسلام و المسلمین حسن رضایی رئیس پژوهشگاه جامعه المصطفی العالمیه

(د) شورای علمی کنگره

- حجت الاسلام و المسلمین دکتر رضایی اصفهانی ریاست محترم مجتمع عالی قرآن و حدیث
- حجت الاسلام و المسلمین دکتر محمد حسن زمانی معاون اجتماعی حوزه های علمیه
- حجت الاسلام و المسلمین دکتر محمد فاکر میدی ریاست مدرسه عالی قرآن و علوم
- حجت الاسلام و المسلمین دکتر حسین علوی مهر ریاست مدرسه عالی تفسیر و علوم

قرآن

- حجت الاسلام و المسلمین دکتر عابدی نژاد معاون پژوهش جامعه المصطفی العالمیه
- حجت الاسلام و المسلمین دکتر فتح الله نجارزادگان عضو هیئت علمی دانشگاه تهران
پر دیس فارابی
- حجت الاسلام و المسلمین دکتر سید رضا مؤدب عضو هیئت علمی دانشگاه قم
- حجت الاسلام و المسلمین دکتر سید عیسی مسترحمی مدیر گروه قرآن و علوم طبیعی
مجتمع عالی قرآن و حدیث
- جناب مستطاب آقای دکتر مجید معارف عضو هیئت علمی دانشگاه تهران
- جناب مستطاب آقای محمد اسحاقی - معاون مؤسسه نشر انقلاب اسلامی
- حجت الاسلام و المسلمین دکتر ابراهیم کلانتری عضو هیئت علمی دانشگاه معارف
- حجت الاسلام و المسلمین دکتر سید یوسف موسوی معاون پژوهش مجتمع عالی
قرآن و حدیث
- حجت الاسلام و المسلمین دکتر صاعد رازی نماینده انتشارات انقلاب اسلامی و
سایت اینترنتی مقام معظم رهبری
- حجت الاسلام و المسلمین دکتر محمد جواد اسکندرلو مدیر گروه علوم قرآن مجتمع
عالی قرآن
- حجت الاسلام و المسلمین دکتر محمد رضا ستوده نیا عضو هیئت علمی دانشگاه
اصفهان
- حجت الاسلام و المسلمین دکتر محمد یعقوب بشوی از کشور پاکستان
- حجت الاسلام و المسلمین محمد امینی تهرانی عضو هیئت علمی مجتمع عالی قرآن و
حدیث

- حجت الاسلام والمسلمین سیدحیدر طباطبایی حکیم عضو هیئت علمی مجتمع عالی قرآن و حدیث
- حجت الاسلام والمسلمین محمدحسین بهرامی عضو هیئت علمی مجتمع عالی قرآن و حدیث
- حجت الاسلام والمسلمین محمد احسانی عضو هیئت علمی مجتمع عالی قرآن و حدیث
- حجت الاسلام والمسلمین سید جواد حسینی تبار عضو هیئت علمی مجتمع عالی قرآن و حدیث
- حجت الاسلام والمسلمین محمد حسین محمدی عضو هیئت علمی مجتمع عالی قرآن و حدیث
- حجت الاسلام و المسلمین طاهر غرباوی عضو هیئت علمی مجتمع عالی قرآن و حدیث
- جناب مستطاب دکتر توفیق اسداف

هـ) سازمان نمای کنگره

۱. رئیس کنگره: حجت الاسلام و المسلمین دکتر علی عباسی ریاست جامعه المصطفی العالمیه
۲. مدیر علمی: حجت الاسلام والمسلمین دکتر رضایی اصفهانی (ریاست مجتمع عالی قرآن و حدیث)
۳. معاونت علمی حجت الاسلام والمسلمین دکتر سید عیسی مسترحمی
۴. معاونت اجرایی حجت الاسلام والمسلمین سید یوسف موسوی
۵. مسئول دبیرخانه حجت الاسلام والمسلمین عقیل یوسفی

و) کمیته اجرایی کنگره

۱. معاون علمی کنگره حجت الاسلام والمسلمین دکتر سید عیسی مسترحمی
۲. معاون اجرایی کنگره: حجت الاسلام والمسلمین سید یوسف موسوی
۳. معاون پشتیبانی و منابع انسانی حجت الاسلام والمسلمین خلیل راد
۴. معاون ارتباطات و بین الملل جناب آقای الله اکبری
۵. مسئول روابط عمومی و بین المللی جناب آقای حیدری

ز) دبیرخانه کنگره

۱. مسئول دبیرخانه حجت الاسلام والمسلمین عقیل یوسفی
۲. مسئول روابط عمومی حجت الاسلام والمسلمین یوسف یوسف آبادی
۳. مسئول سایت حجت الاسلام والمسلمین سید محمد علوی زاده
۴. مسئول نشست های علمی حجت الاسلام والمسلمین مهدی ندائی

ح) کارگروه های علمی کنگره

۱. کارگروه تفسیر و علوم قرآن

- **مدیر کمیته:** حجت الاسلام و المسلمین دکتر حسین علوی مهر مدیر مدرسه تفسیر مجتمع قرآن و حدیث
- **دبیر کمیته:** حجت الاسلام والمسلمین مهدی جهانی عضو گروه تفسیر و استاد همکار جامعه المصطفی

• **اعضای کمیته:**

- حجت الاسلام و المسلمین دکتر حسینی تبار عضو هیات علمی جامعه المصطفی
- حجت الاسلام و المسلمین دکتر جبرئیلی استاد همکار جامعه المصطفی
- حجت الاسلام و المسلمین دکتر حسن رضا رضایی دبیر پژوهش و استاد همکار

جامعه المصطفی

- حجت الاسلام و المسلمین دکتر علی قراملکی عضو هیات علمی جامعه

المصطفی

- حجت الاسلام و المسلمین عباس الهی عضو هیات علمی جامعه المصطفی
- حجت الاسلام و المسلمین محمد رضا حقیقت عضو گروه تفسیر و استاد همکار

جامعه المصطفی

- حجت الاسلام و المسلمین ملایی عضو گروه علوم قرآن
- حجت الاسلام و المسلمین دکتر سید احسان ابراهیمی استاد همکار جامعه

المصطفی

۲. کارگروه روش شناسی تفسیر و تدبر در قرآن

- **مدیر کمیته:** حجت الاسلام و المسلمین دکتر سید محمد نقیب رئیس دانشگاه علوم و معارف قرآن

- **دبیر کمیته:** دکتر سید محمد اسماعیلی معاون فرهنگی دانشجویی دانشگاه علوم و معارف قرآن

• اعضای کمیته:

- دکتر سید کریم خوش بین خوش نظر معاون پژوهش و فناوری دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم

- دکتر رحمان عشریه رئیس دانشکده علوم قرآنی قم

- دکتر مهدی داوری دولت آبادی معاون آموزش دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم

- دکتر علیرضا کاوند رئیس دانشکده علوم قرآنی تهران

- دکتر هادی نصیری عضو هیئت علمی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم

- دکتر علی اصغر شعاعی مدیر امور قرآنی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم
- دکتر مهدی عبداللهی پور مدیر گروه دانشکده علوم قرآنی قم
- دکتر سکینه آخوند معاون آموزش دانشکده علوم قرآنی قم
- دکتر سید عبدالرسول حسینی زاده دانشیار دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم

۳. کارگروه قرآن و علوم (مرجعیت علمی و مطالعات میان رشته ای)

- **مدیر کمیته:** حجت الاسلام و المسلمین دکتر صاعد رازی مدیر گروه قرآن و علوم انسانی
- **دبیر کمیته:** حجت الاسلام و المسلمین یوسف یوسف آبادی دانشجوی دکتری قرآن و علوم با گرایش نجوم

• **اعضای کمیته:**

- حجت الاسلام دکتر مهدی همتیان دبیر تربیتی گروه قرآن و علوم انسانی
- حجت الاسلام دکتر علی آقا صفری عضو گروه قرآن و مدیریت
- جناب آقای جواد مصلحی دبیر پژوهشی گروه قرآن و علوم طبیعی
- حجت الاسلام مهدی جهانی عضو گروه تفسیر و استاد همکار جامعه المصطفی
- حجت الاسلام محمد علی قاسمی مدیر گرایش قرآن و سیاست
- حجت الاسلام دکتر دادرشت مدیر گرایش قرآن و علوم اجتماعی
- حجت الاسلام اکبر محمودی دبیر پژوهش گروه قرآن و علوم

۴. کارگروه ترجمه، حفظ، انس و فنون قرائات

- **مدیر کمیته:** حجت الاسلام و المسلمین دکتر محمد امینی طهرانی مدیر گروه قرائات و عضو هیات علمی جامعه المصطفی

• **دبیر کمیته:** عباس کریمی دانشجوی دکتری قرآن و مستشرقان

• **اعضای کمیته:**

- دکتر کریم پارچه باف دولتی استادیار قرآن و حدیث
- حجت الاسلام علی عزیزاده استاد همکار جامعه المصطفی
- حجت الاسلام عبد الله جبریلی استاد همکار جامعه المصطفی
- حجت الاسلام محمد بابایی استاد همکار جامعه المصطفی
- حجت الاسلام سید مجتبی اختر رضوی استاد همکار جامعه المصطفی
- خانم دکتر سمیه صیادی ریاست مدرسه عالی علمیه خواهران کوثر تهران

ه. کارگروه قرآن و اهل بیت ع

• **مدیر کمیته:** حجت الاسلام و المسلمین دکتر رستم نژاد معاونت آموزش

حوزه های علمیه

• **دبیر کمیته:** حجت الاسلام و المسلمین دکتر خوشفر استاد جامعه المصطفی

• **اعضای کمیته:**

- حجت الاسلام دکتر روشن ضمیر دانشگاه رضوی مشهد
- حجه الاسلام و المسلمین عبدالهادی مسعودی رئیس دانشگاه قرآن و حدیث و رئیس انجمن حدیث حوزه
- حجه الاسلام و المسلمین سید محمد کاظم طباطبایی رئیس دانشکده علوم و معارف حدیث دانشگاه قرآن و حدیث
- حجه الاسلام و المسلمین دکتر محمد حسین بهرامی رئیس مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی نور
- حجه الاسلام و المسلمین محمد عشایری منفرد هیئت علمی گروه مترجمی جامعه المصطفی ص العالمیه

- حجه الاسلام و المسلمین دکتر فتح الله نجارزادگان استاد تمام دانشگاه تهران
- حجه الاسلام و المسلمین دکتر سید حیدر طباطبایی هیئت علمی گروه علوم حدیث جامعه المصطفی

۶. کارگروه قرآن و مستشرقان و عرصه بین الملل

- **مدیر کمیته:** حجت الاسلام دکتر محمد حسن زمانی عضو هیات علمی جامعه المصطفی
- **دبیر کمیته:** حجت الاسلام دکتر ریاحی مهر (استادیار گروه قرآن و مستشرقان جامعه المصطفی العالمیه)
- **اعضای کمیته:**
 - حجت الاسلام و المسلمین دکتر محمدجواد اسکندرلو (استاد تمام و عضو هیات علمی جامعه المصطفی)
 - حجت السلام و المسلمین دکتر محمد جواد نوروزی (استاد تمام و عضو هیات علمی موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره))
 - حجت الاسلام و المسلمین سعید صلح میرزایی (مسئول دفتر حفظ و نشر آثار مقام معظم رهبری در قم)
 - دکتر حسن رضایی هفتادر (دانشیار و عضو هیات علمی دانشکده پردیس فارابی دانشگاه تهران)

۷. کارگروه زن و خانواده

- **مدیر کمیته:** سرکار خانم دکتر طیبی عضو هیات علمی دانشگاه فرهنگیان
- **دبیر کمیته:** سرکار خانم دکتر سمیه کامرانی استاد حوزه علمیه خواهران قم
- **اعضای کمیته:**

- دکتر لاله افتخاری (عضو هیات علمی دانشگاه شاهد و دبیر کل اتحادیه جهانی زنان مسلمان)
- دکتر صدیقه مهدوی کنی (دانشیار دانشگاه امام صادق علیه السلام و نایب رئیس انجمن فقه و حقوق خانواده ایران)
- دکتر زهره جعفری (مدیر دفتر امور زنان و خانواده استانداری تهران)
- دکتر عصمت سوادی (مدیر کل دفتر امور زنان و خانواده دانشگاه آزاد اسلامی)
- دکتر فرشته روح افزا (عضو هیات علمی و معاون شورای فرهنگی اجتماعی زنان)
- دکتر نحلہ غروی (استاد تمام دانشگاه تربیت مدرس تهران)

۸. کارگروه دولت، نظام و تمدن سازی و گام دوم

- **مدیر کمیته:** حجة الاسلام دکتر محمدجواد دشتی (هیئت علمی گروه تفسیر و علوم قرآن مجتمع قرآن و حدیث)
- **دبیر کمیته:** حجة الاسلام دکتر علی آقا صفری (عضو گروه قرآن و مدیریت مجتمع قرآن و حدیث)
- **اعضای کمیته:**
 - حجة الاسلام دکتر غلامرضا بهروز لک (استاد تمام گروه مطالعات سیاسی دانشگاه باقرالعلوم)
 - دکتر غلامحسین مقیمی (هیئت علمی جامعه المصطفی)
 - دکتر علی شیرخانی (هیئت علمی گروه علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی قم)
 - دکتر سید رضا مهدی نژاد (عضو هیئت علمی جامعه المصطفی، مدیر گروه تاریخ تمدن)
 - دکتر محمد ستوده (استاد علوم سیاسی و روابط بین الملل دانشگاه های مفید و باقرالعلوم (ع) و معاون آموزشی دانشگاه باقرالعلوم (ع) قم)

- دکتر محمد مراد خان بابا (دکترای قرآن و علوم سیاسی)
- دکتر احسان ابراهیمی (عضو گروه تفسیر و علوم قرآن مجتمع قرآن و حدیث)
- سید محمد الغریفی (عراق) رئیس دانشکده علوم انسانی جامعه ال بیت

۹. کارگروه سبک زندگی

- **مدیر کمیته:** حجت الاسلام و المسلمین دکتر رضایی آدریانی مدیر مدرسه عالی علوم انسانی جامعه المصطفی؛ مجتمع آموزش عالی اصفهان
- **دبیر کمیته:** حجت الاسلام محمد زینلی کارشناس پژوهش جامعه المصطفی نمایندگی اصفهان
- **اعضای کمیته:**
 - حمید الهی دوست مدیر گروه قرآن و حدیث جامعه المصطفی؛ مجتمع آموزش عالی اصفهان
 - مرتضی فدایی عضو هیأت علمی جامعه المصطفی؛ مجتمع آموزش عالی اصفهان
 - محمد قربانی مقدم مدیر گروه فقه و اصول جامعه المصطفی؛ مجتمع آموزش عالی اصفهان
 - محسن برقی کار مدیر مدرسه عالی علوم اسلامی جامعه المصطفی؛ مجتمع آموزش عالی اصفهان
 - محمد مهدی احمدی فراز عضو هیات علمی دانشگاه شهید اشرفی اصفهانی
 - محمدرضا ستوده نیا عضو هیات علمی دانشگاه اصفهان
 - محسن جلالی معاون پژوهش مرکز مدیریت حوزه علمیه اصفهان
 - غلامرضا بهرامی مدیر مرکز مدیریت حوزه علمیه خواهران اصفهان
 - زهرا توکلی مدیر مدرسه عالی خواهران جامعه المصطفی؛ مجتمع آموزش عالی اصفهان

۱۰. کارگروه سیره و فعالیت‌های قرآنی امام خامنه ای

- **مدیر کمیته:** حجت الاسلام و المسلمین دکتر محمدحسین رفیعی عضو هیات علمی جامعه المصطفی

- **دبیر کمیته:** جناب آقای علیرضا قربانی؛ از کارشناسان قرآنی المصطفی

• اعضای کمیته:

- دکتر مهدی مصطفوی؛ قائم مقام معاون بین الملل دفتر مقام معظم رهبری؛
- دکتر سخاوتی؛ عضو هیأت علمی و نماینده المصطفی در کشور تایلند؛
- دکتر اکبر محمودی؛ دبیر پژوهش گروه قرآن و علوم انسانی مجتمع عالی قرآن و حدیث؛
- دکتر سید علی سرابی؛ قائم مقام نهادهای قرآنی وابسته به دفتر مقام معظم رهبری؛
- دکتر زرنوشه؛ عضو هیأت علمی دانشگاه امام حسین علیه السلام؛
- جناب آقای حسین اسدی؛ پیشکسوت قرآنی و نماینده المصطفی در کشور سنگال؛
- دکتر فرضی؛ عضو هیأت علمی المصطفی؛
- دکتر سید سعید رحیمی؛ پیشکسوت قرآنی و مأمور اعزامی به کشور ماداگاسکار؛
- دکتر مهدی بذرکار؛ کارشناس قرآنی جامعه المصطفی؛

۱۱. کارگروه قرآن، هنر، رسانه، فرهنگ و تبلیغ

- **مدیر کمیته:** دکتر محسن رفیعی عضو هیات علمی دانشگاه فرهنگیان

- **دبیر کمیته:** دکتر محمدحسن صالحی مدرس دانشگاه فرهنگیان

• اعضای کمیته:

- دکتر مهدی جمشیدی (عضو گروه فرهنگ پژوهی پژوهشکده فرهنگ و مطالعات اجتماعی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی)

- دکتر حسام‌الدین مؤمنی شهرکی (محقق و پژوهشگر پژوهشگاه فرهنگ و معارف اسلامی)
- دکتر عباس یوسفی تازه‌کندی (رئیس دانشکده علوم قرآنی مراغه)
- دکتر معصومه شریفی عضو هیات علمی دانشگاه فرهنگیان
- دکتر محمدحسن صالحی هفشجانی (مدرس دانشگاه فرهنگیان)

۱۲. کارگروه مبانی قرآنی شعارهای انقلابی، استکبارستیزی و مقاومت امام

خامنه‌ای

- **مدیر کمیته:** حجت‌السلام والمسلمین صلح میرزایی مسئول دفتر حفظ و نشر آثار مقام معظم رهبری در قم
- **دبیر کمیته:** حجت‌الاسلام مهدی شهروزخواه (استاد سطح عالی حوزه و پژوهشگر فقه سیاست)
- **اعضای کمیته:**
 - حجت‌الاسلام دکتر مهدی گرامی پور (استاد سطح عالی حوزه و استاد دانشگاه)
 - حجت‌الاسلام عنایت‌الله رمضانپور (استاد سطح عالی حوزه و پژوهشگر فقه سیاست)
 - حجت‌الاسلام سید محمد علی مسعودی (استاد سطح عالی حوزه و پژوهشگر علوم و قرآن و حدیث)

۱۳. کارگروه بین‌الملل

- **مدیر کمیته:** حجت‌الاسلام والمسلمین محمد یعقوب بشوی استاد یار جامعه المصطفی از پاکستان

- **معاون علمی کمیته:** حجت الاسلام و المسلمین دکتر محمد عسکری ممتاز
- **دبیر کمیته:** خادم حسین دانشجوی دکتری تفسیر تربیتی از پاکستان
- **اعضای کمیته:**
 - سید باقر ایلیا رضوی سطح چهار علوم و فنون قرائات از هندوستان
 - تهران خلیل اویچ عضو هیات موسسان مرکز علوم دینی قم در بلغراد صربستان
 - سید عبدالله طلایی دانشجوی دکتری مدرسه امام خمینی از ترکیه
 - محمد لطیف مطهری دانشجوی دکتری فقه تربیت از کشور ترکیه
 - عبدالقادر محمدمبلو دانشجوی دکتری قرآن و مستشرقان و پژوهشگر همکار پژوهشگاه بین المللی جامعه المصطفی از نیجریه
 - رحمان دهلان دانشجوی دکتری تفسیر تطبیقی از اندونزی
 - استفان فدریش شفر دانشجوی دکتری قرآن و نجوم از آلمان
 - محمد عسکری ممتاز دانشجوی دکتری قرآن و مستشرقان از پاکستان
- **۱۴. کارگروه ویژه دانشگاه آزاد**
- **مدیر کمیته:** حجت الاسلام و المسلمین دکتر محمد شریفانی مسئول نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه آزاد اسلامی
- **دبیر کمیته:** حجت الاسلام و المسلمین دکتر محمد معرفت مدیر کل تبلیغ و امور دینی نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه آزاد اسلامی
- **اعضای کمیته:**
 - حجت الاسلام و المسلمین دکتر عبدالوحید وفاپی مدیر کل امور اساتید معارف و تامین محتوای نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه آزاد اسلامی
 - حجت الاسلام و المسلمین دکتر عباسعلی رستمی ثانی مسئول پژوهشکده قرآن و عترت نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه آزاد اسلامی

- دکتر سید مهدی رضوی مدیر گروه علوم قرآن و حدیث واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی
- خانم فاطمه قاسمی کارشناس مسئول روابط عمومی نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه آزاد اسلامی

۱۵. کارگروه ویژه اساتید معارف

- **مدیر کارگروه:** حجت الاسلام دکتر روح الله شاکری دانشیار دانشگاه تهران و رئیس دانشگاه معارف اسلامی
- **دبیر کارگروه:** دکتر علیرضا کمالی استادیار و مدیر گروه پژوهشی معارف قرآن و حدیث دانشگاه معارف اسلامی

• اعضای کمیته:

- حجت الاسلام دکتر حسن پناهی آزاد استادیار و معاون پژوهش دانشگاه معارف اسلامی
- حجت الاسلام دکتر محمد هادی منصور استادیار و مدیر گروه معارف قرآن و حدیث دانشگاه معارف اسلامی
- حجت الاسلام دکتر محمد امرالهی مدیر امور گروه‌های معارف اسلامی معاونت آموزشی نهاد
- حجت الاسلام دکتر سید حسن قاضوی استادیار و رئیس دانشکده معارف و اندیشه اسلامی دانشگاه تهران
- حجت الاسلام دکتر علی نصیری استاد گروه معارف دانشگاه علم و صنعت ایران
- دکتر محمد صدقی آلائق استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه شهید بهشتی
- دکتر رحیم دهقان استادیار و مدیر گروه معارف دانشگاه شهید بهشتی

۱۶. کارگروه ویژه فقه القرآن

- **مدیر کمیته:** آیت الله علی رحمانی فرد سبزواری
- **دبیر کمیته:** حجت الاسلام و المسلمین محمود رفیعی
- **اعضای کمیته:**
 - حجت الاسلام و المسلمین سید علیرضا موسوی جوردی
 - حجت الاسلام و المسلمین سید محمد مجیدی
 - حجت الاسلام و المسلمین علی کرم زاده
 - حجت الاسلام و المسلمین رضا لک علی آبادی
 - حجت الاسلام و المسلمین سید محمد مهدی هاشمی
 - حجت الاسلام و المسلمین محسن سیاسی آشتیانی
 - حجت الاسلام و المسلمین سید علیرضا دلخوش
 - حجت الاسلام و المسلمین محمد جواد اکبری
 - حجت الاسلام و المسلمین رضا سهراب پور
 - حجت الاسلام و المسلمین مهدی ندایی
 - حجت الاسلام و المسلمین مصیب عاشوری
 - حجت الاسلام و المسلمین محمد شہسواری
 - حجت الاسلام و المسلمین ابراہیم علیزادہ
 - حجت الاسلام و المسلمین مجتبی ثانی
 - حجت الاسلام و المسلمین محمدرضا محمدی
 - حجت الاسلام و المسلمین سعید احمدی
 - حجت الاسلام و المسلمین محمد رضا بابالی
 - حجت الاسلام و المسلمین محمد امین تولی
 - حجت الاسلام و المسلمین محمد گلزار
 - حجت الاسلام و المسلمین سهراب مقدمی شہیدانی

ط) آثار کنگره

* آثار کلی کنگره:

- ۱) شخصیت، سیره و فعالیت قرآنی امام خامنه‌ای
- ۲) علوم قرآنی در اندیشه امام خامنه‌ای
- ۳) علوم قرآنی در اندیشه امام خامنه‌ای
- ۴) تفسیر و معارف قرآن در اندیشه امام خامنه‌ای
- ۵) مرجعیت قرآن در اندیشه امام خامنه‌ای
- ۶) ترجمه، تدبر و انس با قرآن در اندیشه امام خامنه‌ای
- ۷) قرائت و حفظ قرآن در اندیشه امام خامنه‌ای
- ۸) سبک زندگی قرآنی در اندیشه قرآنی امام خامنه‌ای
- ۹) نظام‌سازی در اندیشه قرآنی امام خامنه‌ای
- ۱۰) تمدن‌آفرینی در اندیشه قرآنی امام خامنه‌ای
- ۱۱) روش‌شناسی تفسیری امام خامنه‌ای
- ۱۲) دولت در اندیشه قرآنی امام خامنه‌ای
- ۱۳) جامعه‌سازی در اندیشه قرآنی امام خامنه‌ای
- ۱۴) مبانی حکومت‌داری و رهبری در اندیشه قرآنی امام خامنه‌ای
- ۱۵) هنر در اندیشه قرآنی امام خامنه‌ای
- ۱۶) رسانه در اندیشه قرآنی امام خامنه‌ای
- ۱۷) فرهنگ در اندیشه قرآنی امام خامنه‌ای
- ۱۸) علوم طبیعی در اندیشه قرآنی امام خامنه‌ای
- ۱۹) مدیریت در اندیشه قرآنی امام خامنه‌ای

- ۲۰) سیاست در اندیشه قرآنی امام خامنه ای
- ۲۱) تربیت در اندیشه قرآنی امام خامنه ای
- ۲۲) روان شناسی در اندیشه قرآنی امام خامنه ای
- ۲۳) اقتصاد در اندیشه قرآنی امام خامنه ای
- ۲۴) علوم اجتماعی در اندیشه قرآنی امام خامنه ای
- ۲۵) فقه در اندیشه قرآنی امام خامنه ای
- ۲۶) مستشرقان و غرب در اندیشه امام خامنه ای
- ۲۷) قرآن و اهل بیت (ع) در اندیشه امام خامنه ای
- ۲۸) زن و خانواده در اندیشه قرآنی امام خامنه ای
- ۲۹) مبانی انقلاب در اندیشه قرآنی امام خامنه ای
- ۳۰) استکبارستیزی در اندیشه قرآنی امام خامنه ای
- ۳۱) مقاومت در اندیشه قرآنی امام خامنه ای
- ۳۲) یک جلد مقالات غیر فارسی (اندیشه‌های قرآنی امام خامنه‌ای در نگاه پژوهشگران بین الملل)
- ۳۳) کتب محافل علمی
- ۳۴) کتاب مصاحبه‌های با شخصیت‌ها
- ۳۵) کتاب منبع شناخت آثار مرتبط
- ۳۶) کتاب چکیده‌ها
- ۳۷) کتاب درسنامه

آثار خاص:

اول: دانشگاه آزاد اسلامی

۱- چکیده مقالات (اساتید و دانشجویان)

۲- مجموعه مقالات (علمی)

۲- مجموعه مقالات (ترویجی)

دوم: سازمان عقیدتی سیاسی ارتش

۱- چکیده مقالات (روحانیون و کادر)

۲- مجموعه مقالات (علمی)

۳- مجموعه مقالات (ترویجی)

سوم: مشهد

۱- چکیده مقالات

۲- مجموعه مقالات (علمی)

۳- مجموعه مقالات (ترویجی)

چهارم اصفهان:

۱- مجموعه مقالات ترویجی سبک زندگی (۱)

۲- مجموعه مقالات ترویجی سبک زندگی (۲)

۳- مجموعه مقالات علمی سبک زندگی (۳)

۴- مجموعه مقالات ترویجی قرآنی (۴)

پنجم: دانشگاه معارف اسلامی:

۱- مجموعه مقالات قرآن و حدیث

۲- مجموعه مقالات فرهنگ و تمدن اسلامی

۳- مجموعه مقالات مبانی نظری اسلام

۴- مجموعه مقالات انقلاب و نظام اسلامی

۵- مجموعه مقالات اخلاق اسلامی

۶- مجموعه چکیده مقالات اساتید دانشگاه معارف اسلامی.

ششم: تبیین

۱- چکیده مقالات

۲- مجموعه مقالات آثار و ساحت های جهاد تبیین

۳- مجموعه مقالات بایسته های جهاد تبیین

۴- مجموعه مقالات روش ها و ابزارهای جهاد تبیین

هفتم: شیراز

۱- مجموعه مقالات ترویجی هنر - اخلاق

۲- مجموعه مقالات ترویجی فرهنگ

۳- مجموعه مقالات ترویجی به زبان اردو (بین الملل)

۴- مجموعه مقالات ترویجی به ۸ زبان (بین الملل)

ی) مجلات منتشر کننده مقالات کنگره

۱. مجله علمی قرآن و علم شماره ۳۲، پاییز و زمستان ۱۴۰۲ش

۲. مجله علمی مطالعات قرائت قرآن، شماره ۲۱، پاییز و زمستان ۱۴۰۲ش

۳- مجله علمی قرآن پژوهی خاورشناسان، شماره ۳۵، پاییز و زمستان ۱۴۰۲ش

۴. مجله علمی علوم حدیث تطبیقی، شماره ۱۹، پاییز و زمستان ۱۴۰۲ش

۵. مجله الدراسات القرآنیة المعاصره، شماره ۵، پاییز و زمستان ۱۴۰۲ش

۶- مجله quranic، شماره ۵، پاییز و زمستان ۱۴۰۲ش

۷- مجله مطالعات قرآن و علوم، شماره ۱۴، پاییز و زمستان ۱۴۰۲ش

۸- مجله مطالعات علوم حدیث، شماره ۱۶، پاییز و زمستان ۱۴۰۲ش

- ۹- مجله مطالعات قرآن پژوهی نور وحی، شماره ۱۶، پاییز و زمستان ۱۴۰۲ش
- ۱۰- مجله مطالعات خاورشناسان، شماره ، پاییز و زمستان ۱۴۰۲ش
- ۱۱- پژوهش‌های میان رشته‌ای قرآن کریم - جهاد دانشگاهی
- ۱۱- نشریه علمی اندیشه نوین دینی - علمی پژوهشی ، دانشگاه معارف اسلامی
- ۱۲- نشریه علمی پژوهش نامه اخلاق - علمی پژوهشی، دانشگاه معارف اسلامی
- ۱۳- مطالعات انقلاب اسلامی، دانشگاه معارف اسلامی
- ۱۴- مطالعات تفسیری، دانشگاه معارف اسلامی
- ۱۵- تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، دانشگاه معارف اسلامی
- ۱۶- مطالعات معارف حدیثی، دانشگاه معارف اسلامی
- ۱۷- مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی - (ب) ، دانشگاه شاهد
- ۱۸- مطالعات شبهه پژوهی ، دانشگاه علوم و معارف قرآن
- ۱۹- پژوهش نامه نقد آرای تفسیری، دانشگاه علوم و معارف قرآن
- ۲۰- پژوهش نامه تاویلات قرآنی، دانشگاه علوم و معارف قرآن
- ۲۱- پژوهشنامه علوم و معارف قرآن کریم، دانشگاه علوم و معارف قرآن
- ۲۲- احسن الحدیث، دانشگاه علوم و معارف قرآن
- ۲۳- پژوهش نامه نوین در آموزه‌های قرآن و سنت، دانشگاه علوم و معارف قرآن
- ۲۴- دوفصلنامه مطالعات تطبیقی قرآن پژوهی، دانشگاه علوم و معارف قرآن
- ۲۵- مدیریت سرمایه‌های انسانی دفاعی، ارتش
- ۲۶- فصلنامه مدیریت نظامی، ارتش
- ۲۷- قرآن شناخت - علمی پژوهشی، موسسه پژوهشی امام خمینی (ره)
- ۲۸- معرفت - علمی ترویجی، موسسه پژوهشی امام خمینی ره

- ۲۹- قسبات (فلسفه دین و کلام) - علمی پژوهشی، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه
- ۳۰- ذهن - علمی پژوهشی، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی
- ۳۱- اقتصاد اسلامی - علمی پژوهشی، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی
- ۳۲- قرآن پژوهی - تخصصی، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی
- ۳۳- جامعه پژوهی - علمی، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی
- ۳۴- حقوق اسلامی - علمی پژوهشی، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی
- ۳۵- آیین حکمرانی - تخصصی، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی
- ۳۶- انتظار موعود - علمی پژوهشی، مرکز تخصصی مهدویت
- ۳۷- فقه تربیتی، مجتمع معارف فقه (حجتیه)
- ۳۸- مطالعات اسلامی زنان و خانواده - پژوهشی، جامعه الزهرا (س)
- ۳۹- مطالعات قرآنی نامه جامعه - تخصصی، جامعه الزهرا (س)
- ۴۰- مطالعات تربیتی و روانشناختی خانواده - تخصصی، جامعه الزهرا (س)
- ۴۱- جستارهای تاریخ اسلام (گذرگاه) - تخصصی، جامعه الزهرا (س)
- ۴۲- معارف حکمی - تخصصی، جامعه الزهرا (س)
- ۴۳- مطالعات تطبیقی فقهی زن و خانواده - تخصصی، جامعه الزهرا (س)
- ۴۴- مطالعات تفسیری آلاء الرحمن - تخصصی، جامعه الزهرا (س)
- ۴۵- فصلنامه قرآنی کوثر - علمی تخصصی، پژوهشگاه قرآن پژوهان - موسسه
فصلنامه کوثر اصفهان
- ۴۶- دین و تعالی تربیتی با رویکرد خانواده، مدرسه علمیه حضرت آمنه (س)
- ۴۷- آموزه های قرآنی - علمی پژوهشی، دانشگاه علوم اسلامی رضوی
- ۴۸- آموزه های حدیثی - علمی ترویجی، دانشگاه علوم اسلامی رضوی

ک) کنگره در آینه آمار

- تعداد کل چکیده ها: ۲۹۶۱ مورد
- مجموع مقالات رسیده به کنگره: ۲۱۲۷ مقاله
- مقالات پذیرفته شده: ۵۳۰ مقاله
- مقالات چاپ شده در مجلات: ۹۵ مقاله
- مقالات چاپ شده در سلسله منشورات کنگره: حدود ۳۰۰ مقاله
- مجلدات منتشر شده: حدود ۳۷
- تعداد ارزیابان: ۱۸۹ نفر
- تعداد کرسی های علمی و ترویجی ۱۲ مورد
- تعداد نشست ها: ۱۳۰ نشست
- تعداد کارگاه ها: ۶۵ کارگاه

ل) نرم افزارهای کنگره:

- ۱- مجموعه آثار کنگره بین المللی اندیشه های قرآنی امام خامنه ای مدظله العالی
- ۲- نرم افزار ویژه دانشگاه آزاد اسلامی
- ۳- نرم افزار ویژه سازمان عقیدتی سیاسی ارتش جمهوری اسلامی
- ۴- نرم افزار ویژه اجلاسیه اصفهان
- ۵- نرم افزار ویژه اجلاسیه مشهد
- ۶- نرم افزار ویژه اجلاسیه دانشگاه معارف اسلامی
- ۷- نرم افزار ویژه اجلاسیه تبریز
- ۸- نرم افزار ویژه اجلاسیه شیراز

م) ارزیابان مقالات

سید مجتبی رحمانی، سید محمد حیدر نقوی، محمد فاکرمبیدی، آسیه آخوند قرقی، حسین رفتاری، محسن رفیعی، حسن مهدی فر، عباس کریمی، محمد مهدی بهجت، مجتبی محسنی، معصومه حافظی، طاهره محسنی، مریم السادات محقق داماد، محمد حسین حسینی، فاطمه کوهساری، سلیمانی دره باغی، سمیه پاپی، عبدالحسین شورچه، محمد علی احمدی، حسین شم آبادی، محمد جواد دشتی، طاهر غرباوی، حسن رضا رضایی، محمدرضا امین، یوسف یوسف آبادی، جواد مصلحی، علیرضا شاهین، اشرف حسین، محمدعسکری مقدس عبدالقادر، محمدبلو، زینب کبیری، فاضل علی فاضلی، عبدالله غلامی، حسین خادم، سید محمد میرهاشمی، سید محمد علوی زاده، روح الله سالاریان، محمد نبی زاده، حدیث باقری نیا، سیدمعصوم حسینی، محمدباقر مکرمی پور، سیدمجتبی اختر رضوی، سید عبدالرسول حسینی زاده، علی فرهنگدیان، سید محمد اسماعیلی، علی غضنفری، الهه شاه پسند، علی عزیززاده، عبدالله جبرئیلی، حمید حمیدیان، مریم سادات باقری موسوی، علی اصغر سام دلیری، محمد امینی، قنبر علی صمدی، فاطمه السادات هاشمیان، مریم نساج، مصیب عاشوری، صدیقه شاکری حسین آباد، علی نبی الهی، علی آقا صفری، علی اصغر اخوان، سعید موحدی سیرت، علی حاتمی، رنیاب علی اکبر، خدامیان آرنی، محمد حسین صاعد رازی، زهرا توکلی، مهدی محمودی، علیرضا اسدی، امیر بنی عصار، محمدباقر ریاحی مهر، عباس یوسفی تازه کنده، سید ابراهیم مرتضوی، سید مهدی سلطانی رنانی، محسن برقی کار، مریم افشارویگنی، حمید الهی دوست، مهدی سازندگی مرتضی فدایی اصفهانی، محمدحسن صالحی هفشجانی، ابراهیم رضایی آدریانی، حسین عامریان، منا فریدی خورشیدی، اصغرهاذوی، حسام الدین مومنی، عامل حسن مظاہری، سلمانعلی برهانی، سیدمحمدحسین وحیدی، عصمت سوادی، سعید رحیمی، لاله افتخاری، فاطمه علی پور، محمد نظیر عرفانی، مهدی جهانی، اعظم محمودی، محمد مهدی اسلامیان، اعظم غیاثی ثانی، محمد امینی طهرانی، سامان ستوده نیا، نیکو دیالمه، زینب طیبی، سید مرتضی موسوی تبار، محمد داد سرشت، سید سجاد محتشم، محمدرضا

حقیقت سمنانی، حمیدرضا طوسی، سید صدرالدین محمودی، محمد تقی احمدی پرتو، حسین مرکزی مقدم، هاجر شعبانی موسی کلایه، مهدی ندائی، عباس الهی، مواهب الخطیب، داود صائمی، رضا لک زایی، خدیجه حسین زاده باردئی، سید احمد موسوی باردئی، سمیه صیادی، مهدی حبیب الهی، سیده فائزه صفدرزاده، محمود اصفهانیان، محمد عسکری ممتاز، سید عیسی مسترحمی، مسعود داودی پور، سمیه عزیزی، سعید هداوند، عقیل یوسفی زارمی، روح اله پورعابدین، امانی امانی، آزاده ابراهیمی فخاری، احمدرضا تحیری، مصطفی احمدی فر، محمد قادری، علی اصغر ناصحیان، محمد غفوری نژاد، سید مهدی معلمی.

ن) مراکز علمی همکار کنگره

۱. اتحادیه جهانی زنان مسلمان
۲. اتحادیه موسسات وتشکل های قرآن و عترت کشور
۳. اداره قرآن و نماز و عترت ارتش
۴. استانداری تهران
۵. انجمن حدیث پژوهی حوزه
۶. انجمن علمی دانش پژوهان قرآن و علوم
۷. انجمن فقه و حقوق خانواده ایران
۸. انجمن قرآن پژوهی حوزه
۹. انجمن قرآن و حدیث و گروه قرآن و حدیث استان گلستان
۱۰. انجمن کلام اسلامی حوزه
۱۱. انجمن مطالعات اجتماعی حوزه
۱۲. انجمن ها و قطب های علمی حوزه علمیه قم
۱۳. بسیج اساتید خواهران دانشگاه فرهنگیان
۱۴. بسیج اساتید دانشگاه های کشور
۱۵. بسیج اساتید و نخبگان حوزه علمیه
۱۶. بسیج جامعه زنان کشور
۱۷. بنیاد شهید انقلاب اسلامی
۱۸. پردیس خواهران دانشگاه امام صادق تهران
۱۹. پژوهشکده اعجاز قرآن دانشگاه شهید بهشتی
۲۰. پژوهشکده حج و زیارت
۲۱. پژوهشکده زن و خانواده
۲۲. پژوهشکده علم و دین پژوهشگاه فرهنگ و معارف اسلامی
۲۳. پژوهشکده مطالعات معنوی قم
۲۴. پژوهشگاه امام صادق(ع)
۲۵. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
۲۶. پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی
۲۷. پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی
۲۸. تالار پژوهشی خوزستان - شوشتر
۲۹. جامعه الزهرا (س)
۳۰. جهاد دانشگاهی واحد الزهرا
۳۱. حوزه علمیه امام خمینی (ره) قم
۳۲. حوزه علمیه خواهران الزهرا(سلام الله علیها) شهر ری
۳۳. حوزه علمیه خواهران نرجس خاتون شاهین شهر
۳۴. حوزه علمیه فاطمه الزهرا (سلام الله علیها) اراک
۳۵. دانشکده الهیات دانشگاه شهید بهشتی تهران
۳۶. دانشگاه امام صادق(ع)

۳۷. دانشگاه آزاد اسلامی
۳۸. دانشگاه آزاد اسلامی نجف آباد
۳۹. دانشگاه آزاد اسلامی استان اصفهان نهاد
۴۰. دانشگاه آزاد اسلامی استان البرز- کرج
- نماینده مقام معظم رهبری
۴۱. دانشگاه آزاد اسلامی استان آذربایجان غربی- ارومیه
۴۲. دانشگاه آزاد اسلامی استان خراسان جنوبی
۴۳. دانشگاه آزاد اسلامی استان خراسان رضوی
۴۴. دانشگاه آزاد اسلامی استان خراسان شمالی- بجنورد
۴۵. دانشگاه آزاد اسلامی استان خوزستان نهاد
۴۶. دانشگاه آزاد اسلامی استان زنجان
- نماینده مقام معظم رهبری
۴۷. دانشگاه آزاد اسلامی استان سمنان
۴۸. دانشگاه آزاد اسلامی استان کردستان
۴۹. دانشگاه آزاد اسلامی استان کهگیلویه و بویر احمد
۵۰. دانشگاه آزاد اسلامی استان گلستان
۵۱. دانشگاه آزاد اسلامی استان لرستان
۵۲. دانشگاه آزاد اسلامی استان مازندران- ساری
۵۳. دانشگاه بین المللی امام خمینی قزوین
۵۴. دانشگاه بین المللی امام رضا
۵۵. دانشگاه پیام نور
۵۶. دانشگاه رضوی مشهد
۵۷. دانشگاه شاهد
۵۸. دانشگاه شهید اشرفی اصفهان
۵۹. دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم اصفهان
۶۰. دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم قم
۶۱. دانشگاه فردوسی مشهد
۶۲. دانشگاه فرهنگیان
۶۳. دانشگاه فرهنگیان پردیس حضرت معصومه علیها السلام قم
۶۴. دانشگاه معارف اسلامی قم
۶۵. دانشگاه ملایر
۶۶. دانشگاه میبد
۶۷. دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم نمایندگی خوزستان
۶۸. دفتر تبلیغات اسلامی- مرکز فرهنگ و معارف قرآن خوزستان
۶۹. دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم نمایندگی خوزستان
۷۰. دفتر نشر آثار مقام معظم رهبری دامت برکاته
۷۱. دفتر هم اندیشی استادان و نخبگان دانشگاهی
۷۲. ستاد فرهنگی دهه فجر
- دانشگاه اصفهان
۷۳. ستاد فرهنگی فجر انقلاب اسلامی
۷۴. شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده
۷۵. کانون خادمایان رضوی استان قم
۷۶. کانون همبستگی فرزندان شاهد
۷۷. کمیته امداد امام خمینی
۷۸. مجتمع آموزش عالی اصفهان
۷۹. مجمع بین الملل اساتید مسلمان دانشگاه ها
۸۰. مجمع جهانی تقریب مذاهب
۸۱. مدرسه عالی علوم قرآن
۸۲. مدرسه عالی فقه و اصول امام حسین خواهران یزد

۸۳. مدرسه عالی فقه و قرآن خواهران
جامعه المصطفی نمایندگی خراسان
۸۴. مدرسه علمیه الزهرا سلام الله علیها بندر عباس
۸۵. مدرسه علمیه امام هادی شوشتر خوزستان
۸۶. مدرسه علمیه خواهران حضرت رقیه (علیها السلام)
قم
۸۷. مدرسه علمیه شهید حسن حاج غفاری قم
۸۸. مدرسه علمیه عالی تخصصی ریحانه النبی سلام الله
علیها اراک
۸۹. مدرسه علمیه عصمتیه سمنان
۹۰. مدرسه علمیه فاطمه الزهرا بم
۹۱. مدرسه علمیه فاطمیه کهنوج (استان کرمان)
۹۲. مدرسه فقهی امام علی بن موسی الرضا علیه السلام
۹۳. مدیریت حوزه علمیه استان خوزستان
۹۴. مدیریت حوزه علمیه خواهران استان خوزستان
۹۵. مرکز ارتباطات و بین الملل حوزه های علمیه
۹۶. مرکز آموزش تخصصی تفسیر و علوم قرآن
۹۷. مرکز آموزش عالی حوزوی فاطمه الزهرا سلام
الله علیها خمینی شهر
۹۸. مرکز پژوهشی قرآن المهدی عج
۹۹. مرکز تخصصی امام خمینی (ره)
۱۰۰. مرکز تخصصی تفسیر ائمه اطهار (ع)
۱۰۱. مرکز تخصصی تفسیر حوزه علمیه اهواز
۱۰۲. مرکز تخصصی قرآن امام علی (ع)
۱۰۳. مرکز تخصصی مشاوره اسلامی امام خمینی (ره)
۱۰۴. مرکز طبع و نشر قرآن
۱۰۵. مرکز کامپیوتری نور
۱۰۶. مرکز مدیریت حوزه علمیه برادران
۱۰۷. مرکز مدیریت حوزه علمیه خراسان
۱۰۸. مرکز مدیریت حوزه علمیه خواهران
۱۰۹. معاونت پژوهش حوزه علمیه استان خوزستان
۱۱۰. معاونت پژوهش حوزه علمیه حضرت ولیعصر
(عجل الله تعالی فرجه الشریف)
۱۱۱. معاونت پژوهش حوزه های علمیه
۱۱۲. معاونت پژوهش مدیریت حوزه علمیه استان
خوزستان
۱۱۳. معاونت پژوهش مدیریت حوزه های علمیه
اصفهان
۱۱۴. معاونت پژوهشی مؤسسه آموزش عالی حوزوی
ریحانه النبی سلام الله علیها اراک
۱۱۵. معاونت پژوهشی مؤسسه آموزش عالی النقیسه
اصفهان
۱۱۶. معاونت رییس جمهور در امور زنان و خانواده
۱۱۷. مؤسسه آموزش عالی ائمه اطهار
۱۱۸. مؤسسه آموزش عالی حوزوی امام خمینی ره شهر
بندر امام
۱۱۹. مؤسسه آموزش عالی حوزوی حضرت آمنه
علیها سلام
۱۲۰. مؤسسه آموزش عالی فاطمه الزهرا اصفهان
۱۲۱. مؤسسه تخصص حفظ قرآن کریم جهرم
۱۲۲. مؤسسه تدبر در کلام وحی
۱۲۳. مؤسسه کوثر قلعه گنج
۱۲۴. مؤسسه آموزش عالی حوزوی الزهرا سلام الله علیها

تبریز

۱۲۵. مؤسسه آموزش عالی حوزوی امام هادی علیه السلام شوشتر
۱۲۶. مؤسسه آموزش عالی حوزوی معصومیه (خواهران)
۱۲۷. مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره)
۱۲۸. مؤسسه تخصصی امام سجاد (علیه السلام) مشهد
۱۲۹. نمایندگی المصطفی اصفهان
۱۳۰. نمایندگی المصطفی افغانستان
۱۳۱. نمایندگی المصطفی تهران
۱۳۲. نمایندگی المصطفی دانشگاه مجازی
۱۳۳. نمایندگی المصطفی علوم انسانی
۱۳۴. نمایندگی المصطفی فقه
۱۳۵. نمایندگی المصطفی گرگان
۱۳۶. نمایندگی المصطفی مجتمع آموزش عالی بنت الهدی
۱۳۷. نمایندگی المصطفی مجتمع تاریخ
۱۳۸. نمایندگی المصطفی مجتمع حکمت
۱۳۹. نمایندگی المصطفی مجتمع زبان و فرهنگ شناسی
۱۴۰. نمایندگی المصطفی مشهد
۱۴۱. نمایندگی المصطفی در سوریه و لبنان
۱۴۲. نمایندگی جامعه المصطفی در پاکستان
۱۴۳. نمایندگی جامعه المصطفی در ترکیه
۱۴۴. نهاد رهبری در دانشگاه فرهنگیان
۱۴۵. نهاد رهبری در دانشگاه‌های خوزستان
۱۴۶. نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه اصفهان
۱۴۷. هیات اندیشه ورز بانوان قرآنی کشور
۱۴۸. وزارت علوم و تحقیقات
۱۴۹. شورای برنامه ریزی مدارس اهل سنت
۱۵۰. آستان قدس رضوی
۱۵۱. بنیاد پژوهش‌های آستان قدس
۱۵۲. دفتر نهاد نماینده ولی فقیه در پاکستان در قم
۱۵۳. مدرسه عالی فقاقت - مشهد
۱۵۴. علامه سید ساجد علی نقوی
۱۵۵. دانشگاه آزاد اسلامی خوراسگان اصفهان
۱۵۶. دفتر تبلیغات اسلامی اصفهان
۱۵۷. دفتر امام جمعه اصفهان
۱۵۸. دانشگاه معارف قرآن و عترت
۱۵۹. مرکز مدیریت حوزه علمیه برادران اصفهان
۱۶۰. مرکز مدیریت حوزه علمیه خواهران اصفهان
۱۶۱. کمیته امداد اصفهان
۱۶۲. دانشگاه اصفهان
۱۶۳. دانشگاه علوم پزشکی اصفهان
۱۶۴. شهرداری اصفهان
۱۶۵. اوقاف اصفهان
۱۶۶. مرکز خدمات حوزه علمیه اصفهان
۱۶۷. صدواسیمای اصفهان
۱۶۸. دفتر امام جمعه نجف آباد
۱۶۹. دفتر امام جمعه گل‌دشت
۱۷۰. سپاه پاسداران اصفهان
۱۷۱. ارتش اصفهان
۱۷۲. شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی اصفهان
۱۷۳. دانشگاه تبریز
۱۷۴. جامعه المصطفی تبریز - آذر بایجان شرقی

۱۷۵. دانشگاه علوم پزشکی و خدمات درمانی تبریز
۱۷۶. دانشگاه صنعتی سهند تبریز
۱۷۷. دانشگاه آیت الله شهید مدنی تبریز
۱۷۸. دانشگاه پیام نور تبریز
۱۷۹. دانشگاه فرهنگیان تبریز
۱۸۰. دانشگاه هنر اسلامی تبریز
۱۸۱. مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه تبریز
۱۸۲. سپاه پاسداران انقلاب اسلامی تبریز
۱۸۳. تولیت آستان امام زاده شاهچراغ شیراز

س) نشانی پایگاه اطلاع رسانی کنگره

<http://hamayesh.miu.ac.ir/hadith/fa>

نشانی کانال کنگره در پیام‌رسان ایتا

<https://eitaa.com/Conferencegam۲>

سخن معاون علمی کنگره

بسم الله الرحمن الرحيم

پژوهشها و تحقیقات قرآنی مقام معظم رهبری (مدظله)، قبل و بعد از انقلاب اسلامی آکنده از نوآوریها و نکات ظریف تفسیری و علوم قرآنی است. کنگره اندیشه‌های قرآنی حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای (مدظله)، بر آن است تا به تبیین دیدگاه‌ها و اندیشه‌های قرآنی ایشان بپردازد و از این مسیر گامی در مسیر فهم بهتر معارف این کتاب زندگی بردارد.

مقام معظم رهبری پس از فراگرفتن مباحث مقدماتی و برخی مباحث تخصصی حوزوی در مشهد، به قم هجرت کردند و از محضر بزرگانی همچون علامه طباطبایی برای مدتی بهره مند شدند ولی به دلیل بیماری پدر و لزوم پرستاری از ایشان به مشهد بازگشتند و در آنجا فعالیتهای علمی را ادامه دادند. دروس تفسیر معظم له در دهه چهل با تفسیر سوره توبه برای طلاب و دانشجویان آغاز و با تبیین مفاهیم سوره‌های حمد، بقره، حشر، ممتحنه، مجادله، تغابن ادامه یافت. روانی، دوری از مباحث تفصیلی و حاشیه‌ای در تفسیر، تلاش در کارآمدسازی تفسیر قرآن از ویژگیهای تفسیری ایشان است. از آن زمان تاکنون هیچ سخنرانی، پیام و مکتوبی را از ایشان نمی‌یابیم مگر اینکه روح معارف قرآن بر آن حاکم بوده و یا به صراحت به ذکر و تبیین آیات قرآنی در آن پرداخته شده است.

مجموعه فعالیتهای علمی کنگره بین‌المللی اندیشه‌های قرآنی امام خامنه‌ای (مدظله) به قرار زیر بوده است.

۱. دعوت از مراکز علمی و دانشگاهی و اعلام همکاری بیش از ۱۵۰ مرکز
۲. تهیه ۲۰ محور اصلی مقالات و بیش از ۷۰۰ ریز موضوع جهت نگارش مقالات
۳. فعال شدن سامانه و کانال کنگره و بارگذاری روزانه اخبار و اطلاعات
۴. تشکیل کارگروه‌های پانزدهگانه و انتصاب مدیران و دبیران و اعضا
۵. آماده سازی شیوه نامه نگارش و ارزیابی مقالات و بارگذاری در سامانه کنگره

۶. برگزاری ۱۴۰ پیش نشست و ۵۰ کارگاه آموزشی و ۱۲ کرسی ترویجی مرتبط با محورهای همایش در شهرهای مشهد، قم، تهران، اصفهان، گرگان، بندرعباس، اهواز، بیرجند و ... و کشورهای هندوستان، عراق، پاکستان، ترکیه، سوریه و چند کشور آفریقایی
۷. تهیه کتاب منبع شناخت در ۸۰۰ صفحه و بارگذاری در سامانه
۸. مصاحبه با بیش از ۴۰ نفر از اساتید حوزه و دانشگاه، بویژه شاگردان معظم له
۹. برگزاری جلسات مشورتی متعدد با دفتر حفظ و نشر آثار امام خامنه‌ای مدظله
۱۰. برگزاری ۴۶ جلسه هفتگی توسط اعضای دبیرخانه کنگره
۱۱. برگزاری ۳ جلسه شورای سیاستگذاری در قم و تهران
۱۲. برگزاری ۴ جلسه شورای مراکز همکار و شورای علمی کنگره
۱۳. رایزنی با موسسه کامپیوتری نور جهت نشر الکترونیکی آثار
۱۴. دریافت بیش از ۲۳۰۰ چکیده و ۱۶۶۰ مقاله کامل در محورهای کنگره به زبانهای فارسی، عربی، انگلیسی، اردو، آلمانی، ترکی، سندی
۱۵. اعلام آمادگی ۲۶ مجله علمی و ۱۵ مجله ترویجی و تخصصی برای انتشار مقالات منتخب
۱۶. ارزیابی مقالات توسط حداقل دو داور و تقسیم آن در پنج سطح: رد، چاپ در حد چکیده، چاپ در مجموعه مقالات، چاپ در مجلات تخصصی یا ترویجی، چاپ در مجلات علمی
۱۷. چاپ مجموعه مقالات کنگره در بیش از ۳۰ جلد
۱۸. بنابه درخواست مراکز همکاران شاء الله این کنگره به ترتیب زمانی در شهرهای تهران، اصفهان، مشهد، قم، دمشق، بیروت، تبریز و شیراز برگزار خواهد شد.

سید عیسی مسترحمی

معاون علمی کنگره اندیشه‌های قرآنی امام خامنه‌ای (مدظله)

تاریخ: ۱۴۰۳/۸/۱۰

مقدمه تولیت آستان مقدس شاهچراغ شیراز و دبیر علمی کمیته اجلاسیه شیراز

باسمه تعالی

«لَوْ أَنْزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَى جَبَلٍ لَرَأَيْتَهُ خَاشِعًا مُتَصَدِّعًا مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ وَتِلْكَ الْأَمْثَالُ لِنَصْرِيبِهَا لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ» (سوره حشر، آیه ۲۱)

تدبر ژرف پیما در آیات وحی

در تاریخ بلندی که بر قرآن کریم گذشته است هزاران کتاب، تفسیر و مقاله پیرامون این کتاب الهی و یا در شرح آیات آن به رشته تحریر در آمده است. آنچه در این میان قابل توجه است نوع نگاه به آیات وحی و سبک و شیوه پرداختن به تبیین آموزه‌های قرآن است. پاره‌ای از نوشته‌ها و تفسیرهای موجود نه فقط دل و جان مؤمن را شیفته و مطیع قرآن نساخته و دردی از دردهای دنیوی و آخروی او را التیام نبخشیده است، بلکه بعضاً حجاب جان و موجب فاصله آدمی از حقیقت وحی و وهن قرآن شده‌اند.

بدون تردید این دردها و تأسفات جانکاه آرامش را یکسره از اندیشمندی که دل در گرو قرآن، به عنوان کامل‌ترین و موثق‌ترین سند اسلام دارد می‌رباید و به تلاشی ستودنی به منظور درانداختن طرحی جدید و سبکی نو در تدبر در آیات حیات‌بخش قرآن وا می‌دارد.

آیت‌الله العظمی سید علی حسینی خامنه‌ای (دامت برکاته) که خود عمری را در آموختن، تدریس و تحقیق و تعمق در آموزه‌های اسلام ناب سپری کرده و با مطالعه هزاران اثر از دانشمندان و نویسندگان ایران و جهان بر دردها و بیماری‌های بغرنج و کشنده فردی و اجتماعی مردمان این عصر، به ویژه مسلمانان و جوامع اسلامی اشراف یافته است، سال‌ها پیش از پیروزی انقلاب اسلامی با صراحت لهجه‌ای مثال‌زدنی و با نشان دادن خلأها و نواقص پژوهش‌های اسلامی پیشین، بر ضرورت بازگشت به قرآن و تدبر مؤمنانه در آیات وحی تأکید و طرح و سبکی نوین را در این عرصه درانداخته است.

تفسیر قرآن تو سط معظم له بر مبنای « سبک تدبر ژرف پیمای در آیات وحی»، به جلسات رسمی تفسیر که از سالیانی قبل در مشهد مقدس آغاز شده بود محدود نشد، بلکه بنیان مرصوصی شد که بر پایه آن صدها اثر ماندگار و اندیشه ناب و هزاران رهنمود در عرصه های فردی و اجتماعی در حوزه هایی چون کلام، فقه، اخلاق، سیاست، اقتصاد، فرهنگ، هنر، رسانه، دشمن شناسی، تمدن اسبابی، وحدت امت اسلامی، و ... پدید آمد.

کنگره بین المللی اندیشه های قرآنی آیت الله العظمی سید علی خامنه ای

اکنون با پدید آمدن و در اختیار بودن گنجینه گرانسنگی از اندیشه های قرآنی آیت الله العظمی سید علی خامنه ای (دامت برکاته)، که بر مبنای سبک تدبر ژرف پیمای در آیات وحی نشو و نما یافته و به سامان رسیده است، رصد، دریافت، تحلیل و بررسی و نقد این اندیشه ها ضرورت و اهمیتی دوچندان یافته و رسالتی را بر دوش اندیشمندان مسلمان به ویژه قرآن پژوهان حوزه و دانشگاه پدید آورده است.

«کنگره بین المللی اندیشه های قرآنی آیت الله العظمی سید علی خامنه ای» که با همت و تلاش مشکور «جامعه المصطفی العالمیه» و همراهی بسیاری از مراکز دینی و علمی و پژوهشی حوزوی و دانشگاهی کشور کار خود را از سال ۱۳۹۹ آغاز کرده، گام های بلندی در مسیر نیل به این هدف بلند برداشته است. این کنگره تا کنون جمع بزرگی از اندیشمندان اسلامی و قرآن پژوهان دردمند را از نقاط مختلف میهن اسلامی و همچنین خارج از مرزهای کشور به تلاش و تحقیق واداشته و از همین رهگذر خدمتی بزرگ و مشکور را به ساحت کتاب کریم الهی و بازخوانی و تبیین و تحلیل اندیشه های قرآنی رهبر فرزانه و حکیم انقلاب اسلامی به انجام رسانده است.

این کنگره تاکنون با حضور جمع های بزرگی از اندیشمندان داخلی و خارجی در قالب ۶ اجلاس بزرگ در مراکز استان ها برگزار شده است و اکنون با لطف و عنایت خداوند کریم به گام هفتم خود رسیده است. شیراز به عنوان «سومین حرم اهل بیت عصمت و طهارت (ع) در ایران اسلامی» و «برترین مظهر ترکیب دین، حماسه و هنر در کشور» میزبان این گام در جوار مرقد ملکوتی امین ولایت حضرت احمد بن موسی الکاظم (ع) شاهچراغ، می باشد. در اجلاس هفتم این

کنگره عظیم در شیراز، مقالات مرتبط با اندیشه‌های قرآنی آیت‌الله العظمی خامنه‌ای در سه محور «فرهنگ»، «هنر» و «رسانه» ارائه و به بحث و بررسی گذاشته می‌شود.

آثار رسیده به دبیرخانه کنگره در سه محور مذکور، اکنون در قالب «مجموعه مقالات» در ۳ جلد تقدیم علاقمندان می‌گردد. توفیق روزافزون همه دست‌اندرکاران، پژوهشگران و علاقمندان به ساحت قرآن کریم را از پیشگاه صاحب اصلی قرآن، خداوند کریم مسألت دارد.

وظیفه خود می‌دانم مراتب سپاس و تقدیر خالصانه خود را به طور خاص از رئیس محترم جامعه‌المصطفی العالمیه حجت‌الاسلام والمسلمین عباسی، دبیر علمی کنگره حجت‌الاسلام و المسلمین دکتر رضایی اصفهانی، مدیران و مسئولان عزیز جامعه‌المصطفی اعلام نمایم. پیشاپیش از همه دست‌اندرکاران برگزاری اجلاس هفتم در شیراز: معاونت علمی، آموزشی و پژوهشی آستان مطهر احمدی و محمدی، نهاد نماینده مقام معظم رهبری در استان فارس، صدا و سیمای مرکز فارس، استانداری فارس، شورای اسلامی شهر و شهرداری شیراز، سازمان تبلیغات اسلامی فارس، دانشگاه شیراز، اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی فارس، مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه برادران و خواهران فارس و خادمان عزیز حرم مطهر حضرت احمدبن موسی (ع)، برادران و خواهران بزرگواری که به هر نحو در برگزاری این اجلاس تلاش می‌کنند، تقدیر و تشکر می‌کنم؛ توفیق همگان را از محضر خداوند بزرگ خواستارم.

ابراهیم کلانتری

استاد دانشگاه تهران و تولیت آستان مطهر احمدی و محمدی (شاهچراغ) شیراز

۱۴۰۳/۲/۱۰ ش

مقدمه نماینده مقام معظم رهبری در استان فارس و امام جمعه شیراز

بسم الله الرحمن الرحيم

خدای را سپاس که دوستان یار شدند و بخت بیدار روی نمود و هفتمین کنگره بین المللی اندیشه های قرآنی حضرت آیت الله العظمی خامنه ای دامت برکاته در حرم سوم اهل بیت علیه السلام در ایران اسلامی تشکیل گردید .

عمق اندیشه های قرآنی مقام معظم رهبری دام ظلّه دیر زمانی است که مورد توجه اندیشمندان دینی و قرآن پژوهان قرار گرفته است ، آنچه شخصیت « آیت الله خامنه ای » را از سایر اندیشمندان قرآنی متمایز می کند حضور ایشان در عرصه ی رهبری امت اسلامی است و کوشش مستمر معظم له برای انطباق همه ی راهبردها با تعالیم قرآن کریم خصوصیتی است که از ایشان یک « رهبر قرآنی برجسته » ساخته است . در این راستا همه ی عرصه های معنوی ، معرفتی ، سیاسی ، اقتصادی ، اجتماعی و فرهنگی با توجه به آموزه های قرآنی هدایت و مدیریت می شود . محور اصلی کنگره در سال ۱۴۰۳ فرهنگ ، هنر و رسانه است ، این موضوع بی تردید با شیراز و فارس تناسب خاص دارد ، اینجانب ضمن تقدیر از همه ی دست اندرکاران و شرکت کنندگان این رویداد ارزشمند چند نکته را به همه عزیزان یادآور می شوم .

۱- مسلماً قرآن کریم داروی شفابخش آلام بشری در تمام زمانها الی یوم القیامه است و نیاز انسان معاصر به این مانده ی آسمانی با تفسیر و تبیین زنده و حیات بخش رهبر انقلاب اسلامی تردید ناپذیر است . تلاش فعالان این کنگره ی بین المللی و همه ی کسانی که می توانند در این زمینه اقدامی مؤثر انجام دهند برای ترویج این اندیشه های ناب از افضل قربات عندالله می باشد امید است در این زمینه توفیقات روزافزون داشته باشید .

۲ - قرآن بر هنر به عنوان تعالی بخش و قداست دهنده تأثیر شگرفی دارد ، همچنین هنرهایی نظیر قرائت ، کتابت ، تذهیب و امثال آن در خدمت قرآن کریم جلوه کرده است . در گام دوم انقلاب اسلامی با الهام از اندیشه های قرآنی آیت الله خامنه ای و استفاده از فناوری های جدید در همه هنرهای هفت گانه می توان تمدن نوین اسلامی را به اوج رساند .
اقدام ارزشمند

دبیرخانه ی کنگره برای راه اندازی جشنواره ی هنری ، فرهنگی و رسانه ای گامی مؤثر برای رشد هنر قرآنی خواهد بود .

۳ - فقه هنر و رسانه مقوله ای منحاز از اندیشه های قرآنی و تفسیری نیست ، زیرا قرآن منبع اصلی فقه به شمار می رود . نظریات فقهی رهبر معظم در عرصه ی فرهنگ هنر و رسانه باید مورد توجه پژوهشگران قرار داشته باشد .

در ختام از خداوند سبحان سلامت و دوام سایه بلند حضرت آیت الله العظمی خامنه ای و توفیق همه ی خدمت گزاران به اسلام و قرآن را مسئلت دارم . والسلام .

لطف اله دژ کام

نماینده مقام معظم رهبری

در استان فارس و امام جمعه شیراز

۱۴۰۳/۷/۱۰ ش

مقدمہ مدیر کمیٹہ بین الملل (بہ زبان اردو)

بسم الله الرحمن الرحيم

حمد ہے اس پروردگار کے لئے جس نے اپنے پاک کلام قرآن مجید سے متمسک ہو کر اس عظیم الہامی کتاب کے پیغامات کو عالمی سطح پر عام کرنے کی توفیق عطا فرمائی اور اس سلسلے میں اتنی کامیابیوں سے نوازا کہ جس کا شکر ادا کرنے سے میری زبان قاصر ہے۔ آج ضرورت اس بات کی ہے کہ جدید دور کے تقاضوں اور حالات کے مطابق قرآن کے حیات بخش پیغامات کو ہمہ گیر بنایا جائے اور یہ ایک ایسا فریضہ ہے جسے ترک نہیں کیا جا سکتا اور تمام مسلمانوں کو چاہیے کہ اس بابرکت الہی فریضے کو انجام دینے میں اپنی اپنی ذمہ داریوں کو پورا کریں۔ خاص طور پر امام زمانہ عجل اللہ تعالیٰ فرجہ الشریف کے سپاہیوں (طلاب علوم دین) کو چاہیے کہ وہ اس راہ میں پیش پیش رہتے ہوئے قرآن کی ہدایت سے دنیا کو روشناس کرائیں اور دنیا کو بدلنے میں اپنا بھرپور کردار ادا کرنے کے ساتھ ساتھ قرآن کی حکمرانی اور قرآنی طرز حیات کو عالم ہستی میں پھیلانے کی کوشش کریں اور اسی طرح دوسری قوموں کو بیدار کرتے ہوئے انسان کو تکامل اور ارتقاء کی راہ پر گامزن کرنے کیلئے انتہک محنت کریں تاکہ ظالم حکمرانوں کے چنگل میں اسیر، باطل نظاموں کے پھندے میں جکڑے اور غلط راستوں پر بھٹکتے لوگوں کی صراط مستقیم کی طرف رہنمائی کی جا سکے: « إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ وَيُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا كَبِيرًا » (اسراء/ ۱۷)۔

باری تعالیٰ کا شکر ہے کہ جس نے قرآن کریم کے بلند و بالا اہداف کو عالمی سطح پر پھیلانے کا جذبہ عطا کیا اور اسی سلسلے کی ایک اہم کڑی جس میں رہبر معظم انقلاب کے قرآنی افکار اور نظریات کو بین الاقوامی کانفرنس کے ذریعے عالمی سطح پر وسعت دینے کی راہ میں تعاون اور ہمکاری کا موقع فراہم ہوا اور اس کٹھن راہ میں بڑی کامیابی حاصل ہوئی۔ آج رہبر معظم انقلاب اسلامی کے قرآنی افکار کو عالمی سطح پر متعارف کرانا ایک ضروری امر ہے کیونکہ یہ عمل اسلام ناب محمدی (صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم) کی پہچان کا سبب ہے جو امریکی اسلام سے الگ تشخص اور معیار پر مشتمل ہے۔ نیز یہ کام آیت اللہ سید علی خامنہ ای (مدظلہ العالی) کی قیادت میں، بلعموم تمام انسانوں اور بالخصوص جوانان کے لیے امام عصر حضرت مہدی (اروحناہ الفدا) کی حمایت اور فکری تربیت کا بہترین نمونہ عمل ہے اور اس ضرورت پر عمل کی طرف ایک محکم قدم ہے اس امر کی اہمیت کا ذکر روایت میں ملتا ہے: « مَنْ تَمَّ عَنْ نُصْرَةِ وَلِيِّهِ اِنْتَبَهَ بِوُطْأَةِ عَدُوِّهِ » جو اپنے ولی اور رہبر کی مدد کے وقت، غفلت میں رہے گا

اور اس کی مدد نہیں کرے گا، تو وہ دشمن کی ٹھوکر سے بیدار ہو گا۔ لہذا اپنے وقت کے امام کی مدد کرنا، ہم میں سے ہر ایک کی شرعی اور اخلاقی ذمہ داری ہے اگر کوئی اس بارے میں غفلت سے کام لے اور بصیرت سے کام نہ لے تو وہ یقیناً استکبار کی عالمی سازشوں کا شکار ہو جائے گا۔ الحمد للہ مذکورہ بین الاقوامی کانفرنس میں شب و روز کی انتھک محنت اور جدوجہد سے دنیا میں بولی جانے والی ۳۶ سے زائد عالمی ملکی اور علاقائی زبانوں کے مضامین حاصل کرتے ہوئے ہم، مختلف زبانوں کی تعداد کے لحاظ سے سب سے بڑی عالمی کانفرنس منعقد کرنے میں کامیاب ہوئے ہیں۔

آخر میں ہم شکر گزار ہیں حجج اسلام جناب ڈاکٹر علی عباسی رئیس جامعہ المصطفیٰ العالمیہ اور جناب ڈاکٹر محمد علی رضائی اصفہانی رئیس مجتمع عالی قرآن و حدیث کا اور اسی طرح بین الاقوامی کمیٹی کے برادران خصوصاً جناب ڈاکٹر محمد عسکری ممتاز (نایب چیئرمین) اور جناب خادم حسین جاوید (سکریٹری بین الاقوامی کمیٹی) اور ایران اور ایران سے باہر تمام ساتھیوں کا بھی مشکور و ممنون ہوں جنہوں نے مختلف حوالوں سے اس عظیم کارنامہ کی انجام دہی میں ہماری مدد کی ان سب کی صحت و سلامتی اور کامیابی کے لئے دعا گو ہوں

محمد یعقوب بشوی

عالمی کانفرنس افکار رہبری کے بین الاقوامی کمیٹی کے چیئرمین

۱۴۰۳/۸/۶

عائلی نظام زندگی میں تعلقات اور باہمی حقوق رہبر معظم انقلاب اسلامی کے ارشادات کی روشنی میں

متاز حسین کھرمنگی^۱

اشاریہ

اسلامی طرز زندگی کا ایک اہم ترین رکن ، عائلی نظام زندگی ہے کہ جس میں خاندان کے افراد اور رشتہ داروں کے باہمی تعلقات اور باہمی حقوق کو مدنظر رکھا جاتا ہے، خاندان ایک عالمگیر سماجی ادارہ ہے جو چھوٹا ہونے کے باوجود حیاتی، نفسیاتی، مذہبی، تعلیمی، آبادیاتی، معاشی، سیاسی اور ثقافتی اثرات کا ایک وسیع مجموعہ رکھتا ہے۔ دوسرے سماجی اداروں پر خاندان کے پوشیدہ اثرات اور باہمی طور پر خاندان پر ان اداروں کے مختلف اثرات نے علوم انسانی (Humanities) کے مختلف شعبوں میں اسکالرز کے ساتھ ساتھ پالیسی سازوں اور سماجی منصوبہ سازوں کی دلچسپی میں اضافہ کیا ہے۔ اسلام نے ایک جامع الہی دین کی حیثیت سے حقیقی انسانی سعادت کی ایک ایسی تعریف فراہم کی ہے جو خاندان سمیت تمام انسانی رشتوں پر حاوی ہے اور انہیں ایک خاص سمت میں رہنمائی کرتی ہے، اسلام کی نظر میں انسان کی خوشی اور سعادت خدا کی بندگی اور اس کی قربت میں ظاہر ہوتی ہے جسے اسلام کے مطلوبہ نظام میں حتمی مقصد سمجھا جاتا ہے۔ اسی مقصد کے حصول کے لئے رہبر معظم انقلاب آیت اللہ العظمی سید علی خامنہ ای (دامت برکاتہ) اسلامی طرز زندگی (سیک زندگی اسلامی) پر بہت زور دیتے ہیں۔ ایک کامیاب اور سعادت مند خاندان و سماج وہی ہے کہ جس میں اسلامی طرز زندگی رائج ہو۔ اسلامی تعلیمات سے یہ سمجھ میں آتا ہے کہ خاندان کے افراد اور رشتہ داروں سے تعلقات کچھ خاص مبنائی پر مبنی ہیں اور خاص فطری اور طبیعی آثار بھی رکھتے ہیں۔ اسلام رشتہ داروں کے روابط پر دو اصول "ایمان اور عدالت" کو مقدم سمجھتا ہے۔ اسلامی منابع میں صلہ رحم کے لئے انفرادی اور اجتماعی اسی طرح دنیاوی و اخروی متعدد آثار بیان کئے گئے ہیں۔ اسلام نے بیوی کو مطلق طور پر اور والدین اور بچوں کو مشروط صورت میں واجب النقصہ افراد میں شامل کیا ہے۔ اسی طرح نان و نفقہ کا حق، وصیت کا حق، کھانا کھانے کا حق، دیہ ادا کرنے کا حق اور میراث وغیرہ کو رشتہ داروں کے مالی حقوق میں شمار کیا ہے اور شادی بیاہ اور حجاب کے احکام کو رشتہ داروں سے مربوط مخصوص اور انمول اصول کے طور پر بیان کیا گیا ، ان تمام حقوق و احکام کا لحاظ رکھنا ، اسلامی طرز زندگی کے بہت ہی اہم اصولوں میں سے ہے۔

^۱ ریسرچ اسکالر، قرآن و علوم گرایش قرآن و حقوق، جامعہ المصطفیٰ العالمیہ، قم،
kharmangimutaz@gmail.com

کلیدی الفاظ: عائلی نظام زندگی، خاندان ، رشته داری، باہمی حقوق، ارشادات
رہبر معظم

مقدمہ

میں اللہ تعالیٰ کا شکر ادا کرتا ہوں کہ اس نے ہمیں اشرف المخلوقات بنا کر انسانوں میں سے فرار دینے کے ساتھ ساتھ، قرآن اور اہل بیت (علیہم السلام) کے پیروکاروں میں سے فرار دیا جن کے بارے میں ہمارے پیارے نبی (صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم) نے فرمایا: "إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ التَّقْلِينَ كِتَابَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَعَتْرَتِي أَهْلَ بَيْتِي آلَا وَهُمَا الْخَلِيفَتَانِ مِنْ بَعْدِي وَ لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْوَحْضَ" (صدوق، محمد بن علی، ترجمہ امالی، ص ۴۱۵ ترجمہ کمرہ ای.)؛ میں تمہارے درمیان دو گرانقدر چیزیں چھوڑے جا رہا ہوں: کتاب خدا (قرآن) اور میری عترت و اہل بیت اور یاد رکھو میرے بعد یہی دونوں میرے جانشین ہوں گے اور یہ ایک دوسرے سے جدا نہیں ہوں گے یہاں تک کہ حوض کوثر پر پہنچ جائیں۔ مزید فرمایا کہ یہ وہ دو نور ہیں جو انسانوں کو اندھیروں سے باہر نکالتے ہیں "يُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ". (بقرہ: ۲۵۷)

اہل بیت (علیہم السلام) کا چھوڑا ہوا علمی ورثہ بھی قرآن مجید کی طرح، علم الہی کا نور ہے کہ جن میں پیغمبر اکرم (صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم) کے فرمان کے مطابق جدائی نہ صرف ناممکن ہے بلکہ محال ہے۔ لہذا اگر کوئی شخص اہل بیت (علیہم السلام) کے علوم سے واقف ہو جائے تو اس عظیم حدیث "فَإِنَّ النَّاسَ لَوُ عَالِمُوا مَحَاسِنَ كَلَامِنَا لَاتَّبَعُونَا" (مجلسی، محمد باقر، مرآة العقول، ج ۱، ص ۱۵۰) کی مثال بن سکتا ہے اور قرآن اور اہل بیت (علیہم السلام) کے لامحدود علمی سمندر سے لوگوں کو سیراب کر سکتا ہے ہم نے بھی اس لامحدود معارف اہل بیت (علیہم السلام) کے سمندر سے ایک قطرے کی مانند یا اس سے بھی کم ہی سہی، معارف کو "ولی امر مسلمین امام خامنہ ای (دامت برکاتہ) کے ارشادات کی روشنی میں" لوگوں تک پہنچانے کی کوشش کی ہے۔

عنوان کی اہمیت

اسلامی طرز زندگی کا ایک مہم ترین رکن، عائلی نظام زندگی ہے کہ جس میں خاندان کے افراد اور رشتہ داروں کے باہمی تعلقات اور باہمی حقوق کو مدنظر رکھا جاتا ہے، خاندان ایک عالمگیر سماجی ادارہ ہے جو چھوٹا ہونے کے باوجود حیاتیاتی، نفسیاتی، مذہبی، تعلیمی، آبادیاتی، معاشی، سیاسی اور ثقافتی

اثرات کی ایک وسیع مجموعہ رکھتا ہے۔ دوسرے سماجی اداروں پر خاندان کے پوشیدہ اثرات اور باہمی طور پر خاندان پر ان اداروں کے مختلف اثرات نے علوم انسانی (Humanities) کے مختلف شعبوں میں اسکالرز کے ساتھ ساتھ پالیسی سازوں اور سماجی منصوبہ سازوں کی دلچسپی میں اضافہ کیا ہے۔

اسلام نے ایک جامع الہی دین کی حیثیت سے حقیقی انسانی سعادت کی ایک ایسی تعریف فراہم کی ہے جو خاندان سمیت تمام انسانی رشتوں پر حاوی ہے اور انہیں ایک خاص سمت میں رہنمائی کرتی ہے۔ اسلام کی نظر میں انسان کی خوشی اور سعادت خدا کی بندگی اور اس کی قربت میں ظاہر ہوتی ہے جسے اسلام کے مطلوبہ نظام میں حتمی مقصد سمجھا جاتا ہے۔

اس طرح خاندان، معاشیات، سیاست وغیرہ کے شعبوں کو اسلام کے مطلوبہ ذیلی نظام کی حیثیت سے اس حتمی مقصد کو حاصل کرنے کے لئے قرار دیا گیا ہے جبکہ ان ذیلی شعبوں میں سے ہر ایک اپنے مخصوص مقاصد کی پیروی بھی کرتا ہے، جو ایک طرف ان نظاموں کی بنیادوں اور مفروضات اور دوسری طرف اہداف کے حصول کے طریقوں میں ظاہر ہوسکتا ہے۔ اس کے علاوہ، اسلام کے مطلوبہ نظاموں میں منطقی اصولوں کا ایک مجموعہ فرض کیا گیا ہے جو اقدار اور روش دونوں کو متاثر کرتے ہیں۔

اسلام میں مثالی خاندانی نظام، انسانوں کو خدا کی عبادت اور مقام عبودیت تک پہنچانے کے لئے ثانوی مقاصد کے ایک سلسلے کی پیروی کرتا ہے، جن میں سب سے اہم، میاں بیوی کا ایک دوسرے کے لئے باعث تسکین ہونا، صحت مند بچوں کی نشوونما اور خاندان کے تمام افراد کی روحانی نشوونما وغیرہ شامل ہیں۔ یہ نظام مردوں اور عورتوں کے درمیان قدرتی اختلافات کو بشری بنیاد کے طور پر مانتا ہے جو کہ ایک خاص بنیاد پر مبنی ہے، جس میں مرد اور عورت کے کرداروں میں کچھ صنفی امتیازات کو قبول کرنا سب سے اہم ہے۔

اجتماعی سوچ اور فکر کا نظریہ، اسلامی نقطہ نظر کی ایک اور قابل قدر بنیاد ہے جو انفرادی اقدار کی نفی کرتا ہے۔

مطلوبہ اہداف کے حصول کے لئے اسلامی خاندانی نظام کے طریقوں کے سلسلے میں، ہمیں خاندانی مضبوطی کے ایک وسیع اور ہم آہنگ مجموعہ کا سامنا کرنا پڑتا ہے، جو اکثر واجب یا مستحب ہدایات کی شکل میں پیش کیا جاتا ہے۔ ایمان اور اخلاقیات کی مضبوطی کے علاوہ، جو اس نظام میں سب سے

نمایاں طریقہ ہے، اسلام شادی کی روایت کو پاکیزہ بنانے، ازدواجی معلومات میں اضافہ، حقیقت پسندی کی حوصلہ افزائی اور رومانوی رجحانات سے بچنے، شادی کی عمر کو کم کرنے، جنسی اور جذباتی ضروریات کو پورا کرنے، میاں بیوی کی باہمی محبت کو مضبوط بنانے، رشتہ داری کو مضبوط بنانے، خاندان کو سماجی اور سرکاری مدد فراہم کرنے، خاندان کی سماجی اور حکومتی نگرانی کے لئے دانستہ میکانزم قائم کرنے، اور خاندان مخالف رجحانات جیسے تفریق، جنسی تعلقات اور ہم جنس پرستی کا مقابلہ کرنے جیسے طریقوں پر زور دیتا ہے۔

لہذا اسلام میں خاندان کی اہمیت اور گھریلو نظام کے حوالے سے اسلامی تعلیمات کی فراوانی کے علاوہ بھی اس عنوان کی اہمیت واضح ہے، اسی کی طرف رببر معظم اشارہ کرتے ہوئے فرماتے ہیں: "از نظر اسلام، تشکیل خانواده ایک فریضہ است۔ عملی است کہ مرد و زن باید آن را بہ عنوان یک کار الہی و یک وظیفہ انجام بدہند۔" (خطبہ عقد: ۱۱/۱۲/۱۳۷۷۔ farsi.khamenei.ir/speech) یعنی آپ کی نظر میں فیملی تشکیل دینا ایک فریضہ ہے اگرچہ معروف واجبات کی فہرست میں بیان نہ کیا گیا ہو۔ لیکن جو چیز اس مسئلے کو اور بھی اہم بناتی ہے وہ خطرات اور مشکلات ہیں جنہوں نے حالیہ دہائیوں میں خاندانی نظام کو شدید چیلنج کئے ہوئے ہیں اور اس کے سنگین منفی نتائج مرتب ہوئے ہیں۔

خاص طور پر مردوں اور عورتوں کے درمیان فطری اختلافات کو نظر انداز کرنا یا مسترد کرنا، اور اس کے نتیجے میں، حقوق اور ذمہ داریوں کے تناظر میں مردوں اور عورتوں کے درمیان کسی بھی صنفی تفریق کا مقابلہ کرنا، ان اہداف کے حصول کے لئے جدوجہد کرنا، خاندانی مسائل کو حل کرنے کے لئے قانونی نقطہ نظر پر قابو پانا، اخلاقی نقطہ نظر کو دھندلا کرنا، نیز عوامی ماحول میں مردوں اور عورتوں کے درمیان ارتباط کی محدودیت اور پابندیوں کو ختم کرنے کا بڑھتا ہوا رجحان، آزاد جنسی تعلقات کی توسیع (کہ جن کے حصول کے لئے منظم پروگرام قرارداد ۲۰۳۰ کی صورت میں چلایا جا رہا ہے) سب سے واضح خطرات اور نقصانات میں سے ہیں جس نے پہلے مغربی معاشروں کو اور پھر دوسرے معاشروں کو برباد کر رکھا ہے۔

حیرت کی بات یہ ہے کہ خاندان مخالف نظریات اور عملی طریقوں کو مبینہ طور پر سائنسی نظریات کی حمایت حاصل رہی ہے، اور سیاسی اور قانونی لیور

کا استعمال کرتے ہوئے تمام معاشروں میں ان کی توسیع کی راہ ہموار کی ہے ، جس میں بعض اوقات بین الاقوامی معاہدے بھی شامل ہیں۔

اس عنوان کی اہمیت کو مزید روشن کرنے کے لئے ہم، رہبر معظم انقلاب آیت اللہ العظمی سید علی خامنہ ای (دامت برکاتہ) کے ان ارشادات کا سہارا لیتے ہیں کہ جن میں آپ نے اسلامی طرز زندگی پر بہت زور دیا ہے۔ (دیکھئے: متن بیانیہ گام دوم انقلاب اسلامی ایران hamenei.ir) کسی بھی معاشرے میں اسلامی طرز زندگی اپنانے کے لئے سب سے پہلے اسے اپنے گھر اور خاندان کی طرف توجہ کرنے کی ضرورت ہے کیونکہ جب تک گھر اور خاندان میں یہ طرز زندگی رائج نہ ہو جائے تب تک وہ سوسائٹی یا وہ معاشرہ دینی و اسلامی طرز زندگی سے عاری و خالی کہلانے گا۔ اسی مطلب کی طرف اشارہ کرتے ہوئے آپ فرماتے ہیں: " جیسا کہ انسان کا بدن مختلف سیلز سے تشکیل پاتا ہے اور جب ایک سیل یا کوئی ایک عضو متاثر ہوتا ہے تو گویا پورا بدن متاثر ہوتا ہے بلکہ اسی طرح معاشرہ بھی ہے کہ جس میں ہر فیملی ایک سیل کی مانند ہے اور جب تک یہ تمام سیلز (فیملیز اور ان کا رفتار) سالم اور دینی نا ہو گا معاشرہ و سوسائٹی سالم و دینی نہیں ہو سکتا ہے۔ " (خطبہ عقد؛ ۱۳۸۱/۰۳/۰۸
(<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=21429>)

اسی طرح عائلی نظام زندگی میں ہر فرد کا دیندار ہونا ، امانت دار اور حرام و حلال کا پابند ہونا بہت ہی ضروری ہے ، رہبر معظم فرماتے ہیں:

" خاندان کے قیام اور اس کے تحفظ کے لیے ضروری ہے کہ اسلامی قوانین پر عمل کیا جائے تاکہ خاندان مستحکم اور اپنے عروج پر رہے۔ لہذا، جن مذہبی خاندانوں میں میاں بیوی ان حدود کی پرواہ کرتے ہیں، وہ کئی سالوں تک بغیر کسی پریشانی کے ایک ساتھ گزارتے ہیں۔ اگر اسلامی طریقوں کو مقبول بنایا جائے تو خاندان مضبوط ہو جائیں گے، جیسا کہ ہمارے ماضی میں تھا۔" (علی اکبری، محمدجواد؛ مطلع عشق (گزیدہ ای از رہنمودهای حضرت آیت اللہ سید علی خامنہ ای بہ زوجہای جوان)؛ ص ۲۶)

اسی بات کو مدنظر رکھ کر فارسی زبان اسکالرز نے اس موضوع پر سیر حاصل بحث کی ہیں اور عملی میدان میں بھی اسی طرز زندگی کو مدنظر رکھ کر ایک حقیقی اسلامی نظام کو اپنے معاشرے میں نافذ کئے ہوئے ہیں، اسی نظام کا ایک اہم حصہ عائلی نظام زندگی ہے کہ جسے فارسی زبان میں "خانوادہ در اسلام یا نظام خانوادگی در اسلام" سے تعبیر کیا جاتا ہے۔ (دیکھئے: حسین بستان، کتاب خانوادہ در اسلام)

اس عنوان کو انتخاب کرنے کی ضرورت کی طرف اشارہ کرنے کے لئے اتنا کہنا کافی ہو گا کہ ہمارے معاشرے میں بھی اسلامی نقطہ نظر سے عائلی نظام زندگی کے کچھ اصول رائج تو ہیں لیکن کامل نہیں ہیں یا ان میں اصلاحات کی ضرورت ہے، لہذا ہم اس عنوان کو رببر معظم کے ارشادات کے تناظر میں پیش کریں گے تاکہ رببر معظم کے گوہر بار ارشادات سے استفادہ کرتے ہوئے اس موجودہ عائلی نظام زندگی میں تبدیلی لا کر حقیقی اسلامی عائلی نظام کو لوگوں تک پہنچاسکیں۔

رشتہ داری میں باہمی روابط اور حقوق

خاندان اور رشتہ داری کے مفہوم ایک دوسرے سے الگ ہونے کے ساتھ ساتھ کچھ موارد میں ایک دوسرے کے معنی میں استعمال ہوتے ہیں۔ مثال کے طور والدین اور اولاد کے درمیان اسی طرح بہن اور بھائی کے درمیان خاندان کے افراد میں شامل ہونے کے ساتھ ساتھ نزدیک ترین رشتہ داری بھی برقرار ہے۔ اس کے علاوہ ایک وسیع خاندان کے عنوان سے ان دونوں مفہوم میں ہماہنگی واضح اور آشکار ہے چونکہ ایک وسیع خاندان کا عنوان، رشتہ داری کا ایک وسیع معنی پر مشتمل ہے ہاں مگر ایک بنیادی خاندان کے عنوان میں دوسرے اور تیسرے اور اس سے بالاتر جو رشتہ داری کے درجات ہیں ان پر خاندان کا مفہوم صدق نہیں کرتا ہے۔ لیکن جہاں تک رشتہ داری کے نظام کا تعلق ہے حقیقت میں یہ ایک خاندانی نظام کو مسلسل تجزیہ و تحلیل کرنے کے ذریعے سے پائے جانے والی وسعت کا نتیجہ ہے، اس اعتبار سے خاندانی مباحث کے ضمن میں رشتہ داری کے مباحث کو بیان کرنا کا ملا مناسب ہے۔

اس مقالہ میں، ہم دینی نقطہ نظر سے رشتہ داری کے مفہوم کی تعریف اور رشتہ داروں کے آپس کے ارتباط کے کچھ مصادیق کو مختصر بیان کرنے کے بعد اسلامی نقطہ نظر سے رشتہ داری کے روابط کی اہمیت، مقام، اثرات، حقوق اور احکام کو بیان کریں گے۔

رشتہ داری

رشتہ داری سے مراد کچھ مخصوص افراد کے درمیان ایک خاص تعلق ہے کہ جو خونی رشتہ داری، شادی اور جنسی تعلقات، رضاعت، بچے کو گود لینے

یا "توتمی افسانہ" ^۱ کی بنا پر پیدا ہوتا ہے۔ (سارو خانی، دائرۃ المعارف علوم اجتماعی، ص ۳۸۹) یہ مسئلہ واضح ہے کہ اسلام کی نگاہ میں آخری دو-موارد (بچے کو گود لینے اور توتمی افسانہ) کی کوئی حیثیت نہیں ہے، یعنی اسلامی قانونی احکام میں جیسے محرمیت اور ارث وغیرہ میں، ان کا کوئی اعتبار نہیں کیا گیا ہے اور صرف پہلے تین موارد (نسب) (سبب) اور (رضاع) کے عنوانات کو شرعی حیثیت دی ہے، لیکن اس کا یہ مطلب نہیں ہے کہ رشتہ داری کے مفہوم کا اطلاق عرف اور خاص اصطلاحات میں مشروعیت سے زیادہ وسیع دائرہ پر نہیں ہو سکتا۔

البتہ اسلامی منابع میں "ارحام، اولوالارحام، اولوالقربی، ذوی القربی، اقربون" اور ان کے مشتقات جیسے الفاظ، دو لفظ "رحم" اور "قربت" سے مشتق کئے گئے ہیں، اور یہ تمام الفاظ رشتہ داری کے معنی میں ہی استعمال ہوتے ہیں۔ پہلا لفظ (یعنی رحم) نسبی رشتہ داروں سے مخصوص ہے، عربی لغت میں اس کلمہ کا مطلب ماں کے جسم کا ایک خاص حصہ ہے جہاں جنین کی نشوونما ہوتی ہے اور اس کا اطلاق خونی رشتہ داروں پر استعارہ کے طور پر ہوتا ہے، اس نکتہ کو ذہن میں اس لئے رکھا جاتا ہے کیونکہ وہ سب ایک ماں کے رحم سے پیدا ہوئے ہیں۔ (راغب الاصفہانی، المفردات فی غریب القرآن، ص ۱۹۱) اگرچہ "قربت" کے لفظ میں ابتدائی طور پر لغت کے لحاظ سے کوئی قید نہیں لگی ہے اور یہ علی القاعدہ سببی رشتہ داروں کو بھی شامل کرتا ہے، لیکن جب لغت، فقہ اور تفسیر کی کتابوں کی طرف رجوع کرتے ہیں تو معلوم ہوتا ہے کہ غالباً یہ نسبی رشتہ داروں کے لئے استعمال ہوا ہے، اس لحاظ سے سببی تعلق کو مجازی اور رعایتی (تزیلی) قربت سمجھ سکتے ہیں۔

اسی طرح یہ دو الفاظ (رحم و قربت) رضاعی رشتے کو شامل نہیں کرتے ہیں جب کہ قاعدہ "یحرم من الرضاع ما یحرم من النسب" (حر عاملی، وسائل الشیعہ، ج ۱۴، ص ۲۸۰-۲۸۲) کے مطابق وہ تمام نسبتیں جو محرمیت کا سبب ہیں اگر

۱. "توتم" ایک قسم کا خاص عقیدہ ہے کہ جس کی بنا پر قبیلے کے تمام افراد ایک خاص جد کی نسل و یا تبار سے شمار کیا جاتا ہے توتم اکثر موارد میں ایک حیوانی صفت ہے جو کھانے پینے کی صفت کے ساتھ متصف ہونے کے ساتھ اذیت و آزار سے مبرا ہوتی ہے یا خطرناک اور وحشت ناک ہوتی ہے اور بعض دوسرے موارد میں نباتات یا ایک طبعی طاقت یا قوت ہے مثال کے طور پر بارش اور پانی کہ جس کا دوسرے تمام اصناف سے ایک خاص رابطہ ہوتا ہے۔ توتم پہلے مرحلہ میں اس مخصوص گروہ کے جد کو کہا جاتا ہے اور دوسرے مرحلے میں اس گروہ کے محافظ حفاظتی فرشتہ ہے جو ان کے لئے غیبی پیغامات دیتا ہے جو عین اسی وقت دوسروں کے لئے خطرناک ہے جب کہ اپنے بچوں کی نسبت محافظ اور نگہبان ہے۔ (فروید، توتم و تابو، ص ۱۹)۔

رضاعت کے ذریعہ محقق ہوئی ہوں تو محرمیت ایجاد ہوتی ہے۔ اور اس کے بارے میں بہت سی روایات بھی موجود ہیں۔ (سابقہ حوالہ، ص ۲۸۰_۳۰۹) اسلام میں رضاعی رشتہ داری اور نسبی رشتہ داری کو کچھ احکام، خاص طور پر شادی کے احکام اور پردے کے احکام میں الحاق کر کے اسے مجازی قرابت کے طور پر قبول کیا ہے۔ لیکن مصداقی لحاظ سے، چونکہ اسلامی کتابوں میں رشتہ داری کی کوئی حد بیان نہیں ہوئی ہے اس لئے عرف کی طرف رجوع کرنا ہو گا۔ عرف کے مطابق رشتہ داری، دور کے رشتے دار اور نزدیک کے رشتہ دار میں تقسیم ہوتی ہے۔ جس سے یہ نتیجہ لے سکتے ہیں کہ نزدیک ہونا رشتے داری کے مفہوم کے انطباق میں کوئی اعتبار نہیں رکھتا ہے۔ (حسین بستان، کتاب خانوادہ در اسلام، ص ۱۴۱) اس بات کی تائید میں ہم کچھ روایات سے استناد کر سکتے ہیں جیسا کہ سورہ محمد کی بانیسویں آیت میں فسادیوں اور قطع رحم کرنے والوں کی سرزنش ہوئی ہے، کہ جسے بنی امیہ اور عباسی خلفاء پر بھی تطبیق دیتے ہیں، کیونکہ انہوں نے حضرت علی کے خاندان پر ظلم و ستم ڈھائے تھے۔ (مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۳، ص ۳۸۶_۳۸۷، ج ۲۴، ص ۳۲۰) جبکہ ان کے درمیان نسبی فاصلہ نسبتاً زیادہ تھا۔ ایک روایت یہ بھی ہے کہ چالیسویں جد کے اوپر ارحام کا مفہوم صدق آنے کے لئے اگر دو افراد مشترک ہوں تو یہی کافی ہے۔ (حرالعاملی، وسائل الشیعہ، ج ۱۵، ص ۲۲۲) لیکن عرفی فہم کے ساتھ مطابقت نہ ہونے کی وجہ سے اس روایت کو اخلاقی پہلوؤں اور اسلام میں رشتہ داری کی اہمیت کو بیان کرنے پر حمل کر سکتے ہیں۔ اس احتمال کے پیش نظر مقام بیان میں رشتہ داری کی کوئی حد بیان نہیں کر سکتے۔

کچھ لوگوں نے نسبی قرابت داری کی تعریف میں (معروفیت نسب) کی قید لگائی ہے۔ اس تعریف کے مطابق، ارحام وہ لوگ ہیں جن کی نسبت ایک دوسرے کے لئے معروف اور مشہور ہو، اگرچہ ان کے درمیان نسبی فاصلہ زیادہ ہی کیوں نہ ہو۔ (شہید الأول، القواعد و الفوائد، ج ۲، ص ۵۱)

لیکن معلوم یہ ہوتا ہے کہ رشتہ داری کے مفہوم کا دارو مدار اس قید پر موقوف نہیں ہے کیونکہ عرف ایسے شخص سے رشتہ داری کی نسبت کو سلب نہیں کرتا جس کی نسبت نزدیک ہوتے ہوئے مجہول ہو، لیکن دوسری طرف مذکورہ بالا قید، رشتہ داری کے مفہوم پر صدق کرنے کا موجب بھی نہیں ہے۔

جیسا کہ بعض فقہاء نے بیان کیا ہے کہ عرف کے مطابق ہمارے زمانے میں بہت بڑے قبیلوں کے افراد، جیسے بنی ہاشم اور سادات، اگر ان کے درمیان قریبی نسبت نہ ہو تو در حقیقت ان پر رشتہ داری کا اطلاق نہیں ہوتا ہے، حالانکہ اس میں (معروفیت نسب) موجود ہے۔ (شہید الثانی، الروضة البہیة فی شرح للمعة الدمشقیہ، ج ۵، ص ۲۹)

بعض نے رشتہ داری کی تعریف میں اسلام کی قید کو بھی شامل کیا ہے اور نتیجتاً مسلمانوں اور غیر مسلمانوں کے درمیان رشتہ داری کا انکار کیا ہے اور یہ دلیل دی ہے کہ اس آیت: " قَالَ يَا نُوحُ إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ " (ہود: ۴۶) کے مطابق نوح کا اپنے کافر بیٹے سے خاندانی تعلق ختم ہو گیا تھا، اسی طرح اس حدیث: "قطع الإسلام أرحام الجاهلیة" کے مطابق اسلام نے زمانہ جاہلیت کے رشتہ داریوں

کو ختم کر دیا ہے، لیکن حدیث کے لئے سند ذکر نہ ہونے کے علاوہ مذکورہ دعویٰ پر آیت اور اس حدیث کی دلالت میں اشکال ہوا ہے، کیونکہ بطور مطلق غیر مسلمان سے رشتہ داری کی نفی کرنے کے لئے اس کا استعمال نہیں ہوتا ہے۔ (شہید الثانی، مسالک الافہام، ج ۶، ص ۲۳۲) اس کے علاوہ ممکن ہے مذکورہ حدیث رشتہ داری کے مفہوم کو بیان کرنے کے مقام میں نہ ہو بلکہ رشتہ داری کے کچھ شرعی احکام کی نفی پر دلالت کرتی ہو جیسے صلہ رحم کے وجوب کا حکم اور قطع رحم کے حرمت کا حکم بیان کرنا مراد ہو۔ اس کے علاوہ یہ کہ غیر مسلمان رشتہ دار قطعاً میراث جیسے حقوق سے مستفید نہیں ہوسکتے، لیکن کچھ روایات سے ہمیں یہ معلوم ہوتا ہے کہ وہ لوگ رشتہ داری کے سارے حقوق سے محروم نہیں ہیں، جیسا کہ روایت ہے کہ ایک شخص نے امام صادق (علیہ السلام) سے سوال کیا: آیا وہ رشتہ دار جو میرے ہم مذہب نہیں ہیں مجھ پر کوئی حق رکھتے ہیں امام نے فرمایا: " نَعَمْ حَقُّ الرَّحْمِ لَأَيُّقَطَعُهُ شَيْءٌ وَإِذَا كَانُوا عَلَى أَمْرٍ

كَانَ لَهُمْ حَقَّانِ حَقُّ الرَّحْمِ وَحَقُّ الْإِسْلَامِ " (مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۱۳۱) جی ہاں! کوئی بھی چیز رشتہ داروں کے حقوق کو ختم نہیں کر سکتی اور اگر وہ تمہارے ہم مذہب ہوں تو تجھ پر دو حقوق ہونگے: رشتہ داری کا حق اور اسلام کا حق۔

رشتہ داروں میں باہمی تعلقات

۱. اس حدیث کی سند نہیں پائی .

"رشتہ داری میں باہمی تعلقات(صلہ رحمی)" کی ترکیب کا مجموعہ بعض اوقات رشتہ داری کی نسبت کے معنی میں آتا ہے ، ایسی صورت میں یہ ترکیب قرابت داری کے اصطلاحی معنی میں استعمال ہوتا ہے ، لیکن یہ امکان ہے کہ لفظ "تعلقات یا ارتباط " سے خود عمل ارتباط یا تعلق کا راہہ کیا گیا ہو اس صورت میں مذکورہ ترکیب، چاہے اس میں غیر نسبی رشتہ دار شامل ہی کیوں نہ ہو، وہی معنی رکھتا ہے جو صلہ رحم کے مفہوم سے اخذ کیا جاتا ہے ، اسی لئے ارحام یا رشتہ داروں کی تعریف کے علاوہ ہمیں لفظ " صلہ " کے مفہومی یا مصداقی تعریف کی بھی ضرورت ہوگی۔

مفہومی طور پر اس بات پر غور کیا جائے کہ کلمہ صلہ، کلمہ وصل سے مشتق ہوا ہے۔ ایسا معلوم ہوتا ہے کہ صلہ رحم سے مراد کوئی ایسا عمل ہے جو کسی نہ کسی طرح رشتہ داروں کے درمیان رابطہ کا باعث بنتا ہے، لیکن مذہبی تعلیمات میں استعمال ہونے والی مخصوص اصطلاح میں صلہ رحم، مطلق معنوں میں رشتہ داروں کے ساتھ رابطہ کو نہیں کہا جاتا، بلکہ یہ ان کے ساتھ مثبت تعلقات کی نشاندہی کرتا ہے، کیونکہ اسلام منفی تعلقات جیسے دشمنی، ظلم و ستم و آزار و اذیت وغیرہ کو قطع رحم (جو کہ صلہ رحم کے مد مقابل ہے) کا مصداق قرار دیتا ہے - (حسین بستان، خانوادہ در اسلام، ص ۱۴۳)

لیکن مصداقی طور پر ضروری ہے کہ پہلے مسئلے کی طرح اس مسئلے میں بھی عرف کی طرف رجوع کرنے پر زور دیا جائے ، کیونکہ لغت اور شریعت نے صلہ رحم کے عنوان پر تعلقات کے لئے کوئی خاص معیار اور میزان بیان نہیں کیا ہے اور یہ واضح ہے کہ عرف کے مطابق، اس مفہوم کا صدق کرنا یا نہ کرنا مختلف عوامل جیسا کہ طرز زندگی، رسوم و رواج کا فرق، ذرائع ابلاغ تک رسائی، جغرافیائی فاصلے اور نقل و حمل کی وضعیت، پر منحصر ہے ۔ اسی طرح صلہ رحم کے طریقہ کار کے تعین کے لئے عرف کی طرف رجوع کرنا چاہیے، کیونکہ اس کے کچھ مصادیق اگرچہ مذہبی تعلیمات میں مذکور ہیں، لیکن ان مصادیق کا کوئی مخصوص اور معین پہلو نہیں ہے، اسی لئے عرف پر انحصار کرتے ہوئے کوئی اور مصادیق اس کے لئے لے سکتے ہیں۔ اس بنا پر، ایک دوسرے کے گھر میں آنا جانا، سلام کرنا، سلام پہنچانا، خبرگیری کرنا، دعا کرنا، ضرورت کے وقت مالی انفاق کرنا اور ضرورت نہ ہونے کی صورت میں تحائف کی ادائیگی، نقصانات سے بچانا، منافع کی طرف لے جانا، ارحام کے ساتھ ساتھ ان کے رشتہ داروں اور دوستوں پر بھی نیکی کرنا مثلاً بھابھی یا بھائی کا

دوست، جس کی وجہ سے اس کا بھائی خوش ہو جائے اور آخر میں رشتہ داروں کے مرنے کے بعد ان کے لئے صدقہ کرنا وغیرہ صلہ رحم کی اہم ترین مثالیں ہیں۔ (شہید الأول، القواعد و الفوائد، ج ۲، ص ۵۲ و ۵۳)

مثال کے طور پر رسول اکرم صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم نے صلہ رحمی کی نیت سے روپرو ملاقات اور رشتہ داروں کی مالی مدد کے لئے آخرت میں بہت سے انعامات کا ذکر فرمایا ہے۔ (حرالعالمی، وسائل الشیعہ، ج ۶، ص ۲۸۷) اسی طرح آپ (صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم) فرماتے ہیں: "مَنْ وَصَلَ قَرِيْبًا بِحَجَّةٍ أَوْ عُمْرَةٍ، كَتَبَ اللَّهُ لَهُ حَجَّتَيْنِ وَعُمْرَتَيْنِ" (سابقہ حوالہ، ص ۲۸۶)؛ جو شخص اپنے رشتہ داروں کو حج یا عمرہ کا خرچ فراہم کرے گا، خدا اس کے لئے دو حج اور دو عمروں کا ثواب لکھے گا، اسی طرح امیر المومنین علی (علیہ السلام) سے بھی منقول ہے کہ آپ فرماتے ہیں: "صَلُّوا أَرْحَامَكُمْ وَ لَوْ بِالتَّسْلِيمِ" (سابقہ حوالہ، ج ۱۵، ص ۲۴۸) امام جعفر صادقؑ بھی فرماتے ہیں: "صَلِّ رَحِمَكَ وَ لَوْ بِشْرِبَةٍ مِنْ مَاءٍ، وَ أَفْضَلُ مَا يُوصَلُ بِهِ الرَّحِمُ كَفُّ الْأَذَى عَنْهَا" (سابقہ حوالہ، ص ۲۴۷) اپنے رشتہ داروں کے ساتھ صلہ رحم کرو، چاہے ایک گھونٹ پانی دے کر ہی کیوں نہ ہو اور سب سے بہترین صلہ رحم یہ ہے کہ انہیں تکلیف نہ پہنچائی جائے۔ اسی مطلب کی طرف اشارہ کرتے ہوئے رہبر معظم فرماتے ہیں کہ صلہ رحمی کے لئے یہ بھی ممکن ہے کہ SMS یا CALL کر کے خیریت دریافت کریں اور حال و احوال پوچھیں۔ (farsi.khamenei.ir; hvasl.ir/news/167685)

رشتہ داروں سے تعلقات کی اہمیت

قرابت داروں کے حقوق اور ان پر توجہ دینے کی ضرورت پر قرآن کریم کی بیس سے زائد آیات کی تاکید، اسلام میں اس مسئلہ کی اہمیت کی نشاندہی کرتی ہے۔ قرآن کریم نے متعدد سوروں میں صلہ رحمی کرنے اور قطع تعلق سے بچنے کی سختی سے تاکید کی ہے۔ (رعد: ۲۱ و ۲۵؛ محمد: ۲۲)۔ اور آیت کریمہ: "وَ اتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَ الْأَرْحَامَ" (نساء: ۱) میں رشتہ داروں کے ساتھ صلہ رحمی اور اچھا سلوک کرنے کو تقویٰ الہی کے برابر قرار دیا گیا ہے۔ بعض آیات میں رشتہ

داروں کے ساتھ حسن سلوک کو والدین کے ساتھ حسن سلوک کے برابر قرار دیا گیا ہے۔ (بقرہ: ۸۳؛ نساء: ۳۶)۔

احادیث میں اس مسئلہ پر تاکید کیا گیا ہے مثال کے طور پر رسول اللہ (صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم) سے کسی ایک روایت میں نقل ہوا ہے کہ: "أوصي الشَّاهِدَ مِنْ أُمَّتِي وَالْغَائِبَ مِنْهُمْ وَمَنْ فِي أَصْلَابِ الرِّجَالِ وَأَرْحَامِ النِّسَاءِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ أَنْ يَصِلَ الرَّحِمَ وَإِنْ كَانَتْ مِنْهُ عَلَى مَسِيرَةِ سَنَةٍ فَإِنَّ ذَلِكَ مِنَ الدِّينِ" (مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۱۱۴) میں اپنی تمام امت کو جو حاضر و غائب اور قیامت تک مردوں کے صلب یا عورتوں کے بطن میں ہیں کو صلہ رحم کی سفارش کرتا ہوں چاہے ان کی دوری کا عرصہ ایک سال کا ہی کیوں نہ ہو، کیونکہ صلہ رحم دین کا حصہ ہے۔ ایک اور روایت کے مطابق فرماتے ہیں: "لَا يُجَالِسُنَا قَاطِعُ رَحِمٍ فَإِنَّ الرَّحْمَةَ لَا

تَنْزِلُ عَلَى قَوْمٍ فِيهِمْ قَاطِعُ رَحِمٍ وَقَالَ لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ قَاطِعُ رَحِمٍ" (نوری، مستدرک الوسائل، ج ۹، ص ۱۰۶) قطع تعلق کرنے والے ہمارے ساتھ ہمنشینی نہ کریں، کیونکہ خدا کی رحمت اس گروہ پر نازل نہیں ہوتی جس میں قطع رحم کرنے والے موجود ہوں۔ اسی طرح آپ (صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم) فرماتے ہیں: "مَنْ مَشَى إِلَى ذِي قَرَابَةٍ بِنَفْسِهِ وَمَالِهِ لِيَصِلَ رَحِمَهُ أَعْطَاهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ أَجْرَ مِائَةِ شَهِيدٍ" (حرالعالمی، وسائل الشیعہ، ج ۶، ص ۲۸۷) جو شخص اپنے رشتہ داروں کی مالی مدد اور صلہ رحم کی نیت سے اس کی طرف بڑھے گا، خدا اسے سو شہیدوں کے ثواب سے نوازے گا۔ آپ (صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم) یہ بھی فرماتے ہیں: "الْصَّدَقَةُ بِعَشْرَةٍ وَالْقَرْضُ بِثَمَانِيَةِ عَشْرٍ وَصَلَةُ الْإِخْوَانِ بِعِشْرِينَ وَصَلَةُ الرَّحِمِ بِأَرْبَعَةٍ وَعِشْرِينَ" (سابقہ حوالہ، ص ۲۸۶) صدقہ (کا ثواب) دس گنا، قرض دینے (کا ثواب) اٹھارہ گنا، دینی بھائیوں کے ساتھ تعلق (کا ثواب) بیس گنا اور صلہ رحم (کا ثواب) چوبیس گنا ہے۔

یہ بات قابل ذکر ہے کہ روایات کے مطابق قاطع رحم (قطع رحم کرنے والے) رشتہ داروں کے ساتھ صلہ رحمی کرنا اعلیٰ ترین اخلاقی فضائل اور سچے ایمان کی نشانی ہے، (نوری، مستدرک الوسائل، ج ۹، ص ۹ و ۱۰، سیوطی، الدر المنثور، ج ۳، ص ۱۵۴) اس طرح کی تعبیریں صلہ رحم کی دیگر صورتوں کے مقابلے میں بہت

زیادہ اجر و ثواب پر دلالت کرتی ہیں۔ حضرت آیت اللہ العظمیٰ خامنہ‌ای (مد ظلہ العالی) فرماتے ہیں: "قطع رحم با کسانی کہ از خویشاوندان نَسَبی می‌باشند، جایز نیست و صلہ رحم متوقف بر مرادہ و رفت و آمد نیست و با احوالپرسی و پیغام فرستادن از طریق تلفن یا نامہ ہم محقق می‌شود"۔ (https://article.tebyan.net-) دوسری جگہ فرماتے ہیں: "صلہ رحم، حتی با آنان کہ در ایمان، اخلاق و غیرہ مخالف انسان هستند نیز برای انسان سودمند است"۔ (https://saghalain.kowsarblog.ir) یعنی رہبر معظم کے إرشادات کی روشنی میں خونی رشتہ داروں سے قطع تعلق کرنا حرام ہے حتی کہ وہ مومن نہ ہو یا اچھے اخلاق سے عاری ہو تب بھی اس سے صلہ رحمی کرنا فائدہ سے خالی نہیں ہے اسی طرح صلہ رحمی کے انجام دہی کے لئے ضروری نہیں ہے کہ آپ فزیکلی آمدورفت رکھیں بلکہ کال کر کے مسیج کر کے بھی حال و احوال پوچھیں تو بھی کافی ہے۔

تاہم، اسلام نے ایمان اور عدالت کو رشتہ داری کے تعلقات پر مقدم کرنے پر زور دیا ہے، کیونکہ یہ دو اصول حاکم ہیں۔ پس معلوم ہوا کہ کفر اور شرک رشتہ داروں کے کچھ حقوق کے سلب ہونے کا سبب بنتے ہیں، اس آیہ شریفہ کے مطابق: "يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا آبَاءَكُمْ وَإِخْوَانَكُمْ أَوْلِيَاءَ إِنِ اسْتَحَبُّوا الْكُفْرَ عَلَى الْإِيمَانِ" (توبہ: ۲۳) اے ایمان والو اگر تمہارے باپ اور بھائی کفر کو ایمان پر ترجیح دیں، انہیں اپنا مددگار قرار نہ دو۔ کافر رشتہ داروں کو ولایت (دوستی) کا حق نہیں ہے۔ نیز قرآن مجید کی آیت کے مطابق مومنوں کو یہ حق حاصل نہیں ہے کہ شرک کرنے والوں کے لئے معافی طلب کریں چاہے وہ ان کے رشتہ دار ہی کیوں نہ ہوں، بلکہ انہیں ان سے نفرت کرنی چاہیے۔ (توبہ: ۱۱۳ و ۱۱۴) قابل ذکر ہے کہ امیر المومنین علی (علیہ السلام) سے دشمنی کی وجہ سے پیدا ہونے والا کفر، روایتوں کے مطابق جسے (نصب یا ناصبی) کہا جاتا ہے، بھی اسی حکم کے تابع ہے۔ (حرالعاملی، وسائل الشیعہ، ج ۱۱ و ۴۴۰)

رشتہ داروں کے ساتھ رابطہ رکھنے کے لئے عدالت سے کام لینا ضروری ہے، قرآن کی مختلف آیات سے اور بالخصوص درج ذیل دو آیات سے یہ بات واضح ہوجاتی ہے: "وَ إِذَا قُلْتُمْ فَاعْدِلُوا وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ" (انعام: ۱۵۲) اور جب بات کرو تو عدالت کے ساتھ کرو اگرچہ تمہارے رشتے دار کا معاملہ ہی کیوں نہ ہو۔ "يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَلَوْ عَلَىٰ أَنفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدِينَ وَالْأَقْرَبِينَ" (نساء: ۱۳۵)۔ اے ایمان والو! مضبوطی کے ساتھ عدل اور انصاف کے علمبردار

بن جاؤ اور اللہ کے لئے گواہی دو، خواہ تمہیں اپنے یا والدین کے اور اپنے قریبی رشتہ داروں کے ضرر ہی میں گواہی دینا پڑے۔

رشتہ داری کے اثرات

بعض روایات کے مطابق نسبی رشتہ داری سے تعلقات اور روابط کے مبنائی اور فطری اثرات ہوتے ہیں؛ مثال کے طور پر امام محمد باقر (علیہ السلام) سے منقول ہے کہ آپ نے ایک روایت میں فرمایا: "أَيُّمَا رَجُلٍ غَضِبَ عَلَى ذِي رَحِمٍ فَلْيَدْنُ مِنْهُ فَلْيَمْسَهُ فَإِنَّ الرَّحِمَ إِذَا مُسَّتْ سَكَنَتْ" (حرالعالمی، وسائل الشیعہ، ج ۱۱، ص ۲۹۰) جو شخص اپنے رشتہ دار سے ناراض ہو، اس کے پاس جاؤ اور اس سے ملو؛ کیونکہ رشتہ داروں سے رابطہ کرنے اور ان سے (گلے) ملنے یا (ہاتھ) ملانے سے انسان کو سکون ملتا ہے۔ اس سلسلے میں مرحوم علامہ طباطبائی نے نسبی رشتہ داری کو حقیقی تعلقات اور اخلاقی، جسمانی اور روحی اثرات کا متحمل قرار دیا ہے۔ ان کے مطابق رشتہ داروں کا ایک دوسرے کے ساتھ تعلق قائم کرنے سے ذہنی اور روحی تکلیفیں دور ہوجاتی ہیں یہ انہی اثرات میں سے ایک ہے۔ اگرچہ عام طور پر کچھ ایسے بھی عوامل ہوتے ہیں جو اس طبیعی اور قدرتی عنصر کے اثر کو کمزور یا بے اثر کر سکتے ہیں، لیکن وہ اسے مکمل طور پر ختم نہیں کر سکتے۔ (طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۱۴۸)

صلہ رحم کے اور بھی بہت سے آثار ہیں جن کا ذکر مذہبی تعلیمات میں ملتا ہے۔ ایک روایت میں امام جعفر صادق (علیہ السلام) کا قول نقل کیا گیا ہے کہ: "صَلِّهِ الرَّحِمِ مَنَسَاةً فِي الْأَجَلِ، مَثْرَاهُ فِي الْمَالِ، وَمَحَبَّةً فِي الْأَهْلِ" (حرالعالمی، وسائل الشیعہ، ج ۱۵، ص ۲۴۸) صلہ رحم موت کو موخر کرنے کا سبب بنتا ہے اور خاندانی ماحول میں محبت پیدا کرتا ہے۔ ایک اور روایت کے مطابق آپ فرماتے ہیں: ہم صلہ رحم کے علاوہ کسی چیز کو نہیں جانتے جو عمر بڑھنے کی وجہ ہو (یہاں تک کہ) اگر کسی کی زندگی کی عمر میں تین سال باقی ہوں تو صلہ رحم کی وجہ سے اس کی عمر تینتیس (۳۳) سال ہوجاتی ہے۔ خداوند عالم اس کی عمر میں تیس سال کا اضافہ کردیتا ہے۔ ایسا بھی ہو سکتا ہے کہ ایک شخص کی زندگی کے تینتیس سال باقی رہ جائے، لیکن چونکہ وہ قاطع رحم ہوتا ہے اس لئے اللہ تعالیٰ اس کی عمر میں سے تیس سال کم کر دیتا ہے اور اس کے نتیجے میں اس کی باقی زندگی تین سال کی رہ جاتی ہے۔ (سابقہ حوالہ، ص ۲۴۵)

فکری، عاطفی، مالی، امنیتی اور مختلف پہلوؤں سے رشتہ داروں کی حمایت، رشتہ داری کا ایک اور اثر ہے جس پر اسلام نے زور دیا ہے۔ امیر المومنین علی (علیہ السلام) ایک خطبہ میں اس بات کی یاد دہانی کراتے ہوئے کہ رشتہ دار مشکلات اور سختیوں میں ہاتھ اور زبان سے حمایت کرتے ہیں، اس نکتے کی طرف اشارہ کرتے ہوئے فرماتے ہیں: "مَنْ يَقْبِضْ يَدَهُ عَنْ عَشِيرَتِهِ فَإِنَّمَا يَقْبِضْ عَنْهُمْ يَدًا وَاحِدَةً وَ تَقْبِضُ عَنْهُمْ أَيْدِي كَثِيرَةٌ" (رضی، نہج البلاغہ، ج ۱، ص ۶۲) جو شخص بھی اپنے رشتہ داروں کی مدد سے اپنا ہاتھ روک لیتا ہے تو گویا ان کی مدد اور حمایت میں فقط ایک ہاتھ رکا ہے (اور اس کے نتیجے میں) خود اس نے اپنی مدد سے بی شمار ہاتھوں کو روک دیا ہے۔ آپ نے اپنے بیٹے کو خط میں لکھا کہ: "وَ أَكْرَمَ عَشِيرَتِكَ فَإِنَّهُمْ جَنَاحُكَ الَّذِي بِهِ تَطِيرُ وَ أَصْلُكَ الَّذِي إِلَيْهِ تَصِيرُ وَ يَدُكَ الَّتِي بِهَا تَصُولُ" (سابقہ حوالہ، ج ۳، ص ۵۷)۔ اپنے قبیلے کی عزت کرو، کیونکہ وہ

تمہارے پروں کی طرح ہیں جن سے تم پرواز کر سکتے ہو اور وہ تمہاری جڑیں ہیں جن کی طرف تم لوٹتے ہو اور وہ تمہارے ہاتھ ہیں جن سے تم طاقت کا استعمال کرتے ہو۔ بہر معظمت نے اسی سلسلے میں فرمایا کہ برے اور منافق رشتہ داروں سے بھی صلہ رحمی کرنے میں فائدے ہیں: "صلہ رحم، حتی با آنان کہ در ایمان، اخلاق و غیرہ مخالف انسان ہستند نیز برای انسان سودمند است" (<https://saghalain.kowsarblog.ir>)۔

عمر میں اضافہ اور محبت و حمایت کو حاصل کرنے کے علاوہ کچھ اور صلہ رحمی کے آثار جیسے اعمال کی پاکیزگی، حسن اخلاق، دولت میں اضافہ، شہروں اور دیہاتوں کی ترقی، آفات کو دور کرنے اور قیامت کے دن حساب و کتاب کو آسان بنانے وغیرہ کی طرف اشارہ کر سکتے ہیں۔ (حرالعاملی و وسائل الشیعہ، ج ۱۵، ص ۲۰۹ و ۲۴۳-۲۴۵)۔ اس کے علاوہ، رشتہ داری کے قوانین اور حقوق، جن کا ہم ذیل میں جائزہ لیں گے، اسی کے ضمن میں رشتہ داری کے عاطفی (احساساتی)، امدادی، دیکھ بھال، انضباطی اور معیشتی افعال کے ایک مجموعہ کی طرف اشارہ کریں گے۔

رشتہ داری کے حقوق اور احکام

تمام مذاہب اور ثقافتوں میں رشتہ داری کے لئے خصوصی حقوق اور قواعد کا تذکرہ آیا ہے؛ اسلام نے بھی ایک مکمل اور جامع مذہب کے طور پر اس بارے

میں مختلف قوانین مقرر کئے ہیں، جن کا ہم درج ذیل تین محور میں اختصار سے جائزہ لیں گے: مالی حقوق و فرائض، شادی اور حجاب۔

۱۔ رشتہ داروں کے مالی حقوق اور ذمہ داریاں
رشتہ داروں کے زیادہ تر مالی حقوق کا تعلق شرعی احکام سے ہے، کیونکہ ہر شخص پر اپنے رشتہ داروں کے مقابل جو حقوق ہوتے ہیں وہ یا واجب ہوتے ہیں یا مستحب (تاکہ وہ ان احکام پر عمل کر کے ثواب بھی حاصل کرے) ، لیکن بعض صورتوں میں، جیسے وراثت، انسانی جائیداد پر رشتہ داروں کا حق، یہ حکم وضعی کا نتیجہ ہے اور اس میں قہری ملکیت کا پہلو پایا جاتا ہے۔ اس تمہید کے ساتھ ہم رشتہ داروں کے باہمی اہم ترین مالی حقوق اور فرائض بیان کریں گے:

الف) نان و نفقہ کا حق

اسلام نے ہر فرد پر اس کے قریبی رشتہ داروں کے لئے مطلق طور پر یا بعض شرائط کے ساتھ نفقہ دینے کو واجب قرار دیا ہے، دوسرے لفظوں میں ان کے معمول کے اخراجات پورے کرنا اس پر فرض ہے اور اگر کوئی شخص اپنے رشتہ داروں کی کفالت سے انکار کر دے تو اس صورت میں ان کے خلاف عدالت میں مقدمہ بھی چلایا جا سکتا ہے۔ جیسا کہ قانون مدنی جمہوری اسلامی ایران میں بیان ہوا ہے کہ: " افرادی کہ بہ لحاظ قانونی واجب النفقہ ہستند می توانند خرج خود را از فردی دیگر کہ اقارب آنہا است دریافت کنند۔ براساس (م: ۱۱۰۶، ۱۱۹۶ و ۱۲۰۹ ق-م) این افراد عبارت اند از: زوجہ دائم، پدر، مادر، نوہا، اولاد و اجداد است۔" (مجموعہ قانون مدنی جمہوری اسلامی ایران)

رہبر معظم فرماتے ہیں کہ اگر والدین نیازمند ہوں تو اولاد پر فرض ہے کہ عزت و احترام سے ان کی زندگی کے اسباب فراہم کریں:

" اگر پدر یا مادر درآمد کافی داشته باشد، مخارج زندگی او بر عہدہ کسی نیست، در غیر این صورت بر عہدہ فرزندان ۔ دختر و پسر ۔ است و ترجیحی بین فرزندان وجود ندارد و باید بہ گونہ ای رفتار نمود کہ موجب ایذاء یا ہتک حرمت او نشود" (بخش-مذہبی-۱۴/۸۴۹۵۲۷-حکم-شرعی-رہبر-انقلاب-در بارہ-مپرداخت-نفقہ-والدین www.afkarnews.com)

ایک روایت میں آیا ہے کہ امام جعفر صادق (علیہ السلام) سے پوچھا گیا کہ کن کن رشتہ داروں کی کفالت آدمی پر واجب ہے؟ امام نے جواب دیا: "الوالدان والولد"

والزوجة" (سابقہ حوالہ، ص ۲۳۷). روایات کے مطابق بیوی، والدین اور اولاد تو یقینی طور پر اس حکم میں شامل ہیں، البتہ بعض روایات میں لفظ (وارث صغیر) کا تذکرہ آیا ہے جن میں بھائی اور بھائی کا بیٹا وغیرہ شامل ہیں جو واجب النفقہ لوگوں کے ضمن میں بیان ہوا ہے۔ (سابقہ حوالہ) فقہا عام طور پر ان آخری موارد میں استحباب کا فتویٰ جاری کرتے ہیں۔ (سابقہ حوالہ، ص ۲۲۵) بہر حال، بیوی کے ضروری اخراجات کے لئے ایسی خصوصیات کا ذکر کیا گیا ہے جو اسے دوسرے واجب کفالت سے ممتاز کرتی ہیں؛

پہلی خصوصیت؛ یہ کہ بیوی کا نفقہ شوہر پر واجب ہونے میں بیوی کا محتاج ہونا ضروری نہیں، بلکہ شوہر پر حال میں اس کی ادائیگی کا پابند ہے۔ (امام خمینی، تحریر الوسیلة، ج ۲، ص ۳۱۹)

دوسری خصوصیت یہ ہے کہ اگر شوہر اسے ادا نہ کرے تو بیوی کا حق ضایع نہیں ہو گا بلکہ دین اور قرض کے طور پر اس کی ادائیگی شوہر پر واجب رہے گا۔ (نجفی، جواہر الکلام، ج ۳۱، ص ۳۲۲ و ۳۶۵)

تیسری خصوصیت یہ ہے کہ بیوی کو دوسرے رشتہ داروں کی کفالت پر فوقیت حاصل ہے۔ (سابقہ حوالہ، ص ۳۶۵؛ امام خمینی، تحریر الوسیلة، ج ۲، ص ۳۱۹)

اور چوتھی خصوصیت یہ ہے کہ اگر شوہر اس حق کو ادا کرنے سے انکار کرتا ہے، تو بیوی اس پر مقدمہ چلانے کے لئے عدالت میں جا سکتی ہے، اس صورت میں شوہر نفقہ دینے یا طلاق دینے میں سے کسی ایک کا انتخاب کرے گا۔ (حرالعاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۵، ص ۲۲۳ و ۲۲۴)

اس کے برعکس، والدین اور بچوں کے لئے نفقہ اور کفالت کی ذمہ داری ان کی غربت اور نیاز مندی کے ساتھ مشروط ہے، (نجفی، جواہر الکلام، ج ۳۱، ص ۳۱؛ امام خمینی، تحریر الوسیلة، ج ۲، ص ۳۲۰) اگر کوئی شخص اس ذمہ داری کو پورا نہ کرے تو اس پر گناہ ہوگا، لیکن اس کی قضا شخص پر واجب نہیں ہے۔ (نجفی، سابقہ حوالہ، ص ۳۷۹) ضمناً اگر کوئی شخص اسے ادا کرنے سے انکار کرتا ہے تو ایسا کرنے کے لئے قانونی چارہ جوئی کی جا سکتی ہے۔ اس کے علاوہ بعض روایات کے مطابق رشتہ داروں پر انفاق کرنا، جس میں بلاشبہ والدین اور اولاد شامل ہیں، دوسروں پر مقدم ہے۔ مثال کے طور پر امام زمانہ عجل اللہ تعالیٰ فرجہ الشریف، نے اپنے آباء و اجداد سے یہ حدیث نقل فرمایا ہے: "لَا يَقْبَلُ اللَّهُ الصَّدَقَةَ"

وَذُو رَحِمٍ مُّحْتَاَجٍ" (حرالعالمی، سابقہ حوالہ، ج ۶، ص ۲۸۷) انسان، اپنے کسی رشتہ دار کے محتاج ہوتے ہوئے دوسروں کو صدقہ و خیرات دے تو خدا اسے قبول نہیں کرتا۔^۱ (نجفی، جواہر الکلام، ج ۳۱، ص ۳۷۱)

ان تین موارد کے علاوہ دوسرے رشتہ داروں پر اتفاق کرنا مستحب ہے۔ متعدد آیات میں، قرآن پاک ضرورت مند رشتہ داروں کی مالی امداد پر زور دیتا ہے (بقرہ: ۱۷۷ و ۲۱۵؛ نساء: ۸؛ نحل: ۹۰؛ نور: ۲۲)۔ یا انہیں کھانا کھلانے کی سفارش کرتا ہے۔ (بلد: ۱۵) اسی طرح امام جعفر صادقؑ فرماتے ہیں: "مَنْ عَالَ ابْنَتَيْنِ أَوْ أُخْتَيْنِ أَوْ عَمَتَيْنِ أَوْ خَالَتَيْنِ حَبَبَتْهُ مِنَ النَّارِ بِإِذْنِ اللَّهِ" (حرالعالمی، وسایل الشیعہ، ج ۱۵، ص ۲۳۸) جو شخص دو بیٹیوں یا دو بہنوں یا دو پھوپھیوں یا دو خالاؤں کی کفالت کرے گا، وہ دو شخص اس کو جہنم کی آگ سے بچائیں گے۔

بعض رشتہ داروں پر اتفاق کرنے کا ایک طریقہ صدقہ جاریہ یا ان کے لئے کسی چیز کا وقف کرنا ہے، مذہبی رہنماؤں کی سیرت میں اس کی بہت سی مثالوں کا مشاہدہ کیا جا سکتا ہے۔ (سابقہ حوالہ، ج ۱۳، ص ۳۱۱-۳۱۵) مثال کے طور پر ایک روایت کے مطابق، امیر المومنین علی (علیہ السلام) نے مدینہ میں ایک گھر اپنی خالاؤں اور ان کے بچوں اور پوتوں کے رہنے کے لئے اور ان کی نسل ختم ہونے کی صورت میں ضرورت مند مسلمانوں کے لئے وقف کیا تھا۔ (سابقہ حوالہ، ص ۳۰۴)

(ب) وصیت کا حق

خداوند قرآن مجید میں ارشاد فرماتا ہے: "كُتِبَ عَلَيْكُمْ إِذَا حَضَرَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ إِنْ تَرَكَ خَيْرًا الْوَصِيَّةَ لِلْوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ" (بقرہ: ۱۸۰) اس آیت کے مطابق، مومنوں کو حکم دیا گیا ہے کہ اگر ان کے پاس کوئی مال ہو تو وہ مرنے سے پہلے اپنے والدین اور رشتہ داروں کے لئے وصیت کر لیں۔ اس آیت کے ظاہر سے وجوب سمجھ میں آتا ہے، لیکن شیعہ فقہاء نے دلائل و شواہد کی بنا پر اسے مستحب قرار دیا ہے، ساتھ ہی ان رشتہ داروں کے نسبت زیادہ مستحب

^۱ البتہ اگر فقر کی وجہ سے مرنے کا خوف ہو تو ایسی صورت میں نفس محترمہ کی حفاظت کے واجب ہونے کے باب سے ان پر اتفاق کرنا سب پر واجب ہو گا۔ (سابقہ حوالہ، ص ۳۰۱)

قرار دیا گیا ہے جن کا میت کی میراث میں کوئی حصہ نہیں ہوتا ہے۔ (بحرانی، الحدائق الناضرہ، ج ۲۲، ص ۳۸۰ و ۵۱۷)

جبکہ رببر معظم نے پہلی صورت میں واجب قرار دیتے ہوئے فرمایا ہے: "اگر ودیعہا و امانت‌های دیگران نزد او باشد و حق الناس یا حق الله تعالی بر عہدہ او باشد و در دوران حیات توانایی ادای آن را نداشته باشد، واجب است در مورد آن‌ها وصیت کند و در غیر این صورت وصیت واجب نیست" (<https://www.ilna.ir/fa/tiny/news661697>)

ج) رشتہ داروں کے گھر وں سے کھانا کھانے کا حق

ایک اور نکتہ جس کی نسبت اسلام نے تاکید کی ہے، بعض افراد کا اپنے قریبی رشتہ داروں اور دوستوں کے گھروں سے کھانا کھانے کا حق ہے۔ قرآن کریم کی ایک آیت کے مطابق ماں باپ، بھائیوں، بہنوں، چچا، پھوپھی، ماموں، خالہ، دوستوں اور ان لوگوں کو کہ جن کے اختیار میں گھروں کی چابیاں ہیں ان کے گھروں سے کھانا کھانے کو جائز قرار دیا گیا ہے۔ (نور: ۶۱) اس آیت کے ضمنی یا التزامی دلالت پر استناد کرتے ہوئے یا باب اولویت دادا، دادی، نانا، نانی، اولاد اور ان جیسے لوگوں کو اس مجموعے میں شامل کر سکتے ہیں، (نجفی، جواہر الکلام، ج ۳۶، ص ۴۱۲ و ۴۱۳) روایات کے مطابق مذکورہ حکم میں بیوی کا گھر بھی شامل ہے۔ (حرالعاملی، وسائل الشیعہ، ج ۱۶، ص ۴۳۵) البتہ جیسا کہ فقہاء نے اشارہ کیا ہے، ان گھروں سے کھانا کھانے کا جواز مشروط ہے اس بات کے ساتھ کہ مالک کی عدم رضایت ثابت نہ ہو۔ (شہید الثانی، مسالک الافہام، ج ۱۲، ص ۹۹؛ نجفی، جواہر الکلام، ج ۳۶، ص ۴۰۷)

د) دیہ ادا کرنے کا حق

اسلام کے قانونی نظام میں جب بھی کوئی شخص غیر ارادی یا بغیر جان بوجھ کے (کہ جسے اصطلاح میں خطائے محض کہا جاتا ہے) قتل یا زخم لگانے کا مرتکب ہوتا ہے تو دیت ادا کرنا اس کے مرد رشتہ داروں پر واجب ہے جسے اصطلاحاً "عاقلہ" کہا جاتا ہے۔ البتہ فقہاء کے درمیان اس بات میں اختلاف ہے کہ عاقلہ کے مصادیق میں کون کون شامل ہے، لیکن مشہور شیعہ فقہاء نے عاقلہ کو صرف آبائی رشتہ داروں کے لئے مخصوص سمجھا ہے، جبکہ عاقلہ کے لئے وارث ہونے کی شرط نہیں رکھی ہے۔ (نجفی، سابقہ حوالہ، ج ۴۳، ص ۴۱۵-۴۲۰)

ه) وراثت کا حق

وراثت کا حق، جس میں مرنے والے کی جائیداد کو قہری و جبری طور پر اس کے ورثاء کی طرف منتقل ہونا شامل ہے، اسلام سمیت بیشتر ثقافتیں اور

قانونی نظام رشتہ داری کے مسئلے سے وابستہ ہیں۔ اس سلسلے میں قرآن مجید فرماتا ہے: "لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ مِمَّا قَلَّ مِنْهُ أَوْ كَثُرَ نَصِيبًا مَّفْرُوضًا" (نساء: ۷) مردوں کے لئے اس ترکہ سے حصہ ہے جو ماں باپ اور رشتہ دار چھوڑ جائیں۔ اور عورتوں کے لئے بھی حصہ ہے اس ترکہ سے جو ماں باپ اور رشتہ دار چھوڑ جائیں خواہ وہ (ترکہ) تھوڑا ہو یا زیادہ یہ حصہ (خدا کی طرف سے) معین شدہ ہے۔ قرآن کریم نے سورہ نساء کی آیات ۳ اور ۳۳ میں بھی اجمالی طور پر اس حق کی تاکید کی ہے: "وَأُولُو الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ" (انفال: ۷۵؛ احزاب: ۶) اور سورہ نساء کی مختلف آیتوں میں اس کی مزید تفصیل بیان کی ہے۔ (نساء: ۱۱ و ۱۲ و ۱۷۶) اس کے علاوہ روایات اور فقہی کتابوں میں بھی وراثت کے تفصیلی احکام موجود ہیں۔ (حرالعاملی، وسائل الشیعہ، ج ۱۷؛ نجفی، جواہر الکلام، ج ۳۹)

۲۔ رشتہ داری اور شادی کے احکام

رببر معظم فرماتے ہیں: "ازدواج، در حقیقت دروازہی ورود بہ تشکیل خانواده است و تشکیل خانواده اساس ہمہی تربیتہای اجتماعی و انسانی است" (خطبہی عقد مورخہی ۱۳۴۲/۵/۱۸) <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=21428>

شادی کرنا در حقیقت خاندان اور فیملی تشکیل دینے کے لئے دروازے کی حیثیت رکھتا ہے اور تمام تر اجتماعی و انسانی تربیت اسی فیملی تشکیل دینے اور گھربسانے پر موقوف ہے۔ اسی اہمیت کے پیش نظر اسلام نے شادی بیاہ پر بہت زور دیتے ہوئے اس باب کے احکام کو تفصیل سے بیان کیا ہے۔ انہی احکام میں سے کچھ ایسے موارد پیش کرنا مقصود ہے کہ جن میں رشتہ داروں اور شادی بیاہ سے مربوط احکامات ہیں؛

جیسا کہ اسلام میں محرمیت کے عنوان سے (بعض قریبی رشتہ داروں سے شادی کی ممانعت) کی خاص تفصیلات بیان کی جاتی ہیں جو اسے دوسرے قانونی نظاموں سے ممتاز کرتا ہے۔

اس سلسلے میں قرآن کریم کی آیات (نساء: ۲۲ و ۲۳) پیغمبر اکرم (ص) اور ائمہ معصومین علیہم السلام سے منقول روایات کے مطابق (حرالعاملی، وسائل

الشیعہ، ج ۱۴، ص ۲۷۳-۲۸۲، ۳۵۱، ۳۵۵ و ۳۶۶) مرد عورتوں کے تین گروہوں سے شادی نہیں کر سکتا:

۱- وہ عورتیں جن کا اس کے ساتھ نسبی قریبی تعلق ہو، جیسے ماں، دادی، نانی، بیٹی، پوتی، بہن، بہن کی بیٹی، نواسی اور پوتی، بھائی کی بیٹی، پوتی اور نواسی، پھوپھی اور خالہ؛

۲- وہ خواتین جو رضاع کے ذریعہ کسی شخص کے ساتھ مذکورہ بالا نسبی قریبی تعلقات پیدا کرتی ہیں، جیسے رضاعی ماں، بیٹی، بہن، پھوپھی اور خالہ؛

۳- سببی محارم جیسے ساس، بہو، سوتیلی بیٹی، سوتیلی ماں اسی ترتیب سے داماد، سسر، سوتیلا باپ اور سوتیلا بیٹا محرم ہوجاتے ہیں۔ اگرچہ بیوی کی بہن محرم نہیں ہے، لیکن اس سے شادی کرنے کی حرمت کا حکم مشروط ہے بیوی کو طلاق نہ دینے کے ساتھ، اس کا مطلب یہ ہے کہ مرد کے لئے ایک وقت میں دو بہنوں سے شادی کرنا جائز نہیں ہے، لیکن اگر کسی شخص کی بیوی مر جائے یا وہ اپنی بیوی کو طلاق دے دے اور اس کی عدت پوری ہو جائے تو وہ اپنی سابقہ بیوی کی بہن سے شادی کر سکتا ہے۔ (شبید الثانی، الروضۃ البیہ فی شرح الدمشقیہ، ج ۵، ص ۱۵۴-۱۸۴)

اس کے علاوہ نوجوانوں کی شادی کے لئے شرائط اور انتظامات فراہم کرنے میں رشتہ داروں کے کردار کی طرف اشارہ کرنا ضروری ہے۔ قرآن کریم "وَ اَنْكِحُوا الْاَيَامَى مِنْكُمْ" (نور: ۳۲) سے سب کو مخاطب کرتے ہوئے، خاص طور پر قریبی رشتہ داروں اور جاننے والوں کو سفارش کرتا ہے کہ وہ (کنواروں اور جن کی بیوی نہیں ہے) ان کی شادی کرانے میں اپنا کردار ادا کریں۔

آخر کار موضوع "حکمت" یعنی میاں بیوی کے درمیان شدید اختلاف یا جھگڑے کی وجہ سے رشتے کو جاری رکھنے یا ختم کرنے کے متعلق شوہر کے رشتہ داروں میں سے کسی ایک شخص اور بیوی کے رشتہ داروں میں سے کسی ایک شخص کا فیصلہ اور داوری، ایک ایسا مورد ہے جس میں اسلام نے رشتہ داروں کے لئے ایک خاص کردار بیان کیا ہے۔ (نساء: ۳۵)

۳- رشتہ داری اور حجاب کے احکام

رببر معظم انقلاب اسلامی نے حجاب کو اسلام کی تعلیمات میں سے ایک قرار دیتے ہوئے عورتوں کی فکری، علمی، سماجی، سیاسی و روحانی نشوونما اور عورتوں کی پاکیزگی کی حفاظت کے لیے پردے پر زور دیا اور فرمایا کہ حجاب عورتوں کے لئے روحانی اور اعلیٰ درجوں تک پہنچنے اور گمراہی و بے راہ روی سے بچنے کا سبب بنتا ہے اور عورتوں اور مردوں کے تحفظ کا باعث بنتا ہے۔ (برگرفته از بیانات رہبر معظم انقلاب در سال های ۱۳۶۸ - ۱۳۹۸) (farsi.khamenei.ir)

اسلام نے ایک کلی قاعدہ کے طور پر خواتین کے لئے حجاب کو واجب قرار دیا ہے، جسے بہت سے فقہاء نے چہرے اور ہاتھوں کی کلائیوں تک کے علاوہ پورے جسم کو ڈھانپنے سے تعبیر کیا ہے، (نجفی، جواہر الکلام، ج ۲۹، ص ۷۵؛ أنصاری، کتاب النکاح، ص ۴۴ و ۴۶). لیکن قاعدہ محرمیت، جیسا کہ کچھ رشتہ دار خواتین کے ساتھ شادی کرنے سے منع کرتا ہے، ان خواتین کی نسبت حجاب اور پردہ کرنے کے واجب پر مذکورہ کلی قاعدہ سے استثناء قرار دیا گیا ہے، یعنی جو مرد ان کے لئے محرم ہیں ان کے سامنے شرعی حجاب کی رعایت کرنا ضروری نہیں ہے۔ سورہ نور کی ایک آیت میں بیان ہوا ہے کہ باپ، شوہر، شوہر کا باپ، شوہر کے بیٹے، بھائی، بھائی کے بیٹے اور بہن کے بیٹے سے حجاب کرنا واجب نہیں ہے۔ (نور: ۳۱) فقہی دلائل کی بنیاد پر، یہی حکم اس عورت کے دیگر محارم کی نسبت، جیسے دادا، نانا، پوتے، نواسے، چچا، ماموں، داماد اور رضاعی رشتہ دار جو مذکورہ نسبت رکھتے ہیں، پر بھی لاگو ہوتا ہے۔ (مقدس الاربدیلی، زبده البيان في احكام القرآن، ص ۵۴۵ و ۵۴۸؛ حکیم، مستمسک العروة الوثقی، ج ۱۴، ص ۳۲)

نتیجہ

رببر معظم امام خامنہ ای (دامت برکاتہ) کے قرآنی، حدیثی و اسلامی اجتماعی افکار و ارشادات کی روشنی میں عائلی نظام زندگی کے کچھ اصول کو پڑھنے اور سمجھنے کی کوشش ہوئی جس کا خلاصہ کچھ یوں ہے:

بعض ارشادات سے یہ سمجھ میں آتا ہے کہ نسبی رشتہ داروں سے تعلقات کچھ خاص مبنائی پر مبنی ہیں اور خاص فطری اور طبیعی آثار بھی رکھتے ہیں۔

صلہ رحمی کا مفہوم یہ ہے کہ نسبی رشتہ داروں کے ساتھ مثبت تعلقات برقرار رکھنا اور مصداقی معنی یہ ہے کہ اس کی تشخیص عرف پر موقوف ہے۔

اسلام رشتہ داروں کے روابط پر دو اصول ایمان اور عدالت کو مقدم سمجھتا ہے۔

اسلامی تعلیمات میں صلہ رحم کے لئے انفرادی اور اجتماعی اسی طرح دنیاوی و اخروی متعدد آثار بیان کئے گئے ہیں۔

بیوی کو مطلق طور پر اور والدین اور بچوں کو مشروط صورت میں واجب النفقہ افراد میں شامل کیا گیا ہے۔

نان و نفقہ کا حق، وصیت کا حق، کھانا کھانے کا حق، دیہ ادا کرنے کا حق اور میراث وغیرہ کو رشتہ داروں کے مالی حقوق میں شمار کیا گیا ہے۔

اسی طرح شادی بیاہ اور حجاب جیسے موارد میں رشتہ داروں کی نسبت کچھ خاص احکام بیان کر کے اسلامی عائلی نظام زندگی کے انمول اصول اور روشن و ممتاز چہرے کی طرف اشارہ کیا گیا۔

کتابیات

۱. قرآن کریم
۲. امام خمینی، سید روح الله، تحریر الوسيلة، قم: مؤسسہ مطبوعاتی اسماعیلیان، {بی تا}.
۳. بحرانی الاصفہانی، عبدالله، ، الحدائق الناضرة، قم: مؤسسہ الامام المہدی، ۱۴۲۵ ق.
۴. حرالعاملی، محمد ابن حسین، وسائل الشیعہ (۲۰ جلدی)، تهران: المکتبہ الاسلامیہ، {بی تا}.
۵. حکیم، السید محسن، مستمسک العروة الوثقی، قم: منشورات مکتبہ آیہ الله العظمی المرعشی النجفی، ۱۴۰۴ ق.
۶. خامنہ ای، سیدعلی، دفتر حفظ و نشر آثار آیت الله العظمی خامنہ ای (<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=>)
۷. راغب الاصفہانی، حسین بن محمد، المفردات في غريب القرآن، (بی جا): دفتر نشر کتاب، ۱۴۰۴ ق.
۸. رضی، السید محمد بن حسین، نہج البلاغہ (۴ جلدی)، تحقیق محمد عبدہ، قم: دارالذخائر، ۱۳۷۰.
۹. سارو خانی، باقر، دائرة المعارف علوم اجتماعی، تهران: سازمان انتشارات کیهان، ۱۳۶۶.
۱۰. سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن، الدر المنثور، قم: منشورات مکتبہ آیہ الله العظمی المرعشی النجفی، ۱۴۰۴ ق.
۱۱. الشہید الأول، محمد بن مکی، القواعد و الفوائد، تحقیق السید عبدالہادی الحکیم، قم: منشورات متنبہ المفید، {بی جا}.
۱۲. الشہید الثاني، زین الدین بن علی، الروضة البهية في شرح اللمعة الدمشقية، قم: منشورات الداوری، ۱۴۱۰ ق.
۱۳.، مسالک الافہام (۱۵ جلدی)، قم: مؤسسہ المعارف الاسلامیہ، ۱۴۱۶ ق.
۱۴. صدوق، محمد بن علی ابن حسین، ترجمہ امالی، (ترجمہ کمرہ ای).
۱۵. طباطبائی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، انتشارات جامعہ مدرسین حوزہ علمیہ، قم، ۵، ۱۴۱۷ ق.
۱۶. فروید، زیگموند، توتم و تابو، ترجمہ ایرج پورباقر، تهران: آسیا، ۱۳۶۲ ش.
۱۷. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
۱۸. مقدس الاردبیلی، المولی احمد، ذبذبة البیان في أحكام القرآن، تحقیق محمد باقر البہبودی، تهران: المکتبہ المرتضویہ لاحیاء الآثار الجعفریہ، {بی تا}
۱۹. نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام (۴۳ جلد)، بیروت: دار احیاء التراث العربی، {بی تا}.
۲۰. نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، لبنان: مؤسسہ آل ا لنبیت لاحیاء التراث، ۱۴۰۸ ق.
۲۱. متن بیانیہ گام دوم انقلاب اسلامی ایران Khamenei.ir (بیانیہ گام دوم)

امام خامنہ ای کے قرآنی نظریات کے تناظر میں اولاد کی تربیت میں ماں باپ کا کردار اور وظیفہ

محمد عسکری مقدس^۱

اشاریہ

اشرف المخلوقات ہونے کی حیثیت سے انسان تربیت کا محتاج ہے۔ انسان کی خلقت دوسری مخلوقات سے مختلف اور زیادہ پیچیدہ ہے اسی لئے اس تربیت بھی زیادہ سخت اور توجہ طلب ہے۔ انسان کی تربیت اس کی زندگی کے آغاز سے ہی شروع ہوتی ہے۔ جو شخص خود کو اپنے خاندان اور معاشرے کے حوالے سے ذمہ دار سمجھتا ہے، بچوں کی تربیت کو اہمیت دیتا ہے۔ بچے کی تربیت کے کئی مراحل ہیں۔ اسلام نے ان مراحل کو بیان کیا ہے اور ہر مرحلے میں والدین کے فرائض اور وظائف بیان کئے ہیں۔ اللہ تعالیٰ نے قرآن کریم میں ابتدائی طور پر خود کو تربیت کو ذمہ دار قرار دیا ہے۔ روایات میں بھی بچے کی تربیت پر خصوصی تاکید کی گئی ہے چنانچہ پیغمبر اکرم صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم نے فرمایا کہ بچہ ابتدائی سات سال بادشاہ، دوسرے سات سال غلام اور تیسرے سات سالوں میں وزیر ہوتا ہے جس سے مشورہ کیا جاتا ہے۔ بچوں کی تربیت کے موضوع پر متعدد تصنیفات موجود ہیں۔ اس مقالے میں رہبر معظم کی نگاہ میں خاندان میں بچے کی تربیت اور اس میں ماں باپ کے کردار اور وظائف کو بیان کیا گیا ہے۔ آیت اللہ خامنہ ای اپنے بیانات میں بچے کی تربیت کے مراحل اور اس میں ماں باپ کے کردار اور وظائف کی طرف اشارہ کرتے ہیں۔ انہوں نے خاندان میں بچے کی تربیت اور اس حوالے سے ماں اور باپ کے وظائف کو بیان کیا ہے۔ اس مقالے میں خاندان میں بچے کی تربیت میں ماں باپ کے کردار اور وظائف کو حضرت آیت اللہ خامنہ ای کے نظریات کے مطابق بیان کیا گیا ہے۔

کلیدی الفاظ: تربیت، فرزند، خاندان، ماں باپ، خامنہ ای

^۱ - ریسرچ اسکالر، قرآن و علوم گرایش قرآن و تربیت، جامعہ المصطفیٰ العالمیہ، قم۔

مقدمہ

اللہ تعالیٰ نے انسان کو اشرف المخلوقات بنا کر خلق کیا ہے۔ اس کائنات کی تمام اشیاء اور نعمتیں انسان کی خاطر پیدا کی ہیں چنانچہ قرآن میں ارشاد باری تعالیٰ ہے کہ وہی ذات ہے جس نے جو کچھ روئے زمین پر ہے، تمہارے لئے خلق کیا ہے۔ اللہ نے اسی پر اکتفا نہیں کیا بلکہ معنوی مقام کا لائق سمجھا اور ملائکہ کو اس کے سامنے سجدہ کیا۔ ملائکہ کا حضرت آدم کو سجدہ کرنا عبادت کی نیت سے نہیں تھا بلکہ تعظیم اور اللہ کے حکم کو بجالانے کے لئے تھا کیونکہ فقط اللہ کے سامنے عبادت کی نیت سے سجدہ کر سکتے ہیں پس یہ سجدہ خضوع کا اظہار تھا نہ اظہار بندگی۔ (مکارم شیرازی، ۱۳۷۳، ج ۱، ص ۱۸۴)

فرشتوں کا سجدہ کرنا دلیل ہے کہ انسان دوسری مخلوقات سے برتر ایک مخلوق ہے البتہ اس کو اپنی جسمانی ساخت اور بدن کی وجہ سے یہ فضیلت حاصل نہیں ہے بلکہ اس کا معیار جدا ہے۔ اگر وہ معیار اور شرائط پر اترے تو دوسری مخلوقات سے افضل قرار پائے گا۔ وہ معیار تقویٰ اور پرہیزگاری ہے۔ چنانچہ اسی صفت کی وجہ سے انسان آپس میں ایک دوسرے سے ممتاز اور بافضیلت ہوجاتا ہے۔ **إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ** (الحجرات/۱۳) تقویٰ کی صفت اور شرط حاصل کرنے کے لئے تربیت لازمی ہے۔ تربیت بچپن میں کی جاتی ہے کیونکہ اس وقت تربیت آسان اور زیادہ مفید ہوتی ہے۔

آج کے بچے کل ملک اور قوم کا مستقبل سنبھالیں گے۔ اگر ان بچوں کی درست تربیت ہوجائے تو ملک اور معاشرے بیرونی عناصر اور شیطانی طاقتوں سے محفوظ ہوں گے۔ اگر اس حوالے سے کوتاہی کی جائے تو سب سے پہلے خاندان، اس کے بعد معاشرہ اور بالآخر ملک خطرے میں پڑ جائے گا۔ اسلام میں ذاتی زندگی کے ساتھ ساتھ اجتماعی زندگی کو بھی بہت اہمیت دی گئی ہے۔

خاندان میں بچہ آنکھیں کھولتا ہے اور زندگی شروع کرتا ہے لہذا ماں باپ خاندان کے دو اہم ستون ہونے کی وجہ سے تربیت میں اہم کردار ادا کرتے ہیں۔ جب بچہ والد کے صلب یا ماں کے پیٹ میں ہو، اس وقت سے ہی والدین کو اس کی تربیت پر توجہ دینا چاہئے اور ضروری امور کا خیال رکھنا چاہئے اسی طرح ولادت کے بعد شیرخواری کے دوران اور سکول جانے سے پہلے خاندان میں اس کی تربیت کے مختلف مراحل کا لحاظ رکھنا چاہئے۔

اس مقالے میں رہبر معظم امام خامنہ ای کی نگاہ میں بچے کی تربیت میں خاندان یعنی والدین کے فرائض اور وظائف پر روشنی ڈالی گئی ہے۔ مقالے میں توصیفی اور تحلیلی روش سے استفادہ کیا گیا ہے جس کے نتیجے میں یہ حقائق سامنے آتی ہیں کہ انسان کو شریک حیات کے انتخاب کے وقت سے ہی بچے کی تربیت کی فکر کرنا چاہئے۔ بچہ جب باپ کے صلب یا ماں کے پیٹ میں ہو تو انسان کو اپنے کردار مخصوصا کھانے پینے میں حلال اور حرام کا خیال کرنا چاہئے۔

بچے کی ولادت کے بعد ماں باپ کے فرائض مزید بڑھ جاتے ہیں۔ باپ اور ماں دونوں اپنی ذمہ داریوں کو احسن طریقے سے انجام دیں تو انسان کامل معاشرے کو مل سکتا ہے

تربیت

تربیت کے لغوی معنی پرورش کرنا، کسی کو ادب یا اخلاق سکھانا (عمید، ۱۳۷۵، ص ۶۶۵) کسی انسان یا چیز میں مطلوبہ تبدیلی ایجاد کرنا (انوری، ۱۳۸۱، ص ۱۶۸۶) راغب اصفہانی تربیت کا لغوی معنی یوں بیان کرتے ہیں کہ کسی چیز کو ایک حالت سے دوسری حالت میں بدلنا تاکہ تکمیل تک پہنچ جائے (راغب اصفہانی، ۱۳۱۶، ص ۳۳۶)

اصطلاح میں تربیت جس کی تربیت مقصود ہے اس کے لئے مناسب رفتار اور گفتار انتخاب کرنا اور ضروری حالات اور لوازمات مہیا کرنا تاکہ اس کے وجود کے تمام پہلوؤں میں پوشیدہ صلاحیتوں کی پرورش کی جاسکے اور مطلوبہ ہدف اور کمال کی طرف تدریجا حرکت کرے۔ (امینی، ص ۱۴)

رہبر معظم تربیت کی تعریف کرتے ہوئے اسلامی نقطہ نظر کو مدنظر رکھتے ہیں اور فرماتے ہیں کہ تربیت کا مطلب انسان اور معاشرے کو زندگی عطا کرنا ہے۔ (اساتذہ کے اجتماع سے خطاب، ۱۳۸۷/۰۲/۱۲، <https://khl.ink/f/1606>)

خانوادہ یا خاندان

خانوادہ یا خاندان لغت میں اہل خانہ یا معاشرے کا سب سے چھوٹا اجتماعی گروہ ہے جو ماں باپ اور بچوں پر مشتمل ہوتا ہے۔ (انوری، ۱۳۸۱، ص ۲۶۶۵)

رہبر معظم خاندان کی تعریف کرتے ہوئے فرماتے ہیں کہ خاندان ایک کلمہ طیبہ ہے جس کی خصوصیت یہ ہے کہ جب کسی جگہ وجود میں آتا ہے تو مسلسل برکت اور نیکی برساتا ہے اور اپنے اردگرد نفوذ پیدا کرتا ہے۔ دوسری جگہ

فرماتے ہیں کہ خاندان ایک پر امن جگہ ہے جس میں ماں باپ اور بچے اپنی روح،
فکر اور ذہن کو سالم رکھ کر رشد کرسکتے ہیں۔ (خاندان کا ماحول کے موضوع پر
خطاب، ۱۳۸۶/۰۸/۱۹، <https://khl.ink/f/21429>)

فرزند

فرزند یعنی ہر ماں باپ کا بیٹا یا بیٹی یا جو دوسرے سے پیدا ہو جائے خواہ بیٹا
ہو خواہ بیٹی (انوری، ۱۳۸۱، ص ۵۳۰۶)

تربیت فرزند کی ضرورت

اولاد کی تربیت ان موضوعات میں سے ہے جس کی طرف قدیم زمانے سے
معاشرے کی توجہ مبذول رہی ہے۔ دانشوروں نے قدیم دور سے آج تک اس
موضوع کو اہمیت دی ہے۔ آج کے بچے کل ہمارے معاشرے اور ملک کی بھاگ
ڈور سنبھالیں گے۔ اگر پہلے مرحلے پر بچے کی تربیت درست طریقے سے انجام
دیا جائے تو اس کے نتیجے میں قوم اور ملت کو اچھا مستقبل مل جاتا ہے۔ اسی
وجہ سے ہر مکتب فکر نے تربیت کے اصول و قوانین متعارف کرائے ہیں۔ اگرچہ
مادی اور الہی مکاتب فکر میں بہت فرق اور فاصلہ ہے لیکن تربیت کی اہمیت
اور افادیت پر دونوں کا اتفاق ہے۔ اسلام نے ایک مکتب فکر کی حیثیت سے والدین
کو اولاد کی تربیت کا حکم دیا ہے۔ اللہ تعالیٰ قرآن کریم میں ارشاد فرماتا ہے: یا

أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا (التحریم/۶) اے ایمان والو! خود کو اور اپنے
گھر والوں کو آگ سے بچالو۔ خاندان کو آگ سے بچانا امر بالمعروف اور نہی عن
المنکر میں منحصر نہیں ہے بلکہ گھر اور خاندان میں ہر طرح کی آلودگی سے
پاک فضا مہیا کرنا بھی اس میں شامل ہے۔ یہ عمل خاندان کی بنیاد رکھنے کے
وقت یعنی شادی کے دوران اور اس کے بعد بچے کی ولادت سے اس کا آغاز ہونا
چاہئے اور اس کے بعد بھی تمام مراحل میں اس کا لحاظ رکھنا چاہئے۔ (مکارم
شیرازی، ۱۳۷۳، ج ۲۳، ص ۲۸۷)

حضرت امیرالمومنین علی علیہ السلام اس آیت کی تفسیر میں فرماتے ہیں کہ
عَلِّمُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ الْخَيْرَ وَأَدَّبُوهُمْ (ری شہری، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۱۰۳) یعنی خود کو
اور اپنے گھر والوں کو نیکی کی تعلیم دو اور ان کی تربیت کرو۔ اس آیت سے
اولاد کی تربیت کی اہمیت واضح ہوجاتی ہے۔ جو بچے اپنے سرپرستوں کی نگرانی

میں تربیت حاصل کرتے ہیں، چنانچہ صحیح تربیت ہو جائے تو مستقبل میں قوم اور معاشرے کے لئے مفید ہونے کی امید زیادہ ہے۔ در حقیقت تربیت وہ بہترین ہدیہ ہے جو والدین اپنی اولاد کو دے سکتے ہیں۔

تربیت کے مراحل

تربیت ایک سلسلہ وار عمل ہے جس کے مراحل ایک دوسرے سے پیوستہ ہیں۔ اگر ان میں سے کسی ایک مرحلے میں تربیت کے ضروری امور کا خیال نہ رکھا جائے تو پورا عمل متاثر ہو جاتا ہے اور بچے کی تربیت صحیح انداز میں نہیں ہوتی ہے اس کے نتیجے میں ماں باپ صحیح و سالم بچے کے معاشرے کے حوالے نہیں کر سکتے ہیں۔ اولاد کی تربیت ابتدا سے ہی نہایت توجہ طلب اور مشکل کام ہے لیکن اس دور میں مزید دشوار ہوا ہے۔ گذشتہ زمانے میں ترقی کی شرح کم تھی اس لئے دوسرے امور کی طرح تربیت بھی نسبتاً آسان کام تھا لیکن موجودہ دور میں جدید ترقی کی وجہ سے دوسرے امور کی طرح تربیت بھی مشکل اور پیچیدہ ہو گئی ہے۔ آج بچے اور نوجوان کی تربیت گذشتہ دور حتی بیس پچیس سال پہلے سے بہت زیادہ فرق کر گئی ہے لہذا بچے اور نوجوان کی تربیت پر زیادہ توجہ اور فکر کرنے کی ضرورت ہے۔ (بچوں کی تربیت کے ذمہ داران سے خطاب، <https://khl.ink/f/3932>، ۱۳۷۷/۰۲/۲۳)

اسلام اور مغربی مکاتب فکر کے درمیان تربیت کے حوالے سے بہت فرق ہے۔ مغرب کے مطابق تربیت ولادت کے بعد سے شروع ہوتی ہے چنانچہ معروف دانشور ایرک ہیمبرگر اریکسن اپنے معروف نظریے میں ولادت کے بعد سے تربیت کے اصول پیش کرتے ہیں۔ اریکسن کے مطابق تربیت اور رشد کا پہلا مرحلہ ولادت کے بعد سے ۱۸ ماہ تک پر مشتمل ہے۔ اسلام میں اولاد کی تربیت کے عمل کا دورانیہ اس کے بہت وسیع ہے۔ اسلام کے مطابق انسان کو شریک حیات کے انتخاب کے وقت سے ہی اولاد کی تربیت کے اصولوں کی رعایت کرنا چاہئے۔ ایسا شریک حیات انتخاب کرے تو بچے کی ولادت اور تربیت میں اس کی مدد کرے۔ اسلام اور مغربی مکاتب میں فرق کی بنیادی وجہ یہ ہے کہ مغربی مکاتب مادی نظریے کی وجہ سے انسان کی زندگی کو اسی دنیا کے چند دنوں تک محدود سمجھتے ہیں اسی لئے تربیت کے مراحل بھی دنیوی زندگی کی حدود تک محدود ہیں۔

اسلام ماں کے پیٹ میں نطفہ ٹھہرنے سے پہلے نطفے کی تربیت پر تاکید کرتا ہے۔ جس طرح انسان کو ماں باپ سے مال اور جائیداد ارث میں ملتی ہیں اسی

طرح ان کی معنوی صفات اور اخلاقیات بھی ورثے میں پاتا ہے۔ ماں باپ کا اخلاق اور نفسیاتی صفات بچے کی روح اور نفسیات پر گہرے اثرات مرتب کرتی ہیں۔ اسلام میں ماں باپ کا اخلاق اور صفات بہت اہمیت کی حامل ہیں کیونکہ ان کی وجہ سے بچے کی تربیت متاثر ہوتی ہے۔ روایت میں آیا ہے کہ تَزَوُّجُوا فِي الْحِجْرِ الصَّالِحِ، فَإِنَّ الْعِرْقَ دَسَّاسٌ (ری شہری، ۱۳۸۹، ج ۲، ص ۱۱۸۳) اچھے خاندان میں شادی کرو کیونکہ خون اثر رکھتا ہے۔ اسی طرح اخلاقی گندگی کے ڈھیر میں زندگی کرنے والوں سے شادی کرنے سے منع کیا گیا ہے کیونکہ ان کے برے اخلاق کی وجہ سے برے بچے پیدا ہوتے ہیں۔ اگر والدین کا اخلاق اچھا ہو تو خاندان کا ماحول بھی بہت پرسکون اور آرام دہ ہوتا ہے چنانچہ خاندان میں سکون اور اچھا اخلاق رائج ہوتو اس میں زندگی کرنا انسان کو سعادت مند بناتا ہے۔ اس خاندان میں تربیت پانے والے بچے کسی نفسیاتی دباو اور اخلاقی بے راہ روی کے بغیر بڑے ہوجاتے ہیں اس طرح زندگی میں خوش بخت ہونے کا وسیلہ اور مقدمہ پیدا ہوتا ہے۔ (پارسافر، ۱۳۹۵، ص ۲۳)

ولادت سے پہلے بچے کی تربیت کے کئی مراحل ہیں جن میں شریک حیات کا انتخاب، باپ کے صلب میں نطفے کی تربیت اور ماں کے پیٹ میں بچے کی تربیت شامل ہیں۔

شریک حیات کا انتخاب

انسان بالغ ہونے کے بعد اپنی زندگی میں ایک ساتھی کی ضرورت محسوس کرتا ہے۔ انسان کی روح اور نفسیات اس کو مجبور کرتی ہیں کہ زندگی کو جاری رکھنے کے لئے جنس مخالف سے کوئی شریک انتخاب کرے۔ شریک حیات کا انتخاب انسان کی زندگی میں اہم کردار ادا کرتا ہے۔ ایک اچھا شریک حیات انسان کی زندگی میں نظم و ضبط لانے اور مختلف موڑ پر موجود مشکلات سے نجات دینے میں معاون ثابت ہوسکتا ہے۔ یہ انتخاب جتنا جلد ہوجائے بہتر ہے کیونکہ شادی میں موجود خیر و برکت اس وقت زیادہ نصیب ہوتی ہے جب یہ کام بروقت انجام پائے اور دوسری وجہ یہ ہے کہ جنسی بے راہ روی کا راستہ شادی کرنے سے بند ہوجاتا ہے۔ (https://khl.ink/f/41549، ۱۳۹۸/۰۵/۰۲)

جس طرح انتخاب شریک حیات میں دیر ہو جائے تو انسان کو نقصان اٹھانا پڑتا ہے اسی طرح اگر اس انتخاب میں غلطی کرے تو بھی ایسی مصیبت میں گرفتار ہو جاتا ہے جس سے پوری زندگی رنج اٹھاتا ہے۔

اچھا شریک حیات نہ انسان کی اپنی زندگی پر اچھا اثر مرتب کرتا ہے بلکہ بچوں کی زندگی بھی خوشحال ہوتی ہے۔ قرآن اور روایات میں شریک حیات کے انتخاب کے بارے میں بہت تاکید کی گئی ہے۔ انسان کو اچھا شریک حیات انتخاب کرنے اور برے شریک حیات سے بچنے کی سفارش کی گئی ہے۔ قرآن کریم میں پاک دامنی کو شریک حیات کے انتخاب کا معیار قرار دیتے ہوئے اللہ تعالیٰ ارشاد فرماتا ہے: **فَانكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ (نساء/۳)** پاک دامن عورتوں سے نکاح کریں۔ دوسری آیت میں شرافت اور بزرگی کو معیار قرار دیا گیا ہے: **وَالْبَدُّ الطَّيِّبُ**

يَخْرُجُ نَبَاتُهُ بِإِذْنِ رَبِّهِ وَالَّذِي خَبْتُ لَا يَخْرُجُ إِلَّا نَكْدًا (اعراف/۵۸) یعنی اور پاکیزہ زمین کا سبزہ بھی اس کے پروردگار کے حکم سے خوب نکلتا ہے اور جو زمین خبیث ہوتی ہے اس کا سبزہ بھی خراب نکلتا ہے۔ روایات میں شریک حیات مرد اور عورت کے بارے میں بہت تاکید کی گئی ہے چنانچہ حضرت امام جعفر صادق علیہ السلام فرماتے ہیں: **انظر أين تضع نفسك و من تشرکه في مالک و تطلعہ علی دینک و**

سرگ و امانتک (کلینی، ۱۳۸۵، ج ۵، ص ۳۲۳) بہت غور کریں کہ خود کو کہاں رکھتے ہو اور کس کو اپنے مال میں شریک قرار دے رہے ہو اور اپنے دین اور اسرار کے بارے میں کس کو مطلع کر رہے ہو۔ شریک حیات قرار دینے والے مرد کے بارے میں فرماتے ہیں کہ **زوجها من رجل تقی، فإنه إن أحبها أكرمها وإن أبغضها لم يظلمها (طبرسی، ۱۳۷۰، ص ۲۳۳)** یعنی پاک مرد سے اس کی شادی کرادو کیونکہ اگر وہ اس کو پسند کرے تو الاحترام کرے گا اور پسند نہ کرے تو ظلم نہیں کرے گا۔ اسی طرح شریک حیات عورت کے بارے میں فرماتے ہیں: **إنما المرأة قلابة فانظر ما تتقلد (صدوق، ۱۳۸۹، ص ۱۲۲)** یعنی عورت مرد کے گلے میں گردن بند کی طرح ہے پس توجہ کرو کہ کیسا ہار پہن رہے ہو۔

شریک حیات میں اچھی صفات کا ہونا بہت ضروری ہے اگر مال اور دولت اور حسن و جمال کو مدنظر رکھ کر شادی کریں تو مستقبل میں خاندان کی تشکیل اور

اولاد کی تربیت مشکل ہو جائے گی۔ یہ صحیح نہیں ہے جب ایک جوان لڑکا یا لڑکی شادی کرے تو دوسرے کا مال مدنظر نہیں ہونا چاہئے میری نظر میں یہ ایک گمراہ کن رواج ہے لہذا اس کی طرف بالکل توجہ نہیں دینا چاہئے۔ (زندگی کے مختلف شعبوں سے تعلق رکھنے والی خواتین سے خطاب، ۱۳۷۷/۰۷/۱۸، <https://khl.ink/f/2910>)

اگر انسان اچھا شریک حیات انتخاب کرسکے تو خاندان کی تشکیل اور اولاد کی تربیت میں بھی کامیاب ہوگا۔ انسان کی فطرت اور طبیعت کا تقاضا یہ ہے کہ ماں باپ کے آغوش میں اور خاندان کے بہترین ماحول میں اس کی تربیت کی جائے۔ جب تک صحیح و سالم ماں باپ اور ماحول میسر نہ ہوں اس کی اچھی تربیت ممکن نہیں ہے۔ اگر خاندان کا ماحول پرسکون اور مناسب ہو تو اولاد کی نفسیاتی اور اخلاقی تربیت کے حوالے سے انسان کو اطمینان ہوسکتا ہے۔ (پارسافر، ۱۳۹۵، ص ۱۴)

باپ کے صلب میں بچے کی تربیت

باپ کی صلب بچے کی اہم تربیت گاہ ہے۔ صلب کا پاک ہونا بچے کی خوشبختی پر کھرا اثر کرتا ہے۔ جو بچے پاک و پاکیزہ صلب میں نشو و نما پاتے ہیں ان کی تربیت بھی اچھی طرح ہوتی ہے۔ چنانچہ حضرت ابا عبد اللہ الحسین علیہ السلام کی زیارت میں پڑھتے ہیں اَشْهَدُ اَنْكَ كُنْتَ نُورًا فِي الْاَصْلَابِ الشَّامِخَةِ (طوسی، ۱۳۶۵، ج ۶، ص ۱۱۳) یعنی امام حسین علیہ السلام نے اسلام کی راہ میں اس قدر زحمتیں برداشت کیں اس کی ایک عامل باپ کا صلب پاک ہونا تھا۔ اسی طرح پیغمبر اکرم صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم سے ایک روایت منقول ہے کہ لم یزل ینقلنی اللہ من اصْلاب الطاہرین اِلی اُرْحَامِ الْمُطْهَرَاتِ، حتی اُخْرِجَنی فی عَالَمِکُمْ هَذَا، لَمْ یَدْنَسْنِی بَدَنَسِ الْجَاهِلِیَّةِ (طبرسی، ۱۳۰۸، ج ۳، ص ۹۰) یعنی اللہ تعالیٰ نے مجھے پاک صلب سے پاک رحم میں منتقل کیا یہاں تک کہ اس زمانے میں دنیا میں آیا۔ میں جاہلیت کی نجاست سے کبھی آلودہ نہیں ہوا ہوں۔

صحیح و سالم بچے کی پیدائش میں جس طرح حفظانِ صحت کے اصولوں کی رعایت لازمی ہے تاکہ بچہ جسمانی طور پر صحیح و سالم پیدا ہو جائے اسی طرح اسلام وحی اور تعلیمات الہی کی روشنی میں کچھ اور نکات کی رعایت کی تاکید کرتا ہے جو اس کی معنوی اور روحانی تربیت میں موثر ہیں۔ جس طرح جسمانی خصوصیات بچے کو باپ سے ارث میں منتقل ہوتی ہیں اسی طرح روحانی اور

معنوی صفات بھی باپ سے بچے میں منتقل ہوتی ہیں بنا براین باپ کو اپنے نطفے کا خیال رکھنا لازمی ہے تاکہ اس کے صلب سے عورت کے رحم میں منتقل ہونے والا نطفہ پاک و پاکیزہ ہو جائے۔ پاک و پاکیزہ غذا بچے کی روح اور نفسیات پر گہرے اثرات مرتب کرتی ہے۔ حلال لقمہ بچے کی تربیت پر گہرے نقوش چھوڑنے والے عوامل میں سے ہے۔ اگر حرام لقمے سے نطفہ بن جائے تو اس میں شیطان شریک ہو جاتا ہے اور بچے کو اپنے اختیار میں لے لیتا ہے۔ اللہ تعالیٰ قرآن مجید میں ارشاد فرماتا ہے: **وَ شَارِكُهُمْ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ** (اسراء/۶۳) محمد بن مسلم نے امام محمد باقر علیہ السلام سے اس آیت کے بارے میں سوال کیا کہ اولاد میں شیطان شریک ہونے کا کیا مطلب ہے تو امام نے فرمایا: **مَا كَانَ مِنْ مَالٍ حَرَامٍ فَهُوَ شَرِكُ الشَّيْطَانِ قَالَ وَ يَكُونُ مَعَ الرَّجُلِ حَتَّى يُجَامِعُ فَيَكُونُ مِنْ نُطْفَتِهِ وَ نُطْفَةُ الرَّجُلِ (مجلسی، ۱۳۶۸، ج ۵۷، ص ۳۳۲)** یعنی جو مال حرام طریقے سے ہاتھ آئے اس میں شیطان شریک ہو جاتا ہے اور اگر یہ مال کسی کے وجود کا حصہ بن جائے اور بیوی کے ساتھ ہم بستری کرے تو اس نطفے میں بھی شیطان شریک ہوتا ہے۔

ماں کے پیٹ میں بچے کی تربیت

تربیت کے مراحل میں سے ایک ماں کے پیٹ میں تربیت ہے۔ جب عورت بچے کو اپنے پیٹ میں رکھتی ہے تو ماں کے کردار اور رفتار کا بچے پر گہرا اثر مرتب ہوتا ہے بنا براین یہ مرحلہ بھی نہایت اہم اور حساس ہے۔ اس دوران ماں کو حلال لقمہ کھانے اور دیگر امور کا خیال رکھنا چاہئے تاکہ اپنے پیٹ میں صالح بچے کی تربیت کرسکے۔ ماں کے پیٹ میں بچے کی تربیت کی اہمیت کا اس روایت سے بخوبی اندازہ لگایا جاسکتا ہے جس میں معصوم ارشاد فرماتے ہیں: **السَّعِيدُ مَنْ سَعِدَ فِي بَطْنِ أُمِّهِ، وَالشَّقِيُّ مَنْ شَقِيَ فِي بَطْنِ أُمِّهِ** (کلینی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۲۱۱) سعادت مند انسان ماں کے پیٹ میں سعادت مند اور بدبخت انسان ماں کے پیٹ میں بدبخت ہوتا ہے۔

اسلام میں ماں کے پیٹ میں ہی بچے کی تربیت کی تاکید اور حرام کھانے سے منع کی ایک وجہ یہ ہے کہ حرام مال بچے کی روح اور نفسیات پر گہرا اثر ڈالتا ہے۔ جدید سائنسی علوم صرف ماں کو طاقت بخش کھانا کھلانے پر زور دیتے ہیں کیونکہ انسان کو ایک مادی مخلوق کی نگاہ سے دیکھتے ہیں لیکن اسلام میں مقوی غذا کے ساتھ ساتھ اس کے حلال ہونے پر بھی تاکید کی جاتی ہے یعنی جس طرح

غذا حفظانِ صحت کے اصولوں کے مطابق نہ ہونے سے بچہ جسمانی بیماریوں اور کمزوری کا شکار ہوجاتا ہے اسی طرح حرام کھانے سے اس کی روح بیماریوں کا شکار ہوجاتی ہے۔ رسول اکرم صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم فرماتے ہیں: **أَدَّبُوا أَوْلَادَكُمْ فِي بَطُونِ أُمَّهَاتِهِمْ**۔ قیل: وَكَيْفَ ذَلِكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ فَقَالَ: بِإِطْعَامِهِمُ الْحَلَالَ (پور جوادی، قمی نژاد، ۱۳۸۰، ص ۱۳۲) اپنے بچوں کی ماں کے پیٹ میں تربیت کرو۔ سوال کیا گیا کہ کیسے؟ فرمایا: (ماں کو) حلال غذا کھلا کر۔

ماں کی گود میں بچے کی تربیت

ولادت کے بعد بچہ سب سے پہلے بچہ ماں کی گود کو اپنا مسکن بناتا ہے جہاں وہ آرام اور سکون سے سانس لیتا ہے۔ اگر پیدائش کے بعد بچہ ماں کی گود سے محروم ہوجائے اور دوسری جگہ پرورش پائے تو مختصر عرصہ گزرنے کے بعد مختلف جسمانی اور نفسیاتی بیماریوں اور کمزوریوں کا شکار ہوجاتا ہے۔ ماں وہ ہستی ہے جو خاندان میں بچے پر سب سے زیادہ اثر چھوڑتی ہے۔ یہی ذات بچے کی بہترین تربیت کرسکتی ہے۔ ماں کی تربیت اسکول اور مدرسے کی تربیت کی مانند نہیں ہے بلکہ وہ اپنے کردار اور گفتار سے بچے کی تربیت کرتی ہے۔۔۔ بچے کے ساتھ زندگی گزارتے ہوئے تربیت کرتی ہے۔ (اعلیٰ تعلیم یافتہ خواتین کے اجتماع سے خطاب، ۱۳۷۷/۰۷/۱۸، <https://khl.ink/f/2910>)

قرآن کریم میں عورت کے لئے سب بڑا کردار ماں کی حیثیت سے دی گئی ہے جو بچے کی تربیت کی ذمہ داری لیتی ہے۔ دو سو روں میں بچے کی پیدائش اور تربیت کے مختلف بیان کرتے ہوئے ماں کے کردار کی اہمیت بیان کی گئی ہے۔ اس دوران ماں بہت درد و رنج تحمل کرتی ہے تاکہ بچے کی اچھی پرورش اور تربیت ہوجائے۔ اسی لئے باپ سے زیادہ اس کی زحمتوں کی قدردانی کے ساتھ ساتھ ماں کے حقوق بھی زیادہ بیان کئے گئے ہیں۔ اللہ تعالیٰ نے بچوں کی تربیت کے وسائل ماں کو عطا کئے ہیں۔ باپ کو ایسے وسائل نہیں دیئے ہیں۔ ماں کو صبر و حوصلہ، مہر و محبت اور حساسیت عطا کرنے کے علاوہ ماں کی جسمانی ساخت اس طرح بنائی گئی ہے جو حقیقی معنوں میں ایک ہنر ہے۔ (منقبت خوانوں کے اجتماع سے خطاب، ۱۳۹۲/۰۲/۱۱، <https://khl.ink/f/22443>)

بچہ ماں کی آغوش میں غذائی ضروریات پوری کرنے کے ساتھ ساتھ ماں کی روحانی اور نفسیاتی احساسات کو بھی اپنے اندر جذب کرتا ہے۔ اللہ تعالیٰ نے ماؤں

کو حکم دیا ہے کہ اپنے بچوں کو مکمل دو سال تک دودھ پلائیں۔ وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ (بقرہ/۲۳۳) اور مائیں دو سال مکمل اپنی اولادوں کو دودھ پلائیں۔ ماں کا کردار بچے کو دودھ پلانے تک محدود نہیں ہوتا ہے بلکہ ماں کی گود بچے کی زندگی گزارنے کی جگہ ہے اسی وجہ سے ولادت کے بعد سے ہی بچہ ماں کی حرکات و سکنات کو مشاہدہ کرتا ہے اور اس کی عادات و اخلاق کو اپنے اندر منتقل کرتا ہے۔ اگر ماں کی گود میں بچے کی بہتر تربیت نہ ہو جائے تو پہلے مرحلے میں خاندان متاثر ہو جاتا ہے اور اس کے مضرات سے پورا معاشرہ متاثر ہو جاتا ہے لہذا اس مرحلے پر بچے کی اچھی تربیت لازمی ہے۔

بچے کی تربیت میں خاندان کا کردار

ولادت کے بعد بچے کا سب سے پہلے خاندان سے رابطہ برقرار ہو جاتا ہے اسی لئے اس کی تربیت میں خاندان کے کردار کو نظر انداز نہیں کیا جاسکتا۔ بچے کی پرورش اور تربیت میں خاندان ایک پایہ اور بنیاد ہے جو اس کی شخصیت کی تشکیل میں اہم کردار ادا کرتا ہے لہذا پہلے خاندان کا تربیت یافتہ ہونا ضروری ہے۔ اگر خاندانی نظام متزلزل ہو جائے تو معاشرے کی بنیادیں ہل جاتی ہیں۔ (منقبت خوانوں کے اجتماع سے خطاب، ۱۱/۰۲/۱۳۹۲، <https://khl.link/f/22443>) اسی لئے ماہرین خاندان کو معاشرے کی بنیاد قرار دیتے ہیں دوسرے الفاظ میں خاندان چھوٹا معاشرہ ہے جو انسان کی زندگی کے مختلف پہلوؤں پر اہم اثرات مرتب کرتا ہے۔ بچے کی تربیت پر خاندان کے اثرات براہ راست معاشرے کی تشکیل میں موثر ثابت ہوتے ہیں۔ انسان کی طبیعت اور فطری ساخت ایسی ہے جو خاندان اور ماں باپ کی آغوش کے بغیر صحیح و سالم تربیت نہیں پاسکتا ہے۔ اگر خاندان کا ماحول پر امن اور پرسکون ہو تو نفسیاتی اور جسمانی طور پر صحیح و سالم بچے کی تربیت کے بارے میں مطمئن ہوسکتے ہیں۔ (پارسافر، ۱۳۹۵، ص ۲۵)

خاندان کی طرف سے حمایت اور تعاون حاصل ہونے کے بعد انسان کو اطمینان اور سکون ملتا ہے۔ خاندان وہ جگہ ہے جہاں بچے کو اخلاقی اقدار کا درس دیا جاتا ہے۔ افراد کو ایسی تربیت دی جاسکتی ہے جس سے وہ انحراف اور گمراہی سے بچ جائیں۔ اس کے نتیجے میں ایک سالم اور سازگار فضا وجود میں آتی ہے۔ اگر ایک اخلاقی معاشرہ تشکیل دینا چاہتے ہیں تو خاندان سے آغاز کرنا چاہئے کیونکہ خاندان سالم ہو جائے تو معاشرہ سالم ہو جاتا ہے۔ خاندان معاشرے کو تشکیل دانے والے عناصر میں سے ایک ہے لہذا اگر خاندان سالم ہو تو معاشرہ بھی سالم

ہوجاتا ہے۔ (زندگی کے مختلف شعبوں سے تعلق رکھنے والی خواتین سے خطاب،
(<https://khl.ink/f/51655>، ۱۴۰۱/۱۰/۱۴

بنابراین خاندان کا ایک اہم کردار یہ ہے کہ یہاں اخلاقی تربیت دی جاتی ہے۔ اگر بچے کے سامنے اچھا کام انجام دیا جائے تو بچہ اس کو دیکھ کر سیکھ لیتا ہے اور اچھا اخلاق یاد کرتا ہے اسی طرح اس کے برعکس اگر بچے کے سامنے نامناسب حرکت کی جائے تو وہ اس کو سیکھ لیتا ہے چنانچہ ریپر معظم بچے کی تربیت میں خاندان کے کردار کی طرف اشارہ کرتے ہوئے فرماتے ہیں کہ وہ ابتدائی جگہ جہاں سے بچہ مختلف تجربات سے گزرتا ہے، خاندان ہے۔ بچے کے سامنے قرآن کی تلاوت کی جائے، دعا پڑھنا چاہئے۔ بچوں کے سامنے اللہ سے دعا کریں۔ دعا اور اللہ سے گفتگو کے آداب کو عملی طور پر بچوں کو سکھائیں۔ بچوں کے سامنے جھوٹ نہ بولیں، غیبت اور اظہار ذلت سے گریز کریں۔ لالچ اور طمع کا مظاہرہ نہ کریں کیونکہ ان کاموں کو دیکھ کر بچہ بھی ہماری طرح ان عادات میں مبتلا ہوگا۔ ہم دوسروں کے سامنے اپنی تذلیل کریں، اللہ سے انس و محبت کا اظہار نہ کریں تو بچہ بھی ان تعلیمات اور اخلاقی اقدار سے محروم ہوگا۔ بچے کا ذہن ان کاموں اور عادات سے آشنا ہوگا جو ہم اپنے کردار سے عملی طور پر ان کو دکھاتے ہیں۔ (پارسافر، ۱۳۹۵، ص ۲۹، ۲۸)

زندگی میں صحیح سمت میں رہنمائی کے لیے ہر انسان کو رہنمائی کی ضرورت ہوتی ہے۔ یہ خاندان ہی ہے جو مکمل اعتماد اور محبت کے ساتھ یہ رہنمائی کرسکتا ہے۔ خاندان کے افراد بغیر کسی توقع یا ذاتی مفاد کے آپ کی رہنمائی کرسکتے ہیں۔ والدین اپنے رویے اور عمل سے بچے کے روشن اور کامیاب مستقبل کے لیے رہنمائی کرسکتے ہیں۔ زندگی کے مختلف شعبوں میں کامیابی کے لیے انسان کو صحیح ماحول کی ضرورت ہے۔ اگر زندگی کے شروع میں خاندان اور اچھا ماحول فراہم نہ کیا جائے تو بچے کی پرورش اس طرح نہیں ہو پاتی جس طرح ہونی چاہیے۔ انسان بالخصوص بچوں اور نوجوانوں کی تربیت کا انحصار والدین اور اساتذہ کی طرف سے اچھے اور مناسب ماحول کی فراہمی پر ہے۔ ریپر معظم کے مطابق انسان کی زندگی کا اہم ہدف ترقی اور کمالات کا حصول ہے یہ ایک ایک مناسب اور پرامن ماحول میں حاصل ہوسکتا ہے جہاں بچپن سے انسان دو اساتذہ یعنی ماں باپ کی رہنمائی میں صحیح سمت میں حرکت کرسکتا ہے۔ (ایضاً، ص ۱۶) جن بچوں کو خاندان میں مناسب توجہ اور سہولیات فراہم کی جاتی ہے، دوسروں سے زیادہ زندگی کے مختلف شعبوں میں کامیاب

ہوتے ہیں پس خاندان انسان مخصوصا بچے کی زندگی میں نہایت اہم اور کلیدی کردار ادا کرتا ہے۔

بچے کی تربیت میں باپ کا کردار

خاندان کے تمام افراد کے مخصوص فرائض ہیں۔ اگر ہر کوئی اپنا فرض ادا کرے تو خاندان مطلوبہ کمال کو پہنچ جائے گا۔ تمام کاموں میں گھر والوں کو اپنا اپنا حصہ اور فرض ادا کرنا چاہیے۔ بچے کے بارے میں والدین کو چاہئے کہ اپنے فرائض ادا کریں۔ ایک اچھے گھرانے میں ہر کوئی اپنے کام اور فرائض کے بارے میں سنجیدہ ہوتا ہے اور اسے نبھانے کی کوشش کرتا ہے۔ اگر گھر والوں کے فرائض بخوبی نبھائے جائیں تو گھر کے افراد کے درمیان محبت پیدا ہوگی اور یہ خاندان مثالی ہوگا۔ رہبر معظم اس حوالے سے فرماتے ہیں کہ اچھے خاندان کا مطلب ہے وہ میاں بیوی جو ایک دوسرے کے ساتھ مہربان، وفادار ہونے کے ساتھ ایک دوسرے کا احترام کریں۔ پھر جو بچے اس گھرانے میں پیدا ہوتے ہیں وہ اس کے تئیں ذمہ داری محسوس کریں، اس کی مادی اور روحانی پرورش کرنا چاہیں۔ ایسے خاندان میں لوگ پڑھے لکھے ہوتے ہیں اور اچھی خوبیوں کے ساتھ پروان چڑھتے ہیں۔ (علی اکبری، ۱۳۸۹، ص ۵۳)

خاندان میں بنیادی کردار باپ کا ہے کیونکہ وہی خاندان کے افراد کے رزق اور روزی کا ذمہ دار ہوتا ہے۔ معمولاً کہا جاتا ہے کہ خاندان میں عورت مرکزی کردار ادا کرتی ہے۔ اس کی وجہ واضح ہے؛ کیونکہ عورت خاندان کا مرکزی عنصر ہے۔ لیکن ایسا نہیں ہے کہ خاندان میں مرد کے فرائض اور ذمہ داریاں نہ ہوں۔ لاپرواہ اور جذباتی مرد گھر کے ماحول کو نقصان پہنچاتے ہیں۔ (بنیادی افکار کے حوالے سے تیسری کانفرنس سے خطاب، ۱۴/۱۰/۱۳۹۰، <https://khl.ink/f/18453>)

گھر والوں کی روزی اور مادی ضروریات کے علاوہ معنوی اور تربیتی ذمہ داری میں باپ بھی شریک ہے چنانچہ حضرت امام زین العابدین علیہ السلام باپ پر بچوں کی تربیت کو واجب قرار دیتے ہوئے فرماتے ہیں کہ **وَأَمَّا حَقُّ وَلَدِكَ فَتَعَلَّمْ** اِنَّهُ مِنْكَ وَ مُضَافٌ اِلَيْكَ فِي عَاجِلِ الدُّنْيَا بِخَيْرِهِ وَ شَرِّهِ وَ اَنَّكَ مَسْئُولٌ عَمَّا وُلِّيْتَهُ مِنْ حُسْنِ الْاَدَبِ وَ الدَّلَالَةِ عَلَى رَبِّهِ وَ الْمَعُونَةِ لَهُ عَلَى طَاعَتِهِ فَيْكَ وَ فِي نَفْسِهِ فَمُثَابٌ عَلَى ذَلِكِ وَ مُعَاقِبٌ

فَاعْمَلْ فِي أَمْرِهِ عَمَلَ الْمُتَزَيِّنِ بِحُسْنِ أَثَرِهِ عَلَيْهِ فِي عَاجِلِ الدُّنْيَا الْمَعْدَرِ إِلَى رَبِّهِ فِيمَا بَيْنَكَ وَ
بَيْنَهُ بِحُسْنِ الْقِيَامِ عَلَيْهِ وَالْأَخْذِ لَهُ مِنْهُ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ (ابن شعبہ حرانی، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۲۴۴)

باپ پر بچے کا حق یہ ہے کہ وہ جان لے کہ وہ آپ کے وجود کا حصہ ہیں اور وہ دنیا کے اچھے اور برے امور میں آپ سے جڑے رہیں گے۔ آپ اپنے بچوں کی پرورش، انہیں آداب سکھانے اور خدا پر ایمان پیدا کرنے کے ذمہ دار ہیں۔ یہ آپ کا فرض ہے کہ بچے کی خدا سے محبت اور اس کی اطاعت کے سلسلے میں مدد کریں اور اسے ایمان اور پاکیزگی کے ذرائع فراہم کریں۔ ... اگر آپ کم سے کم فرض ادا کرنے میں ناکام رہتے ہیں، تو آپ کو ذمہ دار ٹھہراتے ہوئے سزا دی جائے گی۔ لہذا اپنی ذمہ داری ادا کرتے ہوئے بچے کی تربیت کی کوشش کریں تاکہ اللہ تعالیٰ کی بارگاہ میں عزت پائیں۔

حضرت امام زین العابدینؑ نے اس روایت میں معنوی تربیت اور پرورش کو مادی اور دنیوی تربیت پر ترجیح دی ہے اور خودشناسی اور باپ کی اطاعت کو ارزشمند قرار دیا ہے۔ باپ سے ہی انسان حرکت، رفتار اور کردار سیکھتا ہے۔ رببر معظم آیت اللہ العظمیٰ امام خامنہ ای اس نکتے کی طرف اشارہ کرتے ہوئے فرماتے ہیں کہ ہمیں معلوم ہونا چاہئے کہ ہماری ہر حرکت، رفتار اور سلوک کا براہ راست بچے پر اثر پڑتا ہے اور اس کی شخصیت کی تشکیل میں یہ امور موثر ہوتے ہیں۔ حقیقت میں اچھی ثقافت کو بچوں کو تعلیم دینا اور ان کی پرورش کرنا باپ کا حق ہے۔ البتہ اولاد کو بھی معلوم ہونا چاہئے کہ باپ سے ملنے والا یہ ورثہ دنیوی مال و دولت سے زیادہ اہمیت رکھتا ہے پس ہمیں چاہئے کہ اپنے بچوں کو تقویٰ، گناہ سے دوری، خدا سے محبت، قرآن سے انس، معنویت پر توجہ اور حکم الہی کی تعمیل کی تعلیم دیں (پارسا، ۱۳۹۵، ص ۲۸-۲۴)

بچوں کی تربیت اور ان کو دینی تعلیمات سکھانے میں باپ کا کردار بہت اہم ہے۔ اگر باپ اس حوالے سے اپنی ذمہ داریوں کو ادا کرنے میں کامیاب ہو جائے تو بچے کا مستقبل روشن اور تابناک ہوتا ہے۔

بچے کی تربیت میں ماں کا کردار

گھر کے اندر ماں کا کردار بنیادی ہوتا ہے۔ درحقیقت گھر کا انتظام ماں کے ہاتھ میں ہوتا ہے۔ تمام امور ماں کے ہاتھوں انجام پاتے ہیں یہ ماں کا اعزاز ہے چنانچہ رببر معظم آیت اللہ العظمیٰ خامنہ ای فرماتے ہیں کہ ماں کا کردار نبھانا، بیوی

بننا، گھریلو امور کو سنبھالنا انتہائی اہم اور بنیادی ذمہ داریاں ہیں۔۔۔ آپ (خواتین) اگر کسی علمی شعبے میں اسپیشلسٹ بن بھی جائیں لیکن اگر گھریلو خاتون نہیں ہیں تو ایک خامی ہے۔ گھر کی ملکہ عورت ہے بلکہ گھر کا ستون ہونے کا اعزاز عورت کو حاصل ہے (ماں اور بیوی کی حیثیت سے عورت کے کردار پر رہبر معظم کے بیانات، ۱۴۰۱/۱۰/۲۳، <https://khl.ink/f/51748>)

بچے کی ولادت کے بعد ماں پہلی ہستی ہے جس سے انسان کا رابطہ برقرار ہوجاتا ہے۔ حقیقت میں اسی وقت سے بچے اور ماں کا رابطہ شروع ہوتا ہے۔ اس رابطے کے بعد سے نہ صرف بچے کی مادی ضروریات پوری ہوتی ہیں بلکہ اس کو نفسیاتی اور معنوی طور پر بھی سکون ملتا ہے۔ ماں بچے کو زندگی گزارنا سکھاتی ہے کیونکہ اللہ تعالیٰ نے ماں کے دل میں بچے کے لئے ایک محبت رکھی ہے جس کی دنیا میں کوئی مثال نہیں ملتی (ایضاً) اسی وجہ سے ماں کی ایک اہم اور بنیادی ضرورت بچے کی تربیت ہے چنانچہ رہبر معظم فرماتے ہیں کہ گھر کے اندر عورت کے وظائف میں سے ایک یہ ہے کہ بچے کی بہترین تربیت کرے۔ جو خواتین غیر ضروری کاموں کی خاطر بچے کو دودھ دینا، تربیت کرنا اور محبت بھری آغوش میں لینے کو چھوڑ دیتی ہیں، وہ بہت بڑی غلطی کرتی ہیں۔ انسان کی تربیت کا بہترین طریقہ یہ ہے کہ ماں کی آغوش میں محبت اور شفقت کے ساتھ اس کی تربیت کی جائے۔ (پارسا، ۱۳۹۵، ص ۳۷)

نفسیاتی ماہرین کے مطالعات اور تجربوں کا نچوڑ بتاتا ہے کہ بچوں کے اندر نفسیاتی بیماریوں اور کمزوریوں کی ایک بڑی وجہ ماں کی محبت سے محروم ہونا ہے۔ بات کرنے میں سستی، کندذہنی، کھیل کود میں عدم دلچسپی، تمرکز اور ذہنی صلاحیتوں میں کمی ماں سے محروم ہونے کے نتائج ہیں۔ ماں کا بچے کے پاس موجود ہونا اس کی جسمانی اور ذہنی سلامتی کا ضامن ہے۔ جن معاشروں میں مائیں بچوں کی پرورش پر کم توجہ دیتی ہیں ان معاشروں میں بچے متعدد مشکلات کا شکار ہوتے ہیں۔ رہبر معظم بچے کی زندگی کے تمام شعبوں میں ماں کے کردار کو اہم قرار دیتے ہیں اور اس میں کوتاہی کی صورت میں پیش آنے والے حالات سے انتباہ کرتے ہیں۔ آپ فرماتے ہیں کہ عورت کی ایک اہم ذمہ داری یہ ہے کہ پیار و محبت اور دل کی گہرائی سے بچے کی تربیت کرے تاکہ معاشرے کو جسمانی اور نفسیاتی طور پر صحیح و سالم بچہ دے سکے اور ان مشکلات سے دوچار نہ ہوجائے جو یورپ اور مغربی ممالک کی جوان نسل کو درپیش ہیں۔ (ایضاً، ص ۳۸) بزرگان دین اور دانشور حضرات ماں کے کردار پر اس

وجہ سے زیادہ تاکید کرتے ہیں کہ روایات کے مطابق باپ سے زیادہ ماں بچے سے محبت کا اظہار کرتی ہے اور بچے کی تربیت اور پرورش کے حوالے سے زیادہ سنجیدہ ہوتی ہے۔ دنیا اور آخرت میں بچے کی کامیابی ماں کی تربیت کی مرہون منت ہے۔ یہ کردار یعنی ماں بننا کسی بھی دوسرے کردار سے قابل موازنہ نہیں۔ ماں ہی کسی قوم اور معاشرے میں ثقافت اور تہذیب و تمدن کی ایجاد میں اہم کردار ادا کرتی ہے۔ وہ دانستہ اور نادانستہ طور پر اپنی اخلاقی اور نفسیاتی خصوصیات کو بچے میں منتقل کرتی ہے۔ (ماں اور بیوی کے بے نظیر کردار کے بارے میں رہبر معظم کے بیانات، ۱۳۰۱/۱۰/۲۳، <https://khl.ink/f/51748>)

حضرت امام زین العابدینؑ بچے کی تربیت میں ماں کے محنت طلب کردار کے بارے میں فرماتے ہیں کہ کوئی بھی کماحقہ ماں کا شکریہ ادا نہیں کر سکتا ہے مگر یہ خدا سے مدد مانگے اور اس وظیفے کی ادائیگی کی توفیق کی دعا کرے بنابراین بچے کی تربیت میں ماں تاریخ رقم کر سکتی ہے۔ معمولاً بچوں کی تربیت میں پیش آنے والی مشکلات گھر کے اندر سے شروع ہوتی ہیں چنانچہ ابتدا میں ہی بچے کی تربیت ایک سمجھدار ماں کے زیر سایہ ہو جائے تو مستقبل میں بچے کو خاندان کے افراد اور دوستوں کے ساتھ معاملات طے کرنے میں کوئی مشکل پیش نہیں آئے گی۔ یہ بچہ بڑا ہو کر نئی نسل کی تربیت کا بیڑا اٹھائے گا۔ رہبر معظم اس حوالے سے فرماتے ہیں کہ اسلام میں گھر کے اندر عورت کے کردار کو اہمیت دینے کی وجہ یہ ہے کہ اگر ماں اپنے وظائف کو اچھی طرح انجام دے اور بچے کی تربیت کو اہمیت دے تو معاشرے میں ایک سمجھدار طبقہ وجود میں آئے گا۔ یہ عورت کا ہنر ہے جو تعلیم اور سیاست جیسے دوسرے مشاغل کے ساتھ منافا نہیں ہے۔ (پارسا، ص ۳۱) ماں اپنے بچے کے لئے ایک نمونہ کی حیثیت رکھتی ہے جو بچے کو جسمانی اور نفسیاتی عیوب سے پاک رکھنے کے ساتھ بہترین صفات اس کے اندر ایجاد کرتی ہے اور اس کو کمال اور ترقی کے راستے پر ڈال دیتی ہے۔

نتیجہ

بچے کی تربیت کے کئی عوامل ہیں۔ گھر میں اس کی تربیت نہایت ہی اہمیت رکھتی ہے اگر ماں باپ اپنے وظائف پر اچھی طرح عمل کریں اور گھر میں اس کی اچھی تربیت ہو جائے تو اگلے مراحل یعنی اسکول اور معاشرے میں اس کی تربیت کا مرحلہ آسان ہو جاتا ہے اور اگر خدانخواستہ گھر میں اس کی تربیت اچھی طرح انجام نہ دیا جائے تو اگلے مراحل میں اس کی تربیت مزید سخت ہو جائے گی۔ رہبر معظم امام خامنہ ای نے ہر مرحلے پر بچے کی تربیت کی اہمیت کی طرف اشارہ کیا ہے

مغربی مکاتب فکر کے برعکس اسلام کی نظر میں بچے کی تربیت اس کی ولادت سے پہلے ہی شروع ہو جاتی ہے لہذا انسان کو ہر مرحلے میں اپنی ذمہ داریوں اور وظائف سے آشنا ہونے کی ضرورت ہے۔ بچے کی تربیت پہلا مرحلہ شریک حیات کا انتخاب ہے۔ انسان خواہ مرد ہو یا عورت کو چاہئے کہ شریک حیات کے انتخاب میں انتہائی احتیاط کریں۔ امام خامنہ ای کی نظر میں بہترین شریک حیات کا انتخاب بچے کی اچھی تربیت میں معاون ثابت ہوتی ہے۔

اگلے مرحلے میں باپ کے صلب اور ماں کے رحم میں بچے کی تربیت شامل ہے لہذا ماں باپ کو اپنے کردار خصوصاً غذا کے بارے میں توجہ دینا چاہئے اسی طرح اسلام اور میڈیکل سائنس میں طبی امور پر تاکید کی گئی ہے۔

بچہ ولادت کے بعد ماں کی آغوش میں قرار پاتا ہے جو محبت اور شفقت کے ساتھ بچے کی تربیت شروع کرتی ہے۔ امام خامنہ ای کے مطابق ماں ہی سب سے زیادہ بچے پر اثر انداز ہوتی ہے۔ بچے کے ساتھ زندگی گزارتے ہوئے باپ اور استاد سے زیادہ ماں اثر چھوڑتی ہے۔

ماں اور باپ گھر کے دو اہم ستون کی حیثیت بچے کی تربیت میں اہم کردار ادا کرتے ہیں۔ ماں اور باپ کے مخصوص وظائف ہیں تاکہ بچے کی اچھی اور صحیح تربیت کرسکیں۔ امام خامنہ ای بچے کی تربیت میں ماں اور باپ کے کردار پر تاکید کرتے ہوئے کہتے ہیں کہ اچھے خاندان والے اپنے وظائف کی ادائیگی میں سنجیدہ ہوتے ہیں اور کوشش کرتے ہیں

کتابیات

۱. قرآن کریم
۲. ابن شعبہ حرانی، حسن بن علی، ۱۳۶۳، تحف العقول عن آل الرسول، قم، موسسه النشر الاسلامی، چاپ دوم.
۳. امینی، ابراہیم، ۱۳۴۲، اسلام و تعلیم و تربیت، سازمان انجمن اولیاء و مربیان جمهوری اسلامی ایران.
۴. انوری، حسن، ۱۳۸۱، فرهنگ بزرگ، سخن، چاپ اول.
۵. پارسا، مسعود، ۱۳۹۵، فصل بذر پاشی گزیده‌ای از رهنمودهای آیت‌الله العظمی سیدعلی خامنه‌ای، یزد، سیمای خورشید، چاپ اول.
۶. پورجوادی، نصرالله، قمی‌نژاد، مهدی، ۱۳۸۰، جنگ مهدوی، مرکز نشر دانشگاهی، چاپ اول.
۷. خامنه‌ای، سید علی، دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله العظمی خامنه‌ای، <https://farsi.khamenei.ir>.
۸. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۳۱۶، مفردات الفاظ القرآن، دمشق، دارالقلم.
۹. صدوق، محمد بن علی بن بابویه، ۱۳۸۹، معانی الاخبار، قم، ارمغان طوبی، چاپ اول.
۱۰. طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۰۸ق، مجمع البیان، بیروت، دارالمعرفه.
۱۱. طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۴۰، مکارم الاخلاق، قم، الشریف الرضی، چاپ چهارم.
۱۲. طوسی، محمد بن حسن، ۱۳۶۵، تہذیب الاحکام، دارالکتب الاسلامیہ، چاپ چهارم.
۱۳. علی‌اکبری، محمد جواد، ۱۳۸۹، مطلع عشق ((گزیده ای از رهنمودهای حضرت آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای به زوج‌های جوان، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ اول.
۱۴. عمید، حسن، ۱۳۵۵، فرهنگ عمید، تهران، امیرکبیر، چاپ ششم.
۱۵. کاردان، علی محمد، ۱۳۴۸، فلسفه تعلیم و تربیت، تهران، سمت، چاپ سوم.
۱۶. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۸۵، اصول کافی، تهران، قائم آل محمد، چاپ سوم.
۱۷. مجلسی، محمد باقر، ۱۳۶۸، بحار الانوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۱۸. محمدی ری‌شهری، محمد، ۱۳۸۹، میزان الحکمه، قم، دارالحديث.
۱۹. مطهری، مرتضی، ۱۳۴۶، مجموعه آثار، قم، صدرا، چاپ هفتم.
۲۰. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۴۳، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیہ، چاپ سی و دوم.

سماجی تبدیلی میں نوابغ کا کردار رہبر معظم کے قرآنی افکار کی روشنی میں

محمد یعقوب بشوی^۱ - سیدہ مریم زہرا زیدی^۲

اشاریہ

عمرانیات کے ماہرین نے نوابغ (Elites) کے بارے میں گفتگو کی ہے جو معاشرے کے خیالات اور طرز عمل پر بہت زیادہ اثر و رسوخ رکھتے ہیں۔ لوگوں کی رہنمائی کے لیے قرآن کریم نے زندگی کے مختلف شعبوں کے حوالے سے بعض لوگوں کے بارے میں بات کی ہے اور ان میں سے بعض کا بطور مثال ذکر کیا گیا ہے۔ ماہرین عمرانیات (Sociologists) کے خیالات کے برخلاف ہم انبیاء اور روحانی پیشواؤں کے بارے میں بات نہیں کرتے اور انہیں اس تقسیم سے الگ سمجھتے ہیں اور ہم اس بات پر تاکید کرتے ہیں کہ وہ نوابغ میں سے نہیں ہیں بلکہ ان سے برتر ہیں، زندگی کے تمام شعبوں میں روحانی پیشوا، علم اور معرفت الہی رکھتے ہیں اور میری رائے کے مطابق وہ نوابغ پرور ہیں۔ قرآن کریم نے چند ایسے غیر معمولی لوگوں کا تذکرہ کیا ہے جنہوں نے معاشرتی لحاظ سے زندگی کے ایک ایک شعبے میں نمایاں کردار ادا کیا ہے اور ان کا تعارف سب لوگوں کے لیے بطور اسوہ کروایا گیا ہے، کیونکہ بہت سے لوگ مثالی لوگوں کو اپنا اسوہ قرار دیتے ہیں اور ان کے عمل کو اپنے لیے مشعل راہ بنا کر اپنے رویے کو ان کے رفتار و گفتار کے مطابق ڈھال لیتے ہیں یہی وجہ ہے کہ قرآن ایسے لوگوں کی جانب توجہ دلاتا ہے جنہوں نے اس معاملے میں زیادہ کامیابی حاصل کی ہے اس تحریر میں، اس موضوع کے مطابق نوابغ کی چند قرآنی مثالیں دی گئی ہیں۔

رہبر انقلاب نوابغ کے موضوع پر کثرت سے گفتگو فرماتے ہیں اور نوابغ پروری پر، معاشرے میں نوابغ سے متعلق تصورات پر اور قوم کی ترقی اور سماجی تبدیلیوں میں نوابغ کے کردار پر تاکید کرتے ہیں۔

^۱ : اسلامک اسکالر المصطفیٰ العالمیہ یونیورسٹی، قم bashovi786@yahoo.com

^۲ : کارشناسی کلامی اسلامی، المصطفیٰ العالمیہ یونیورسٹی، مشہد آف لاهور ummulazaim@gmail.com

کلیدی الفاظ : قرآن کریم، معاشرہ ، نظریاتی نوابغ، فکری نوابغ، اقتصادی نوابغ،
سیاسی نوابغ، علمی نوابغ، رہبری۔

مقدمہ

بعض قرآنی آیات کو مدنظر رکھتے ہوئے نوابغ (Elites) دو نوع میں تقسیم
ہوتے ہیں، مثبت اور منفی۔ معاشرے میں نوابغ کے مقام اور اجتماعی حیثیت کو
مدنظر رکھا جائے تو معاشرے پر ان کے کردار کے مختلف اثرات مرتب ہوتے
ہیں جو تبدیلی کی راہ ہموار کرنے میں مددگار ہے:

نابغہ (Elite) :

نوابغ کی سماجی حیثیت، اثر و رسوخ اور طاقت کی بنا پر ہمیں معاشرے میں
ان کے مختلف کردار نظر آتے ہیں۔ علوم عمرانیات (social sciences) کے شعبے
کے سائنسدانوں نے نوابغ کی مختلف تعریفیں پیش کی ہیں ، لیکن اس مقام پر گی
روشہ کے مطابق، وہ طریقہ جو نسبتاً جامع معلوم ہوتا ہے، پیش کیا جاتا ہے اور
وہ یہ ہے کہ : " نوابغ وہ افراد یا گروہ ہوتے ہیں جو کہ کسی قدرت کے ہاتھ میں
آنے کے نتیجے میں یا کسی جگہ پر اثر و رسوخ حاصل کرنے کی صورت میں
یا اپنے ارادوں کے اخذ کرنے کے ذریعے سے یا اپنے خیالات، احساسات اور
جذبات کے اظہار کے ذریعے سے معاشرے میں تاریخی طور پر اثر انداز ہوتے
ہیں۔ (گی روشہ، (کتاب) تغییرات اجتماعی، ص ۱۲۱)۔

پاریٹو کے مطابق نوابغ وہ ہوتے ہیں جو غیر معمولی اور منفرد خصوصیات
کے حامل ہوتے ہیں یا ان میں یہ قابلیت خداداد ہوتی ہیں، اور وہ اپنے عملی میدان
میں یا کچھ سرگرمیوں میں بہترین صلاحیتوں کے حامل ہوتے ہیں۔ (گی روشہ ،
ہسابقہ، ص ۱۱۶)۔

نوابغ کے بارے میں رہبر معظم کا خیال ہے کہ سائنسی نوابغ اور عمومی نوابغ
کے بارے میں سب سے پہلے ہمیں جاننا چاہیے اور ہم جانتے ہیں، یعنی میں اس
بات پر سنجیدگی سے یقین رکھتا ہوں اور ہم سب کو معلوم ہونا چاہیے کہ نوابغ

ملک کے اہم ترین انسانی اثاثوں میں سے ایک ہیں۔ ہاں! ملک کے قدرتی وسائل اہم ہیں، جغرافیائی محل وقوع اہم ہے، آب و ہوا اہم ہے، لیکن سب سے اہم نوابغ کا وجود ہے۔

نوابغ کو بہت بڑی دولت سمجھنا چاہیے جب ہم اسے بہت بڑی دولت سمجھیں گے تو ہی ہم اسکی پیداوار بڑھانے کی کوشش کریں گے (یعنی جب Elites کی اہمیت سمجھیں گے تو ہی ہمارے ملک میں نوابغ کی تعداد بڑھنے لگے گی)، اس کے نقصان کو اپنا نقصان سمجھیں گے، اور اگر ممکن ہو تو اسے ضائع ہونے سے روکیں گے اور ہم اس کے ساتھ فراخدلی سے پیش آئیں گے۔ جب ہم اسے دولت عظیم اور اہم سمجھیں گے تو اس کے لیے ہمارا رویہ اسی کے مطابق تشکیل پائے گا۔ اس لیے ہمیں یہ جاننا چاہیے، بلکہ ہر کسی کو معلوم ہو (ملک کے حکام اور عوامی حلقوں میں یا اثر افراد کے بارے میں) (<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=51184>) (نوابغ اور اعلیٰ تعلیمی قابلیت کے

اجلاس میں بیانات)۔

معاشرتی تبدیلیوں میں نوابغ کا کردار کسی سے بھی ڈھکا چھپا نہیں۔ بعض ماہرین نے تاریخ کو عملی میدان یا نوابغ کے کھیل کا میدان سمجھا ہے اور تاریخی پیشرفت کے اپنے تجزیے میں، انہوں نے اپنی بحث اور دلیل کا مرکز اسی گروہ کو قرار دیا ہے۔

ان کے نزدیک تاریخ اور اس کی پیشرفت نوابغ تخلیق کرتے ہیں۔ ہر معاشرے کی تاریخ، طاقتور اور نوابغ کی شخصیت اور ذہانت کا مظہر ہوتی ہے۔ اس (طاقتور نظریہ) کے مطابق، نوابغ تاریخ کی تخلیق کرتے ہیں، تاریخی تبدیلیوں اور ترقی، سائنسی اور سیاسی سماجی، معاشی یا اخلاقی طور پر بھی با صلاحیت افراد کے ذریعے، نوابغ (Elites) تاریخ کی تخلیق کرتے ہیں۔ اسلام میں نوابغ کی آبیاری پر زیادہ زور دیا گیا ہے، رببر معظم کی ہدایت کے مطابق، نابغہ، پرورش پاتا ہے، اسکی نشوونما اور اس کو پروان چڑھانا ہے۔ اسلام میں رببریت، معاشرے کی ہر قسم کی ترقی اور تحریک کا سبب ہے۔ سماجی علوم کے سیانسدانوں کے مطابق، الہی رببر نابغہ نہیں ہیں، بلکہ یہ لوگ نوابغ سے سے بالاتر مرحلے پر فائز ہیں اور یہ نابغہ پرور (نابغہ پروان چڑھانے والے) ہیں۔

اسلام میں، خاص طور پر مکتب تشیع میں، اس کی قیادت لمبے عرصے سے انبیاء، ائمہ، ولی فقیہ اور فقہا کے نام سے پہچانی جاتی ہے لہذا، اس طرح کا نظریہ اس تحریر میں ہماری طرف سے پہلے سے طے شدہ ہے۔

رہبر معظم نے فرمایا ہے کہ یونیورسٹی، استکباری (ظالم) طاقتوں کے خلاف سب سے بڑی رکاوٹ ہے۔ ہمیں معلوم ہونا چاہیے کہ عالمی طاقتوں کا ہدف ہم پر تسلط ہے، کس طرح سے؟ ایک دن ہتھیار سے، ایک دن دھوکے سے، ایک دن علم سے، وہ علم سے بھی غلبہ حاصل کریں گے، یونیورسٹی تسلط کو روکتی ہے۔ یعنی اگر آپ ملک میں علم کی سطح کو بلند کر سکتے ہیں تو آپ نے دشمن کی حکمرانی کے خلاف ایک رکاوٹ کھڑی کر دی ہے۔ ٹھیک ہے، یہ علمی نوابغ اور یونیورسٹی کے نوابغ کے بارے میں ایک نکتہ ہے۔

farsi://https-khamenei-speech/ir-
51184=id?co

(نوابغ اور اعلیٰ تعلیمی قابلیت کے اجلاس میں بیانات)۔

نوابغ کی اقسام (Kinds of Elites)

گی روشہ نے نوابغ کو چھ درجہ بندی میں، جیسے کہ نوابغ کو روایتی اور مذہبی نوابغ، ٹیکنوکریٹک نوابغ، ملکیتی (معاشی) نوابغ، کرشماتی نوابغ، علامتی نوابغ اور نظریاتی نوابغ (۱۱۸-۱۲۴) میں تقسیم کیا ہے۔ اس حصے میں، ہم نوابغ کی کچھ اقسام پر بات کرتے ہیں۔

قرآن کریم سے حاصل کردہ نتائج کے مطابق نوابغ کو مثبت اور منفی دو حصوں میں تقسیم کیا ہے اور اس تحریر میں کچھ اقسام کا اضافہ کیا ہے۔ اس حصے میں ہر قسم کے نوابغ کے لیے قرآن پاک کی مثالیں حاصل کرنے کی کوشش بھی کی گئی ہے۔

۱- نظریاتی نوابغ (Theoretical Elites):

گی روشہ کی تعریف کے مطابق، یہ نوابغ وہ لوگ یا گروہ ہیں جو کسی خاص نظریے کے گرد شکل اختیار کرتے ہیں یا کسی خاص نظریے کو بنانے

میں اپنا حصہ ڈالتے ہیں۔ ہم ایسے لوگوں یا گروہوں کو بھی اس زمرے میں رکھ سکتے ہیں جو کسی خاص نظریے کو پھیلاتے ہیں یا اس کے ترجمان ہیں۔ اس معاملے میں، ہم نوابغ کے مخالفین کا ذکر کر سکتے ہیں جو حکمران کی طاقت سے انکار یا احتجاج کرتے ہیں۔ (سابقہ، ۱۲۴)

الف) مثبت نظریاتی نوابغ:

قرآن کریم میں اس قسم کے مثبت نوابغ کی سب سے واضح مثالوں میں حبیب نجار (مومن آل یاسین)، حزقیل (مومن آل فرعون) اور آسیہ (فرعون کی بیوی) جیسے لوگوں کا ذکر کیا گیا ہے۔ یہ گروہ خاص نظریے کی حوصلہ افزائی اور اس کی بشارت دینے والا اور موجودہ حالات سے ناخوش، حکمران کی کارکردگی پر احتجاج کر رہا ہے (یاسین، ۲۰) حبیب نجار نظریاتی اور روحانی پیشواؤں کے نظریے کو پھیلانے والے ہیں (یاسین، ۲۸) روایات میں ایسے شخص کو نمونہ کے طور پر متعارف کروایا ہے۔ (ابن ابی حاتم، تفسیر القرآن العظیم، ج ۱۰، ص ۳۱۹۲؛ بروسوی، تفسیر روح البیان، ج ۵، ص ۳۸۸)۔ ایک طرف، وہ لوگوں کو الہی رہنماؤں کے خیالات کو قبول کرنے کی ترغیب دیتا ہے، اور دوسری طرف، وہ منفی تبدیلیوں کی روک تھام پر زور دیتا ہے (جو معاشرے میں عذاب کی صورت میں ان پر نازل ہوں گی)۔ اس دائرہ میں ایک اور نمایاں مثال فرعون کے خاندان کا ماننے والا حزقیل (مومن آل فرعون) ہے۔ وہ انذار کا طریقہ اور سوئے ہوئے افکار کو جگانے کی روش اور ایجنڈے پر عمل کرتا ہے (غافر، ۲۸)۔

وہ ایک مذہبی رہنما کے قتل سے معاشرے میں رونما ہونے والی سب سے بڑی منفی تبدیلیوں کو روکنا چاہتا تھا (عبد الکریم خطیب، التفسیر القرآنی القرآن، ج ۱۳، ص ۱۱)، اسی تناظر میں تیسری مثال، فرعون کی بیوی آسیہ ہے، قرآن نے انہیں پوری انسانی زندگی میں ایک مثالی خاتون کے طور پر متعارف کرایا ہے: «و

ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِّلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَنَجِّنِي مِّنْ فِرْعَوْنَ وَعَمَلِهِ وَنَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ» (تحریم، ۱۱)۔

فرعونی شرک آلود معاشرے میں، یہ آسیہ تھی جس نے نہ صرف حضرت موسیٰ علیہ السلام کے نظریے کی حمایت اور پرچار کیا بلکہ نظام حکومت کے خلاف احتجاج بھی کیا۔ ان کی کارکردگی پر اپنی ناراحتی کا اظہار بھی کیا، نہ صرف ظالموں کے خلاف لڑنا ترک نہیں کیا بلکہ ہر قسم کی جسمانی اذیتیں برداشت کرتے ہوئے اپنے ایمان سے دستبردار نہیں ہوئیں اور اس راہ میں اپنی جان تک قربان کر دی (بلاغی، حجة التفاسیر اور بلاغة الیکسیر، ج ۱، ص ۲۷۲) انکی یہی شجاعانہ تحریک، وجہ بنی کہ اس وقت کے لوگوں میں بیداری اور بصیرت پیدا ہوئی اور لوگوں نے فرعونی آمرانہ نظام کے خاتمے میں موثر کردار ادا کیا۔

ب) منفی نظریاتی نوابغ:

قرآن کریم میں اس قسم کے منفی نظریاتی نوابغ کی سب سے واضح مثالوں میں ابولہب، ابوجہل، ابوسفیان، عاص بن وائل، حکم بن عاص اور عورتوں میں جیسے ام جمیل کا نام لیا گیا ہے۔ قرآن کریم میں ایسے لوگوں کے بارے میں بہت سی آیات نازل ہوئی ہیں، ان لوگوں میں مرد اور عورت کی دو منفی مثالیں ہیں جن کا قرآن نے صراحت کے ساتھ ذکر کیا ہے، اور ان کی مذمت اور ان کے بحران پیدا کرنے والے افعال کی تردید کے لیے ایک مکمل سورت نازل کی ہے جو رسول اللہ (صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم) کے چچا ابو لہب اور اس کی بیوی ام جمیل کی مذمت میں ہے۔ اسلام کی دعوت کے آغاز میں ابولہب اس دعوت کے خلاف اپنے عقیدہ اور نظریے کا دفاع کرتے ہوئے پوری بے حیائی اور بد اخلاقی کے ساتھ دربار سے نکل گیا، اللہ تعالیٰ نے اس قسم کی گفتگو اور طرز عمل کے جواب میں سورہ مسد نازل فرمائی (طبری، جامع البیان، ج ۳۰، ص ۲۱۸)۔ اس سورت میں کل پانچ آیات ہیں اور تین آیات ابولہب سے متعلق ہیں اور دو آیتیں اس کی بیوی کے بارے میں ہیں: «تَبَّتْ يَدَا أَبِي لَهَبٍ وَتَبَّ مَا أَغْنَىٰ عَنْهُ مَالُهُ وَمَا كَسَبَ سَيِّئَلِي نَارًا ذَاتَ لَهَبٍ» (مسد ۱-۳)۔ ابولہب ان لوگوں میں سے ایک ہے جو طعنہ زنی کرنے

والے تھے کہ خدا نے رسول اللہ صلی اللہ و علیہ و آلہ و سلم کو اس کے شر سے محفوظ رکھنے کا وعدہ کیا تھا (ابوالفتح، عیون الاثر، ج ۱، ص ۱۳۲)۔

وہ قریش کے ان سرداروں میں سے تھا جنہوں نے نئے الہی مذہب کے خلاف ڈٹ کر مقابلہ کیا، اس میں اللہ تعالیٰ نے اس طرح کے نظریے کی بنیاد پر اس کی ہلاکت کی خبر دی ہے، ایک اور مثال ام جمیل نامی عوارء خاتون ہے جو حرب بن امیہ کی بیٹی اور ابو لہب کی بیوی وہ رسول اللہ کے سخت دشمنوں میں سے تھی (صالحی، شامی، سبل الہدی جلد ۱۰، صفحہ ۲۵۶)۔ سورہ مسد میں ابو لہب کے بارے میں تین آیات کے بعد، ام جمیل کو دو طرح سے جانا جاتا ہے، دنیا میں اس کی سماجی حیثیت اور آخرت میں اس کی بد نصیبی کو ظاہر کرتی ہیں: «حَمَّالَةَ الْحَطَبِ فِي جِدِّهَا حَبْلٌ مِّنْ مَّسَدٍ» (مسد، ۴-۵)۔

ان دو خصوصیات کا کیا مطلب ہے؟ کچھ روایتوں میں «حملۃ الحطب» کے معنی میں نقل ہوا ہے: «کیونکہ اس نے رات کے وقت کانٹوں اور جھاڑیوں کو اکٹھا کر کے رسول اللہ صلی اللہ علیہ والہ وسلم کے راستے میں انڈیل دیا تھا، اس لیے اسے اس لقب سے پکارا جاتا ہے» (ابن ہشام، السیرہ النبویہ، ج ۱، ص ۳۵۵)۔ بعض دیگر افراد نے «حطب» (ایندھن) کا کنایہ استعمال کیا ہے، اسے مراد، فتنہ انگیز اور آگ بھڑکانے والی سمجھا ہے اور چونکہ ام جمیل لوگوں کے درمیان باتیں بنا کر رسول اللہ صلی اللہ علیہ والہ وسلم سے دشمنی کی آگ کو بھڑکاتی تھی بالکل اسی طرح کہ جیسے کسی نے جانتے بوجہتے لکڑیوں کو اکٹھا کر کے آگ لگائی ہو (طبری، جامع البیان، ج ۳۰، ص ۲۱۹)۔ اس عورت نے معاشرے میں مثبت تبدیلیوں کو روکنے کے لیے سخت جدوجہد کی اور اپنے طرز عمل سے اس مقصد کے لیے نفسیاتی دباؤ اور جسمانی تشدد کو ایجنڈے میں شامل کیا تھا اس طرح اس نے روحانی پیشوا اور الہی رہنما کے ذریعے معاشرے میں مطلوبہ تبدیلیوں کو روکنے میں بڑا کردار ادا کیا اور سخت ترین کوشش کی اور جو کچھ رسالت کے خلاف کر سکتی تھی کر گزری۔

۲- معاشی نوابغ (Economic Elites):

مغربی مفکر جناب گی روشے کی تعریف میں معاشی ملکیت کے نوابغ کو اس طرح سمجھا جاتا ہے ، معاشی (ملکیت کے) نوابغ وہ ہوتے ہیں جن کے فیصلے معاشرے کی معاشی زندگی کو متاثر کرتے ہیں اور بالآخر سیاسی، معاشی اور سماجی تبدیلیوں کا سبب بنتے ہیں یا ایسی تبدیلیوں کو رونما ہونے سے روکتے ہیں یہ مالدار ہونے کی وجہ سے کچھ خاص قسم کے اختیارات رکھتے ہیں (گی روشے ، تغییرات اجتماعی، ص ۱۲۳)۔

الف) مثبت معاشی نوابغ:

اس قسم کے نوابغ کے فیصلے معاشرے میں لوگوں کی زندگیوں پر بہت زیادہ اثر گزار ہوتے ہیں اور سماجی، سیاسی اور معاشی تبدیلیوں میں سازگار کردار ادا کرتے ہیں۔ قرآن کریم میں اس طرح پیغمبر اکرم حضرت محمد صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم کو مخاطب کیا گیا ہے: «وَجَدَكَ عَائِلًا فَأَغْنِي» (ضحیٰ، ۸)، بہت سارے تفسیری شیعہ سنی علماء نے ذکر کیا ہے کہ اس آیت سے مراد، رسول اللہ صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم کا حضرت خدیجہ سلام اللہ علیہا کے مال و دولت کے ذریعے دوسروں سے بے نیاز ہونا ہے (بغوی، معالم التنزیل فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص ۲۶۸؛ نووی جاوی، مراح لبید لکشف معنی القرآن المجید، ج ۲، ص ۶۴۳؛ ابن عطیہ اندلسی، المحرر الوجیز ، ج ۵، ص ۴۹۴؛ قاسمی، محاسن التأویل، ج ۹، ص ۴۹۲؛ زمخشری، الکشاف، ج ۴، ص ۷۶۸؛ طبرسی، مجمع البیان ، ج ۱۰، ص ۷۶۷)۔

حضرت خدیجہ سلام اللہ علیہا ایمان اور بصیرت کی وجہ سے خود ایک باکمال روحانی پیشوا تھیں جنہوں نے اپنی تمام دولت اسلام کے بلند مقاصد کے حصول کی راہ میں خرچ کر دی۔ وہ ہر لحاظ سے نابغہ تھیں ، لیکن ان کی معاشی اعتبار سے قربانیاں، (انہوں نے ابتدائے اسلام کے مسلمانوں کو غربت اور بھوک سے بچایا تھا)، اس میں ان کا نابغہ ہونا زیادہ عکاسی کرتا ہے، ورنہ وہ فضیلت اور

مرتبے کے لحاظ سے، دنیا کی چار برگزیدہ خواتین میں سے ایک ہیں) سیوطی، الدر المنثور، ج ۲، ص ۱۹۳)۔

حضرت خدیجہ، وہ پہلی خاتون تھیں جنہوں نے رسول اللہ صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم کی پکار پر لبیک کہا اور ایمان لائیں (رازی، مفاتیح الغیب، ج ۱۶، ص ۱۲۸؛ ثعلبی، الکشف و البیان، ج ۵، ص ۸۵)، ان کا دفاع اور جدوجہد دین کے بہت سارے کامیابی کے عوامل کی وجہ بنی یعنی حضرت خدیجہ سلام اللہ علیہا کے دشمن اسلام کے خلاف کھڑے ہونے اور قربانیوں کو دیکھ کر لوگوں کی ایک بڑی تعداد نے اسلام قبول کیا جو ایک مختصر مدت میں تاریخی کردار کے حامل بن گیا اور بہت سی معاشی، سماجی، ثقافتی اور سیاسی تبدیلیاں آئیں۔

ب) منفی معاشی نوابغ :

منفی معاشی نوابغ کی ایک بہت واضح مثال قرآن میں، قارون ہے۔ قرآن کے شواہد کے مطابق وہ حضرت موسیٰ علیہ السلام کی قوم سے تھا (قصص، ۲۸) اور ان کے قریبی رشتہ داروں میں سے تھا (طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۸، ص ۱۷۵)۔ قرآن کریم نے متعدد مقامات پر ان کا تذکرہ کیا ہے اور اسے فرعون اور ہامان جیسے منفی لوگوں کے زمرے میں رکھا ہے۔ قارون دولت کے لحاظ سے ممتاز (نمایاں) ترین لوگوں میں سے تھا وہ حاکم کے نزدیک بہت ہی با اثر لوگوں میں سے تھا اور وہ فرعون اور ہامان جیسوں کی صف میں شامل تھا۔ اس کی فکر اور طرز عمل کی رہنمائی اور تبدیلی کے لیے اللہ تعالیٰ نے موسیٰ علیہ السلام جیسے اولوالعزم اور ثابت قدم پیغمبر کو معجزات اور دلائل کے ساتھ بھیجا: «وَ قَارُونَ وَ فِرْعَوْنَ وَ هَامَانَ وَ لَقَدْ جَاءَهُمْ مُوسَىٰ بِالْبَيِّنَاتِ» (عنکبوت، ۳۹)۔ اسی طرح سورہ غافر میں بھی آیا ہے: «وَ لَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا وَ سُلْطَانٍ مُّبِينٍ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَ هَامَانَ وَ قَارُونَ فَقَالُوا سَاحِرٌ كَذَّابٌ» (غافر، ۲۴، ۲۳)۔

قرآن کریم معاشرے کے روحانی پیشوا کی اصلاحات کے بارے میں ان کے ردعمل کا تعارف پیش کرتا ہے کہ وہ ایک متکبرانہ نقطہ نظر

رکھتاتھا: «فَاسْتَكْبَرُوا فِي الْأَرْضِ» (عنکبوت، ۳۹)، نیز روحانی پیشوا کے خلاف جنگ
مخملی اور بہتان تراشی کرنا، اس کے ردعمل سے وہ جانتا ہے کہ جادوگر اور
جھوٹے کی طرح جنگ مخملی (جنگ نرم) کا طریقہ، مخالفین حق کے ہاتھ میں
ایک آلہ بن چکا ہے: «ساحِرٌ كَذَّابٌ» (غافر، ۲۴)، نہ صرف فرعون، ہامان اور قارون
بلکہ پوری بنی نوع انسان کی تاریخ میں، انبیا سے جنگ کے لیے دشمنوں نے
یہی طریقہ اختیار کیا ہے: «وَعَجِبُوا أَنْ جَاءَهُمْ مُنْذِرٌ مِنْهُمْ وَ قَالُوا الْكَاْفِرُونَ هَذَا سَاحِرٌ كَذَّابٌ
» (ص، ۴)۔ اس طریقے سے منفی نوابغ انبیاء کے اصلاحی پروگراموں کے برخلاف
کھڑے ہوتے تھے۔ قارون، متکبر تھا (عنکبوت ۳۹)، وہ مخالفین کے خلاف بہتان
تراشی کرتا تھا (غافر ۲۴)، گناہ میں غرق تھا اور اس کے ہاتھ ہمیشہ مظلوم لوگوں
کے خلاف، ظلم اور جرم سے رنگین رہتے تھے (عنکبوت ۴۰)، اس نے جرم کیا
تھا (قصص ۷۸)، حجت وقت کے خلاف بغاوت اور خلاف ورزی کو اس کی
نمایاں خصوصیات میں شمار کیا جاتا ہے (قصص ۷۶)، وہ زمین پر فساد اور فتنہ
پھیلانے کی سرپرستی کرتا تھا (قصص ۷۷)، خوشی اور مسرت نے اس کے
وجود کو گھیرا ہوا تھا (قصص ۷۶)، وہ فرعون کی طرح زمین پر عظمت اور
بزرگی کا متلاشی تھا (قصص ۸۳)، اصل میں وہ کافر تھا (قصص ۸۲) اور اس
نے خدا کے سامنے استقلال اور بے نیازی کا دعویٰ کیا تھا: «إِنَّمَا أُوتِيْتُهُ عَلَيِّ عِلْمٍ
عِنْدِي»، (قصص، ۷۸)، وہ لوگوں کے سامنے اپنی قدرت و دولت کا دکھاوا کیا کرتا
تھا: «فَخَرَجَ عَلَى قَوْمِهِ فِي زِينَتِهِ» (قصص، ۷۹)۔ اس آیت سے ایک اصول حاصل ہوتا
ہے اور وہ یہ ہے کہ «نوابغ کے طرز عمل میں تبدیلی، معاشرے میں تبدیلی کا
سبب بنتی ہے۔ لوگ ان کے طرز عمل کو اپناتے ہیں اور لوگ انہیں نمونہ عمل
کی نگاہوں سے دیکھتے ہیں»۔ بالکل اسی نقطے کی طرف قرآن مجید میں اشارہ

کیا گیا ہے: «فَخَرَجَ عَلَى قَوْمِهِ فِي زِينَتِهِ قَالَ الَّذِينَ يُرِيدُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا يَا لَيْتَ لَنَا مِثْلَ مَا أُوتِيَ قَارُونُ إِنَّهُ لَذُو حَظٍّ عَظِيمٍ» (قصص، ۷۹)۔

«فی زینتہ» کی تشریح، اس حقیقت کی طرف اشارہ کرتی ہے کہ اس نے اپنی

تمام تر طاقت استعمال کی تاکہ وہ اپنے مال و زینت کی نمائش کر سکے اور لوگوں کو مرعوب کرے۔ بعض مفسرین نے نقل کیا ہے کہ، قارون ۴ ہزار افراد کی ایک بڑی جمعیت کے ساتھ گزرا، جب کہ وہ چار ہزار افراد سرخ لباس پہنے، قیمتی گھوڑوں پر سوار تھے، اور وہ اپنی سفید لونڈیوں کو ساتھ لایا تھا جو سفید استر پر رکھی ہوئی سونے کی زینوں پر سوار تھیں، ان کے لباس سرخ اور سراپا سونے سے لدی ہوئی تھیں! کچھ مفسرین نے تو ان افراد کی تعداد ۷۰ ہزار لکھی ہے (مکارم شیرازی، تفسیر نمونہ، ج ۱۶، ص ۱۶۴)، جب لوگوں نے قارون کی زینت و دولت کے سارے جلوے دیکھا تو ان کے دلوں میں حسرت آئی اور وہ قارون جیسی زندگی کی تمنا کرنے لگے: «يَا لَيْتَ لَنَا مِثْلَ مَا أُوتِيَ قَارُونُ»۔ یہاں

سے معلوم ہوتا ہے کہ دولت مند نوابغ کی کارکردگی لوگوں کی کارکردگی، لوگوں کی ثقافت کو کتنا بدل سکتی ہے، ان کی سوچ اور طرز عمل پر اثر انداز ہوتی ہے اور حتیٰ ان کی بول چال تک کو بدل دیتی ہے۔ معاشرے میں قارون کے تمام افکار اور طرز عمل کی بنیاد موسیٰ علیہ السلام جیسے معاشرے کے رہنما کے خلاف بغاوت سے شروع ہوئی اور ایسی بغاوت کی تشکیل میں دولت کا بنیادی کردار رہا۔

اس بغاوت کے نتیجے میں توہین رسالت، جبر، خدا کے سامنے استقلال کا مظاہرہ اور روحانی پیشوا سے لڑنے کا جرم اور ان کے اصلاحی پروگراموں کی روک تھام قارون کے اولین کام قرار پائے۔ اس کی اسی بغاوت نے اس کی سوچ اور طرز عمل کو اس طرح بدل دیا کہ وہ موسیٰ کی صفوں کو چھوڑ کر فرعون سے جا ملا: «إِنَّ قَارُونَ كَانَ مِنْ قَوْمِ مُوسَى فَبَغَى عَلَيْهِمْ»، سرکشی اور بغاوت کا مفہوم یہ ہے کہ قارون نے فرعون کا راستہ اختیار کیا اور اس کے ساتھ تعاون کیا اور فرعون کے ساتھ بنی اسرائیل سے بغاوت کی۔ بعض آیات سے

معلوم ہوتا ہے بنی اسرائیل میں سے بعض نے فرعون کے ساتھ اپنی قوم کے خلاف تعاون کیا: «فَمَا آمَنَ لِمُوسَىٰ إِلَّا ذُرِّيَّةٌ مِّنْ قَوْمِهِ عَلَىٰ خَوْفٍ مِّنْ فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِمْ أَن يَفْتِنَهُمْ» (یونس، ۸۳)۔

اس آیت سے معلوم ہوتا ہے کہ بنی اسرائیل کے کچھ نوجوان ہی موسیٰ علیہ السلام پر ایمان لائے اور وہ بھی فرعون سے ڈرتے تھے اور اپنی قوم کے ان رئیسوں سے بھی خوف زادہ تھے جو فرعون کے ساتھ تھے۔ سورہ عنکبوت کی انتالیسویں (۳۹) آیت اور سورہ غافر کی چوبیسویں (۲۴) آیت بھی قارون کی فرعون کے ساتھ مکمل یکجہتی کے بارے میں ہیں۔ مثلث شوم جو کہ طاقت کی علامت، حکومت و دولت کی علامت اور فکر و نظر کے انحراف کی علامت پر مشتمل تھا اس کے تحت انہوں نے خدائی رہنما کے خلاف سازشیں کیں اور جادوگری اور جھوٹ کو ان کی طرف منسوب کیا۔ جناب موسیٰ اور ہارون علیہما السلام فتح کی دلیلیں اور نشانیاں لانے کے باوجود جب وہ شکست کھاتاہے تو وہ اس شمسیت کے بعد اہل ایمان کے بچوں کو قتل کرنے کی دھمکی دیتا ہے، فرعونیوں کے طریقے میں سے ایک طریقہ باپ کے ہاتھوں شکست کا بدلہ، بیٹے سے لینا ہے اور یہ ابلیسی صفت ہے، ابلیس ایسا کرتا ہے! جب وہ آدم پر فتح نہ پاسکا، اس کے بچوں کو ورغلانا شروع کر دیا: «فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِالْحَقِّ مِنْ عِنْدِنَا قَالُوا اقْتُلُوا أَبْنَاءَ الَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ وَاسْتَحْيُوا نِسَاءَهُمْ وَمَا كَيْدُ الْكَافِرِينَ إِلَّا فِي ضَلَالٍ» (غافر، ۲۵)

،باپوں کے ہاتھوں ناکامی کا انتقام بیٹوں سے لینا، قارونی، فرعونی اور ہامانی طرز عمل اور سوچ ہے یقیناً یہی طریقہ کار ابلیس کا پرانا طریقہ تھا(ص، ۷۲-۸۲)۔

درحقیقت ہر جگہ اور ہر زمانے میں کچھ قارونی صفت والاموجود ہے اور اسی کی طرح دولت اور اقتدار کے غرور کے نشے میں دھت پھرتا ہے۔ دولت کا نشہ، انسان کو بعض اوقات ہر قسم کے جنون میں مبتلا کر دیتا ہے، دولت کی نمائش اور دوسروں کی توجہ جذب کرنے کا جنون، غریبوں کی توہین اور ان کی ذلت سے لطف اٹھانے کا جنون! اور پھر یہی زر و زور اور حد درجہ تکبر، اس

کو انتہائی شرمناک جرائم میں مبتلا کر دیتا ہے، یہاں تک کہ پیغمبر خدا کے سامنے کھڑا ہو جاتا ہے اور ان سے جنگ کرتا ہے۔ قارون اپنی بے انتہا دولت کے علاوہ، جس کا ذکر قرآن نے اس کے خزانوں کی کنجی کو ذکر کیا ہے: «وَأَتَيْنَاهُ مِنَ الْكُنُوزِ مَا إِنَّ مَفَاتِحَهُ لَتَنُوءُ بِالْعُصْبَةِ أُولِي الْقُوَّةِ» (قصص، ۷۶)، چالیس (۴۰) طاقتور

لوگوں کا ایک گروہ، صرف اس کے خزانوں کی چابیاں اٹھاتے تھے (شبر، الجوهر الثمین، ج ۵، ص ۳۹)، اس کے علاوہ اس کے پاس علم کا بھی بہت بڑا حصہ تھا، علم کا غرور بھی تھا، بعض اوقات علم کا غرور انسان کو اتنا خود غرض بنا دیتا ہے کہ انسان کسی بھی دوسری چیز کے وجود کو قبول نہیں کرتا (یعنی خود کے علاوہ کسی دوسرے کے وجود کو برتر نہیں سمجھتا)، یہاں تک کہ خدا کے وجود کا بھی انکار کر دیتا ہے: «أِنَّمَا أُوتِيْتُهُ عَلَىٰ عِلْمٍ عِنْدِي» (قصص، ۷۸)۔

ان تمام منفی عوامل کے اس کے اندر اجتماع نے دولت کی سب سے بڑی اور بجاری کے پیروں کو اکھاڑ پھینکا اور اسے ہمیشہ دوسروں کے لیے موجب عبرت بنا دیا: «فَخَسَفْنَا بِهِ وَبَدَارِهِ الْأَرْضَ» (قصص، ۸۱)، زمین نے موسیٰ (علیہ السلام) کے

حکم سے اپنے اندر دھنسا دیا (فیض کاشانی، الاصحی فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۹۳۸) اور اس کا کوئی نشان باقی نہ رہا۔ معاشی، علمی اور فکری غرور کی تکون اس کی تباہی کا موجب بنی اور وہ زمین میں ہمیشہ کے لیے دفن ہو گیا۔

ہر زمانے اور ہر جگہ پر منفی نوابغ موجود ہیں، رہبر معظم کا واضح بیان ہے کہ کس طرح استعمار ان کی حکومت کو تباہ کرنے اور براعظم امریکہ اور براعظم ایشیا میں خود کو مالا مال کرنے میں کامیاب رہا۔ انگلینڈ امیر نہیں تھا، فرانس امیر نہیں تھا، یورپی ممالک امیر نہیں تھے، دوسرے ملکوں کی دولت لے گئے۔ ٹھیک ہے، وہ ہتھیاروں سے اس طرح کے کام کرنے کے قابل تھے، وہ تخلیقی ذہن کے مالک تھے، یہ سچ ہے؛ انہوں نے بہت کوشش کی، وہ خطرہ مول لینے والے تھے، یہ اہل یورپ کی اچھی خصوصیات ہیں۔ لیکن ان خصوصیات سے کیا فائدہ حاصل کیا انہوں نے؟ تسلط کا نظام قائم کیا دنیا میں؛ نظام تسلط، آج کی دنیا کی عظیم مصیبتوں میں سے ایک ہے جو ابھی ختم نہیں ہوئی اور یہ

«تسلط کا نظام» ان شاء اللہ ختم ہو کر رہے گا، نظام تسلط یعنی دنیا تقسیم ہو ایک وہ جو غلبہ رکھتے ہیں اور دوسرے وہ جن پر غلبہ رکھتے ہیں (یعنی دنیا تقسیم ہو غالب اور مغلوب دو قسم کے لوگوں میں)۔ چند لوگوں کو چاہیے کہ پوری دنیا پر طاقت سے حکومت کریں، دوسرے ممالک کو بھی چاہیے کہ مختلف طریقوں سے ان کی اطاعت کریں؛ یہ تسلط کا نظام ہے۔ یہ تسلط کا نظام یورپ کی سائنسی ترقی سے پیدا ہوا ہے۔ ٹھیک، پر نابغہ ایک اعتبار اور جہت سے ان لوگوں میں شامل نہیں ہوتے - <https://farsi.ir/speech-content?id-khamenei> - ۱۸۴۵ (بیانات در دیدار نخبگان و استعدادہای برتر تحصیلی)۔

۳- فکری نوابغ (Intellectual Elites):

سماجیات کی بحث میں فکری نوابغ کے عنوان سے کسی قسم کی گفتگو نہیں دیکھی گئی ہے۔ کیونکہ ہماری بحث قرآنی نقطہ نظر سے اس موضوع پر بحث کرنا ہے اور اس بارے میں بہت سی مثالیں قرآن کریم میں ملتی ہیں۔ میری نظر میں فکری نوابغ میں ایسے لوگ شامل ہیں جو عقلی اور فکری طور پر غیر معمولی ہیں اور سماجی، سیاسی اور معاشی تبدیلیاں پیدا کرنے یا ان کو روکنے میں انتہائی اہم کردار ادا کرتے ہیں ایک بار پھر، نوابغ کی اس قسم کو مثبت اور منفی میں تقسیم کیا جا سکتا ہے۔

الف (مثبت فکری نوابغ:

قرآن کریم میں سے ہم حضرت ہارون علیہ السلام کا ذکر بطور فکری نابغہ کر سکتے ہیں۔ وزیر کا کام سردار کی فکری لحاظ سے مدد کرنا ہے اور قرآن نے حضرت ہارون علیہ السلام کو دو سوروں طہ اور فرقان میں حضرت موسیٰ علیہ السلام کے مشیر اور وزیر متعارف کروایا ہے۔ کام کی سختی اور مشکلات کی وجہ سے وہ اللہ تعالیٰ سے مدد مانگتا ہے: «وَاجْعَلْ لِي وَزِيرًا مِنْ أَهْلِ هَارُونَ أَخِي اشْدُدْ بِهِ أَزْرِي وَأَشْرِكْهُ فِي أَمْرِي» (طہ ۲۹-۳۲)، اللہ تعالیٰ نے دوسری آیت میں

ہارون کو حضرت موسیٰ علیہ السلام کا وزیر مقرر کرنے کی خبر دی ہے: «وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَ جَعَلْنَا مَعَهُ أَخَاهُ هَارُونَ وَزِيرًا» (فرقان ۳۵) حضرت ہارون کی رسالت بھی حضرت موسیٰ (علیہ السلام) کی طرح بہت سخت اور طاقت فرا تھی وہ ہر لحاظ سے نابغہ تھے، لیکن انہوں نے نظریاتی کام غیر معمولی طور پر انجام دیے تھے، اس لیے ہم نے اس قصے کو، فکری نوابغ میں ذکر کیا ہے۔ قرآن نے اسی طرح منفی نوابغ فرعون اور ہامان کا نام لیا ہے اور ان کے مقابلے میں مثبت نوابغ، ہارون اور موسیٰ کا نام لیا ہے۔ جناب ہارون، حضرت موسیٰ علیہ السلام کی غیر موجودگی میں معاشرے کے رہنما اور رہبر تھے اور لوگوں کے معاملات کو سنبھالتے، سلجھاتے اور چلاتے تھے (اعراف ۱۴۲) بہر حال، نوابغ کا یہ کردار معاشرے میں اور اس کی تبدیلیوں کے لیے بہت مؤثر ہے۔

ب) منفی فکری نوابغ :

قرآن پاک میں اس قسم کے منفی نوابغ کی سب سے واضح مثال فرعون کے وزیر ہامان کے طور پر دیکھی جا سکتی ہے۔ کسی بھی معاشرے میں بہت سی تبدیلیوں کی بنیاد اس معاشرے کے نوابغ کی سوچ اور فکر ہوتی ہے۔ ہامان آمرانہ نظام کی خدمت میں فکر و نظر کا مظہر تھا اور استکباری نظام کی بقاء اور ہمہ گیر تسلط کے لیے منصوبہ بندی کرتا تھا۔ وہ بہت با رسوخ اور غیر معمولی عسکری طاقت کا مالک تھا۔ وہ معاشرے کے مذہبی و الہی رہنما کی سوچ اور ان کی مثبت تبدیلیوں کے خلاف کھڑا تھا اور معاشرے میں پھیلتے ہوئے الہی اقدار کے عمل کو روکتا تھا۔ قرآن نے موسیٰ کی رسالت کو فرعون، ہامان اور قارون کی رہنمائی اور ہدایت کو قرار دیا ہے (عنکبوت ۳۹)، ملکی معاملات کا انتظام بھی ہامان کے ہاتھ میں تھا، تمام سیاسی سیکورٹی اور انٹیلیجنس ایجنسیاں اس کے زیر اثر تھیں۔ آیت کی نظر سے «و جنودہما» سے اسی طرح کا مفہوم حاصل ہوتا ہے: «فَأَوْقَدَ لِي يَا هَامَانَ عَلَى الطَّيْنِ فَاجْعَلْ لِي صَرْحًا لَعَلِّي أَطَّلِعُ إِلَى إِلِهِ

مُوسَى) (قصص، ۳۸)؛ تو اے ہامان میرے لیے مٹی پر آگ جلا اور میرے لیے اینٹیں بنا اور میرے لیے ایک اونچا محل بنا تاکہ میں موسیٰ کے معبود کے بارے میں جان سکوں!

سب سے پہلے جس نے مٹی پکانے کا حکم دیا وہ فرعون تھا (حسینی، تفسیر اثنا عشری، ج ۱۰، ص ۱۴۰)۔ یہاں پر صنعتی علم کی طرف اشارہ کیا گیا ہے۔ اس کے حکم پر ہامان نے ۵۰ ہزار معماروں کو اکٹھا کیا، اس کے علاوہ وہ لوگ الگ تھے جو اینٹیں پکاتے تھے، لکڑیاں کاٹتے تھے، دروازے اور کیلیں بناتے تھے، یہاں تک کہ اس نے ایک ایسی عمارت بنائی جو دنیا کی ابتدا سے لے کر اس وقت تک اتنی اونچی عمارت نہیں بنی تھی، اور اس کی بنیاد رکھی وہ عمارت ایک پہاڑ کی چوٹی پر بنائی گئی تھی۔ قرآن میں اس طرح آیا ہے :

«وَقَالَ فِرْعَوْنُ يَا هَامَانَ ابْنِ لِي صَرْحًا لَعَلِّي أَبْلُغُ الْأَسْبَابَ» (غافر، ۳۶)؛ اے ہامان! میرے

لیے ایک اونچا محل بنا تاکہ مجھے کوئی وسیلہ مل جائے، ہامان نے اپنے استکباری کاموں کے ساتھ ساتھ حضرت موسیٰ پر بہت زیادہ ذہنی اور نفسیاتی دباؤ ڈالا اور تاریخ میں ایک بھیانک جرم کیا، جیسا کہ بنی اسرائیل کے بیٹوں کے قتل کا ایجنڈا بنانا (غافر ۳۶)۔

یوں اس نے بدترین قسم کی نسل کشی شروع کر دی ان واقعات سے یہ نتیجہ اخذ کیا جا سکتا ہے کہ اگر سربراہ مملکت کے خصوصی مشیر منحرف سوچ کے حامل ہوں گے تو نہ صرف یہ کہ کوئی بہتری کی خبر نہیں ہوگی بلکہ معاشرے پر بدترین قسم کے قوانین مسلط کر دیں گے اور معاشرے کی تنزلی کے عوامل تیزی سے مہیا کریں گے۔ تاریخ میں ایسے مشیروں کی واضح مثالوں میں ہامان کا شمار ہوتا ہے۔

۴- علمی نوابغ (Scientific Elites):

کسی عمرانیات کے ماہر نے علمی نوابغ سے بحث کی ہو مجھے معلوم نہیں ہوا اور اسی طرح کسی نے اس قسم کی تعریف بیان کی ہو! البتہ کوئی

بھی علمی نوابغ کے وجود اور سماجی، سیاسی اور معاشی تبدیلیوں میں ان کے اہم ترین کردار سے انکار نہیں کر سکتا میری نظر میں علمی نوابغ سے مراد ، وہ لوگ ہیں جو غیر معمولی اور فوق العادہ علم رکھتے ہیں اور اسے معاشرے میں سماجی، سیاسی اور معاشی تبدیلیاں لانے کے لیے استعمال کرتے ہیں البتہ پچھلی تقسیم کی طرح اس قسم کے نوابغ کو بھی مثبت اور منفی میں تقسیم کیا جا سکتا ہے۔

الف) مثبت علمی نوابغ:

قرآن کا مطالعہ کرنے سے معلوم ہوتا ہے کہ علمی نوابغ کی مثبت اور منفی دونوں قسمیں قرآن میں مذکور ہیں۔ اس قسم کے نوابغ معاشرے میں تبدیلی لانے کے لیے لوگوں کے طرز عمل اور خیالات کو بدل دیتے ہیں۔ علمی نوابغ کے لیے قرآنی نقطہ نظر سے بہت سی مثالیں پیش کی پاس فوق العادہ علمی استعداد تھی وہ ایک علم لدنی کے مالک ہیں اور اس علم کے استعمال میں لاتے ہوئے جناب آصف نے بلقیس کی عظیم تخت «وَلَهَا عَرْشٌ عَظِيمٌ» (نمل ۲۳) کو ہزاروں کلومیٹر کے فاصلے سے پلک جھپکنے سے پہلے جناب سلیمان کے سامنے حاضر کر دیا۔ جب سلیمان نے اپنے حاضرین سے کہا کہ وہ تخت کون لائے گا؟ (نمل ۳۸) اس کے جواب میں آصف بن برخیا نے کہا: «وَقَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِّنَ الْكِتَابِ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ يَرْتَدَّ إِلَيْكَ طَرْفُكَ فَلَمَّا رَءَاهُ مُسْتَقِرًّا عِنْدَهُ» (نمل ۲۷)

ہزاروں سال پہلے ایک علمی شخصیت نے دنیا کو ایسا شاندار علمی جوہر دکھایا اور ایک وزیر اور معاشرے کے الٰہی پیشوا کے طور پر، اپنے علمی مقام کو تمام مخلوقات (انسان، جنات اور پرندوں) پر روشن کر دیا اور اس بھاری تخت کو پلک جھپکنے سے پہلے ملک سبا (یمن) سے فلسطین لایا گیا۔ آج ہزاروں سال بعد، تمام سائنسی، علمی اور تکنیکی ترقی کے باوجود، انسان ایسا کرنا تو درکنار اس علم کو سمجھنے تک سے قاصر ہے۔ اس علمی نابغے نے لوگوں کی سوچ

اور طرز عمل پر اتنا اثر کیا کہ جب ملکہ سبا نے اس تخت کو دیکھا تو فوراً اپنا عقیدہ بدل دیا اور کہا : «أَسْلَمْتُ مَعَ سُلَيْمَانَ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» (نمل ۴۴)۔

رہبر معظم مثبت اور منفی نوابغ کے بارے میں فرماتے ہیں: نابغہ ہونے، نابغہ بننے اور نابغہ سمجھے جانے کا تیسرا عنصر کیا ہے؟ اس کا مطلب ہے رہنمائی اور الہی توفیق کا حصول ہو ورنہ فقط یہ کہ کسی کے پاس صلاحیت ہو اور وہ استعمال کرے، انسان کو نابغہ نہیں بناتا۔ ممکن ہے کہ کوئی شخص بہت ہوشیار اور ذہین ہو، اس ہوشیاری کو، اس ذہانت کو غبن کے لیے استعمال کرے! کیا ایسا استعمال نہیں کرتے؟ یا اپنی صلاحیت کو چوری کے لیے (استعمال کرے) ، یہ نابغہ ہے؟ نہیں یہ چور ہے، یہ غبن کرنے والا ہے، یہ نابغہ نہیں ہے۔ نابغہ وہ ہے جسے واقعاً صحیح طور پر انتخاب کیا گیا ہو۔ نابغہ یعنی چنا ہوا ؛ نابغہ یعنی منتخب شدہ۔ یہ ہوشیار چور جو گاڑی کے مشکل اور پیچیدہ تالوں کو کھول سکتا ہے ، اور گاڑی چرا کر لے کر چلا جاتا ہے ، کیا یہ کوئی ممتاز شخص ہے؟ نہیں، یہ چور ہے ، یہ نابغہ نہیں ہے۔ نابغہ وہ ہوتا ہے جو اس تحریک کو الہی توفیق کے ساتھ چلاتا ہے اور الہی ہدایت کے ساتھ آگے بڑھتا ہے۔ ٹھیک ہے، میں اب چوروں اور غبن کرنے والوں کے اس مسئلے کو تھوڑی سی وسعت دیتا ہوں (یعنی اس مثال کو تھوڑا اور واضح کرتا ہوں)، میں کہتا ہوں کہ جو شخص فزکس میں نابغہ ہوتا ہے اور ایٹم بم بناتا ہے، یہ ہماری نظر میں نابغہ نہیں ہے۔ وہ جو کیمیائی علم کو استعمال کرتے ہوئے مسٹرڈ گیس اور کیمیائی گیسوں بناتا ہے کہ جس کے اثر میں لوگ پوری زندگی گرفتار رہتے ہیں، نابغہ نہیں ہے۔ وہ جو ریاضی میں ترقی کر کے مثلاً ترقی یافتہ انجینیئر، خلا کو فتح کر سکتا ہے (بہت بلند فضا کو بھی، اور لوگوں کی زندگی کی فضا کو بھی) یعنی آپ لوگ اپنے گھر کے اندر بھی جو باتیں کر رہے ہیں، آپ کی توجہ نہیں ہے کہ کوئی اور غیر بھی آپ کی باتیں سن رہا ہے (صرف موبائل ہی نہیں اور بھی طریقے ہیں)۔ یہ نابغہ نہیں ہے ، یہ جو اپنے علم کا غلط استعمال کر رہا ہے، نابغہ نہیں ہے۔ <https://farsi-ir/speech-content?id-khamenei> (بیانات در دیدار نخبگان و استعدادہای برتری تحصیلی)۔

ب) منفی علمی نوابغ :

قرآن کریم منفی علمی دانشوروں کی سخت مذمت کرتا ہے جو اپنے علم کو معاشرے کی فلاح و بہبود کے لیے استعمال کرنے کی بجائے اسے دولت اور لوگوں ، بالخصوص ظالموں کی خوشنودی حاصل کرنے کے لیے استعمال کرتے ہیں قرآن مجید ان کو کبھی گدھے کے ساتھ: «مَثَلُ الَّذِينَ حُمِلُوا التَّوْرَةَ ثُمَّ لَمْ يَحْمِلُوهَا

كَمَثَلِ الْحِمَارِ يَحْمِلُ أَسْفَارًا» (جمعہ، ۵) توکبھی کتے کے ساتھ (اعراف ۱۷۶) نسبت دی

گئی ہے۔ قرآن مجید ایک مشہور عالم کہ جن کی دعائیں جلدی مستجاب ہوتی تھیں ان کا تذکرہ کرتا ہے وہ عالم ، بلعم باعوراء (بنی اسرائیل کا عالم) تھا جو حضرت موسیٰ علیہ السلام کے دور میں زندگی گزار رہا تھا، قرآن نے اس کا ذکر سورہ اعراف میں تین آیات (۱۷۵-۱۷۷) میں کیا ہے۔

بہت زیادہ علم و دانش رکھنے کے باوجود، وہ معاشرے کے الٰہی رہبر کے خلاف کھڑا ہو گیا اور مادیات کو روحانیت پر ترجیح دی اور معاشرتی پیشوا کے زوال اور نابود کی جدوجہد کرتا رہا اور ان کو گرانے کے لیے کوشش کی آخر کار وہ خود ہی ایک اعلیٰ علمی مقام سے گر گیا: «وَ اتْلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ الَّذِي آتَيْنَاهُ آيَاتِنَا فَانْسَلَخَ مِنْهَا فَاتَّبَعَهُ الشَّيْطَانُ فَكَانَ مِنَ الْغَاوِينَ وَ لَوْ شِئْنَا لَرَفَعْنَاهُ بِهَا وَ لَكِنَّهُ أَخْلَدَ إِلَى الْأَرْضِ وَ اتَّبَعَ هَوَاهُ فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ الْكَلْبِ إِنْ تَحْمِلْ عَلَيْهِ يَلْهَثْ أَوْ تَتْرُكْهُ يَلْهَثْ ذَلِكَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا

بآياتنا» (اعراف ۱۷۷-۱۷۵)۔

امام رضا (علیہ السلام) نے ان آیات کو بلعم باعوراء کے بارے میں جاناہے یا اور فرمایا: «اسم اعظم خدا کو اس کے لیے بخشا گیا تھا۔ جب بھی وہ اس اسم اعظم کے وسیلے سے دعا کرتا قبول ہو جاتی تھی۔ لیکن بعد میں بلعم باعوراء ، فرعون کی طرف مائل ہو گیا جب فرعون، موسیٰ (علیہ السلام) اور اس کے ساتھیوں کے مقابلے کے لیے اٹھ کھڑا ہوا تو اس وقت بلعم کو کہا:

موسیٰ اور اس کے ساتھیوں پر لعنت کرو تاکہ خدا موسیٰ کو ہم پر غلبہ پانے سے روکے! بلعم بن باعوراء اپنے گدھے پر سوار ہوا تاکہ موسیٰ کی طرف حرکت کرے، لیکن اس کے گدھے نے خود کو حرکت کرنے سے روکے رکھا، اور بلعم اس جانور کو مارتا رہا۔ آخر کار قادر مطلق خدا نے گدھے کو بولنے کی صلاحیت دی اس نے بلعم کو مخاطب کرتے ہوئے کہا:

لعنت ہو تجھ پر! مجھے کیوں مار رہا ہے؟! کیا تیرا مقصد یہ ہے کہ میں تیرے ساتھ آؤں تاکہ تو پیغمبر خدا یعنی موسیٰ علیہ السلام اور اس کی قوم جو کہ مومنین ہیں پر لعنت کرے؟! بلعم اسی طرح گدھے کو مارتا رہا یہاں تک کہ اس کو قتل کر دیا! اور اس کی زبان سے خدا کا اسم اعظم لے لیا گیا (حویزی، تفسیر نور الثقلین، ج ۱، ص ۷۱۶ و ج ۲، ص ۱۰۲)، جب اس نے موسیٰ پر لعنت کی، اس کی زبان باہر آگئی اور اس کے سینے پر گر گئی اور اس نے کتے کی طرح بھونکنا شروع کر دیا (گنابادی، تفسیر بیان السعادة فی مقامات العبادۃ، ج ۲، ص ۲۱۸)۔

«فَأَنْسَلَخَ» کی تفسیر جو لفظ انسلاخ سے ماخوذ ہے اصل میں کھال سے باہر

نکلنا ہے، یہ واضح کرتا ہے کہ، آیات اور علم الہی نے اسے شروع میں اس طرح گھیر لیا تھا کہ وہ اس کے جسم کی کھال کی طرح ہو گیا، لیکن اچانک وہ اس کی کھال سے باہر نکل آیا اور ایک تیز موڑ کے ساتھ اپنا رخ بالکل ہی بدل دیا۔ (شیرازی، تفسیر نمونہ، ج ۷، ص ۱۲)، بلعم جو مقام و مرتبے کا خواہاں تھا اور وہ مادی دنیا کو روحانی اور معنوی دنیا پر ترجیح دیتا تھا اور اسی طرح اپنی نفسانی خواہشات کی پیروی کرتا تھا: «وَلَكِنَّهُ أَخْلَدَ إِلَى الْأَرْضِ وَاتَّبَعَ هَوَاهُ»، اللہ تعالیٰ

نے اس کو آیت میں کتے کے ساتھ تشبیہ دی ہے: «فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ الْكَلْبِ إِنْ تَحْمِلْ عَلَيْهِ

يَلْهَثُ أَوْ تَرَكَهُ يَلْهَثُ»، اس آیت سے درس ملتا ہے وہ یہ ہے کہ دنیا کے اسیر کو

کبھی سکون نہیں ملتا۔ لالچی انسان کے پاس جتنا بھی ہو، پھر بھی اس کی لالچی زبان باہر ہی ہوتی ہے کیونکہ دنیا پرستی اور لالچ کی کوئی انتہا نہیں ہوتی۔ قرآن غافل لوگوں کو اسی طرح چو پاؤں (فرقان ۴۴) سے نسبت دیتا ہے لیکن وہ

دنیا پرست علماء کو کتے سے «كَمَثَلِ الْكَلْبِ» تشبیہ کرتا ہے۔ ضروری ہے کہ توجہ رہے کہ خدا کی مرضی، ہمارے اعمال پر مبنی ہے: «وَلَوْ شِئْنَا لَرَفَعْنَاهُ بِهَا وَلَكِنَّهُ أَخْلَدَ إِلَى الْأَرْضِ وَاتَّبَعَ هَوَاهُ» اور مقام قرب تک پہنچنے کی شرط دنیا پرستی اور ہوس پرستی سے بچنا ہے۔ بہر حال دنیا کے دھوکے میں آنے والے، دنیا دار اہل علم اور دانشوروں کا انجام لوگوں کے لیے درس عبرت اور فکر کا باعث ہے۔ بلعم کے مشابہ علماء ہر زمانے میں بہت تھے اور ہیں، جو ابتدا میں دین پر ثابت قدم تھے پھر کفر اور گمراہی میں پختہ اور اس کی طرف جھک ہو گئے اور ایسا سلسلہ اب تک جاری و ساری ہے جس طرح طلحہ اور زبیر جو پہلے راہ حق میں ثابت قدم رہے پھر دنیا کی طرف مائل ہو گئے اور ماضی کے تمام بلند عمارتوں کو تہس نہس کر دیا (طیب، أطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج 6، ص 101)۔ ان آیات میں درحقیقت بلعم اور دنیا پرست علماء کے قصے کو بیان کیا ہے اس سے ایک عمومی اور کلی نتیجہ اخذ کیا گیا ہے، قرآن کہتا ہے کہ کیسی بری مثال ہے ان کی جنہوں نے ہماری آیات کو جھٹلایا، اور کیا ہی برا انجام ان کا انتظار کر رہا ہے: «سَاءَ مَثَلًا الْقَوْمُ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا»، لیکن انہوں نے ہم پر ظلم نہیں کیا بلکہ وہ اپنے آپ پر ظلم کرتے رہے: «وَأَنْفُسُهُمْ كَانُوا يَظْلُمُونَ»، اس سے بدتر کیا ہوگا کہ ان کا علم کا روحانی سرمایہ، جو انہیں اور معاشرے کی سربلندی کا باعث بنا سکتا ہے، اس «مال» اور «طاقت» کو صاحبان زر و زور کے ہاتھ میں کم قیمت میں فروخت کر دیتے ہیں۔ ایسے نوابغ سماجی تبدیلیوں میں بنیادی کردار ادا کرتے ہیں اور انسان میں مثبت اور منفی تبدیلیوں کا باعث بنتے ہیں۔

۵- سیاسی نوابغ (Political Elites):

مغربی مفکر جناب لاس ویل کی تعریف کے مطابق سیاسی نوابغ وہ ہوتے ہیں جن کے پاس سیاسی معاشرے میں طاقت ہوتی ہے۔ ان پاور کنٹرولرز میں قیادت اور اس قسم کے سماجی ڈھانچے ہوتے ہیں جو کہ ایک خاص مدت میں لیڈر انہی

(لوگوں) کے اندر سے اٹھتے ہیں اور انہیں جواب دیتے ہیں (تی بی باتومور ،
نخبگان و جامعہ ، ص ۱۲) سیاسی نوابغ کے پاس طاقت ، اختیار اور سماجی حیثیت
کی وجہ سے وہ سماجی تبدیلیاں پیدا کر سکتے ہیں۔
بعض ممالک میں یہ قدرت اور اختیار صدر کے پاس ہوتا ہے اور بعض ممالک
میں وزیر اعظم کے پاس اور ایران جیسے ملک میں رہبر کے پاس ایسی طاقت
ہوتی ہے۔ اس مقالے میں سیاسی نوابغ کو بھی قرآن کے نقطہ نظر سے زیر بحث
لایا گیا ہے اور انہیں مثبت اور منفی دو قسموں میں تقسیم کر دی گئی ہیں۔

الف) مثبت سیاسی نوابغ :

مثبت سیاسی نوابغ جیسے طالوت، سلیمان، بلقیس، ذوالقرنین ، یوسف اور عظیم
بیغمبر محمد صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم کا ذکر قرآن پاک میں آیا ہے۔ بلاشبہ، انبیاء
تمام پہلوؤں میں نوابغ اور خدا کی طرف سے منتخب کردہ ہیں، اور وہ تمام دنیا میں
ہزاروں نوابغ پرور ہیں۔ انہوں نے حکومتی امور کی باگ ڈور سنبھالی ، اس لیے
ہم نے ان حضرات کا اس مقام پر تذکرہ کیا ہے۔ قرآن نے بلقیس کے نابغہ ہونے
کا تذکرہ کیا جو غیر معصوم تھی انہوں نے تخت و تاج اور اختیارات رکھنے کے
باوجود یہ سب کچھ خدا کی خاطر چھوڑ دیا اور اس پر ایمان لے آئی: «قَالَتْ رَبُّ

إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي وَ أَسْلَمْتُ مَعَ سُلَيْمَانَ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» (نمل، ۴۴) ، چونکہ اس کے پاس
بصیرت تھی، اس لیے ہدبہ کے ذریعے سلیمان کا خط پہنچنے کے بعد اس نے
سلیمان علیہ السلام کی سلطنت کی نوعیت کو پہچان لیا۔

وہ مردوں کی حکومت کے طریقے کار سے بھی واقف تھی، اس لیے اس نے
اپنے ملک اور اپنی فوج کے بزرگوں کو مخاطب کرتے ہوئے اس طرح کہا : «قَالَتُْ

يَا أَيُّهَا الْمَلَأُوْا أَفْتُونِي فِي أَمْرِي مَا كُنْتُ قَاطِعَةً أَمْرًا حَتَّى تَشْهَدُوْنَ» (نمل ۳۲) ، فرعون کی طرح
اس نے بھی اس معاملے میں ملاء (اشرافیہ) کی رائے کو قبول نہیں کیا۔ ملاء
(اشرافیہ) نے بلقیس کو مندرجہ ذیل مشورہ دیا: «قَالُوا نَحْنُ أَوْلَاوُا قُوَّةٍ وَأَوْلَاوُا بِأَسِّ شَدِيدٍ

وَ الْأَمْرُ إِلَيْكِ فَانظُرِي مَاذَا تَأْمُرِينَ» (نمل ۳۳)، ملک اور فوجی عمائدین کے ان جنگ طلبی (فساد برپا کرنے والے) نظریات کے سامنے، بلقیس انہیں بادشاہ کے ملکوں کے ساتھ سلوک کی یاد دلاتی ہے کہ اگر کسی ملک پر حملہ ہوا تو وہ ملک تباہ ہو جائے گا، اور ان میں سب سے زیادہ عزت دار، ذلیل ہوگا اور اس معاملے میں بھی ایسا ہی ہوگا: «قَالَتْ إِنَّ الْمُلُوكَ إِذَا دَخَلُوا قَرْيَةً أَفْسَدُوهَا وَ جَعَلُوا أَعْرَآةَ أَهْلِهَا أَذَلَّةً وَ كَذَلِكَ يَفْعَلُونَ» (نمل ۳۴)، اس طرح ہر سطح پر وسیع تبدیلیاں کی جائیں گی۔ بلقیس نے اپنی خاص بصیرت سے ملک سبأ میں ایک عظیم جنگ کو روکا اور ہدیہ بھیجا (نمل ۳۵) سلیمان کے پاس، اس نے اس کی تشخیص کی، اور نیت اور اس کی شناخت کے جواب کے واضح ہونے کے بعد (نمل ۳۶-۳۷) جنگ کرنے اور لڑائی کے بجائے سلیمان کے پاس گئی، اور وہاں، حقائق کو دیکھ کر اس کی سوچ میں بہت بڑی تبدیلی واقع ہوئی اور وہ خدائے واحد پر ایمان لے آئی (نمل، ۴۴) اور سورج کی پوجا کرنا (نمل ۲۴) چھوڑ دی۔ اللہ تعالیٰ نے یہ تمام قصے کو سورہ نمل میں، ۲۴ آیات کے ضمن میں بیان کیا ہے۔

ب) منفی سیاسی نواہغ :

سماجی تبدیلیوں کا ایک اور کارگزار جو معاشرے میں منفی کردار رکھتا ہے اور منفی تبدیلیوں کا سبب بنتا ہے، وہ سیاسی نواہغ ہیں۔ اس قسم کے نواہغ معاشرے کے کمزور طبقے کو لوٹتے اور غارت کرنے کے لیے اپنی تمام تر طاقت بروئے کار لاتے ہیں اور اس راہ میں اپنی کوئی ایک حد بھی نہیں پہنچاتے (یعنی وہ اپنی کوئی حد نہیں رکھتے)، لہذا وہ ہر ممکن طریقے سے، جو ان کے ناجائز مطالبات کے خلاف ہو، اسے تباہ کرنے کی کوشش کرتے ہیں۔ قرآن میں ایسے نواہغ کی سب سے واضح مثال، فرعون ہے۔ فرعون نے معاشرے میں سب سے پہلے رویے میں تبدیلی معاشرے کے لوگوں میں فرق اور ان کو دو گروہوں میں تقسیم کر کے ایجاد کی: «جَعَلَ أَهْلَهَا شِيَعًا يَسْتَضَعِفُ طَائِفَةٌ مِّنْهُمْ» (قصص ۴)، فرعون نے معاشرے کے

متحد لوگوں کو گروہوں میں تقسیم کر دیا (سزواوری، ارشاد الٰذہان الی تفسیر القرآن، ص ۳۹۰) باہمی کشمکش اور تقسیم کے بعد اس نے معاشرے کو دو طبقوں میں تقسیم کر دیا، غریب اور امیر۔ اس نے کچھ لوگوں کو پسماندہ بنایا، دوسروں کو مال و دولت کے مالک اور عہدوں پر فائز کیا۔ اس نے لوگوں کے درمیان اختلاف ایجاد کرنے اور معاشرے کو دو طبقوں میں تقسیم کرنے کے بعد، تیسرے مقصد کو پورا کیا اور وہ پسماندہ طبقے کو غلام اور نوکر بنانا تھا۔ اس کے بعد اس نے دہشت کا ماحول بنا کر مظلوم طبقے کے بچوں کو قتل کرنا شروع کر دیا: «يَسُومُونَكُمْ سُوَاءَ الْعَذَابِ يُذَبِّحُونَ أَبْنَاءَكُمْ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ وَفِي ذَلِكُمْ بَلَاءٌ مِّن رَّبِّكُمْ عَظِيمٌ» (بقرہ ۴۹)۔

یہی آیت موسیٰ علیہ السلام کی زبان سے ایک اور سورہ میں بھی بیان ہوئی ہے (ابراہیم ۶) ایک اور سورہ میں موسیٰ علیہ السلام کی قوم کے اختلاف اور جدائی کے بعد اسی ذبح کے موضوع کو بیان کیا ہے: «إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ وَجَعَلَ أَهْلَهَا شِيَعًا يَسْتَضِعُّ طَائِفَةً مِنْهُمْ يذُبِّحُ أَبْنَاءَهُمْ وَيَسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ إِنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ» (قصص ۴)۔ ایک اور نقطہ جو اس آیت سے حاصل کیا جا سکتا ہے وہ یہ

ہے کہ فرعون نے معاشرے میں طرز عمل میں تبدیلی لانے سے پہلے ان کی سوچ کو متاثر کیا تھا اور ان کے عقائد کو بدل دیا تھا چونکہ لوگوں نے اسے خدا مان لیا تھا، اس لیے وہ اس کے ہر غلط رویے کے سامنے سر تسلیم خم کر دیتے تھے اور کوئی رد عمل ظاہر نہیں کرتے تھے۔ اس نے اپنے آپ کو خدا کے مقام پر فائز ہونے کا دعویٰ کیا: «فَقَالَ أَنَا رَبُّكُمُ الْأَعْلَى» (نازعات ۲۴)، اس طرح اس

نے خداوند کے طور پر لوگوں پر مطلق حاکمیت کو استعمال کرنے کی کوشش کی۔ اس لیے اس نے موسیٰ علیہ السلام کے خدا کے خلاف جنگ کو ایجنڈے میں رکھا اور اسے قتل کرنے کی کوشش کی اور ہامان کو کہا: «يا هامان ابن لي صرحاً

لَعَلِّي أَبْلُغُ الْأَسْبَابَ أَسْبَابَ السَّمَاوَاتِ فَأَطَّلِعَ إِلَى إِلِهِ مُوسَى وَإِنِّي لَأَظُنُّهُ كَاذِبًا» (غافر ۳۷-۳۶) اور نمرود کی بھی یہی سوچ تھی اور اسی وجہ سے اس نے آسمان کی طرف تیر پھینکا تاکہ ابراہیم کے خدا کو مار ڈالے (طیب، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۳، ص ۳۷۸) ایک طرف سیاسی نوابغ منفی تبدیلیاں متعارف کرواتے ہیں اور دوسری طرف وہ مثبت تبدیلیوں کا نہ صرف خیر مقدم نہیں کرتے بلکہ ان کی روک تھام بھی کرتے ہیں۔ اس مقصد کے لیے وہ خدائی رہنما اور لوگوں کے درمیان فاصلہ پیدا کرتے ہیں اور اس مقصد کے حصول کے لیے وہ نرم جنگ کا آغاز کرتے ہیں اور الہی رہنماؤں کے حیات بخش منصوبوں کو سحر اور جادو سے منسوب کرتے ہیں: «يُرِيدَانِ أَنْ يُخْرِجَاكُمْ مِنْ أَرْضِكُمْ بِسِحْرِهِمَا» (طہ ۶۳)، فرعون نے موسیٰ اور ہارون کی اصلاحات کو جادوگری قرار دے کر لوگوں کو یہ ظاہر کیا کہ وہ لوگوں کو مارنے اور بے گھر کرنے کے در پے ہیں، مخالفین کو ہر طرف سے مارنے کے در پے ہیں اس لئے انہوں نے حقیقی مصلحین کی مثبت کارکردگی کو عجیب اور غیر معمولی ظاہر کیا ہے۔

غور سے دیکھا جائے تو ان آیات میں معلوم ہوتا ہے کہ فرعون بہت سے برے کام انجام دیا کرتا تھا اور اس طرح سے اس نے معاشرے میں وسیع اور گہری تبدیلیاں کیں، فرعون کا سب سے پہلا کام لوگوں کے دلوں میں نفاق اور انتشار کا بیج بونا تھا۔ جب اس نے بظاہر یہ مقصد حاصل کر لیا تو اس نے معاشرے کو دو طبقوں میں تقسیم کر دیا اور معاشرے کی اکثریت کو پسماندہ کر دیا اور انہیں بدترین قسم کے جسمانی اور ذہنی عذاب میں مبتلا کر دیا۔ قرآن نے اسے " بڑی مصیبت " قرار دی ہے جس میں بدعنوانی اور جرائم کو اپنے منصوبوں میں سر فہرست رکھا تھا، بنی اسرائیل کے مردوں کو قتل کرنا، یہی وجہ بنی کہ اس طبقے کی نسل کو اس نے تباہ کر دیا گیا۔ اسی طرح سے اس معاشرے کا آبادیاتی ڈھانچا بھی تبدیل کیا گیا۔

پہلا شخص جس نے معاشرے میں طبقاتی نظام کو قائم کیا و سرمایہ داری کا نظام بنایا، فرعون تھا۔ ہر طرف خوف اور غربت چھائی ہوئی تھی۔ خوف کا یہ عالم تھا لوگ حتیٰ کہ اپنے گھروں میں بھی محفوظ نہیں تھے۔ یہاں تک کہ ان کا

اپنے مال، عورتوں اور بچوں پر بھی اختیار نہیں تھا۔ یہ ظالمانہ نظام فرعون کا تھا، جو لوگوں کی تقدیر کا تعین کرتا تھا کہ کون جیئے گا اور کون مرے گا یہاں تک کہ لوگوں کے پاس اپنے زندہ رہنے کا بھی اختیار نہیں تھا۔ ایسی خوفناک صورتحال میں لوگ اپنی نجات کے بارے میں سوچ رہے تھے۔ آج دنیا میں فرعونی نظام کی طرح طبقاتی نظام اور سرمایہ داری نظام نے انسانی معاشروں میں بے تحاشہ فساد پھیلا رکھا ہے جس کی وجہ سے دنیا مزید عدم تحفظ کا شکار ہو چکی ہے، غربت اور فساد نے پوری دنیا کو گھیر لیا ہے اور دنیا کی معیشت کو مفلوج کر دیا ہے ایسے ہی حساب کتاب کے نتیجے میں، آج وال سٹریٹ تحریک شروع ہو گئی ہے۔ آج ایک دن میں ہزاروں بچوں کے اسقاط حمل سے بظاہر مہذب معاشرے نے فرعونی معاشرے کو پیچھے چھوڑ دیا ہے! فرعون صرف لڑکوں کو مارتا تھا، آج لڑکے اور لڑکی کے درمیان قتل کرنے میں بھی کوئی فرق نہیں ہے۔ معاشروں کا آج کا رویہ، بدتر ہے اس فرعونی معاشرے سے جو گزر چکا ہے۔

رہبر معظم کے نقطہ نظر سے نوابغ سے توقعات:

رہبر معظم انقلاب نے نوابغ کے بارے میں بہت گفتگو کیے ہیں کہ اس پر ایک مقالہ لکھا جا سکتا ہے، رہبر معظم نے نوابغ سے عوام کی توقعات کو یوں بیان کیا ہے:

نوابغ کو اس ذاتی صلاحیت کو قومی صلاحیت میں تبدیل کر دینا چاہیے، اس کا کیا مطلب ہے؟ اس کا مطلب ہے کہ اس صلاحیت کو ملکی مسائل کے حل کے لیے استعمال کیا جائے۔ ہمارے بہت سے مسائل ہیں؛ اب آپ نے یہاں چند چیزوں کا ذکر کیا ہے، آپ نے معدنیات نکالنے (کانوں سے) کا ذکر کیا ہے، آپ نے نقل و حمل کا ذکر کیا ہے، آپ نے آب و ہوا کا ذکر کیا ہے، یہ ملک کے اہم مسائل ہیں۔ ان معاملات میں نبوغ ہونے کو استعمال کریں۔

بدقسمتی سے، کچھ ایسا نہیں کرتے، کچھ نوابغ یعنی باصلاحیت لوگ؛ اب جو وضاحت ہم نے دی ہے، ہو سکتا ہے کہ ان کے لیے "نابغہ" کی تشریح درست نہ

ہو۔۔۔ وہ یہیں رشد کرتے ہیں، جب پھل دینے کا وقت آتا ہے، اپنے پھلوں کو کسی اور کو دے دیتے ہیں، دشمن کو پھل دے دیتے ہیں اور اپنی صلاحیتوں کو دشمن کے ہاتھوں بیچ دیتے ہیں۔

کبھی وہ جاتے ہیں، قوموں پر قبضہ کرنے اور قوموں سے دشمنی کے لیے عالمی استکبار کے آلہ کار بن جاتے ہیں، یہ اس کے مہرے بن جاتے ہیں وہ ناشکرے ہیں اور یقیناً، وہ آخر میں اچھائی نہیں دیکھتے۔ میرے خیال میں اس طرح منہ موڑنے والوں کو اپنے ہی لوگ اچھے نظر نہیں آتے، نوابغ کو اپنے لوگوں کے ساتھ رہنا چاہیے۔ میں یہ نہیں کہہ رہا کہ ہجرت نہ کرے، پڑھائی نہ کرے، کسی اعلیٰ یونیورسٹی یا کسی مرکز میں نہ جائے، نہیں!! جائے!!! لیکن اپنے لوگوں کے لیے جائے، جائے اس لیے کہ واپس ادھر لوٹ کر آئے ملک کے لیے کام کریں، اس لیے نہ جائے کہ ان کے لیے یہ آلہ اور ایجنٹ بن جائے۔ ٹھیک، یہ ایک بہت اہم معاملہ ہے؛ ہمارے نوابغ کو اپنے ضمیر کے سامنے اور خدا کی بارگاہ میں اس مسئلے کو حل کرنا چاہیے (<https://farsi.ir/speech--khamenei-content?id=51184> بیانات در دیدار نخبگان و استعدادہای برتر تحصیلی)۔

نتیجہ:

قرآن مجید میں زندگی کی ایک جہت اور شعبہ میں چند غیر معمولی افراد کا ذکر بطور مثال آیا ہے اور وہ لوگ روحانی اور الہی رہنماؤں کے علاوہ ہیں۔ روحانی پیشوا، نابغہ پرور ہیں اور اس قسم سے، تخصصاً خارج ہیں۔ اس مضمون میں ان افراد کو سماجی تبدیلی کے بعض کارگزار کے طور پر کچھ قرآنی مثالیں کے ذریعے پیش کی گئی ہیں اور ان میں ہر ایک کو دو دیگر گروہوں میں تقسیم کیا گیا ہے جیسے مثبت اور منفی اسی طرح معاشرے کی تبدیلی میں نوابغ کا بڑا کردار ہے وہ معاشرے کو یا تو ارتقاء اور کمال کی طرف لے جاتے ہیں یا زوال اور تباہی کی طرف۔ ان کے مثبت اور منفی کردار کو جان کر ہم معاشرے میں انتہائی اہم کردار ادا کر سکتے ہیں اور معاشرے کی مثبت تبدیلیوں میں اپنی ذمہ داری بہتر طریقے سے ادا کر سکتے ہیں نیز ایک مطلوبہ معاشرے کی تعمیر میں بڑھ چڑھ کر حصہ ڈال سکتے ہیں البتہ ہم نے اس طبقے میں بھی قرآن سے

بعض قسم کے نوابغ مثلاً فکری عملی وغیرہ نکال کر اس موضوع میں اضافہ
کیے ہیں۔
رہبر معظم انقلاب نے نابغہ کی تعریف ، نابغہ کا کردار، نابغہ پروری اور اس
کی اہمیت کے بارے میں نہایت مفید باتیں بیان کی ہیں ۔

کتابيات

۱. قرآن كريم؛
۲. ابن ابى حاتم، عبدالرحمن، تفسير القرآن العظيم، عربستان سعودى: مكتبة نزار مصطفى الباز، ۱۴۱۹، ق؛
۳. ابن عطيه، اندلسى عبدالحق، المحرر الوجيز فى تفسير الكتاب العزيز، بيروت: دارالكتب العلميه، ۱۴۲۲، ق؛
۴. ابن هشام، السيرة النبويه، بيروت: دار المعرفه، بي تا؛
۵. ابوالفتح، محمد بن سيدالناس، عيون الثر، بيروت: دارالقلم، ۱۴۱۴، ق؛
۶. ابو عبدالله، احمد بن حنبل، المسند، بيروت: دارصادر، بي تا؛
۷. باتومور، تى بي، نخبگان و جامعه، ترجمه على رضاطيب، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۹، ش؛
۸. برسوى، اسماعيل حقي، تفسير روح البيان، بيروت: دارالفكر، بي تا؛
۹. بغوى، معالم التنزيل فى تفسير القرآن، تحقيق: عبدالرزاق المهدي، بيروت: داراحياء التراث العربى، ۱۴۲۰، ق؛
۱۰. بالذري، احمد، أنساب الأشراف، تحقيق محمد حميد اهلل مصر: دارالمعارف، ۱۹۵۹، م؛
۱۱. بالغى، عبد الحجت، حجة التفاسير و بالغ الكسير، قم: انتشارات حكمت، ۱۳۸۶، ق؛
۱۲. ثعلبى، احمد، الكشف و البيان عن تفسير القرآن، بيروت: دار إحياء التراث العربى، ۱۴۲۲، ق؛
۱۳. حسيني، حسين بن احمد شاه عبدالعظيمى، تفسير اثنا عشري، تفسير اثنا عشري، تهران: ميقات، ۱۳۶۳، ش؛
۱۴. حوزى، عبد على بن جمعه عروسى، تفسير نور الثقلين، انتشارات اسماعيليان - قم، چاپ چهارم، ۱۴۱۵، ق؛
۱۵. خطيب، عبدالكريم، التفسير القرآني للقرآن، بي جا، بي نا، بي تا؛
۱۶. رازى، فخرالدين محمد بن عمر، مفاتيح الغيب، بيروت: دار احياء التراث العربى، ۱۴۲۰، ق؛
۱۷. روشه، گي، تغييرات اجتماعي، ترجمه: وثوقى، منصور، تهران: نشرني، ۱۳۸۷، ؛
۱۸. زمخشري، محمود، الكشاف عن حقائق غوامض التنزيل، بيروت: دار الكتاب العربى، ۱۴۰۷، ق؛
۱۹. سبزواري، محمد بن حبيب اهلل، ارشاد الذهان الى تفسير القرآن، بيروت: دار التعارف للمطبوعات، ۱۴۱۹، ق؛
۲۰. سيوطي، جلال الدين، الدر المنثور فى تفسير المأثور، قم: كتابخانه آية اهلل مرعشى نجفى، ۱۴۰۴، ق؛
۲۱. شبر، عبد اهلل، الجوهر الثمين فى تفسير الكتاب المبين، كويت: مكتبة اللفين، ۱۴۰۷، ق؛
۲۲. شيرازي، ناصر مكارم و همكاران، تفسير نمونه، تهران: دار الكتب الإسلامية، ۱۳۷۴، ش؛

۲۳. صالحی، محمد شامی، سبل الہدی، بیروت: دارالکتب العلمیہ، ۱۴۱۴ق؛
۲۴. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تہران: انتشارات ناصر خسرو ۱۳۷۲،
ش؛
۲۵. طبری، محمد بن جریر، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار المعرفہ، ۱۴۱۲ق؛
۲۶. طوسی، محمد بن حسن، بی تا، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربی؛
۲۷. طیب، عبد الحسین، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، تہران: انتشارات اسالم، ۱۳۷۸ ش؛
۲۸. قاسمی، محمد جمال الدین، محاسن التأویل، بیروت: دارالکتب العلمیہ ۱۴۱۸، ق؛
۲۹. کاشانی، مالمحسن فیض، الأصفی فی تفسیر القرآن، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، قم:
۱۴۱۸ق؛
۳۰. گنابادی، سلطان محمد، تفسیر بیان السعادة فی مقامات العبادۃ، بیروت: مؤسسة العلمی
للمطبوعات ۱۴۰۸، ق؛
۳۱. نووی جاوی، محمد بن عمر، مراح لبید لکشف معنی القرآن المجید، بیروت: دار الکتب
العلمیہ ۱۴۱۷، ق.
۳۲. سایت ہا:

مباہلہ کے بارے میں امام خامنہ ای مدظلہ کے قرآنی نظریات کا تحلیلی جائزہ

ضامن علی^۱ - مہدی رستم نژاد^۲ - محمد امینی^۳

اشاریہ

مباہلہ صدر اسلام کے اہم ترین اور افضل ترین واقعات میں سے ایک ہونے کے ساتھ، اس واقعہ کا ہدف رسول اللہ صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم کی رسالت کی حقانیت کا اثبات ہے اور علی علیہ السلام کی ولایت اور اہل بیت علیہم السلام کی فضیلت اور برتری کا اثبات نیز اس واقعے کے نتائج میں شامل ہے۔ امام خامنہ ای مدظلہ نے مختلف مناسبتوں پر، مباہلہ اور آیہ مباہلہ کے بارے میں اہم نکات بیان کئے ہیں۔ تحقیق حاضر میں ان مواد کو امام خامنہ ای مدظلہ کی سائٹ سے جمع کرنے کے ساتھ آپ کے مباہلہ سے متعلق قرآنی نظریات کا تحلیلی جائزہ پیش کیا گیا ہے اور مباہلہ کی اہمیت اور اس کا توحید، نبوت، ولایت اور فضیلت اہل بیت سے رابطہ اور واقعہ مباہلہ کو تحریک کربلا اور انقلاب اسلامی پر تطبیق کرتے ہوئے کچھ نکات کو بطور مختصر پیش کیا گیا ہے۔

کلیدی الفاظ: مباہلہ، اسلام، امام خامنہ ای، قرآن، نظریات، تحلیل، ولایت، فضیلت اہل بیت۔

^۱ مقالہ نگار، پی ایچ ڈی اسٹوڈنٹ آف المصطفیٰ انٹرنیشنل یونیورسٹی، zaminsajidi678@gmail.com
^۲ - (دانشیار و عضو هیات علمی گروہ علوم حدیث جامعة المصطفیٰ العالمية (rostamnejad1946@gmail.com)
^۳ - (استادیار و عضو هیات علمی گروہ علوم حدیث جامعة المصطفیٰ العالمية (نویسنده مسؤل) (m.shii@chmail.ir)

مقدمہ

قرآن مجید میں اہل بیت علیہم السلام کی ولایت اور فضائل پر مشتمل متعدد آیات موجود ہیں اور ان میں سے زیادہ فضیلت والی آیت، آیہ مباہلہ ہے۔ تمام شیعہ مفسرین اور اہل سنت مفسرین کی ایک بڑی تعداد، اس بات پر متفق ہیں کہ آیہ مباہلہ مسیحیوں کے مقابلے میں پیغمبر اسلام کی حقانیت کے واضح ثبوت کے علاوہ اہل بیت علیہم السلام کی فضیلت اور علی علیہ السلام کی ولایت کے اثبات پر ایک واضح اور روشن دلیل ہے۔ نزول سے اب تک آیہ مباہلہ پر مفسرین نے مختلف پہلوؤں سے تحقیق کی ہے، لیکن اس آیت کے بارے میں امام خامنہ ای جیسے فقیہ، عالم، حکیم، مفسر، سیاست دان کے نظریات سے آشنائی خود ایک قابل قدر نکات پر دسترسی کا باعث بن سکتی ہے، اسی ہدف کو ملحوظ خاطر رکھتے ہوئے تحقیق حاضر میں مباہلہ جیسا اہم اور تاریخی واقعہ کے بارے میں امام خامنہ ای مدظلہ کے مختلف مناسبتوں پر بیان کئے گئے نکات کو جمع کیا گیا ہے اور مختصراً شیعہ سنی مفسرین کی نگاہ سے آیہ مباہلہ کی شان نزول بیان کرتے ہوئے امام خامنہ ای مدظلہ کے بیانات کو ذیلی موضوعات کی شکل میں بیان کیا ہے اور تجزیہ و تحلیل کی گئی ہے۔

آیہ مباہلہ کا مفہوم

“مباہلہ در اصل ”بہل“ کے مادہ سے ہے، اس کا معنی ہے ”رہا کرنا“ اور کسی کی قید و بند کو ختم کردینا، اسی بناء پر جب کسی جانور کو اس کے حال پر چھوڑ دیں اور اس کے پستان کسی تھیلی میں نہ باندھیں تاکہ اس کا نو زائیدہ بچہ آزادی سے اس کا دودھ پی سکے تو اسے ”باہل“ کہتے ہیں۔ دعا میں ”ابتہال“ تضرع و زاری اور اپنے کاموں کو خدا کے سپرد کرنے کے معنی میں آتا ہے۔ کبھی کبھار یہ لفظ ہلاکت، لعنت اور خدا سے دوری کے معنی میں اس لئے استعمال ہوتا ہے کہ بندے کو اس کے حال پر چھوڑ دینا منفی نتائج کا حامل ہوتا ہے، لیکن اصل لغت اور اس رائج مفہوم کے لحاظ سے، آیہ مباہلہ میں جو مراد لی گئی ہے وہ دو اشخاص کے درمیان ایک دوسرے پر نفرین کرنے کو کہتے ہیں اور وہ بھی اس طرح کہ دو گروہ جو کسی اہم مذہبی مسئلے میں اختلاف رائے رکھتے ہوں، ایک جگہ پر جمع ہو جائیں اور بارگاہ الہی میں تضرع کریں اور اس سے دعا کریں کہ وہ چھوٹے کو رسوا و ذلیل کرے اور اسے سزا و عذاب دے۔ (تفسیر نمونہ)

آیہ مباہلہ

فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا
وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ.

اس علم و دانش کے بعد جو (عیسیٰ کے بارے میں) تمہارے پاس پہنچا ہے، پھر بھی کوئی تم سے جھگڑے تو اسے کہہ دو: اؤ اپنے بیٹوں کو بلائے ہیں تم اپنے بیٹوں کو بلاؤ، ہم اپنی عورتوں کو بلائے ہیں، تم اپنی عورتوں کو بلاؤ اور ہم اپنے نفسوں کو بلائے ہیں تم اپنے نفسوں کو بلاؤ، پھر مباہلہ کریں گے اور جھوٹوں پر خدا کی لعنت کریں گے۔ (آل عمران ۶۱)

شان نزول

تفسیر قمی میں امام جعفر صادق علیہ السلام سے روایت نقل ہوئی ہے کہ آپ نے فرمایا: نجران کے تین عیسائی رہنما اہتم، عاقب اور سید رسول اللہ صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم کے حضور آئے اور جب ان کی نماز کا وقت ہوا تو ناقوس، جو کہ مذہبی وسیلہ ہے، کے ذریعے اعلان کیا اور نماز کیلئے کھڑے ہو گئے، رسول اللہ صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم کے اصحاب نے عرض کیا: یارسول اللہ! یہ آپ کی مسجد ہے، اسلام کی مسجد ہے، کیوں یہاں ناقوس بجایا جائے؟ رسول اللہ صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم نے فرمایا: ان کو آزاد رہنے دیں اور ان کے کام سے کام نہ رکھیں، جب نجران کے عیسائیوں نے نماز پڑھی تو رسول اللہ صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم کے قریب آئے اور سوال کیا: لوگوں کو کس دین کی طرف دعوت دے رہے ہیں؟

رسول اللہ صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم نے فرمایا: میں اس بات کی گواہی دیتا ہوں اور لوگوں کو ان باتوں کی طرف دعوت دیتا ہوں کہ خدا کے علاوہ کوئی معبود نہیں، میں خدا کی طرف سے مبعوث ہوا ہوں اور عیسیٰ علیہ السلام خدا کا بندہ اور خدا کی مخلوق ہیں، وہ دوسروں کی طرح کہاتے، پیتے اور گفتگو کرتے تھے۔ سوال کیا کہ اگر عیسیٰ علیہ السلام خدا کی مخلوق اور خدا کا بندہ تھے تو آپ کا باپ کون تھا؟ یہاں پر رسول اللہ صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم پر وحی ہوئی کہ ان سے کہہ دیجئے! آپ حضرت آدم علیہ السلام کے بارے میں کیا کہتے ہیں؟ آیا

خدا کی مخلوق اور بندہ تھے یا نہیں؟ کیا حضرت آدم علیہ السّلام کہاتے پیتے تھے یا نہیں؟ گفتگو کرتے تھے یا نہیں؟ اور جنسی خواہشات کو پورا کرتے تھے یا نہیں؟ رسول اللہ (ص) نے یہی سوالات عیسائی رہنماؤں سے کئے، جواب دیا کہ جی بندہ اور مخلوق خدا تھے اور ان تمام کاموں کو انجام دیتے تھے۔ رسول اللہ (ص) نے فرمایا: اگر حضرت آدم علیہ السّلام بندہ اور مخلوق خدا تھے تو پھر آپ کا باپ کون تھا؟ مسیحی حیران اور مغلوب ہوئے اور اللہ تعالیٰ نے مندرجہ آیات کو نازل فرمایا: «إِنَّ مَثَلَ عِيسَىٰ عِنْدَ اللَّهِ كَمَثَلِ آدَمَ خَلَقَهُ مِنْ تُرَابٍ» اور «فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ.....» «فَنَجْعَلُ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ»۔

رسول اللہ (ص) نے عیسائی رہنماؤں سے فرمایا: مجھ سے مباہلہ کریں، اگر میں سچا ہوا تو آپ پر خدا کی لعنت نازل ہو جائے گی اور اگر میں جھوٹا ہوا تو خدا کی لعنت مجھ پر نازل ہو جائے گی۔ مسیحیوں نے یہ کہتے ہوئے کہ آپ نے ہمارے ساتھ انصاف کیا ہے، مباہلہ کرنے کا فیصلہ کیا، جب وہ واپس اپنے لوگوں میں پہنچے تو اپنے بزرگ اور سربراہان سے مشورہ کیا اور یہ فیصلہ کیا کہ اگر رسول اللہ ص اپنی امت کے ساتھ مباہلہ کرنے آئے تو مباہلہ کریں گے کیونکہ معلوم ہو جائے گا کہ وہ پیغمبر نہیں ہے، لیکن اگر وہ اپنے اقرباء کو لے کر آئے تو ہم مباہلہ نہیں کریں گے کیونکہ کوئی خطرات کے دوران، اگر اپنے اہل و عیال کو ساتھ لے کر آئے تو یہ معلوم ہو جائے گا کہ وہ اپنے دعوؤں میں سچا ہے، اگلے دن جب مسیحی مباہلہ کرنے رسول اللہ ص کی طرف روانہ ہوئے تو دیکھا کہ مباہلہ کرنے صرف رسول اللہ (ص)، علی علیہ السّلام، فاطمہ زہراء سلام اللہ علیہا اور حسن و حسین تشریف فرما ہیں۔ مسیحیوں نے پوچھا کہ یہ کون لوگ ہیں؟ علی علیہ السّلام کی جانب اشارہ کرتے ہوئے کہا کہ یہ مرد، رسول اللہ ص کے چچا زاد، وصی اور داماد ہیں اور وہ خاتون، رسول اللہ ص کی بیٹی ہیں اور وہ دو بچے بھی رسول اللہ ص کے بچے حسن و حسین علیہما السّلام ہیں، نصارا نے میدان کو چھوڑ دیا اور رسول اللہ ص سے عرض کیا: ہم آپ کو راضی کرنے کیلئے تیار ہیں ہمیں مباہلہ سے معاف کیجئے! رسول اللہ ص نے ان کے ساتھ فدیہ لے کر صلح کر لی اور نصارا واپس چلے گئے۔ (تفسیر قمی، ج ۱، ص ۱۰۳)

آیہ مباہلہ کی شان نزول اہل سنت کی نگاہ میں

مباہلہ کے موضوع کو تمام شیعہ مفسرین اور دانشوروں نے اپنی اپنی کتابوں میں تفصیل سے بیان کیا ہے اور اہل سنت کے متعدد علماء اور دانشوروں نے نیز مباہلہ کے موضوع پر اپنی کتابوں میں گفتگو کی ہے جو کہ بہت ہی اہمیت کا حامل ہے۔ (مرعشی نجفی، بی تا، ج ۳، ص ۳۶)

ہم نمونے کے طور پر، یہاں اہل سنت کے دو بزرگوں کی بات کو نقل کرتے ہیں: حاکم نیشاپوری اپنی مستدرک میں لکھتے ہیں: ابن عباس اور دیگر راویوں سے متواتر کے ساتھ یہ روایت ہم تک پہنچی ہے کہ پیغمبر اسلام نے علی علیہ السلام اور حسن و حسین علیہما السلام کے دست مبارک کو تھام لیا اور فاطمہ سلام اللہ علیہا کو پیچھے رکھ کر، نجران کے وفد سے فرمایا: «هؤلاء أبنائنا وأنفسنا ونسائنا فہلموا أنفسکم وأبنائکم ونسائکم ثم تبتهل فنجعل لعنة الله على الكاذبين؛ یہ ہمارے بیٹے، خواتین اور ہمارا نفس و جان ہیں آپ بھی اٹھیں اور ایسے لوگوں کو لے کر آئیں تاکہ مباہلہ کریں اور جھوٹے گروہ پر خدا کی لعنت بھیجیں۔ (حاکم نیشاپوری، مستدرک، ج ۳، ص ۱۵۰)

اہل سنت مفسر ثعلبی اپنی تفسیر میں لکھتے ہیں: جب رسول اللہ صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم مباہلہ کے میدان میں داخل ہوئے، حسین علیہ السلام گود میں تھے اور حسن علیہ السلام کے ہاتھوں کو پکڑے ہوئے تھے، آنحضرت کی بیٹی فاطمہ سلام اللہ علیہا ان کے پیچھے تھیں اور فاطمہ سلام اللہ علیہا کے پیچھے علی علیہ السلام چل رہے تھے، اس منظر کو دیکھ کر نجران کے روحانی پیشوا نے کہا: «یا معشر النصرانی انی لأری وجوهاً لو سألوا اللہ أن یزیل جبلاً من مکانہ لأزالہ فلا تبتهلوا فتہلکوا؛ اے گروہ نصاریٰ! میں ایسے چہروں کو دیکھ رہا ہوں کہ اگر یہ خدا سے چاہیں کہ کسی پہاڑ کو جڑ سے اکھاڑ دے تو خدا ان کی دعا کو قبول کرتا ہے، ہرگز ان سے مباہلہ نہ کریں کیونکہ تباہ ہو جاؤ گے۔ (ثعلبی، ۱۳۲۲: ج ۳، ص ۸۵)

اہل سنت کے ان بزرگ علماء کی آیہ مباہلہ کے بارے میں بیان کردہ شان نزول سے معلوم ہوتا ہے کہ اسلام کے تمام مکاتب فکر سے تعلق رکھنے والے آیہ مباہلہ کی شان نزول پر متفق ہیں اور وہ اس آیت کے مصداق کو اہل بیت علیہم السلام قرار دیتے ہیں۔

آیہ مباہلہ کے بارے میں امام خامنہ ای کا نظریہ

بدقسمتی سے ہمارے پاس، امام خامنہ ای مدظلہ کی آیہ مباہلہ کی ایک مکمل اور جامع تفسیر نہیں ہے، لیکن انہوں نے مختلف مناسبتوں پر واقعہ مباہلہ کے بارے میں تحیر العقول اور دقیق نکات بیان کئے ہیں جن پر دقت نظر سے غور و فکر کرنے کی ضرورت ہے، اس تحقیق میں ان نکات پر تجزیہ و تحلیل کی جائے گی اور امید ہے کہ امام خامنہ ای مدظلہ کی جانب سے مناسب وقت پر تشنگان علوم و معارف کو سیراب کرنے کیلئے ایک جامع اور مکمل تفسیر منظر عام پر آئے گی۔

۱۔ مباہلہ کی اہمیت

واقعہ مباہلہ، دو پہلوؤں سے بہت زیادہ اہمیت کا حامل واقعہ ہے، سب سے پہلے، پیغمبر اسلام (ص) کے ہمراہ اس واقعے میں شرکت کرنے والے افراد کے لحاظ سے یہ واقعہ اہمیت رکھتا ہے اور دوسرا یہ کہ ایک اہم ہدف کے پیش نظر نجران کے نصاریٰ مباہلہ کیلئے مدعو ہوئے۔ امام خامنہ ای مدظلہ اس بارے میں فرماتے ہیں: مباہلہ کا دن، ایک ایسا دن ہے جس میں پیغمبر اسلام (ص) اپنے عزیز ترین انسانی عناصر کو میدان میں لے کر آتے ہیں۔ مباہلہ میں اہم نکتہ، وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ، ہے۔ پیغمبر عزیز ترین انسانوں کو انتخاب کرتے

ہیں اور انہیں میدان میں لاتے ہیں، تاکہ حق و باطل کے اس معرکے میں حق کے روشن مینار سب کی نگاہ میں آجائے اور حق و باطل کے درمیان تمیز کرنے میں آسانی ہو۔ پیغمبر اسلام کی تبلیغی زندگی میں اس سے پہلے مباہلہ کی نظیر نہیں ملتی کہ جس میں آنحضرت نے اپنے عزیز و اقارب کے ہاتھ تھامے ہوں اور انہیں کسی میدان میں لے کر گئے ہوں، مباہلہ کا بے نظیر ہونا اس شکل میں ہے کہ آنحضرت نے اپنے بیٹے، بیٹی اور اپنے برادر اور جانشین امیر المؤمنین علیہ السلام کے ہاتھوں کو پکڑا اور مباہلہ کے میدان میں حاضر ہوئے۔ (طلباء و علماء کے اجتماع سے خطاب: ۱۳ دسمبر ۲۰۰۹ء)

۲۔ مباہلہ اور توحید کا تقابلی جائزہ

سورہ مبارکہ آل عمران کی آیات ۳۵ سے ۶۰ میں حضرت عیسیٰ علیہ السلام کے بارے میں گفتگو ہوئی ہے، ان آیات میں حضرت عیسیٰ علیہ السلام کے مقام و منزلت اور آنحضرت کی مادر گرامی حضرت مریم علیہا السلام کی شخصیت اور فضیلت، فرشتوں سے آپ کی گفتگو، آسمانی مائدہ سمیت دیگر موضوعات کے بارے میں مباحث موجود ہیں۔ آیت مجیدہ کی شان نزول میں اشارہ ہوا کہ یہ آیات ان لوگوں کے بارے میں نازل ہوئی ہیں جو حضرت عیسیٰ علیہ السلام کے خدا کا بیٹا ہونے کے قائل ہیں یا ان کو ہی خدا مانتے ہیں۔ خداوند متعال، حضرت عیسیٰ علیہ السلام کے بارے میں اس لمبی بحث کے بعد، پیغمبر اسلام سے فرماتا ہے: اگر مسیحی، ان تمام موارد اور منطقی بحث کے بعد بھی، راہ راست پر نہ آئے اور حقیقی توحید کو قبول نہ کریں تو ان کے ساتھ مباہلہ کرو! تاکہ حق روشن و واضح ہو جائے۔ امام خامنہ ای مدظلہ اس عظیم اور اہم واقعے کا توحید کے ساتھ رابطے کے بارے میں فرماتے ہیں: ذی الحجہ کا تیسرا عشرہ بھی، ایک ایسا عشرہ ہے جس میں اہم واقعات رونما ہوئے، ان میں سے ایک اور شاید اہم ترین داستان، مباہلہ کی داستان ہے کہ اس واقعے میں مسئلہ، توحید کا مسئلہ ہے، یعنی پیغمبر اسلام اور مسیحیوں کے درمیان ہونے والی بحث، حقیقت میں حضرت عیسیٰ علیہ السلام کے بارے میں تھی کہ جس کا نتیجہ مباہلہ کی شکل میں سامنے آیا۔ پیغمبر اسلام فرماتے تھے کہ حضرت عیسیٰ علیہ السلام خدا کا بندہ اور پیغمبر ہیں، لیکن نجران والے کچھ اور کہتے تھے، لہذا مباہلہ کرنا قرار پایا اور مباہلہ ہوا جس کے نتیجے میں مسیحی عقب نشینی کرنے پر مجبور ہوئے۔ (عید الاضحیٰ کے موقع پر ٹیلیویژن سے براہ راست خطاب: ۳۱ جولائی ۲۰۲۰ء) یعنی معلوم ہوا کہ اس واقعہ کا توحید کے ساتھ گہرا تعلق ہے، درحقیقت اس واقعے نے کئی خدا کے ہونے کے نظریہ کو باطل قرار دیا۔

۳۔ مباہلہ اور نبوت و ولایت میں رابطہ

امام خامنہ ای مدظلہ مباہلہ کو نبوت اور امیر المؤمنین علیہ السلام کی ولایت کے اثبات پر دلیل قرار دیتے ہیں اور فرماتے ہیں: مباہلہ، ایک اہم دن ہے، مباہلہ کا دن، نبوت اور ولایت کا دن ہے۔ واقعہ مباہلہ، نبوت پر واضح دلیل ہے اور اسی طرح ولایت و امامت پر بھی واضح اور روشن دلیل ہے، یہ دن اس لحاظ سے بہت زیادہ اہمیت کا حامل دن ہے۔ امید کرتے ہیں کہ ان شاء اللہ خداوند متعال ہمیں اس

مبارک راہ پر ثابت قدم رکھے گا۔ (ائمہ جمعہ و جماعت سے خطاب: ۲۷ جولائی
۲۰۲۲ء)

امام خامنہ ای مدظلہ مباہلہ کو ولایت کے اثبات میں واقعہ غدیر سے جوڑتے ہوئے فرماتے ہیں: عید غدیر کی اہمیت کی دلیل، مسئلہ ولایت ہے۔ ذی الحجہ کے مہینے میں عید غدیر کے ساتھ روز مباہلہ بھی ہے، مباہلہ بھی ولایت پر واضح دلیل ہے۔ ذی الحجہ کو ولایت و امامت سے منسوب ان دو مناسبتوں کی وجہ سے بعض بزرگ علماء نے شہر الولایہ اور افضل الاشہر قرار دیا ہے۔ (عید غدیر کے موقع پر، حکومتی اعلیٰ حکام سے خطاب: ۱۱ جولائی ۱۹۹۰ء)

امام خامنہ ای مدظلہ کے بیانات کی توضیح میں یوں کہا جاسکتا ہے کہ اولاً: مسئلہ مباہلہ ایک ایسا طریقہ تھا جو پیغمبر اسلام کے صادق ہونے پر سو فیصد حکایت کرتا تھا، کیونکہ جب تک کوئی اپنے پروردگار کے ساتھ رابطے پر مکمل طور پر یقین نہیں رکھتا، وہ ہرگز ایسے میدان میں نہیں اترتا، یقیناً ایسے میدان میں اترنا بہت ہی خطرناک ہے، کیونکہ اگر اس کی دعا مستجاب نہ ہوتی اور مخالفین پر کوئی اثر واضح نہ ہوتا، تو مباہلہ کی دعوت کرنے والے کو رسوائی کے سوا کوئی نتیجہ نہیں ملتا، اسی لئے کہتے ہیں کہ مباہلہ کیلئے پیغمبر اسلام کی دعوت، آنحضرت کے صادق و امین ہونے کی واضح نشانی ہے۔ (ر.ک مکارم شیرازی، ۱۳۷۵: ج ۲، ص ۵۸۱)

ثانیاً: آیہ مباہلہ میں بطور عام بچے، خواتین اور مردوں کے بارے میں کہا گیا ہے، اس کے باوجود پیغمبر اسلام (ص) صرف حسنین علیہما السلام اور اپنی بیٹی فاطمہ اور علی علیہما السلام کے ساتھ مباہلہ کرنے گئے اور تین گروہوں یعنی فرزندان، خواتین اور انفس میں صرف ان چار افراد کو مباہلہ میں شرکت کیلئے شائستہ جانا اور اگر مدینہ کے مسلمانوں میں یا اپنی ازواج اور صحابہ کے درمیان ایسی صلاحیت کے حامل فرد یا افراد ہوتے تو ہر ایک گروہ میں کم از کم تین تین افراد کو لے کر آتے، تاکہ ابناء، نساء اور انفس جو کہ جمع کے الفاظ ہیں، محقق ہوں، لیکن پیغمبر اکرم نے ابناء میں سے دو نفر اور نساء میں سے ایک نفر جبکہ انفسا سے نیز ایک نفر کو انتخاب کر کے یہ بتا دیا کہ ان چار افراد کے علاوہ کوئی دوسرا مباہلہ میں شرکت کیلئے شائستہ اور قابل نہیں ہے۔

ایک اہم نکتہ جو انفسا کے لفظ میں ہے وہ یہ ہے کہ اس لفظ کے مصداق شخص کو معنوی کمالات اور صفات میں ایک ایسے مقام پر فائز ہونا چاہیئے کہ

اسے نفس النبی کہا جا سکے، اس بناء پر آیت مجیدہ کے الفاظ اور مفردات، اس چیز پر شاہد ہیں کہ رسول اللہ صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم کے ہمراہ مباہلہ کے میدان میں موجود افراد فضیلت کے کس درجے پر فائز تھے، کیونکہ اس آیت میں پیغمبر اسلام صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم نے حسنین علیہما السلام کو اپنے بیٹے اور حضرت فاطمہ زہراء سلام اللہ علیہا کو اپنے خاندان کی واحد خاتون کے طور پر متعارف کرانے کے علاوہ حضرت علی علیہ السلام کی شخصیت کو بھی اُنفس کے عنوان سے تعبیر کیا ہے اور آیہ مباہلہ نے عالم انسانیت کی عظیم شخصیت یعنی علی علیہ السلام کو پیغمبر اسلام ص کی جان قرار دیا ہے، اس سے بڑی اور کیا فضیلت ہو سکتی ہے کہ ایک شخص معنویت اور فضیلت کے ایک ایسے عظیم درجے پر فائز ہو کہ خداوند عالم، انہیں اپنے حبیب کی جان اور روح کہہ کر پکارے؟ لہذا یقینی طور پر یہ آیت، دنیا کے تمام مسلمانوں پر علی علیہ السلام کی برتری کی گواہ ہے۔ (سبحانی تبریزی، ۱۳۹۰ ش: ج ۴، ص ۱۰۵)

اگر علی علیہ السلام اور فرزندان علی علیہما السلام کی ولایت کیلئے واقعہ مباہلہ کے علاوہ کوئی دوسری دلیل نہ ہوتی، تب بھی آیہ مباہلہ کافی ہے کہ جس میں علی علیہ السلام کو پیغمبر اسلام (ص) کی جان کہہ کر یاد کیا گیا ہے۔

فخر رازی بھی اپنی تفسیر میں «انفسنا» کے لفظ سے علی علیہ السلام کو مراد لینے کی تعبیرات کی جانب اشارہ کرتے ہوئے کہتے ہیں: علی علیہ السلام، رسول اللہ (ص) کی جان کی مانند ہیں اور جہاں پیغمبر اسلام تمام امتوں، بلکہ تمام انبیاء اور رسولوں سے افضل ہیں، وہیں پر علی علیہ السلام کو نیز ایسی خصوصیات اور مقام کا حامل ہونا چاہیئے۔

فخر رازی ری کے رہنے والے محمود بن الحسن الحمصی نامی شیعہ شخص، جو کہ چھٹی صدی ہجری قمری میں ایک عظیم مرد میدان، علمی اور مناظر تھے، کا ایک جملہ نقل کرتے ہوئے کہتے ہیں کہ محمود بن الحسن الحمصی کا عقیدہ یہ تھا کہ علی علیہ السلام، پیغمبر اسلام (ص) کے علاوہ باقی تمام انبیاء علیہم السلام سے افضل ہیں۔

فخر رازی لکھتے ہیں: اس عقیدے پر جو دلیل قائم کی جا سکتی ہے وہ یہی «انفسنا» کا لفظ ہے اور پھر مزید لکھتے ہیں کہ انفسنا سے خود پیغمبر کو مراد نہیں لیا جاسکتا ہے، کیونکہ انسان اپنے آپ کو کسی امر کی دعوت نہیں دیتا، بلکہ «انفسنا» سے اپنے علاوہ کسی اور کو مراد لینا چاہیئے۔

علماء نے اس بات پر اتفاق کیا ہے کہ اُنفسنا سے مراد علی علیہ السّلام کے علاوہ اور کوئی نہیں ہے، اس بنیاد پر آیت دلالت کرتی ہے کہ علی علیہ السّلام کی جان، پیغمبرِ اسلام کی جان کے برابر ہے۔ فخر رازی نتیجے کے طور پر کہتے ہیں: علی علیہ السّلام تمام فضائل اور کمالات میں پیغمبرِ اسلام کے مساوی ہیں، لیکن پیغمبر کے بعد کوئی دوسرا پیغمبر مبعوث نہیں ہوگا۔ (تفسیر فخر رازی ۱۳۰۳ق: ج ۸، ص ۲۴۸)

۳۔ آیۂ مباہلہ کے تناظر میں حضرت زہراء (س) کی فضیلت

جیسا کہ اس سے قبل بھی اشارہ ہوا کہ آیۂ مباہلہ ایک طرف سے اسلام اور پیغمبرِ اسلام (ص) کی حقانیت کو ثابت کرتی ہے تو دوسری طرف اہل بیت علیہم السّلام کے مقام اور مرتبے کی بلندی کو بیان کرتی ہے اور ایک طرف سے امیر المؤمنین حضرت علی علیہ السّلام کی ولایت اور خلافت کو واضح کرتی ہے۔ مباہلہ میں ان حضرات کی موجودگی کو ان ہستیوں کی صلاحیت اور شائستگی کے ساتھ منحصر کرنا، مذکورہ تین اہم اور تاریخ ساز موضوع کو ثابت کرنے کیلئے ہے۔ مباہلہ میں موجود عظیم ہستیوں میں سے ایک عظیم ہستی جناب صدیقہ طاہرہ فاطمہ زہراء سلام اللہ علیہا کی ذاتِ گرامی ہے۔

امام خامنہ ای مدظلہ مباہلہ میں حضرت زہراء سلام اللہ علیہا کے کردار کے بارے میں فرماتے ہیں: آیۂ مباہلہ میں وَ نِسَاءَنَا وَ نِسَاءَكُم؛ کا جو جملہ ہے کہ جس کے تناظر میں اگر دیکھا جائے تو پیغمبر کے اردگرد بہت سی خواتین تھیں، مثال کے طور پر، پیغمبر کی ازواج تھیں، آنحضرت کی دیگر رشتہ دار خواتین تھیں اور شاید اس وقت پیغمبر کی دیگر بیٹیاں بھی ہوں، لیکن یہاں نِسَاءَنَا سے مراد صرف اور صرف حضرت فاطمہ زہراء سلام اللہ علیہا کی ذاتِ گرامی ہے۔ کس لئے؟ حق اور باطل کے محاذ کے درمیان مقابلہ کیلئے، یہ فاطمہ زہراء سلام اللہ علیہا ہیں۔ فاطمہ زہراء سلام اللہ علیہا اور ارفع حقائق کا مظہر ہیں۔ آنحضرت کے بے شمار فضائل ہیں۔ مباہلہ کا مسئلہ، حق اور کفر و باطل کے محاذ کے درمیان مقابلہ کا مسئلہ ہے، یہ حضرت زہراء سلام اللہ علیہا کے اہم ترین کردار اور فضائل کی نشانیاں ہیں۔ (نوحے اور منقبت خوانوں کے اجتماع سے خطاب: ۲۳ جنوری ۲۰۲۲ء)

۵۔ مباہلہ، ایمانی اقتدار

امام خامنہ ای مدظلہ مباہلہ کو اطمینان اور اقتدار کا مظہر اور حقانیت کا دار و مدار قرار دیتے ہوئے فرماتے ہیں: روز مباہلہ بہت ہی اہم دن ہے، لہذا ہمیں اس دن کو پر شکوہ طریقے سے منانا چاہیئے۔ مباہلہ درحقیقت اطمینان اور ایمانی اقتدار کا مظہر اور حقانیت کا دار و مدار ہے۔ (مجلس خبرگان کے اراکین سے ملاقات: ۶ ستمبر ۲۰۱۸ء)

امام خامنہ ای مدظلہ کے مذکورہ بالا بیان کی توضیح میں، آیہ مباہلہ کے ذیل میں علامہ طباطبائی رحمۃ اللہ علیہ کی بیان کردہ تفسیر کو بیان کیا جاسکتا ہے۔ علامہ طباطبائی رحمۃ اللہ علیہ آیہ مباہلہ کے ذیل میں لکھتے ہیں: مباہلہ اگر چہ، رسول اللہ ص اور نصاریٰ کے رہنماؤں کے درمیان ایک بحث ہے، لیکن اس بحث اور گفتگو میں بیٹوں اور خواتین کو دعوت دینے کی وجہ، اس احتجاج کو زیادہ سے زیادہ مطمئن اور پر شکوہ بنانا ہے، کیونکہ جب کوئی اپنے بیوی بچوں پر بھی نفرین کرے تو مدمقابل آسانی سے سمجھ جاتا ہے کہ وہ اپنے دعوؤں کی صداقت پر مکمل ایمان رکھتا ہے، یہ اس لئے ہے کہ خداوند عالم نے بیوی بچوں کی محبت اور ان سے شفقت کے اظہار کو ہر ایک کے دل میں رکھا ہے۔ انسان اپنے بیوی بچوں کو مختلف خطرات سے محفوظ رکھنے کیلئے اپنی جان بھی ہتھیلی پر رکھ دیتا ہے، انسان بیوی بچوں کی حفاظت، حمایت، ان سے متعلق غیرت کا مظاہرہ اور ان کا دفاع کرنے کیلئے تمام خطرات کو مول لیتا ہے، لیکن یہی انسان مختلف خطرات سے خود کو محفوظ رکھنے کیلئے کبھی بھی بیوی بچوں کو خطرہ لاحق ہونے نہیں دیتا، اسی لئے ہم آیہ مباہلہ میں دیکھتے ہیں کہ اس آیت میں پہلے مرحلے پر فرزندان، دوسرے مرحلے پر خواتین اور تیسرے مرحلے پر رشتہ داروں کو ذکر کیا ہے، کیونکہ انسان کی اپنی اولاد سے متعلق محبت شدید تر اور جاویدان ہوتی ہے۔ آیت میں فرزندان، خواتین اور پھر رشتہ داروں کو ایک ایک کر کے تفصیل سے بیان کیا ہے اور یہ بات خود ایک ایسی دلیل ہے کہ مباہلہ کی دعوت دینے والا، خود اپنی دعوت اور حق پر مکمل ایمان اور اعتماد رکھتا ہے۔ گویا آیت واضح طور پر کہہ رہی ہے کہ اے مسیحی! آئیں ہم ایک دوسرے پر نفرین کرتے ہیں، تاکہ جھوٹوں پر خدا کی لعنت، ہم سب کے شامل حال ہو جائے، خدا کی لعنت ہماری خواتین اور بچوں کے نیز شامل حال ہو اور نتیجتاً جھوٹی نسل روئے زمین اور اہل باطل جڑ سے ختم ہوں۔ (تفسیر المیزان، طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ج ۳، ص ۲۲۳)

۴۔ مباہلہ اور تبلیغ حق

امام خامنہ ای مدظلہ نے آیہ مباہلہ سے جو اہم نکتہ استفادہ کیا ہے وہ یہ ہے کہ آپ آیہ مباہلہ کے حق کی تبلیغ میں کردار کو نہایت ہی اہم جانتے ہیں اور فرماتے ہیں: مباہلہ حقیقت بیانی اور حق کی تبلیغ کی اہمیت کی نشاندہی کرتا ہے۔ رسول اللہ صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم اس دعویٰ کے ساتھ مباہلہ کے میدان میں آتے ہیں کہ اُنہیں! ہم مباہلہ کرتے ہیں اور ہم میں سے جو بھی حق پر ہوگا وہ ہمیشہ کیلئے رہے گا اور ہم میں سے جو بھی حق کا مخالف ہوگا وہ عذاب الہی کے ساتھ، ہمیشہ کیلئے ختم ہوگا۔ (علماء اور طلاب کے اجتماع سے خطاب: ۱۳ دسمبر ۲۰۰۹ء)

امام خامنہ ای مدظلہ کا مذکورہ بالا بیان، آپ کی حالیہ تبلیغ کے موضوع پر کی گئی گفتگو سے مزید واضح ہو جاتا ہے۔ آپ دینی مدارس کے طلباء، علماء اور اساتذہ کے ایک اجتماع سے خطاب کرتے ہوئے فرماتے ہیں: آج دینی مدارس میں جو نظریہ رائج ہے وہ یہ ہے کہ یہاں تبلیغ کو دوسرے درجے کا مسئلہ سمجھا جاتا ہے اور تبلیغ کے علاوہ کچھ دوسری چیزیں جیسے علمی مقام و مرتبہ کے حصول کی کوشش زیادہ کی جاتی ہے، لیکن تبلیغ دوسرے درجے پر ہے۔ امام خامنہ ای مدظلہ دینی مدارس میں رائج اس نظریے سے آگے بڑھنے کی تاکید کرتے ہوئے فرماتے ہیں: میں یہ کہنا چاہتا ہوں کہ تبلیغ، ہماری اولین ترجیحات میں شامل ہونی چاہیئے، ایسا کیوں؟ ہماری نظر میں دین کے اہداف کیا ہیں؟ دین کا انسانوں کے ساتھ کیا تعلق ہے؟ دیکھیں! دین کا ایک اہم اور جاویدانی ہدف ہے اور وہ یہ ہے کہ دین ہمیں خلیفۃ الہی اور انسان کامل بنا کر بلندی کی طرف گامزن کرنے آیا ہے، یعنی دین انسان کو انسان کامل بناتا ہے اور یہی دین کا ابدی اور جاویدانی ہدف ہے۔ دین کے کچھ ابتدائی اور درمیانی اہداف بھی ہیں، مثال کے طور پر، عدل و انصاف کا قیام «لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (سورہ مبارکہ حدید، آیہ ۲۵)، یا اسلامی نظام کی تشکیل «وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ إِلَّا لِيُطَاعَ بِإِذْنِ اللَّهِ» (سورہ مبارکہ

نساء، آیہ ۶۴)۔ دین، اطاعت کا مرکز ہے، یعنی اسلامی نظام کی تشکیل، یہ دینی اہداف کے اجزاء ہیں، یہ دین کے درمیانی درجے کے اہداف ہیں۔ یا فرض کریں کہ معروف یعنی خوبیوں اور اچھائیوں کی ترویج و اشاعت، منکرات یعنی برائیوں سے دوری اور خالص کلمہ اور عمل صالح کی ترویج جیسا کہ قرآن بھی اس بات پر زور دیتا ہے: «إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ» (سورہ مبارکہ فاطر، آیہ ۱۰) یہ دین کے اہداف ہیں۔ آپ اگر ان میں سے ہر ایک کی طرف دیکھیں گے

تو ان اہداف کے حصول کا واحد ذریعہ اور وسیلہ تبلیغ ہے، تبلیغ کے سوا ان اہداف تک رسائی ممکن نہیں ہے۔ البتہ کبھی ممکن ہے کہ کسی کے اندر غیر معمولی صلاحیت ہونے کی وجہ سے، خدا اس کے دل میں کوئی نور ڈال دے، یہ ایک الگ بحث ہے اور یہ ایک غیر معمولی چیز ہے، لیکن لوگوں تک خدا کا دین، ان اہداف اور ان جیسے دوسرے اہداف کی تبلیغ کے بغیر پہنچنا غیر ممکن ہے، لہذا تبلیغ کا مسئلہ، اولین ترجیح کا مسئلہ ہے یعنی تبلیغ کا مسئلہ اول درجے کا مسئلہ ہے، اس سلسلے میں قرآن کے اندر بھی تبلیغ کے مسئلے پر تاکید ہوئی ہے۔ (مبلغین اور طلاب کے اجتماع سے خطاب: ۱۲ جولائی، ۲۰۲۳ء)

امام خامنہ ای مدظلہ کے اس بیان سے یہ بات واضح ہو جاتی ہے کہ حقیقت بیانی اور حقائق کی تبلیغ، بہت ہی اہمیت کا حامل مسئلہ ہے کہ جس کیلئے مباہلہ کرنے کی نیز گنجائش موجود ہے۔ امام خامنہ ای مدظلہ فرماتے ہیں: واقعہ مباہلہ اور واقعہ کربلا، حق کی تبلیغ اور حقائق سے دنیا کو آگاہ کرنے کیلئے رونما ہوا ہے۔

۴۔ مباہلہ اور قیام امام حسین (ع)

قرآن مجید میں مباہلہ کا تذکرہ تو موجود ہے، لیکن مباہلہ ہوا یا نہیں؟ ہمیں اس بارے میں، قرآن مجید سے کوئی ثبوت نہیں ملتا، لیکن اسلامی تاریخ کی رو سے یہ واقعہ بہت ہی مشہور و معروف ہے کہ مباہلہ کے دن مسیحیوں کے روحانی پیشوا نے جب دیکھا کہ پیغمبر اسلام حسنین علیہما السلام کے ہاتھوں کو پکڑے علی اور فاطمہ سلام اللہ علیہما کے ہمراہ آ رہے ہیں تو کہا کہ میں ایسے چہروں کو دیکھ رہا ہوں کہ اگر دعا کریں تو یقیناً ان کی دعا مستجاب ہوگی اور تم سب نابود ہو جاؤ گے، لہذا مباہلہ کرنے سے گریز کرو اور مسلمانوں سے کہو کہ ہم بحیثیت اقلیت آپ کے ساتھ زندگی بسر کرنے کیلئے تیار ہیں اور مالیات بھی ادا کریں گے، پیغمبر اسلام نے ان کی اپیل پر مباہلہ نہیں کیا اور واپس چل دیئے۔

اسلامی عقائد کا دفاع کرنے کیلئے اصل مباہلہ آج بھی باقی ہے، تاکہ عقیدتی نظریات میں ہمارے دعوؤں کی صداقت کو ثابت کیا جا سکے۔ مباہلہ کے بارے میں مرحوم علامہ طباطبائی رحمۃ اللہ علیہ فرماتے ہیں: ہر مؤمن، دین اسلام کے سب سے بڑے پیشوا حضرت محمد مصطفیٰ صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم کی پیروی کرتے ہوئے دین اسلام کے حقائق کو ثابت کرنے کیلئے اپنے مخالفین سے مباہلہ اور خداوند عالم سے اپنے مخالفین کیلئے عذاب کی درخواست کر سکتا ہے۔

مسیحیوں اور یہودیوں میں سے اگر کوئی اس الہی معجزہ یعنی مباہلہ کو قریب سے دیکھنا چاہتا ہے تو اسلام کے با ایمان افراد سے اس عظیم الہی دین کی حقانیت کے بارے میں مباہلہ کر سکتا ہے اور اس کے نتیجے کو اپنی آنکھوں سے مشاہدہ کرے۔ (سبحانی تبریژی، منشور جاوید: ج ۳، ص ۳۶۵) امام صادق علیہ السلام اپنے اصحاب کو ان کے مخالفین کے ساتھ مباہلہ کی دعوت دینے کا حکم فرماتے تھے۔ (کلینی، اصول کافی، ج ۲، ص ۵۱۳)

امام خامنہ ای مدظلہ واقعہ عاشورا کو نیز تاریخ اسلام میں دین و مذہب کی حقانیت کے اثبات اور تبلیغ کیلئے عملی مباہلہ قرار دیتے ہوئے فرماتے ہیں: مباہلہ، حقیقت بیانی اور حقائق کی تبلیغ کی اہمیت کو اجاگر کرتا ہے۔ پیغمبر اسلام اس دعویٰ کے ساتھ، مباہلہ کے میدان میں آتے ہیں کہ آئیں! مباہلہ کرتے ہیں اور ہم میں سے جو بھی حق پر ہوگا وہ رہے اور ہم میں سے جو بھی حق مخالف ہوگا وہ عذاب الہی کے ساتھ، ہمیشہ کیلئے ختم ہو۔ ۶۱ ہجری کے محرم الحرام میں بھی یہ واقعہ عملی طور پر رونما ہوا، یعنی امام حسین علیہ السلام بھی حق کو بیان کرنے کیلئے، اپنے عزیز ترین عزیز واقارب کو میدان میں لے کر آتے ہیں۔ امام حسین علیہ السلام اس واقعہ کے نتیجے سے بخوبی واقف تھے پھر بھی آنحضرت حضرت زینب سلام اللہ علیہا سمیت اپنی ازواج، بچے اور اپنے عزیز بھائیوں کو لے کر آئے، یہاں پر بھی مسئلہ، دین اسلام کی تبلیغ کا مسئلہ ہے۔ تبلیغ بھی واقعی تبلیغ تھی یعنی کلمہ حق کی تبلیغ، پیغام کو عام کرنے اور حالت حاضرہ سے معاشرے کو باخبر کرنے کی کوشش تھی۔ تبلیغ کے مسئلہ کے پہلوؤں کو اس طرح سے سمجھا جا سکتا ہے کہ تبلیغ کس قدر اہم ہے۔ امام حسین علیہ السلام ایک خطبہ میں فرماتے ہیں: «من رأى سلطاناً جائراً مستحلاً لحرم الله ناكثاً لعهد

الله... و لم يغير عليه بفعل و لا قول كان حقاً على الله ان يدخله مدخله» (مقتل ابی مخنف،

ص ۸۵) یعنی جب کوئی معاشرے کی فضاء کو آلودہ اور خراب کرے تو یا اپنے فعل یا پھر اپنے قول سے معاشرے کو آگاہ کرنا چاہیئے اور امام حسین علیہ السلام بڑی قیمت چکا کر اس کام کو انجام دیتے ہیں اور میدان میں اہل و عیال، ازواج مطہرات، عزیزوں اور امیر المؤمنین علیہ السلام کے بچوں حتیٰ حضرت زینب سلام اللہ علیہا کو بھی لایا۔ (طلاب اور علماء کے اجتماع سے خطاب: ۱۳ دسمبر ۲۰۰۹ء)

امام خامنہ ای اپنی دوسری گفتگو میں، حق کے دفاع میں تحریک عاشورا کو مباہلہ سے تشبیہ دیتے ہوئے فرماتے ہیں: ۶۱ ہجری میں امام حسین علیہ السلام کی تحریک اور قیام کا مقصد، حکومت طلبی سے قطع نظر اس دور کے تسلط پسند حکمرانوں کو شکست دینا تھا۔

«أَنِّي لَمْ أَخْرُجْ أَشْرًا وَلَا بَطْرًا وَلَا مُفْسِدًا وَلَا ظَالِمًا» (مجلسی، بحار الانوار: ج ۴۳،

ص، ۳۲۹)

کچھ لوگ قیام اس لئے کرتے ہیں تاکہ قتل و غارتگری سے کرسی حاصل کر سکیں، لیکن امام حسین علیہ السلام کا قیام اس لئے نہیں تھا، بلکہ امر بالمعروف اور نہی عن المنکر کے عظیم فریضے کی ادائیگی کیلئے تھا۔ امام حسین علیہ السلام کی اس عظیم تحریک کیلئے دو طرح کی پیش بینی کی جا سکتی ہے: ایک یہ کہ آپ اس تحریک میں کامیاب ہو سکتے تھے اور دوسری یہ کہ جو حالات پیدا ہوئے تھے، اگرچہ علم امامت کے بغیر آپ کو شہید کر دیا جائے، لیکن معلوم تھا کہ دشمنوں نے آپ کے خلاف مکمل منصوبہ بندی کر رکھی تھی اور کوئی رعایت نہیں برتی جا رہی تھی، ایسے حالات میں، امام حسین علیہ السلام وہی کام کرتے ہیں، جو پیغمبر نے مباہلہ میں نجران کے نصاریٰ کے ساتھ کیا تھا۔ قرآن کے مطابق، آپ نے اولاد اور خواتین سمیت اپنے نفس (جان) کو میدان میں لایا، امام نے نیز حق کا دفاع اور خدا کیلئے قیام کرنے، اپنے عزیز ترین انسانی سرمایہ کو خدا کے حضور پیش کیا اور صبر کا بھی مظاہرہ فرمایا۔ امام حسین علیہ السلام کا یہ صبر، بہت ہی عظیم اور بے نظیر ہے۔ (اقتباس از درس خارج: ۱۲ مارچ ۲۰۰۲ء)

۸۔ مباہلہ اور دعا

مباہلہ کے دن، خدا کے مخلص ترین بندوں نے اپنے خالق کی بارگاہ میں، خالص ترین عمل بجا لایا اور اگر عملی طور پر مباہلہ ہوتا تو یقیناً خالص ترین دعائیں بھی مانگی جاتیں اور یقیناً وہ دعائیں قبول بھی ہوتیں، مباہلہ کی خصوصیات میں سے ایک، دعاؤں کی قبولیت ہے اور شاید اسی وجہ سے ہو کہ امام صادق علیہ السلام نے روز مباہلہ سے مخصوص دعا کی تعلیم بھی فرمائی ہے، جو کہ بہت ہی اہمیت والی دعا ہے۔ امام خامنہ ای مدظلہ، مباہلہ کے ایام میں امام خمینی رحمۃ اللہ علیہ کی برسی کے موقع پر، روز مباہلہ کی عظمت کی جانب لوگوں کو

متوجہ کراتے ہیں اور امام راحل رحمۃ اللہ علیہ کے درجات کی بلندی کیلئے دعا کی درخواست کرتے ہوئے فرماتے ہیں: آج مباہلہ کا دن ہے۔ امام خمینی رحمۃ اللہ علیہ کی برسی اور عید مباہلہ کی ایک ساتھ مناسبت تقاضا کرتی ہے کہ ہم اس عظیم مرد کے درجات کی بلندی کیلئے خدا سے دعا کریں، کیونکہ یہ دن، خدا کی بارگاہ میں گڑگڑا کر دعا مانگنے کا دن ہے، لہذا ہمیں بارگاہِ خداوندی میں جتنا ممکن ہو گڑگڑا کر دعا کرنی چاہیئے۔ (امام خمینی (رح) کی پانچویں برسی سے خطاب: ۳ جون ۲۰۰۳ء)

۹۔ مباہلہ، نمونہ جاویدانی

امام خامنہ ای مدظلہ کی تفسیر کی خصوصیات یہ ہیں کہ آپ کی تفسیر، دور حاضر کی علمی ضروریات کو پورا کرنے کے ساتھ ساتھ قرآنی علوم کو روز مرہ کے مسائل کی روشنی میں بیان کرتی ہے اور معاشرے کی مشکلات کا حل بھی پیش کرتی ہے۔ امام خامنہ ای مدظلہ نے اس بناء پر، آیہ مباہلہ سے نیز دور حاضر کے تقاضوں کے مطابق استفادہ کیا ہے اور جیسا کہ پہلے بھی بیان ہوا کہ مباہلہ، اطمینان اور ایمانی اقتدار کا مظہر ہے اور آج بھی، امام خامنہ ای مدظلہ اسلامی معاشرے سے اسی چیز کا تقاضا کرتے ہیں اور اسلامی معاشرہ پر، مباہلہ کی مانند ایمانی اقتدار اور حق و حقیقت پر زور دیتے ہیں۔ امام خامنہ ای مدظلہ فرماتے ہیں: مباہلہ کا دن، ایک اہم دن ہے، لہذا اسے بھرپور انداز سے منایا جانا چاہیئے، درحقیقت مباہلہ، اطمینان اور ایمانی اقتدار پر فوکس کرنے کا دن اور حق کا معیار ہے اور یہ ایک ایسی چیز ہے جس کی ہمیں آج بھی ضرورت ہے اور ہمیشہ کیلئے نیز اس کی ضرورت کو محسوس کرنا چاہیئے، کیونکہ ہمیں آج بھی ایمانی اقتدار اور اپنی حقانیت پر ڈٹے رہنے کی ضرورت ہے اور ہمیں اپنے ایمانی اقتدار اور حقانیت کو عالمی استکباری قوتوں اور دشمنوں کی دشمنیوں کے خلاف، حق کا معیار قرار دینا چاہیئے۔ الحمد للہ! ہم آج بھی مطمئن اور راہ حق پر گامزن ہیں اور اسی پر ڈٹے رہیں گے اور ایرانی قوم اور ملک کے مختلف طبقات سے تعلق رکھنے والے افراد بھی اپنے حق بجانب ہونے پر مطمئن ہیں، کیونکہ وہ جانتے ہیں کہ وہ راہ حق پر گامزن ہیں۔ (مجلس خبرگان رہبری کے اراکین سے خطاب: ۶ ستمبر ۲۰۱۸ء)

امام خامنہ ای مدظلہ اپنی ایک اور گفتگو میں، اسلامی جمہوریہ ایران کی تمام تر فتوحات اور کامیابیوں کو، رسول اللہ صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم کے زمانے کی

کامیابیوں کا نمونہ قرار دیتے ہوئے فرماتے ہیں: مباہلہ میں، جس طرح کل ایمان، کل کفر کے مقابلے میں کھڑا ہوا تھا، اسی طرح آج، اسلامی جمہوریہ ایران اپنی ایمانی طاقت کے ساتھ عالم کفر کے مقابلے میں کھڑا ہے۔ مباہلہ میں، جس طرح پیغمبر اور آل پیغمبر علیہم السلام نے اپنی معنویت اور روحانی اقدار سے دشمن کو پسپا کیا تھا، اسی طرح ایرانی قوم بھی خدا کے فضل و کرم اور اپنی ایمانی طاقت سے دشمن کو میدان سے نکال دے گی۔ (سپاہ پاسداران انقلاب کی بحری فوج کے کمانڈروں سے خطاب: ۷ اکتوبر ۲۰۱۵ء)

نتیجہ

واقعہ مباہلہ ان اہم واقعات میں سے ایک ہے کہ جس کے بارے میں، سورہ مبارکہ آل عمران کی ۶۱ویں آیت نازل ہوئی ہے، یہ آیت خدا کی توحید اور وحدانیت کے اثبات پر دلیل کے طور پر نازل ہوئی ہے اور اس عظیم آیہ مجیدہ کی شان نزول کے بارے میں بھی شیعہ اور اہل سنت کے مفسرین کی رائے متفق ہے، اگرچہ اس آیت کے بارے میں، امام خامنہ ای مدظلہ کی ایک جامع اور مکمل تفسیر ہماری دسترس میں نہیں ہے، لیکن آپ نے مختلف مناسبتوں پر آیہ مباہلہ اور واقعہ مباہلہ کے بارے میں بہت پی ظریف اور پر معانی مطالب اور نکات پیش کئے ہیں۔ امام خامنہ ای مدظلہ نے آیہ مباہلہ کو پیغمبر اسلام (ص) کی نبوت اور رسالت، علی علیہ السلام کی امامت، حضرت زہراء (س) اور حسنین علیہما السلام کی فضیلت اور برتری کے اہم ترین ثبوت کے طور پر پیش کرتے ہوئے کچھ اہم اور نایاب نکات پیش کئے ہیں جو دیگر تفاسیر میں بہت کم دیکھنے کو ملتے ہیں۔ تبلیغ کی اہمیت میں مباہلہ کا کردار، مباہلہ اور قیام امام حسین علیہ السلام میں رابطہ، قیام امام حسین (ع) ایک عملی مباہلہ، مباہلہ ایک ایسا واقعہ ہے جو ایمان، اطمینان اور اقتدار کا درس دیتا ہے اور مباہلہ تمام نسلیں خاص طور پر آج کی نئی نسل کیلئے ایک نمونہ عمل ہے، یہ وہ ظریف اور نایاب نکات ہیں، جن کی طرف امام خامنہ ای مدظلہ نے اشارہ فرمایا ہے۔

کتابیات

- ۱ قرآن کریم
- ۲ ابی مخنف، لوط بن یحییٰ، مقتل الحسین، قم، کتابخانہ آیت اللہ مرعشی۔

- ۲ ثعلبی، احمد بن محمد، الکشف و البیان (تفسیر الثعلبی)، ۱۳۲۲ ہ.ق، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ اول۔
- ۴ حاکم نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، بیروت، دارالمعرفہ۔
- ۵ سبحانی تبریزی، جعفر، منشور جاوید، ۱۳۹۰ ہ.ش، قم، مؤسسہ امام صادق علیہ السلام۔
- ۶ طباطبائی، سید محمد حسین، ۱۳۹۰ ق، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت، موسسۃ الاعلمی، چاپ دوم۔
- ۷ طوسی، محمد بن الحسن، ۱۳۱۱ ق، مصباح المتهجد و سلاح المتعبد، بیروت، موسسۃ فقہ الشیعہ۔
- ۸ فخر رازی، محمد بن عمر، ۱۳۰۲ ق، التفسیر الکبیر، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ سوم۔
- ۹ قمی، علی بن ابراہیم، ۱۳۶۳ ش، تفسیر القمی، قم، دارالکتاب، چاپ سوم۔
- ۱۰ کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۰۴ ق، الکافی، تہران، الإسلامیة، چاپ چہارم۔
- ۱۱ مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، ۱۳۰۳ ق، بحار الأنوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی۔
- ۱۲ مرعشی نجفی، شہاب الدین، بی تا، شرح احقاق الحق، قم، کتابخانہ آیت اللہ مرعشی نجفی۔
- ۱۳ مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۲ ہ.ش، تفسیر نمونہ، تہران، دار الکتب الإسلامیة، چاپ دہم۔
- ۱۴ دفتر برائے حفظ و نشر آثار حضرت آیت اللہ العظمیٰ سید علی خامنہ ای (مدظلہ العالی). Khamenei.ir.
- ۱۵ مرکز تحقیقات کمپیوٹر نور، حدیث ولایت ایپ۔

امام خامنہ ای کی دفاعی فکر میں ورچوئل اسپیس میں جہاد تبیین کی وضاحت

محمد نصیر المہدی مجیدی^۱ - محمد نظیر عرفانی^۲

اشاریہ

نئے ابھرتے ہوئے سوشل میڈیا کی وسعت اور پھیلاؤ نے انسانی روابط اور تال میل کے طریقے میں نمایاں تبدیلیاں کی ہیں اور سامعین کو متاثر کرنے کے طریقے، قسم اور حدود کو اس طرح تبدیل کر دیا ہے کہ ورچوئل اسپیس کو جنگی آلات کا نیا اسلحہ سمجھا جاتا ہے۔ عصر حاضر میں دشمن اس پلیٹ فارم سے مد مقابل کے نظریات، بنیادی ڈھانچہ، اجنڈے اور اُن کے اقدامات کو مختلف سطح پر تباہ کرنے کی کوشش کرتا ہے، اسی وجہ سے "جہاد تبیین" امام خامنہ ای کا سنہ 2021 میلادی میں جاری کردہ فتویٰ ہے۔ جو اسلامی انقلاب کی اقدار اور کامیابیوں کے انحراف اور تحریف سے نمٹنے کے لیے انتہائی اہم اقدامات میں سے ایک ہے، کیونکہ یقیناً جہاد تبیین کے اہم میدانوں میں سے ایک میدان ورچوئل اسپیس میں جہاد تبیین ہے، یہ مسئلہ اس وجہ سے بھی اور اہم ہوجاتا ہے چونکہ ورچوئل اسپیس ہر طریقے کے قید بند سے آزاد ہے۔ اور اتنا بے لگام ہے کہ لوگوں کو گمراہ کرنے، جھوٹی خبریں اور افوا پھیلانے، رائے عامہ کو متاثر کرنے اور اندرونی و بیرونی دشمن کی لئے انقلاب اسلامی اور اس کی اقدار کی خلاف پروپیگنڈا پھیلانے کے لیے ایک موزوں پلیٹ فارم دیتا ہے۔ موجودہ تحقیق کے نتائج، جو تجزیاتی اور وضاحتی طریقوں سے کیے گئے ہیں، اس بات کی نشاندہی کرتے ہیں کہ امام خامنہ ای کے دفاعی افکار میں ورچوئل اسپیس میں جہاد تبیین کے لیے اس کی ضرورت اور اہمیت، ورچوئل اسپیس میں واقعات کی نوعیت کو سمجھنا، دشمن کی پوزیشن کا تجزیہ، اس کا کنٹرول اور نگرانی، ورچوئل اسپیس کے لیے دینی اور تبلیغی مواد بنانا، تبیین کے لیے طریقہ کار کا مشخص کرنا، اسلامی جمہوریہ کا دفاع اور اسلامی انقلاب کی کامیابیوں کی تبیین ضروری ہیں۔

کلیدی الفاظ: جہاد، تبیین، جہاد تبیین، ورچوئل اسپیس، امام خامنہ ای

^۱ - (نویسنده مسئول) دانش آموخته سطح چہار علوم و فنون قرآنات، جامعہ المصطفیٰ

العالمیہ؛ naseer159944@gmail.com

^۲ - استادیار جامعہ المصطفیٰ العالمیہ، mna8181@yahoo.com

مقدمہ

میڈیا ٹول زمان و مکان کے قید و بند سے آزاد ہونے کے وجہ سے زندگی میں بھر پور اثر انداز ہو رہا ہے، اس میڈیا ٹول نے مختلف ثقافتی، سماجی، سیاسی، اقتصادی اور سلامتی کے شعبوں میں زبردست اثرات چھوڑے ہیں اور معاشرے میں لوگوں کی روزمرہ زندگی کو متاثر کیا ہے۔

قرآن کے مطابق "وضاحتی جہاد" کا مسئلہ «الَّتَبَيِّنَةُ لِلنَّاسِ وَ لَا تَكْتُمُونَهُ» (آل عمران/۱۸۷) یہ بہت اہم ہے، کیونکہ اس میں الہی پہلو اور انسانی پہلو دونوں پائے جاتے ہیں کیونکہ تبیین یعنی ان لوگوں کی دستگیری کرنا جن کے دل و دماغ علم کی کمی، شک اور جہالت کی بنیاد پر مشوش ہیں۔ (خامنہ ای، سید علی، محرم کے آغاز میں علماء و مشائخ سے ملاقات میں بیانات، ۱۳۷۷)، لہذا اس گمراہ کن تحریک کا مقابلہ جو دشمن کے اہداف میں سے ہے اور اس کے ذریعہ نوجوانوں کے اذہان اور عوام الناس کو شک و شبہ میں رکھنا چاہتا ہے، اسے جہاد تبیین کے راستے سے روکا اور بے اثر کیا جا سکتا ہے۔

کیونکہ اس آیت کے مطابق «الَّذِينَ يُبَلِّغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَ يَحْسُونَهُ وَ لَا يَحْشُونَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ» (احزاب/۳۹) سب سے اہم کام تبلیغ کرنا اور تبیین یا وضاحت کرنا ہے۔ (خامنہ ای، سید علی، انتخاب صالحان، ص ۳۷۹)

لہذا، موجودہ تحقیق کا مقصد ورچوئل اسپیس اور سوشل نیٹ ورکس کے بارے میں بیانات، احکام، خطوط اور اطلاعات کی شکل میں ان سے شائع شدہ مواد پر غور کر کے اسے حاصل کرنا ہے سائنسی تحقیق کا طریقہ، تجزیاتی اور وضاحتی ہے، اور ڈیٹا اکٹھا کرنے کا طریقہ لائبریری ہے۔ ڈیٹا تک رسائی کے لیے آیت اللہ خامنہ ای کے تمام احکام، خطوط اور بیانات کو ورچوئل اسپیس، انٹرنیٹ، سائبر، سوشل نیٹ ورکس، موبائل اور سیل فون کے کلیدی الفاظ کے ساتھ ان کے دفتر کی ویب سائٹ پر تلاش کیا جا سکتا ہے۔

۱. تحقیق کے بنیادی مفاہم

۱-۱. ورچوئل اسپیس

ورچوئل اسپیس کو ایک ایسے ماحول کے طور پر بیان کیا جاتا ہے جو جسمانی اور غیر جسمانی اجزاء سے تشکیل پاتا ہے جو کہ کمپیوٹر اور برقی مقناطیسی سپیکٹرم کا استعمال کرتے ہوئے ڈیٹا کا استعمال کرنے والے کمپیوٹر نیٹ ورکس سے ڈیٹا کو ذخیرہ کرنے، اس میں ترمیم کرنے اور تبادلہ کرنے کے لیے جانا اور بیان کیا جاتا ہے۔ (Liaropoulos, ۲۰۱۷, p ۲۵)

دوسری تعریف میں اس کو یوں بیان کیا گیا ہے:

ایک ایسی جگہ ہے جو باہم جڑے ہوئے کمپیوٹرز کے نیٹ ورک کے ذریعے مستحکم اور قابل رسائی ہے، اس طرح جہاں ایجنٹ ایک دوسرے کے ساتھ بات چیت اور تعامل میں ہوں۔ لہذا، ورچوئل اسپیس ایک دوسرے سے جڑے کمپیوٹرز کے ذریعے تعاملات کے لیے ایک جگہ ہے۔ (Ploug, ۲۰۰۹, p ۶۹)

اس کے مطابق، اس ورچوئل اسپیس میں انسانی تعاملات، حقیقی جگہ کے برعکس جو آمنے سامنے اور ایک ہی زمین میں ہے، عالمی اور کسی بھی وقت اور جگہ پر آسانی سے قابل رسائی ہے۔ انٹرنیٹ اس جگہ کی سب سے واضح خصوصیت ہے، جس میں مختلف اور لاتعداد کمیونیکیشن سگنلز ہیں، اور جس میں دنیا کے مختلف حصوں سے لاکھوں لوگ مختلف طریقوں سے ایک دوسرے سے رابطہ کرتے ہیں۔

۱-۲. جہاد تبیین

جہاد تبیین ایک اصطلاح ہے جو آنر (۱۴۰۰ ش) میں اسلامی جمہوریہ کے ربیر آیت اللہ سید علی خامنہ ای کی تقریر کے بعد تجویز کی گئی ہے۔ ربیر معظم انقلاب کی جانب سے "جہاد" اور لفظ "تبیین" کے امتزاج (خامنہ ای، سید علی، نرسوں اور صحت کے شہداء کے اہل خانہ کے اجلاس میں بیانات، ۲۱/۰۹/۱۴۰۰) کا مطلب یہ ہے کہ نوجوانوں اور عام لوگوں کے ذہنوں کو آلودہ کرنے کے لیے دشمن کے اہداف کا مقابلہ کرنے کی کوشش کی جائے۔ کیونکہ لفظ "جہاد" کے معنی ہی لڑنا اور کسی ایسے مقصد کو آگے بڑھانے کی کوشش کرنا ہے جس کا تعلق دشمن سے تصادم ہو۔ (خامنہ ای، سید علی، ہمرزمان حسین (علیہ السلام)، ص ۱۰۵)۔

اس بنیاد پر کوشش کرنا دائرہ جہاد میں شامل نہیں ہو گا۔ (خامنہ ای، سید علی، ہمرزمان حسین (علیہ السلام)، ص ۱۰۷)۔ کیونکہ جہاد کی بنیادی شرطوں میں سے ایک شرط دشمن کی مخالفانہ بامقصد حرکت کا مقابلہ کرنا ہے۔ (خامنہ ای، سید علی، جہاد تبیین، ص ۲۹)۔ لفظ "تبیین" کا مطلب روشن خیالی، منطقی اظہار، استدلال اور ہنگامے اور تنازعات سے پرہیز کرنا ہے۔ (خامنہ ای، سید علی، پاسداران انقلاب کے کمانڈروں کے اجلاس میں بیانات، ۱۳/۰۴/۱۳۹۰)۔ کیونکہ "تبیین" اور حق کے اظہار کا مسئلہ انبیاء الہی کے اہم مقاصد میں سے رہا ہے۔ اور حقیقت کو نہ جاننا انسانی غلطی کا ایک اہم سبب ہے۔ (خامنہ ای، سید علی، ملک بھر کے ائمہ جمعہ کے اجلاس میں بیانات، ۱۴/۱۰/۱۳۹۴)۔

اس لیے حقیقت کو سامنے لانا چاہیے اور ذہنی گریبیں کھولنی چاہیے۔ (خامنہ ای، سید علی، شعراء کے ایک گروپ کے اجلاس میں بیانات، ۱۴/۰۶/۱۳۸۸)۔ اس بنا پر فکری جہاد بھی جہاد کی اقسام میں سے ایک قسم ہے اور اس کے لیے اس دشمن کو شکست دینا چاہیے جو افکار و نظریات کے انحراف کے ذریعے انسان کو گمراہی کی کھائی میں پھینک سکتا ہے اور نوجوان عناصر اور عام لوگوں کو گمراہ بنا سکتا ہے۔ (خامنہ ای، سید علی، جہاد تبیین، ص ۳۳)۔

۱-۳. جہاد تبیین کی ضرورت

امام خامنہ ای کے نقطہ نظر سے دشمن لوگوں کو مسخر کرنا چاہتا ہے، وہ دلوں کو فتح کرنا چاہتا ہے، وہ ذہنوں کو بدلنا چاہتا ہے، جہاد تبیین ایران کے تمام عاشقوں کے کندھوں پر ایک عظیم فریضہ ہے، یہ سب اس لیے ہے کہ آج یہ عظیم جہاد بڑی حد تک وضاحت اور تبیین پر منحصر ہے، تبیین کا مطلب ہے وضاحت، اظہار اور آج تبیین ضروری ہے۔ ذہنوں کو حقائق اور مسائل کی گہرائی تک پہنچانے کی کوشش کریں۔ (خامنہ ای، سید علی، امام حسین آفیسر یونیورسٹی (ع) میں خطاب، ۳-۳-۱۳۹۵)

ایک اور جگہ وضاحت اور تبیین کی ضرورت کے سلسلے میں فرماتے ہیں: قوم کے دشمن فضا کی شفافیت پر پریشان ہیں، وہ شفاف ماحول کی قدر نہیں کرتے، وہ غبار آلود ماحول چاہتے ہیں، غبار آلود ماحول میں ہی وہ اپنے مقاصد تک پہنچ سکتے ہیں اور ملت ایران کی تحریک پر حملہ کر سکتے ہیں۔ اس طرح کے رجحان کا علاج کیا ہے؟ دلیل اور شرعی حکم ہے کہ اس کا علاج حق بیان کرنے میں بے تکلفی اور سچائی کے اظہار میں بے تکلفی ہے۔ (خامنہ ای، سید علی، اسلامی تبلیغی رابطہ کونسل کے اراکین سے ملاقات، ۲۹-۱۳۸۸) (۱۰-۱۳۸۸)

۲. ورچوئل اسپیس کی ضرورت اور اہمیت

۲-۱. ورچوئل اسپیس کی اہمیت

رببر انقلاب کے نقطہ نظر سے سائبر اسپیس بہت اہم ہے۔ اس حوالے سے ان کا کہنا ہے: ورچوئل اسپیس کے صاحب نظر افراد کا کہنا ہے کہ یہ لوگوں کی بنیادی زندگی کا حصہ ہے اس نظریہ سے ہم بھی متفق ہیں، کیونکہ اب ورچوئل اسپیس حقیقی معنی میں لوگوں کی زندگی کا ایک حصہ بن چکا ہے۔ (خامنہ ای، سید علی، حکومتی بورڈ کے اجلاس میں آن لائن بیانات، ۹۹/۰۶/۰۲)

آیت اللہ خامنہ ای نے ۲۰۱۹ کے آغاز میں ایرانی قوم سے خطاب کیا اور نوروز کے موقع پر اپنی تقریر میں سائبر اسپیس میں حصہ داری کی طاقت کو ایک اہم مسئلہ قرار دیا اور کہا: آج ورچوئل اسپیس میں قوت رکھنا بہت ضروری ہے۔ آج پوری دنیا میں انسانی زندگی پر ورچوئل اسپیس کا غلبہ ہے اور کچھ لوگ اپنے تمام کام ورچوئل اسپیس کے ذریعے کرتے ہیں۔ اس میدان میں طاقت بہت ضروری ہے۔ (خامنہ ای، سید علی، نوروز کا خطاب ایرانی عوام سے، ۹۹/۰۱/۰۳)

حضرت آیت اللہ خامنہ ای نے انٹرنیٹ کے حوالے سے ایک دلچسپ تشریح پیش کرتے ہوئے فرمایا: انٹرنیٹ خدا کی عظیم نعمتوں میں سے ایک ہے؛ لیکن ایک ہی وقت میں، ایک عظیم نعمت بھی ہے؛ اس کا مطلب ہے ایک دو دھاری اور خطرناک چاقو... انٹرنیٹ اب ایک بے لگام ندی کی طرح ہے

یہ بالکل ایسا ہی جیسے کوئی جنگلی کتا لے کر آئے اور جب اس سے پوچھا جائے کہ اس کا پتا کہاں ہے تو کہے: ہم نے لوہار کو پٹا بنانے کا آرڈر دیا ہے۔ (خامنہ ای، سید علی، ثقافتی انقلاب کی سپریم کونسل کے ارکان سے ملاقات ۲۶-۹-۱۳۸۱)

آج، میڈیا، ٹیلی ویژن، آرٹس، اور بالخصوص انٹرنیٹ کے بڑے انفارمیشن نیٹ ورکس کا اثر و رسوخ، ہتھیاروں، میزائلوں اور ایٹم بموں سے زیادہ ہے۔ اور اس ہتھیار کو روز بہ روز وسعت دے جا رہی ہے۔ (خامنہ ای، سید علی، ایران کے ریڈیو اور ٹیلی ویژن کا دورہ ۲۸-۲-۱۳۸۳)

۲-۲. ورچوئل اسپیس سے واقف ہونے کی ضرورت

آیت اللہ خامنہ ای فرماتے ہیں: جب بھی بات ورچوئل اسپیس کی گفتگو ہوتی ہے تو زیادہ تر لوگوں کے انہان ویب سائٹس اور ویب پیجز کی طرف جاتے ہیں، جبکہ اس کا دائرہ بہت وسیع ہے، اور اس میں ورچوئل نیوز اور سوشل نیٹ ورکس، آن لائن گیمز، آن لائن اسکول، چیٹ رومز، ڈیجیٹل ٹیٹا بیس اور میسنجر اور... بھی شامل ہیں لہذا، چاہے ہم اسے پسند کریں یا نہ کریں، نہ صرف ہم سب مصنوعی ذہانت کے ساتھ ورچوئل اسپیس اور ٹولز کے صارف بن گئے ہیں، بلکہ حقیقی زندگی کے برابر ورچوئل اسپیس نے ہمارے ماحول، طرز عمل، عقائد اور سماجی تعلقات پر اپنے اثرات چھوڑے ہیں۔ اور اسے قبول کرنے کے سوا کوئی اور چارہ نہیں ہے۔

لہذا ایسی صورتحال میں اس سے رویرو ہونے کا بہترین طریقہ، اس کو اچھی طرح پہچاننا ہے۔ ہمیں اس کے مواقع اور خطرات کو جاننا چاہیے تاکہ ہم لاشعوری نہیں بلکہ شعوری طور پر اس کی طرف جا سکیں۔ اس انتہائی اہم اور اثر انگیز اسپیس کو ترک کرنے کی بجائے صاحب منصب افراد کو چاہیے کہ اس پلیٹ فارم سے پیدا ہونے والے مواقع کے لئے منصوبہ بندی و حکمت عملی اختیار کریں۔

آیت اللہ خامنہ ای فرماتے ہیں:

دشمن ہمارے نوجوانوں کو مختلف ذرائع سے معلومات اور ڈیٹا فراہم کر رہا ہے۔ وہ ٹیلی ویژن، ریڈیو، کمپیوٹر اور اس طرح کے بہت سارے چیزوں کا استعمال کر کے ان میں طرح طرح کے خیالات اور شکوک و شبہات ڈال رہے ہیں لہذا آپ کو ان کے خلاف کھڑا ہونا ہوگا۔ آج، ہم اپنے پرانے طریقہ کار سے مطمئن نہیں ہو سکتے۔ آپ کو یہ جاننا ہوگا کہ اس پر کس چیز نے حملہ کیا ہے۔ کیونکہ جب تک آپ کو جراثیم اور بیماریوں کا علم نہ ہو اس کا علاج ممکن نہیں ہے۔ نوجوانوں کے پاس جانا ہوگا، ان کے افکار و خیالات کو سمجھنا ہوگا۔ (خامنہ ای، سید علی، صوبہ سیمان کے علماء سے ملاقات، ۱۷-۸-۱۳۸۵)

دشمن لوگوں کی رائے اور عقائد پر اپنا اثر و رسوخ بجانے کے لیے اور انہیں مذہب و عقیدہ سے دور کرنے کے لیے عظیم سرمایہ خرچ کر رہا ہے۔ یقیناً، اس سے نمٹنے کا طریقہ یہ ہے کہ ہمارے پاس کئی مختلف سطح پر وضاحتی اور اقناعی منصوبے ہوں جیسے: علماء، ثقافتی تنظیمیں، تبلیغی تنظیمیں، انوائسرز، ریڈیو اور ٹیلی ویژن لوگوں کے ذہنوں میں ان عقائد کو قائم کرنے کے علاوہ ان میں زیادہ سے زیادہ گہرائی پیدا کریں۔ (خامنہ ای، سید علی، مجلس خبرگان رہبری کے اراکین سے ملاقات، ۱۳-۶-۱۳۹۳،)

کچھ علمای دین کی کمپیوٹر کے نئے ٹولز سے واقفیت نہ ہونے اور ورچوئل اسپیس کے مسئلے کی اہمیت کے بارے میں صحیح ادراک نہ ہونے پر افسوس کا اظہار کرتے ہوئے، رہبر انقلاب کہتے ہیں:

ہمیں خود کو لیس کرنا چاہیے؛ ہم میں سے بہت سے لوگ لیس نہیں ہیں، ہم میں سے بہت سے لوگ نہیں جانتے، نہ سافٹ ویئر کے پہلوؤں سے آشنا ہیں اور نہ ہارڈ ویئر کے پہلوؤں سے۔ کچھ لوگ ان نئے طریقوں سے بالکل بھی واقف نہیں ہیں، وہ کمپیوٹر وغیرہ سے بالکل

بھی واقف نہیں ہیں، وہ اس کے معنی نہیں جانتے، وہ اس کام کی اہمیت کو نہیں سمجھتے۔)۔
 خامنہ ای سید علی، درس خارج فقہ، ۱۶-۶-۱۳۹۵)
 اس سلسلے میں رہبر معظم انقلاب اسلامی نے مدارس اور علما کو مشورہ دیا ہے کہ وہ ورچوئل اسپیس کے مواقع سے استفادہ کریں اور اس میں فعال اور موثر رہیں، تاکہ اسلامی تعلیمات اور تصورات کو بیان کیا جاسکے:

آج، آپ دیکھ سکتے ہیں کہ دنیا میں اشتہارات کے ذرائع کتنے مختلف ہو چکے ہیں۔ دنیا کے ایک طرف، ایک نوجوان، ایک چھوٹے سے آلے کے دامن میں بیٹھ کر دنیا کے دوسرے کنارے پر موجود کسی سے بھی خیالات، نظریات، تخیلات، فکری تجاویز اور عملی تجاویز حاصل کرتا ہے۔

آج، انٹرنیٹ، سیٹلائٹ، اور مختلف مواصلاتی آلات موجود ہیں، اور الفاظ آسانی سے دنیا کے تمام حصوں تک پہنچ سکتے ہیں۔ آج ہم ایک حقیقی فکری میدان جنگ میں ہیں۔ یہ فکری میدان جنگ ہمارے لئے نقصان دہ نہیں بلکہ ہمارے فائدے میں ہوگا۔ اگر ہم اس میدان میں داخل ہوں اور اسلامی فکر اور الہی اور اسلامی تعلیمات کے اہم موضوعات سے اپنی ضرورت کی چیزیں نکالیں، یقیناً جیت ہماری ہوگی، لیکن شرط یہ ہے کہ ہم یہ کام کریں۔)۔ خامنہ ای، سید علی، صوبہ کرمان کے علماء و مشائخ کے ایک گروپ سے ملاقات، ۱۱-۲-۱۳۸۴)

۲-۳. میڈیا اور ورچوئل اسپیس کو دشمن کے ہاتوں سے نکالنا

دشمن میڈیا کو اپنے مقاصد کے حصول کے لیے استعمال کرتا ہے۔ رہبر معظم انقلاب فرماتے ہیں:

اس وقت دشمن رائے عامہ کو متاثر کرنے کے لیے میڈیا ٹولز کا استعمال کر رہا ہے۔ توجہ فرمائیے! میڈیا ٹول ایک اہم ٹول ہے اور اگر یہ دشمن کے ہاتھوں میں ہے تو یہ ایک خطرناک ٹول ہے۔ میڈیا ٹولز کا فوجی جنگ میں کیمیائی ہتھیاروں کے مانند ہے۔ جب کیمیائی ہتھیار استعمال کیا جاتا ہے تو کیمیائی ہتھیار ٹینک اور آلات کو تباہ نہیں کرتا، بلکہ سامان باقی رہتا ہے لیکن لوگوں کے اندر اوزار استعمال کرنے کی طاقت ختم ہو جاتی ہے۔ جس طرح فوجی جنگ میں کیمیائی ہتھیار ہیں بالکل اس طرح میڈیا ٹولز ہیں۔ آج، ٹیلی ویژن، ریڈیو، انٹرنیٹ، سوشل نیٹ ورکس، ہر قسم کے ورچوئل اسپیس آلات ہماری رائے عامہ کے خلاف استعمال ہوتے ہیں۔ جو لوگ ملک میں اس ڈیجیٹل ٹیکنالوجی کے ذمہ دار ہیں یعنی کمیونیکیشن ڈیپارٹمنٹ کو اس طرف توجہ دینی چاہیے۔ ہم نے روپرو ملاقاتوں میں ان کا ذکر کیا ہے، ہم نے زور دیا ہے، اور اب ہم کہتے ہیں؛ اس بات پر توجہ دیں کہ وہ دشمن کے لیے ان لوگوں کے خلاف آسانی سے کیمیائی ہتھیار استعمال کرنے کا آلہ نہ بن جائیں۔ اپنا فرض جانیں اور سنجیدگی سے کام کریں۔)۔ خامنہ ای، سید علی، آزادی سٹیٹیم میں بسیج کی خدمت کرنے والے دسیوں ہزار لوگوں کا اجتماع، ۱۲-۷-۱۳۹۷)

۲-۴. ورچوئل اسپیس کے صارفین کو جاننا

ورچوئل اسپیس میں جہاد تبیین کے لئے ہمیں سب سے پہلے صارفین کو جاننا چاہیے۔ آیت اللہ خامنہ ای فرماتے ہیں: آج، آپ دیکھ سکتے ہیں کہ ہر وہ شخص جس کے ہاتھ میں ٹیلیفون ہے وہ جتنی اس میں کی گنجائش پائی جاتی ہے وہ تمام منحرف خیالات اور الفاظ کا سامنا کر سکتا ہے۔ اس معاملے کو اس نقطہ نظر سے دیکھیں کہ آپ کتنا کردار ادا کر سکتے ہیں۔ میری نقطہ نظر سے نئے میڈیا ٹولز موقع بھی ہے اور خطرہ بھی، دونوں پہلو پائے جاتے ہیں۔ موقع دو طرح سے خطرہ ایک طرح سے:

خطرہ یہ ہے کہ یہ الفاظ اور شبہات نوجوان اور غیر نوجوان پر اثر انداز ہوں اور انہیں بگاڑ دیں۔ یہ خطرے کا پہلو ہے۔

لیکن دو طریقوں سے فائدہ ہے:

پہلا یہ کہ ہمیں یہ پتا چل جائے گا کہ شکوک اور شبہات کیا ہیں۔ ہمارے کام میں ایک مسئلہ یہ ہے کہ ہم شبہات کو نہیں پہچانتے۔ میں دیکھ رہا ہوں کہ بہت سے معزز حضرات وہ طلباء سے رابطے میں ہیں، [لیکن] وہ نہیں جانتے کہ اس کے دماغ اور دل میں کیا چل رہا ہے۔

ورچوئل اسپیس کی مدد سے ہم ان کے خیالات کو دیکھ سکتے ہیں؛ یہ ایک بہت قیمتی موقع ہے۔ دوسرا موقع یہ ہے کہ ہم شکوک کو دور کر سکیں کر سکتے ہیں۔ یہاں، اس خطرے کے ساتھ دو مواقع ہیں، جن کا زیادہ سے زیادہ استعمال کیا جانا چاہیے۔ (خامنہ ای، سید علی، امام صادق علیہ السلام انسٹی ٹیوٹ کے منتظمین اور پروفیسرز کے درمیان بیانات، ۹۶/۰۳/۰۱) رپر معظم کے بیانات کے مطابق:

در حقیقت اگر ورچوئل اسپیس میں سرگرم افراد اور قومی میڈیا کے اہل کار اس بات کو سمجھ لیں کہ کن افراد کے لئے پروٹیکٹ تیار کرنا ہے اور کن لوگوں تک فکر کو پہچانا ہے تو راستہ بہت آسان اور سہوار ہو جائے گا۔

۳۔ جہاد تبیین کے لیے ورچوئل اسپیس میں واقعات کی نوعیت کو سمجھنا

۳-۱۔ دنیا کے حقائق کا صحیح ادراک

دنیا کے حقائق کا صحیح ادراک ہمیں تبیین کے جہاد میں مدد دیتا ہے۔ آیت اللہ خامنہ ای کے نقطہ نظر سے اگر آپ کو اپنے ملک کے حقائق کا صحیح اندازہ ہے تو یہ دشمن کے لیے نقصان دہ ہے، وہ اس کے خلاف ہیں، وہ اس کے خلاف لڑ رہے ہیں، کس وسیلے سے؟ میڈیا کے انتہائی خطرناک ٹول سے، خاص طور پر میڈیا جو آج ایک نیا آلہ ہے، ایران کے بارے میں غلط تصویر پیش کر کے ساتھ، ہمارے بارے میں غلط تصویر اور خطے کے حالات کے بارے میں غلط تصویر دونوں کے ساتھ۔ (خامنہ ای، سید علی، آزادی سٹیٹیم میں بسیج کی خدمت کرنے والے دسیوں ہزار لوگوں کا اجتماع، ۱۲-۷-۱۳۹۷)

ان کی جھوٹی تصویروں میں سے ایک یہ ہے کہ وہ اقتدار کی پوزیشن میں ہونے کا دکھاوا کرتے ہیں، جب کہ وہ صاحب اقتدار نہیں ہیں۔ ظاہری طور پر دیکھنا کے لیے نمائشی ساز و سامان ان کے پاس ہیں۔ یعنی ان کے پاس پیسہ ہے، ان کے پاس فوجی آلات ہیں، ان کے پاس میڈیا کی سہولیات ہیں۔ یہ طاقت کے اوزار ہیں، لیکن عالمی تصادم میں، سافٹ ویئر پاور کا پہلا مقام ہو؛ سافٹ ویئر پاور کا مطلب، منطق، استدلال، نئی گفتگو۔ ایک نیا لفظ جو زندگی کا تعین

کرتا ہے۔ نئے الفاظ کو جنم دینا۔ ان کے پاس نئے الفاظ نہیں ہیں، ان کے پاس منطق نہیں ہے۔ سافٹ ویئر پاور میں امریکہ انتہائی کمزور ہے۔ اس کی تقریر ظالمانہ ہے، اس کی منطق کمزور ہے، اس کی لبرل جمہوریت آج دنیا میں بنام ہے۔ لبرل جمہوریت کے وہ طرز عمل اور طریقے جن پر وہ فخر کرتے تھے آج عالمی ماہرین تنقید کر رہے ہیں۔ یہی وجہ ہے کہ آپ دیکھتے ہیں کہ امریکہ ایٹمی طاقت ہے، اس کے پاس جدید ٹیکنالوجی ہے، اس کے پاس بہت پیسہ ہے، لیکن دنیا کے کئی حصوں میں ناکام ہو چکا ہے۔ عراق میں ناکام، شام میں ناکام، لبنان میں ناکام، پاکستان میں ناکام، افغانستان میں ناکام۔ یہ ان کی اپنی تصویر کشی ہے جو جھوٹی تصویر ہے۔ (خامنہ ای، سید علی، آزادی سٹیٹیم میں بسیج کی خدمت کرنے والے دسیوں ہزار لوگوں کا اجتماع، ۱۲-۷-۱۳۹۷)

۲-۳. ملکی سلامتی کی تباہی

ورچوئل اسپیس ملک کی قومی سلامتی کو دشمنوں کے اہداف کے مطابق مذہبی، ثقافتی اور سماجی تہوں کو تباہ کرنے کی طاقت پائی جاتی ہے۔ رہبر معظم نے اسلام اور اسلامی جمہوریہ کے دشمنوں کے اس عسکری اور تباہ کن ارادے کے حوالے سے فرمایا:

یہ نوجوان وہی نوجوان ہیں جن پر صوتی، بصری اور انٹرنیٹ میڈیا کے ذریعے دن رات بمباری کی جاتی ہے، دنیا میں ایک ہنگامہ برپا ہے؛ ورچوئل دنیا میں، سمعی و بصری میڈیا کی دنیا میں سینکڑوں میڈیا اور ہزاروں میڈیا ہمارے نوجوانوں کے افکار پر بمباری کر رہے ہیں، ان میں سے کچھ نوجوانوں کو دین سے دور کرنے کی کوشش کرتے ہیں، کچھ انہیں اسلامی نظام سے بیزار کرنے کی کوشش کرتے ہیں، کچھ انہیں اختلافات پیدا کرنے پر مجبور کرنے کی کوشش کرتے ہیں، کچھ انہیں اپنے برے مقاصد کے لیے جانے کی کوشش کرتے ہیں، کچھ انہیں سستی اور بے روزگاری کی جانب لے جانے کی کوشش کرتے ہیں۔ انہی سمعی، بصری اور انٹرنیٹ آلات اور میڈیا کے ذریعے ہمارے نوجوانوں کے سروں پر یہ بمباری مسلسل کی جا رہی ہے۔ (خامنہ ای سید علی، نئے سال اور نوروز کے موقع کا خطاب، ۱۳۹۴)۔

رہبر انقلاب کے بیانات کا تجزیہ اس بات کو بخوبی واضح کرتا ہے کہ ان کی دفاعی فکر میں اسلام اور انقلاب کے دفاع کے لیے ورچوئل اسپیس جیسی نئی سہولتوں کے استعمال ایک خاص اور منفرد مقام رکھتا ہے۔

۴. جہادتبیین کے لیے ورچوئل اسپیس میں دشمن کی پوزیشن کا تجزیہ

آج کے دور میں، استعماری ممالک نے مختلف ثقافتی، مذہبی اور سیاسی شکوک و شبہات پیدا کرنے کے ساتھ ساتھ عقیدے کی بنیادوں اور معاشرے کے عقائد کو کمزور کرنے کے مقصد سے، ورچوئل اسپیس سمیت مواصلات کے نئے آلات پر بہت زیادہ سرمایہ کاری کی ہے۔ رہبر معظم انقلاب، فکری شکوک و شبہات کو پھیلانے اور لوگوں کے اعتقادات کو کمزور کرنے کے لیے میڈیا جیسے نئے اوزار استعمال کرنے میں دشمن کے اہداف کا تعارف کراتے ہیں اور فرماتے ہیں:

یہ برائی جو حملہ کرتی ہے ہمیشہ اسی طرح حملہ نہیں کرتی۔ آج کا شیطان جو آپ کے پاس انٹرنیٹ اور سیٹلائٹ اور جدید اور انتہائی جدید مواصلاتی طریقوں سے آتا ہے، اس کے پاس جدید الفاظ ہیں۔ اس نے اپنے ہارڈ ویئر کو جدید بنایا ہے اور اس میں جدید سافٹ ویئر موجود ہیں۔ شک پیدا کرتا ہے، رائے میں خلل ڈالتا ہے، ذہن میں اضطراب پیدا کرتا ہے، مایوسی کو فروغ دیتا ہے، اختلاف پیدا کرتا ہے۔ (خامنہ ای، سید علی، کرمانشاہ کے شیعہ اور سنی علماء سے ملاقات، ۲۰-۷-۱۳۹۰)

نیز دشمن جو ذہنوں میں شکوک و شبہات پھیلا کر نوجوان نسل کو گمراہ کرتا ہے ان منصوبوں کا ذکر کرتے ہوئے فرماتے ہیں:

بہت سی انٹرنیٹ سائٹیں ہیں جن کا مقصد نوجوان مسلمانوں کی عفت کو تباہ کرنا ہے، چاہے وہ لڑکے ہوں یا لڑکیاں؛ اس کی شائستگی کو پھاڑنا؛ یہ سب یہی چاہتے ہیں اور وہ اس کے لیے منصوبہ بندی کر رہے ہیں۔ (خامنہ ای، سید علی، درس خارج فقہ، ۱۶-۶-۱۳۹۵)

ورچوئل اسپیس اور سوشل نیٹ ورکس کو ترک کرنا اسلامی انقلاب کی مستحکم بنیادوں کو خطرے میں ڈال سکتا ہے۔ رہبر معظم انقلاب نے اسلامی تبلیغی رابطہ کونسل کے اراکین سے ملاقات میں کہا:

ہم ورچوئل اسپیس کے بارے میں کہتے ہیں؛ اس جگہ پر دشمن کے توپ خانے سے ہوشیار رہیں۔ اپنے ذہن میں رکھیں۔ دشمن اس جگہ کو آپ کی شناخت، آپ کے وجود، آپ کے نظام، آپ کے انقلاب کے خلاف استعمال نہ کرے۔ وہ بے بنیاد اعداد و شمار دیتے ہیں، جھوٹ بولتے ہیں، غلط تناسب دیتے ہیں، وہ ان اعداد و شمار کو تباہ کرتے ہیں جن پر لوگوں کو یقین کرنا چاہیے، وہ انقلاب کی کامیابیوں کو چھپاتے ہیں، جھوٹے ہونے کا بہانہ کرتے ہیں۔ ناکامیاں، کمزوریاں، کوتاہیاں، اگر ایک ہے تو ہزاروں ظاہر کر تے ہیں، اگر ایک جگہ ہو تو اسے ہر جگہ پھیلی ہوئی دکھاتا ہیں۔ یہ دشمن کے کام ہیں۔ کس لیے؟ کیونکہ دشمن انقلاب اسلامی کی فتح کا راز سمجھ چکا ہے۔ وہ راز لوگوں کا عقیدہ اور لوگوں کا ایمان ہے۔ وہ اس ایمان کو ختم کرنا چاہتا ہے۔ اب، اگر وہ پرانی نسلوں میں ایسا نہیں کر سکتا، تو نوجوانوں اور نوجوانوں اور نئی نسل میں اس یقین کو ختم کرنا چاہتا ہے۔ اس کا مقصد یہ ہے۔ لوگوں کو مایوس کرنا، مستقبل کو تاریک بنانا وہ کام آج دشمن کر رہا ہے۔ (خامنہ ای، سید علی، اسلامی تبلیغی رابطہ کونسل کے اراکین سے خطاب، ۰۶/۰۱/۹۶)۔

۱-۴۔ سچ کو چھپانا اور مایوسی اور احساس کمتری پیدا کرنا

استعمار آج سائبر اسپیس کو اپنا جھوٹ پھیلانے کے لیے استعمال کر رہا ہے۔ اور اس پلیٹ فارم کو اپنے مذموم مفادات کے لیے استعمال کر کے اربوں سامعین کے سامنے حقائق کو الٹ پلٹ کر دکھاتا ہے۔

رہبر انقلاب نے اس سنگین خطرے سے خبردار کرتے ہوئے فرماتے ہیں:

آج دنیا بھر میں اکثریت میڈیا کی پالیسیوں پر غور کریں، ان کے مفادات کا تقاضا ہے کہ وہ اسلام کو دہشت گردوں سے تشبیہ دیں، ان کے مفادات کا تقاضا ہے کہ وہ امریکہ کو انسانی حقوق اور جمہوریت کا مظہر سمجھیں۔ یہ کام آسانی سے اور دنیا میں جدید ترین اور انتہائی

جدید میڈیا طریقوں سے کیا جاتا ہے۔ سچ کی طرح بڑے جھوٹ ریڈیو لہروں، ٹیلی ویژن، انٹرنیٹ وغیرہ میں جھلکتے ہیں۔ (خطاب، ۲۶-۲-۱۳۸۵)۔

۲-۴. مغربی فکر کا مسلط کرنا

انسان پر ورچوئل اسپیس کا بے لگام تسلط اس کی اخلاقی، تعلیمی اور مذہبی مسائل کی طرف توجہ کو کم کرنے کا سبب بنتا ہے۔ یہاں تک کہ اسے اخلاقی اور مذہبی مسائل کو سمجھنے اور مذہب کے ثقافتی اور تعلیمی ماحول سے ہم آہنگ کرنے میں کوئی دلچسپی نہیں ہے، کیونکہ وہ میں اس حد تک غرق ہے کہ اس نے اپنی زندگی کی بنیاد اسی منطق پر رکھی ہے اور یہی رویہ ثقافت پر حاوی ہے۔ جس میں انسانی ضروریات صرف مادی، جنسی اور نفسیاتی ضروریات تک محدود ہوں اور ان لوگوں کا خدا اور مادی دنیا کے علاوہ کسی اور چیز سے کوئی تعلق نہیں ہے، اس صورت میں اخلاق اور تعلیمی ماٹل جو معاشرے پر حکمران ہوتا ہے وہ بھی بدل ہوا نظر آتا ہے جس کے نتیجے میں لوگوں کے رویہ اور پورا معاشرہ بدل ہوا دیکھائی دیتا ہے۔ امام خامنہ ای نے اس خطرے اور سنگین خطرے کا اعتراف کرتے ہوئے فرمایا:

آج نوجوانوں کے دلوں کو ماٹل کرنے کے لیے کتنے آلات ہیں؟ اس کا ماضی سے موازنہ نہیں کیا جا سکتا۔ یہ سیٹلائٹ، یہ انٹرنیٹ، ہر قسم کے رابطے کے ذرائع، یہ دلوں کو بہکتے ہیں، گمراہ کرتے ہیں، انسان کے روحانی مقاصد کو کمزور کرنے کے ساتھ ساتھ انسان میں نفسانی خواہشات کو بھی پیدا کرتے ہیں۔ (خطاب، ۱۷-۶-۱۳۹۰)۔

رہبر معظم کے بیانات کے مطابق:

دشوار لڑائیوں اور زمینی جنگوں میں جب تک میدان جنگ اور اس کی خوبیوں اور کمزوریوں کی صحیح معلومات حاصل نہیں ہوتی، جنگی آپریشن میں کامیابی کا کوئی امکان نہیں ہوتا ہے۔ لہذا اس جہاد کے لوازم میں سے ایک یہ ہے کہ میڈیا کے میدان جنگ کی معلومات اور اس سے متعلقہ تقاضوں کو بخوبی جانا اور پہچانا جائے۔

۵. ورچوئل اسپیس کا کنٹرول اور نگرانی

۱۴۰۰ کے آغاز اور نئے سال کے پہلے دن، رہبر معظم انقلاب اسلامی نے ایرانی قوم سے براہ راست ٹیلیویژن خطاب میں ملک میں ورچوئل اسپیس کے ذمہ داران پر کھل کر تنقید کی۔ فرمایا:

بدقسمتی سے ہمارے ملک کے ورچوئل اسپیس میں بھی مبری تمام تر تاکید کے باوجود وہ ضروری پابندیاں نہیں کی جاتیں اور بعض زاویوں سے یہ واقعی غلط ہے کہ ذمہ داروں کو اس سے آگاہ ہونا چاہیے۔ دنیا کے تمام ممالک اپنی ورچوئل اسپیس کو مینج کر رہے ہیں۔ [جبکہ] ہمیں فخر ہے کہ ہم نے ورچوئل اسپیس کو رہا کر دیا ہے! یہ قابل فخر نہیں ہے۔ یہ بالکل بھی قابل فخر نہیں ہے۔ ورچوئل اسپیس پر کنٹرول ہونا چاہیے۔ لوگ اس سے مستفید ہو رہے ہیں اور ہونا بھی چاہیے، یہ لوگوں کی آزادی کا ایک ذریعہ ہے، یہ بہت اچھا ہے۔ لیکن یہ آلہ ملک و

قوم کے خلاف سازش کرنے کے لیے دشمن کو نہ دیا جائے۔ (خامنہ ای، سید علی، نوروز کا خطاب، ۰۱/۰۱/۱۴۰۰)۔

رہبر انقلاب نے انٹرنیٹ مواد کو کنٹرول کرنے کے لیے مناسب فلٹرز استعمال کرنے کی ضرورت کو ایک فطری چیز قرار دیا اور کہا:

جب انٹرنیٹ جیسے عالمگیر آلہ کسی ملک میں وارد ہوتی ہے تو عام طور کچھ پر ایسے فلٹرز بھی ہوتے ہیں جن کا ہر ملک اپنی منشأ اور صلاح دید کے مطابق استعمال کرتا ہے۔ یہ ایک فطری بات ہے۔ ہمارے ملک کے اندر بھی آغاز میں کچھ کوتاہی برتی گئی۔ لیکن پھر نمہ دار افراد نے ایکشن لیا اور انہیں یہ کرنا چاہیے۔ یہ حقیقت ہے؛ بلاشبہ، وہ مناسب اور ضروری فلٹر کا استعمال ہونا چاہیے۔ (خامنہ ای، سید علی، شاہد بہشتی یونیورسٹی کے طلباء کا سوال و جواب کا سیشن، ۲۲-۲-۱۳۸۲)۔

۱-۵. ورجوئل اسپیس کو کنٹرول اور نگرانی کی ضرورت

ورجوئل اسپیس کو کنٹرول کرنے اور اس کی نگرانی کی ضرورت کے بارے میں رہبر انقلاب فرماتے ہیں:

ورجوئل اسپیس ہر قسم کی چیزوں اور سرگرمیوں سے مربوط ہے، سائنس کے پروگراموں کے ساتھ، انٹرنیٹ، سوشل نیٹ ورکس و غیرہ، لہذا اس میں لغزش کا امکان بھی پایا جاتا ہے۔ کوئی نہیں کہتا جناب سڑک نہ بنائیں۔ اگر آپ کو کسی علاقے میں سڑک کی ضرورت ہے، بہت اچھی طرح سے، ایک سڑک بنائیں، ایک فری وے سڑک بنائیں؛ لیکن ہوشیار رہنا! جہاں پہاڑ گرنے کا امکان ہو وہاں ضروری حساب کتاب کریں۔ یہ ہماری اپنے مواصلاتی آلات، وزارت مواصلات اور سپریم ورجوئل کونسل سے درخواست ہے، جس کے بارے میں مجھے بھی شکایت ہے۔ ہم اس سڑک کو بند کرنے کو نہیں کہہ رہے ہیں۔ نہیں، یہ بکواس ہے۔ کچھ لوگوں نے بیٹھ کر سوچا، اس ورجوئل اسپیس کے طور پر ایک راستہ کھولا اور جیسا کہ وہ سائبر کہتے ہیں؛ ٹھیک ہے، اسے استعمال کریں؛ لیکن اسے صحیح طریقے سے استعمال کریں؛ دوسرے اس کا استعمال کر رہے ہیں۔ کچھ ممالک نے اپنے اپنے کلچر کے مطابق ان آلات کو ڈھال لیا ہے۔ ہم کیوں نہیں؟ ہم کیوں توجہ نہیں دے رہے ہیں؟ ہم کیوں اس بے قابو اور بے لگام پلیٹ فارم کو رہا کیے ہوئے ہیں؟ (خامنہ ای، سید علی، اساتذہ اور معلمین کے گروپ میں خطاب، ۱۳-۲-۱۳۹۵)۔

رہبر معظم کے دفاعی افکار میں سائبر اسپیس میں تحفظ اور رازداری پر سب سے زیادہ زور دیا گیا ہے۔ اور اُسے یقینی بنانے کے لئے، عوامی تحفظ اور لوگوں کی رازداری کو برقرار رکھنا پہلا مرحلہ ہے۔ اور اس کے بعد ورجوئل اسپیس کو نفسیاتی و اخلاقی لحاظ سے سالم بنانا اور ناپسنندیدہ اور غیر مطلوبہ اخلاقی و ثقافتی گندگیوں سے پاک و پاکیزہ کرنا، دوسرا مرحلہ ہے۔

۶. ورجوئل اسپیس کے لیے دینی اور تبلیغی مواد بنانا

۱-۶. ورجوئل اسپیس دینی اور اسلامی پیغامات پہنچانے کے لیے ایک مفید ٹول

رہبر معظم انقلاب نے ورچوئل اسپیس کو پیغام پہنچانے کے لیے ایک موزوں ٹول کے طور پر متعارف کرایا:

... اس کا نام ورچوئل اسپیس ہے۔ جبکہ اصل میں ایک حقیقی اسپیس ہے۔ اس کا مطلب ہے کہ یہ خلا بہت سے لوگوں کی زندگیوں میں موجود ہے۔ یہ ورچوئل اسپیس ایک ٹول ہے۔ ایک بہت ہی موثر ٹول؛ تاکہ آپ اپنے پیغام کے ساتھ دنیا کے کونے کونے تک پہنچ سکیں، اسے ہر کسی کو سننے دیں۔ یہ کل ممکن نہیں تھا، آج ہے۔ (خامنہ ای، سید علی، صوبہ تہران کے مدرسے کے طلباء کا خطاب، ۶-۶-۱۳۹۶ ش.)

۲-۶. اسلامی افکار کے خلاف حملے کا مقابلہ کرنے کے لیے قابل استعمال اور مفید

دشمن کی طرف سے اسلامی فکر بالخصوص شیعہ سوچ پر حملہ کرنے کے لیے تمام جدید مواصلاتی طریقوں کے استعمال کا نکر کرتے ہیں اور اس حملے کا مقابلہ کرنے کے لیے ورچوئل اسپیس کے تمام ذرائع استعمال کرنے کی ضرورت پر زور دیا دے تے ہوئے فرمایا: طلب علم دینی کے لیے یہ موقع کب سے موجود ہے؟ اس کے علاوہ، سہولت فراہم کرنے والے ٹولز، جیسے کہ کمپیوٹر اور انٹرنیٹ کمیونیکیشن اور ورچوئل اور سائبر اسپیس، اب آپ کے اختیار میں ہیں۔ اگر آپ یہ چیزیں سیکھ سکتے ہیں تو آپ اپنا ایک لفظ ہزاروں سامعین تک پہنچا سکتے ہیں جنہیں آپ نہیں جانتے۔ یہ موقع، بہت اچھا ہے؛ اس موقع کو ضائع نہ کریں۔ اگر کھو گیا تو اللہ تعالیٰ قیامت کے دن مجھ سے اور آپ سے سوال کرے گا۔ (خامنہ ای، سید علی، شمالی خراسان کے علماء و مشائخ سے ملاقات، ۱۹-۷-۱۳۹۱) ایک اور بیان میں فرماتے ہیں:

ورچوئل اسپیس کی فیڈ کچھ اس طرح ہے؛ اس سے زیادہ سے زیادہ فائدہ حاصل کرنا ممکن ہے۔ آپ دشمنوں کی طرح انسان کی مخالف سمت میں بھی استعمال کر سکتے ہیں۔ یعنی اسلامی تصورات اور اسلامی تعلیمات کو پھیلانا۔ بغیر کسی رکاوٹ کے۔ (خامنہ ای، سید علی، درس خارج فقہ، ۱۶-۶-۱۳۹۵)

۳-۶. دینی اور تبلیغی مواد فراہم کرنے کے آلات کو مضبوط کرنے کی ضرورت

آیت اللہ خامنہ ای نے ورچوئل اسپیس میں دین کی تبلیغ اور علوم دینیہ کی اشاعت کے مواقع کے بارے میں فرماتے ہیں:

آپ کو ورچوئل اسپیس میں مواد بنانے کے سلسلے میں غور اور فکر کرنا چاہیے، یقیناً ہمارے پاس اچھی سوچ رکھنے والے مذہبی نوجوان ہیں، ہمارے پاس ایسے لوگ ہیں جو سماجی مواد بنانے کے لیے کارآمد ہیں، ہمارے پاس مدارس ہیں جو واقعی اس میدان میں کھل کر کام کر رہے ہیں، کچھ ماہرین تعلیم جیسا کہ میں نے کہا، میرے پاس اس شعبے میں بہت اچھے نوجوان ہیں، یقیناً ہمارے پاس ڈیڑھ بیس بھی ہیں، آپ انہیں استعمال کریں، مواد فراہم کرنے کے نظام کو مضبوط کریں، ہمیں اس مسئلے کی ضرورت ہے۔ (خامنہ ای، سید علی، سائبر اسپیس کی سپریم کونسل کے ارکان سے ملاقات، ۳-۱۱-۱۳۹۶)

نتیجے کے طور پر، یہ کہا جا سکتا ہے رہبر معظم کے دفاعی افکار کے رو سے، ورچوئل اسپیس ایک موقع فراہم کرتا ہے اور وہ اس پلیٹ فارم کو اسلامی نظریات اور انقلاب کے دفاع اور پھیلانے کا ایک مناسب موقع سمجھتے ہیں۔

۷. تبیین فراہم کرنے کا طریقہ

آیت اللہ خامنہ ای کے نقطہ نظر سے، آج ورچوئل اسپیس ایک موقع ہے: دشمن سائبر اسپیس کو مختلف طریقے سے استعمال کرتا ہے۔ لیکن آپ، پیارے نوجوانو، امید پیدا کرنے، صبر کی تلقین، سچائی کی تلقین، بصیرت، سستی نہ کرنے، بیکار نہ رہنے کی تلقین کے لیے ورچوئل اسپیس کا استعمال کریں۔ (خامنہ ای، سید علی، عیدمبعث کے موقع پر ٹیلی ویژن پر نشر ہونے والی خطاب، ۲۱/۱۲/۹۹)۔

۷-۱. ٹارگٹ پلاننگ

ورچوئل اسپیس میں، انسان مرکزی نقطہ بھی ہے اور مواصلاتی نقطہ بھی، قومی شناخت کے تحفظ، قومی خودمختاری کو بروئے کار لانے اور مختلف اقتصادی، ثقافتی، سماجی اور سیاسی شعبوں میں نئی طاقتوں کے ظہور کے چیلنجوں پر قابو پانے کے لیے، اور ورچوئل اسپیس کو منظم کرنے کے لیے ہمیں با ہدف منصوبہ بندی کی ضرورت ہے: (خطاب، ۱۶-۶-۱۳۹۴)

انفارمیشن اور کمیونیکیشن ٹیکنالوجیز کی بڑھتی ہوئی توسیع، خاص طور پر عالمی انٹرنیٹ نیٹ ورک اور انفرادی اور سماجی زندگی کے جہتوں میں اس کے متاثر کن اثرات، اور اس سے پیدا ہونے والے مواقع سے زیادہ سے زیادہ فائدہ اٹھانے کے لیے بڑی اور با ہدف سرمایہ کاری کی ضرورت ہے۔ ملک کو ہمہ جہت طریقے سے ترقی دینا اور مختلف طبقات کو وسیع اور مفید خدمات فراہم کرنا لوگوں کے ساتھ ساتھ اس کے نتیجے میں ہونے والے نقصان سے بچانے کے لیے مسلسل منصوبہ بندی اور ہم آہنگی کی ضرورت کا تقاضا ہے کہ پالیسی سازی کے لیے ایک مرکزی فوکل پوائنٹ، ملک کے ورچوئل اسپیس میں فیصلہ سازی اور ہم آہنگی قائم کی جائے۔

اس موقع پر، ملک کی سائبر اسپیس کی سپریم کونسل صدر کی سربراہی میں کافی اختیارات کے ساتھ تشکیل دی گئی ہے، اور اس کی تمام منظوریوں کو قانونی اثرات دینا ضروری ہے۔ (خطاب، ۱۷-۱۲-۱۳۹۰)

۷-۲. نیشنل انفارمیشن نیٹ ورک کی تشکیل

سائبر اسپیس کی بے لگام نوعیت کے لیے منصوبہ بندی اور انتظام کی ضرورت ہے۔ اس تناظر میں امام خامنہ ای نے قیمتی الفاظ کا اظہار کیا ہے۔ اس سلسلے میں ان کے چند اہم ترین جملے درج ذیل ہیں۔

میں جس چیز پر یقین رکھتا ہوں، اور میں اس پر بھروسہ کرتا ہوں، وہ یہ ہے کہ ورچوئل اسپیس کو ہمارے کنٹرول سے باہر ہماری رضامندی کے بغیر مینج کیا جا رہا ہے۔ بحث یہ ہے۔ ورچوئل اسپیس ایسی چیز نہیں ہے جسے جو چاہے استعمال کر سکے۔ دوسرے اسے اس سمت میں لے جا رہے ہیں جو وہ چاہتے ہیں۔ جب ہم جانتے ہیں کہ باہر سے لوگ اس ورچوئل اسپیس

کو مینج کر رہے ہیں جو ہم سے متعلق ہے اور جو ہم پر اثر انداز ہوتا ہے، تو ہم ان کے سامنے خالی نہیں بیٹھ سکتے؛ ہم سائبر اسپیس سے جڑے اپنے لوگوں کو اس مینیجر کے ہاتھ میں بے دفاع نہیں چھوڑ سکتے جو پردے کے پیچھے سائبر اسپیس کو مینج کرتا ہے۔ اکثر بین الاقوامی عوامل ان شعبوں میں بہت سرگرم ہیں۔ مطلع کرنے، رپورٹنگ، ڈیٹا تجزیہ اور اس طرح کے لحاظ سے؛ سائبر اسپیس پر ہزاروں کام ہو رہے ہیں۔

یہی وجہ ہے کہ میں نیشنل انفارمیشن نیٹ ورک کے مسئلے پر زور دیتا ہوں۔ سائبر اسپیس کی یہ سپریم کونسل اور نیشنل سینٹر آف سائبر اسپیس جو ہم نے تشکیل دی ہے، اور میں نے اصرار کیا اور اس بات پر اصرار کرتا رہا ہوں کہ یہ [کونسل] بنائی جائے اور معزز صدر اس میں شرکت کریں اور فیصلے کریں اور اس پر عمل درآمد کریں، کیونکہ اس کی اہمیت ہے۔ یہ مسلہ؛ اس مسئلے کو ترک نہیں کیا جا سکتا۔ اور میں دیکھ رہا ہوں کہ ضروری توجہ نہیں دی جاتی۔ (خامنہ ای، سید علی، حکومتی بورڈ کے اجلاس میں آن لائن بیانات، ۰۲ / ۰۶ / ۹۹)

۸. مسائل جن کی تبیین ضروری ہے

۸-۱. مذہب سیاست سے الگ نہیں ہے

آیت اللہ خامنہ ای کے افکار کے مطابق، زیادہ تر مادی سیاسی طاقتوں کی طرف سے اسلام کو انفرادی اور قلبی اعتقاد تک محدود رکھنے پر اصرار ہے... اس اندرونی سیاسی اور بظاہر فکری رجحان کے لحاظ سے، زندگی کے اہم شعبوں اور سماجی تعلقات میں۔ معاشرہ اور تہذیب کے نظم و نسق میں اسلام کو دخل نہیں دینا چاہیے، تہذیب کی تخلیق اور انسانی تہذیب کی تعمیر میں اسلام کا کوئی کردار نہیں، معاشرے کے مختلف مسائل کا اسلام سے کوئی تعلق نہیں ہے۔ جبکہ اسلامی نصوص واضح طور پر اس نظریے کو رد کرتے ہیں اور ہم مسلمانوں کو اس مسئلے کو اہمیت دینی چاہیے... ہم مسلمانوں کو اس مسئلے پر توجہ دینی چاہیے ہمیں یہ بتانا ہے کہ اسلام زندگی کے ہر شعبے میں دلچسپی رکھتا ہے اور ان کے بارے میں رائے اور حل رکھتا ہے۔ (خامنہ ای، سید علی، مجلس خبرگان رہبری کے ارکان کے ساتھ دیدار، ۱۵-۱۱-۱۳۷۶)

۸-۲. اسلامی جمہوریہ کا دفاع

اسلامی جمہوریہ کی وضاحت اور دفاع کی ضرورت کے بارے میں آیت اللہ خامنہ ای فرماتے ہیں:

اسلامی جمہوریہ مظلوم ہے... مظلوم کس لیے؟ مختلف وجوہات کی بنا پر، ان میں سے ایک یہ ہے کہ اسلامی جمہوریہ کے دشمنوں نے اسلامی جمہوریہ پر مذہبی اور فکری جھوٹ سے لے کر فرقہ وارانہ جھوٹ بلکہ ہر قسم کے جھوٹ پھیلائے ہیں، تاکہ اسلامی جمہوریہ کے افکار اور نظریات مسلمانوں کے درمیان پھیل نہ جائیں۔ امریکہ کی ہم سے دشمنی اس لیے ہے کہ ہم مسلمان قوموں کے دلوں کی بات کرتے ہیں... مسلم اقوام امریکی اثر و رسوخ اور امریکی مداخلت سے بھری پڑی ہیں، ان کے دل خون سے بھرے ہوئے ہیں، لیکن وہ ان تک نہیں پہنچ سکتے، اور ان الفاظ کو حکومتی سطح پر اظہار کیا جا رہا ہے، یہ اسلامی جمہوریہ کے

خوبصورت حقائق ہیں، بتائیں تاکہ عالم اسلام اور امت اسلام ان کو سمجھیں۔ (خامنہ ا ی، سید علی، حج کے حکام اور ایجنٹس سے ملاقات، ۱۵-۸-۱۳۸۷) ایک اور بیان میں رہبر معظم انقلاب فرماتے ہیں:

آج جس چیز کا تعلق ایمان سے ہے، اسلام کی حقانیت اور قرآن اور احکام الہی، دین و سیاست کا اتحاد، اسلامی جمہوریہ کی مخصوص بنیادیں، ان سب کو چیلنج کیا گیا ہے، اسلامی جمہوریہ ایران کے مخالفین صرف فحش لوگوں کا ایک ٹولہ ہی نہیں جو ریٹیو اور ٹیلی ویژن پر بیٹھ کر سیاسی مذاق اڑاتے ہیں بلکہ پیسہ خرچ کر کے نظریات پیدا کر کے معاشرے میں شائع کر رہے ہیں۔ (خامنہ ا ی، سید علی، مجلس خبرگان رہبریکے اراکین سے ملاقات، ۱۷-۱۳۸۴) (۶-۱۳۸۴)

۸-۳. اسلامی مقاومت نظریہ

رہبر معظم انقلاب، اسلامی مقاومت کی ضرورت کے بارے میں فرماتے ہیں: طاقتور دشمن کے خلاف مقاومت کے نظریہ کو فروغ دیں۔ کچھ لوگوں کو یہ نہیں سوچنا چاہیے کہ چونکہ دشمن کے پاس بم، میزائل، پروپیگنڈہ کے آلات وغیرہ ہیں، ہمیں پیچھے ہٹ جانا چاہیے۔ نہیں، نظریہ مقاومت ایک اصل اور صحیح نظریہ ہے۔ رائے اور عمل دونوں کے لحاظ سے؛ اسے نظریاتی اور عملی طور پر فروغ دینا چاہیے۔

نظریاتی معنی بیان کرنا ہے۔ آپ نوجوان م مقاومت کے اس نظریہ کو اچھی طرح سمجھا سکتے ہیں۔ آپ کے درمیان اور آپ جس ماحول میں ہیں اور یہاں تک کہ دوسرے ممالک اور دوسرے نوجوانوں کے ساتھ بھی۔ مقاومت کا نظریہ سب کو سمجھائیں کہ استکبار کا ہدف تسلط ہے، استکبار کا ہدف تسلط ہے، قوموں پر تسلط ہے، تاکہ وہ جان لیں کہ استکبار کا ہدف یہی ہے۔

عملی نقطہ نظر سے ہم تحریک مقاومت کو نوجوانوں کا حق سمجھتے ہیں۔ عراق کے نوجوان، شام کے نوجوان، لبنان کے نوجوان، شمالی افریقہ کے نوجوان، برصغیر اور ان کے گردونواح کے نوجوان، مٹھی بھر نوجوان ہیں جو امریکہ کے خلاف اٹھ کھڑے ہوئے ہیں۔ یہ ان کا حق ہے، ہم ان کا حق جانتے ہیں۔ ان دھاروں کو مضبوط کرنے کا مطلب مقاومت کے نظریہ کو مضبوط کرنا ہے۔ (خامنہ ا ی، سید علی، طلباء سے ملاقات، ۱۲-۸-۱۳۹۷)

۸-۴. انقلاب اسلامی کی کامیابیوں کی تیبیین

امام خامنہ ا ی کے نقطہ نظر سے جن چیزوں کی تیبیین ضروری ہے ان میں سے ایک انقلاب اسلامی کی کامیابیوں کا بیان اور ان کی وضاحت ہے:

انقلاب کی کامیابیوں واقعی عظیم اور حیران کن ہیں، بدقسمتی سے ہم نے ان کامیابیوں کو بیان کرنے کے لیے بہت کم کام کیا ہے، کبھی تقریروں میں، کبھی ٹیلی ویژن کے بیانات میں، کچھ کہا گیا ہے، لیکن اس سے بھی بڑھ کر سماجی زندگی کے اہم ترین حصوں میں، انقلاب نے زبردست کامیابیاں حاصل کی ہیں۔ (خامنہ ا ی، سید علی، صوبہ آذربایجان شرقی کے لوگوں کے ساتھ آن لائن خطاب، ۲۹-۱۱-۱۳۹۹)

زیادہ تر لوگوں کو ان ترقیات کا علم نہیں، میرا اصرار ہے کہ یہ پیشرفت عوام کے کانوں تک پہنچے، میں حکومتوں سے کہتا ہوں کہ عوام کو بتائیں کہ کیا کیا جا رہا ہے۔ ایک زمانے میں، ہم آج جو کچھ کر رہے ہیں اس کا سوواں حصہ بھی نہیں بنا پا رہے تھے... انقلاب سے پہلے ہمیں پاور پلانٹ بنانے، ٹیم بنانے کے قابل ہونے کی امید بھی نہیں تھی۔ ان کو بنانا تو دور بات تھی، پیچیدہ ٹیکنالوجیز کو سمجھے بھی نہیں سکتے تھے، لیکن آج یہ سب کچھ ایران میں موجود ہے، آج ہم نے بہت اہم شعبوں میں شاندار ترقی کی ہے۔ (خامنہ ای، سید علی، نوجوان موجدوں کے لیے خطاب، ۳۰-۱-۱۳۸۴)

۵-۸. امریکہ مخالف متحدہ محاذ کی تشکیل

امام خامنہ ای کے نقطہ نظر سے ورچوئل اسپیس میں امریکہ کے خلاف متحدہ محاذ تشکیل دے کر دنیا کی اقوام بالخصوص امت اسلامیہ کے خلاف امریکہ کے جرائم اور خیانتوں کا تبیین اور اظہار ضروری ہے:

ایک اور مسئلہ جو میرے خیال میں آپ طلبہ کی تنظیمیں کر سکتی ہیں وہ یہ ہے کہ عالم اسلام میں طلبہ کی سطح پر ایک متحدہ امریکہ اور صیہونیت مخالف محاذ تشکیل دیں۔ یہ کرو۔ بیٹھیں، سوچیں، پھر صیہونیت مخالف اور امریکہ مخالف محاذ بنائیں۔ آج رابطے کے ذرائع بھی آسان ہیں۔ اب خط، ڈاک، ٹیلی گراف وغیرہ لکھنے کی ضرورت نہیں رہی۔ ورچوئل اسپیس کا استعمال کریں؛ حالانکہ ایسا اسی طرح کے معاملات میں کیا گیا ہے۔ امریکی تسلط کے خلاف عالم اسلام کی حتمی عوامی مہم کی تشکیل؛ امریکی پالیسیوں اور صیہونی پالیسیوں کی مخالفت کے لحاظ سے۔ (خامنہ ای، سید علی، طلباء کے گروپ میں بیانات، ۱۲/۰۴/۹۵)

رہبر معظم کے دفاعی افکار میں دو اہم پہلو پائے جاتے ہیں، جیسے مین پہلا دینی اور ثقافتی تبلیغ اور اسلامی معارف کو فروغ دینے کے لیے ورچوئل اسپیس میں مختلف نیٹ ورکس کا استعمال اور دوسرا اس پلیٹ فارم کے ذریعہ اسلامی انقلاب کے اہداف و نظریات کی وضاحت اور اس کی اشاعت ہے۔

نتیجہ

کئی سالوں سے، امام خامنہ ای اپنی تقاریر میں ورچوئل اسپیس میں تبیین اور وضاحت کرنے کی ضرورت کا مطالبہ کر رہے ہیں۔ کیونکہ مواصلاتی ٹیکنالوجی کا ظہور اور اس کے مواقع اور خطرات کو انقلاب اسلامی کے زمرے تک بڑھا دیا گیا ہے۔ اس حد تک کہ اسلامی انقلاب کا تسلسل اور ارتقاء اس میدان میں انقلاب اسلامی کی خصوصی اور سنجیدہ توجہ اور سرمایہ کاری پر منحصر ہے۔

ہمیشہ کی طرح، ورچوئل اسپیس کے ظہور کے آغاز سے ہی، ایک دانشمندانہ اور درست نظر کے ساتھ، رہبر معظم انقلاب نے ورچوئل اسپیس کی خوبیوں اور کمزوریوں پر توجہ دی اور اس سمت میں ضروری حکمت عملیوں کا اظہار کیا۔

اس تحقیق میں، سب سے پہلے، ہم نے رہبر معظم انقلاب کے تمام بیانات کو جمع کرنے کی کوشش کی ہے جو ورچوئل اسپیس اور نئی مواصلاتی ٹیکنالوجی کے موضوع سے متعلق

تھے، وہ بیانات جو موضوع سے نامربوط تھیں، چھوڑ دیا گیا اور آخر میں، حاصل شدہ نتائج کی درجہ بندی کی گئی اور عنوان دیا گیا۔

البتہ یہ کہنا چاہیے کہ اس تحقیق میں جو کچھ بتایا گیا ہے وہ ورچوئل اسپیس کے شعبے میں رہبر معظم انقلاب کی آراء کا صرف ایک حصہ ہے

ایک امید افزا مسئلہ کے طور پر، تبیین اور وضاحت کا جہاد معاشرے کے مختلف طبقوں کے درمیان فکر کے مختلف شعبوں کو جوڑ سکتا ہے اور دشمن کی فکری اثر و رسوخ کی وجہ سے پیدا ہونے والی خرابیوں کا ایک بڑا حصہ ختم کر سکتا ہے۔

لہذا، "جہاد تبیین" دشمن کے ذرائع ابلاغ کی طرف سے پیدا کردہ خرابیوں کو دور کر سکتا ہے اور مسائل کے خاتمے کی راہ میں سماجی حمایت کو برقرار رکھتے ہوئے ایک درست، منطقی اور منحل گفتگو برقرار کر سکتا ہے۔

رہبر معظم انقلاب اسلامی کے بیانات میں سے جو الفاظ اور افکار منتخب کیے گئے ہیں، ان میں سے، ورچوئل اسپیس میں جہاد تبیین کی ضرورت کے بارے میں ان کی آراء کے خلاصے کے طور پر درج ذیل کو بیان کر سکتا ہے:

۱. ورچوئل اسپیس بہت اہمیت کا حامل ہے؛
۲. ورچوئل اسپیس کو درست اور موثر منیجمنٹ کی ضرورت ہے اور اسے بے لگام نہیں ہونا چاہیے۔

۳. ورچوئل اسپیس میں مضبوط ہونا چاہئے۔ یہ مسئلہ اہم ہے؛
۴. اس پلیٹ فارم کے مواقع کو اچھی طرح سے استعمال کیا جانا چاہئے؛
۵. ورچوئل اسپیس میں اسلامی تصورات اور تعلیمات کی تبلیغ ضروری ہے۔
۶. بچوں اور نوجوانوں کے لیے ورچوئل اسپیس کے نقصانات کو دور کرنے کی منصوبہ بندی کرنا تعلیم سے وابستہ افراد کا ایک اہم کام ہے۔

۷. ورچوئل اسپیس کے لیے مواد بنانے میں، امید پیدا کرنے پر توجہ دی جانی چاہئے۔
۸. ورچوئل اسپیس میں شکوک و شبہات کو جاننے اور ان کا جواب دینے کی ایک مناسب صلاحیت پائی جاتی ہے۔

۹. اسلامی جمہوریہ کی بنیادوں، اسلامی انقلاب کی کامیابیوں اور ورچوئل اسپیس میں مزاحمت کے نظریہ کی وضاحت ضروری ہے۔

آخر میں امام خامنہ ای کے افکار کے مطابق ورچوئل اسپیس میں وضاحتی جہاد پر توجہ نہ دینا مختلف سماجی میدانوں میں دشمن کی فتح کا سبب بن سکتا ہے اور دشمن کے ذریعہ معاشرہ بالخصوص نوجوانوں کے دل و دماغ کی فتح کا باعث بن سکتا ہے۔

کتابیات

۱. قرآن مجید
۲. خامنہ ای (امام)، سید علی، انتخاب صالحان، تہران، انتشارات انقلاب اسلامی، ۱۳۹۸ ش.
۳. آزاد سٹیڈیم میں بسیج کی خدمت کرنے والے دسیوں ہزار لوگوں کا اجتماع، ۱۲-۷-۱۳۹۷ ش.
۴. اساتذہ اور معلمین کے گروپ میں خطاب، ۱۳-۲-۱۳۹۵ ش.
۵. اسلامی تبلیغی رابطہ کونسل کے اراکین سے ملاقات، ۲۹-۱۳۸۸-۱۰ ش.
۶. امام حسین آفیسر یونیورسٹی (ع) میں خطاب، ۳-۳-۱۳۹۵ ش.
۷. امام صادق (ع) انسٹی ٹیوٹ کے منتظمین اور پروفیسرز کے درمیان بیانات، ۰۱/۰۳/۱۳۹۶ ش.
۸. ایران کے ریڈیو اور ٹیلی ویژن کا دورہ ۲۸-۲-۱۳۸۳ ش.
۹. پاسداران انقلاب کے کمانڈروں کے اجلاس میں بیانات، ۱۳/۰۴/۱۳۹۰ ش.
۱۰. ثقافتی انقلاب کی سپریم کونسل کے ارکان سے ملاقات ۲۶-۱۳۸۱-۹ ش.
۱۱. جہاد تبیین، تحقیق سعید صلح میرزایی، تہران، انتشارات انقلاب اسلامی، ۱۴۰۰ ش.
۱۲. حج کے حکام اور ایجنٹس سے ملاقات، ۱۵-۸-۱۳۸۷ ش.
۱۳. حکومتی بورڈ کے اجلاس میں آن لائن بیانات، ۰۲/۰۶/۱۳۹۹ ش.
۱۴. درس خارج فقہ، ۱۶-۶-۱۳۹۵ ش.
۱۵. شاہد بہشتی یونیورسٹی کے طلباء کا سوال و جواب کا سیشن، ۲۲-۲-۱۳۸۲ ش.
۱۶. شعراء کے ایک گروپ کے اجلاس میں بیانات، ۱۴/۰۶/۱۳۸۸ ش.
۱۷. شمالی خراسان کے علماء و مشائخ سے ملاقات، ۱۹-۷-۱۳۹۱ ش.
۱۸. صوبہ آذربائیجان شرقی کے لوگوں کے ساتھ آن لائن خطاب، ۲۹-۱۱-۱۳۹۹ ش.

۱۹. _____، صوبہ تہران کے مدرسے کے طلباء کا خطاب، ۶-۶-۱۳۹۶ش.
۲۰. _____، صوبہ سمنان کے علماء سے ملاقات، ۱۷-۸-۱۳۸۵ش.
۲۱. _____، صوبہ کرمان کے علماء و مشائخ کے ایک گروپ سے ملاقات، ۱۱-۲-۱۳۸۴ش.
۲۲. _____، طلباء کے گروپ میں بیانات، ۱۲/۰۴/۱۳۹۵ش.
۲۳. _____، عیدمبعث کے موقع پر ٹیلی ویژن پر نشر ہونے والی خطاب، ۲۱/۱۲/۱۳۹۹ش.
۲۴. _____، کرمانشاہ کے شیعہ اور سنی علماء سے ملاقات، ۲۰-۷-۱۳۹۰ش.
۲۵. _____، مجلس خبرگان رہبری کے اراکین سے ملاقات، ۱۳-۶-۱۳۹۳ش.
۲۶. _____، مجلس خبرگان رہبری کے ارکان کے ساتھ دیدار، ۱۵-۱۱-۱۳۷۶
۲۷. _____، مجلس خبرگان رہبری کے اراکین سے ملاقات، ۱۷-۶-۱۳۸۴ش.
۲۸. _____، محرم کے آغاز میں علماء و مشائخ سے ملاقات میں بیانات، ۱۳۷۷ش.
۲۹. _____، ملک بھر کے ائمہ جمعہ کے اجلاس میں بیانات، ۱۴/۱۰/۱۳۹۴ش.
۳۰. _____، نرسوں اور صحت کے شہداء کے اہل خانہ کے اجلاس میں بیانات، ۲۱/۰۹/۱۴۰۰ش.
۳۱. _____، نوروز کا خطاب ایرانی عوام سے، ۰۳/۰۱/۱۳۹۹ش.
۳۲. _____، نئے سال اور نوروز کے موقع کا خطاب، ۱۳۹۴ش.
۳۳. _____، ہمرزمان حسین (علیہ السلام)، تہران، انتشارات انقلاب اسلامی، ۱۳۹۷ش.

34. Liaropoulos, Cyberspace Governance and State Sovereignty. In Democracy and an Open-Economy World Order. Springer, Cham, pp ۲۰۱۷

35. Ploug, Ethics in cyberspace: How Cyberspace May Influence Interpersonal Interactio. Springer Netherlands, pp ۲۰۰۹

امام خامنہ ای کے افکار اور بین الاقوامی تعلقات میں صلح کے فقہی مبانی

محمد علی کریمی^۱ - خادم حسین جاوید^۲

اشاریہ

انسان کے اندر موجود ذاتی صفات میں سے ایک جس کی طرف انسان کی فطرت بھی مایل ہے وہ انسان کا صلح پسند ہونا ہے اور اس بات سے کوئی انکار نہیں کر سکتا کہ جتنا انسان صلح کے ذریعے سے اپنی انفرادی اور اجتماعی زندگی میں تعلقات بہتر کر سکتا ہے وہ صلح کے بغیر میسر نہیں ہو سکتا، یہی وجہ ہے ہر عاقل انسان ایک سالم زندگی کے حصول کی غرض سے زندگی کے ہر موڑ پر اسے حاصل کرنے کی کوشش میں ہوتا ہے۔ عصر حاضر میں جہاں جدید ترقی اور ٹیکنالوجی کی دنیا میں بین الاقوامی طور پر تمام ممالک اور افراد کا صلح کی کوشش سے کوئی انکار نہیں کر سکتا اسی طرح اسلامی تعلیمات میں بھی صلح کے لئے خاص احکام اور شرائط کا ذکر ملتا ہے۔ اس تحقیق میں صلح کے متعلق نظریات کو رہبر معظم کے افکار اور نظریات کو تطبیقی اور استنباطی روش کیساتھ بیان کر کے اس سوال کے جواب تک رسائی کہ کوشش کی گئی ہے کہ رہبر معظم کا بنیادی نظریہ بین الاقوامی روابط میں صلح کے متعلق کیا ہے؟ مختلف دلائل کی روشنی میں ہم یہ نتیجہ لے سکتے ہیں کہ بحیثیت امت مسلمہ تمام مسلمانوں کی ذمہ داری ہے کہ وہ اپنی استطاعت کے مطابق اللہ کے بندوں کو ایک دوسرے کے قریب کرنے کی کوشش کرے، کیونکہ دین اسلام ہمیشہ صلح و صفائی کی دعوت دیتا ہے، اگر کوئی مخالف اسلام، عجمگ اور خونریزی کو ترک کرنے اور صلح کی طرف مائل نظر آئے تو مسلمانوں پر بھی فرض ہے کہ صلح کی طرف قدم بڑھاتے ہوئے صلح و صفائی کے بڑھتے ہوئے ہاتھ کو گرم جوشی سے تھام لینا چاہئے۔ رب کائنات کی حمایت و نصرت ہمیشہ مومنین کے ساتھ ہے، دین اسلام اپنے ماننے والوں کو جہاد کرنے کا حکم، اس وقت دیتا ہے جب اس کے بغیر کوئی چارہ کار نہ ہو ورنہ دین اسلام ہمیشہ صلح و امن اور سلامتی کی دعوت دیتا ہے۔

کلیدی الفاظ: جنگ بندی، مہاندہ، صلح، مصلحت، شرائط، حکمت، معاہدہ، موادعہ، امام خامنہ

ای

۱- سطح ۴. مجتمع عالی فقہ حجتیہ، جامعۃ المصطفیٰ العالمیہ. (karimimali^۱)@gmail.com
۲- phd: استوڈنٹ مجتمع عالی قرآن و حدیث جامعۃ المصطفیٰ العالمیہ. (Njavid61@yahoo.com)

مقدمہ

فطری طور پر ہر انسان کا اپنا الگ مزاج ہے۔ ہم ہر روز دیکھتے ہیں کہ معاشرے میں مختلف سطح کے باہمی تعلقات میں نظریاتی اختلافات یا غلط فہمیاں اور اختلاف پائے جاتے ہیں۔ ایک بات واضح ہے کہ اختلاف وہیں ہوگا جہاں کوئی قریبی تعلق ہو۔ جس سے کچھ لینا دینا ہی نہیں اس سے اختلاف کیسا؟ اگٹھے رہن سہن، لین دین اور باہمی معاملات میں اکثر اوقات غلط فہمیاں پیدا ہوتی ہیں اور یہ غلط فہمیاں بڑھتے بڑھتے نفرت و عداوت، قطع کلامی و قطع تعلقی، دشمنی اور لڑائی جھگڑے، جنگ و جدال، خون خرابے اور قتل و غارت تک جا پہنچتی ہیں۔ نتیجہ یہ نکلتا ہے کہ معاشرے میں فساد شروع ہوجاتا ہے، انسانی نظام زندگی تباہ ہو کر رہ جاتا ہے، حتیٰ کہ خاندانوں کے خاندان اجڑ جاتے ہیں۔ ان سارے فتنوں سے بچاؤ کیلئے اسلام کے نظام اخلاق میں باہمی صلح و صفائی پر زیادہ تاکید کی جاتی ہے۔ احادیث مبارکہ کی روشنی میں یہ عمل خیر و برکت کا موجب، خطاؤں اور گناہوں کی مغفرت کا سبب اور دنیوی و اخروی برکات کے حصول کا ذریعہ ہے۔ اس کے ساتھ ساتھ راحت و آرام کی زندگی کو یقینی بنا کر جانی و مالی نقصانات سے بچا یا جاسکتا ہے۔ ہمارے پیارے نبی ﷺ نے صدیوں سے شدید اختلافات اور رنجشوں کے شکار اوس و خزرج کے قبائل کے درمیان صلح کروائی، جس کا بظاہر کوئی امکان ہی نظر نہیں آ رہا تھا، کیونکہ ان کے سینے بغض و عداوت سے بھرے ہوئے تھے۔ اسی بنا پر ان کے درمیان خونریزی کا لامتناہی سلسلہ سالہاسال سے جاری رہا کرتا تھا تھا۔

قرآن کریم میں متعدد مقامات پر صلح کی اہمیت و ضرورت، اس کی ترغیب اور خاندانی و معاشرتی نظام زندگی میں اس کے کردار پر روشنی ڈالی گئی ہے۔ اور ان آیات میں اسے ”خیر“ سے تعبیر کرتے ہوئے اسے باہمی اجتماعی نظام میں ضروری قرار دیا گیا ہے، ایسے لوگوں کی مدح اور تعریف کی گئی ہے جو صلح پسند ہوں۔ اللہ تعالیٰ کو سب سے زیادہ وہ قدم پسند ہیں جو آپس میں صلح اور باہمی تعلقات کی اصلاح کے لیے اٹھیں۔ اور اس بات پر بھی غور کریں کہ صلح کروانا ہمارے پیارے نبی صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم کی سنت ہے اور اللہ عزوجل نے قرآن کریم میں آپس میں صلح کروانے کا حکم بھی دیا ہے: **إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ** " مومنین تو بس آپس میں بھائی بھائی ہیں، لہذا تم لوگ اپنے دو بھائیوں کے درمیان صلح کرا دو اور اللہ سے ڈرو تاکہ تم پر رحم کیا جائے۔ (الحجرات 10)

رببر معظم انقلاب بھی تمام دنیا سے اچھے روابط اور صلح اور آشتی کے خواہاں ہیں لیکن کبھی کسی کے دباؤ کو برداشت نہیں کرسکتے۔ لہذا آپ کسی مقام پر فرماتے ہیں :

«بین الاقوامی سیاست کے میدان میں ایرانی قوم ایک امن پسند قوم ہے جس کا پچھلی حکومتوں نے اعلان کیا ہے اور مستقبل میں بھی ایسا ہی ہوگا۔ ایرانی قوم کا کسی قوم

سے جنگ کا کوئی ارادہ نہیں ہے۔ آپ نے دیکھا کہ اسلامی جمہوریہ کی تاریخ میں اور حتیٰ کہ ایرانی قوم کی ماضی کی تاریخ میں بھی ہمیشہ جنگیں ہوتی رہی ہیں، ایرانی قوم اپنی سرحد، اپنے حقوق اور اپنی آزادی کا دفاع کرنے کی پوزیشن میں رہی ہے۔ ہم نے کسی ملک یا قوم پر حملہ نہیں کیا۔ ہم نے اپنے حقوق کا بھرپور دفاع کیا ہے اور ان کا دفاع کرتے رہیں گے»۔ (۱۲/۰۵/۱۳۸۴۔۔ دیکھئے ایرانی صدارتی حلف برداری کی تقریبات کے موقع پر)

آج کل اس کی اہمیت سے کوئی انکار نہیں کرسکتا کیونکہ اگر دنیا کے کسی ایک کونے میں بد امنی اور جنگ کا ماحول پیدا ہوتو کرہ ارض کے تمام انسان اس سے متاثر ہوئے بغیر نہیں رہ سکتے۔ یہی وجہ ہے کہ امام خامنہ ای اس بارے اسلامی جمہوریہ ایران کا صلح کے متعلق موقف کی وضاحت کچھ یوں کرتے ہیں :

«آج امریکہ عالمی امن اور سلامتی کے لیے خطرہ ہے۔ اس لیے ”مرگ بر امریکہ“ کا نعرہ اب ہماری قوم کے لیے مخصوص نہیں رہا۔ آج دنیا کے کونے کونے میں آپ دیکھتے ہیں کہ وہ امریکی صدر کا مجسمہ جلا رہے ہیں اور امریکہ مردہ باد کے نعرے لگا رہے ہیں۔ اس کی وجہ امریکی حکومت کی مداخلت، امریکی حکومت کا غرور، ان کا غرور، ان کا تسلط اور صیہونیوں حکومت کا آپس کا کھیل ہے۔ یہ واقعی صیہونیوں کا کھلونا ہیں بعض اوقات جنگ اور جہاد، کے بعدجنگ بندی کا مرحلہ آتا ہے جسے فقہی اصطلاح میں مہادنہ ، ہدنه اور صلح سے تعبیر کیا جاتا ہے۔» (قم کے مومنین سے خطاب۔۔ ۱۸/۱۰/۱۳۸۲)

لذا رہبر معظم کا صلح کے متعلق موقف بین الاقوامی سطح پر زیادہ روشن اور واضح نظر آتا ہے۔ یہی وجہ ہے یہ مقالہ انکے افکار کی روشنی میں صلح کے فقہی مبانی کو بیان کرنے کے صدد میں پیش خدمت ہے۔

معابدے کا لغوی معنی:

کلمہ معاہدہ لغت عربی میں مادہ عہد باب مفاعلہ سے لیا ہے مشارکت اور دو طرفہ عمل کو کہتے ہیں اور ایک دوسرے کے ساتھ کسی کام کی نسبت اپنے آپ کو ملزم قرار دینا اور دو فر دیا دو گروہ کے درمیان ہونے والے معاہدے کو بھی کہتے ہیں و یا دو حکمرانوں کے درمیان ہونے والی قرار داد جو ان کے درمیان ارتباط اور تعلقات کا سبب بن جاتی ہے۔ ابن عرفہ کہتے ہیں کہ معاہدہ کا معنی صلح کرنا ہے اور اسی مضمون کے قریب معنا میں علما نے متعدد الفاظ استعمال کئے ہیں جیسے امان، مہادنہ، صلح، پیمان، اور معاہدہ جو کہ مترادف الفاظ ہے لہذا در نتیجہ اوپر بیان کی گئی وضاحت کیساتھ معاہدہ کی تعریف یوں ہوگی۔ مسلمانوں کا کافر حربی کے ساتھ امن وامان کی خاطر عہدوپیمان باندھنا، اور بعض لغوی علما نے «ہدنه» کا معنی خاموشی اختیار کر لینا اور آرام وسکون سے رہنے کو کہا ہے۔

معابدے کا اصطلاحی معنی:

اصطلاح میں ہندہ مسلمانوں اور کافر حربی کے درمیان ایک عارضی معاہدے کو کہا جاتا ہے۔ اس کو صلح اور موادعہ سے بھی تعبیر کیا جاتا ہے جو مخدوش حالت کی نشاندہی کرتا ہے۔

شیخ طوسی کتاب المبسوط میں یوں رقم طراز ہے: (الهدنة والمعاهدة واحدة وهو وضع القتال وترك الحرب الى مدة من غير مال و عوض) "ہندہ اور مہاندہ مترادف الفاظ ہیں جو جنگ سے دستبرداری اور اس کو کچھ عرصے کے لئے ترک کرنا اور صلح کرنے کو کہا جاتا ہے۔ " علامہ حلی رحمت اللہ علیہ بھی کتاب تذکرہ میں بیان کرتے ہیں: و معنى الهدنة أن يعقد لأهل الحرب عقدا على ترك القتال مدة بعوض و بغير عوض، و تسمى مهادنة و موادعة و معاهدة. لہذا عدم استحکام اور تبدیلی کو تعریف میں شامل کیا گیا ہے۔ اسی لئے بعض علماء نے اس نکتے کو ہندہ اور عقدجزیہ کے درمیان فرق قرار دیا ہے۔ انہوں نے مزید فرق بیان کئے ہیں۔ تفصیلات کیلئے علامہ کی کتاب قواعد اور دیگر کتابوں کے طرف رجوع کرنے کی ضرورت ہے۔ حقیقت یہ ہے کہ بعض علماء نے جو فرق بیان کیا ہے وہ بنیادی نہیں بلکہ ضمنی اثرات اور ہندہ کی علامات ہیں۔ ان دونوں کے درمیان میں اصلی اور حقیقی فرق یہ ہے کہ عقد جزیہ میں معاہدے کا فریق وہ شکست خوردہ کفار ہیں جن پر مسلمانوں نے فتح حاصل کی ہے، ان کی حکومت ختم کر کے زمینوں پر قبضہ کیا ہے۔ اس صورت میں مسلمانوں پر ٹیکس عائد کیا جاتا ہے لیکن کفار پر جزیہ عائد کیا جاتا ہے، لہذا وہ حکومت اسلامی کے شہری ہیں اور اپنے مذہب کے تحفظ کا حق رکھتے ہیں جبکہ مہاندہ میں فریق ایسا دشمن ہے، جس کا نظام حکومت قائم ہے جو شاید مسلمانوں سے بھی زیادہ مضبوط اور مستحکم ہو چنانچہ اسلام کے ابتدائی دور میں شام کی فتح اور اسلامی مملکت کا حصہ بننے کے بعد اہل کتاب کے ساتھ ایسا صلح کیا گیا تھا، جبکہ شہرمکہ فتح ہونے سے پہلے کفار قریش کے ساتھ صلح ہوا۔

جواز صلح کے مبانی

قرآن

آیات قرآنی: قرآن مجید میں متعدد آیات اس موضوع کے بارے نازل ہوئی ہے۔ ذیل میں بعض آیات کی طرف اشارہ کیا جاتا ہے

إِلَّا الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ثُمَّ لَمْ يَنْقُضُوا عَهْدَهُمْ شَيْئًا وَلَمْ يُظَاهِرُوا عَلَيْكُمْ أَحَدًا فَأَتَيْتُمُوهُمْ إِتْيَهُمْ عَهْدَهُمْ إِلَىٰ مُدَّتِهِمْ (سورہ توبہ، آیہ ۴)

البتہ جن مشرکین سے تمہارا معاہدہ تھا پھر انہوں نے تمہارے ساتھ کوئی قصور نہیں کیا اور نہ ہی تمہارے خلاف کسی کی مدد کی تو ایسے لوگوں کے ساتھ جس مدت کے لیے معاہدہ ہوا ہے اسے پورا کرو۔

اللہ اور اس کے رسول کے نزدیک کوئی عہد مشرکین کے لیے کیسے ہو سکتا ہے بجز ان لوگوں کے جن سے تم نے مسجد الحرام کے پاس صلح کیا ہے؟ پس جب تک وہ

تمہارے ساتھ (اس عہد پر) قائم رہیں تو تم بھی ان کے ساتھ قائم رہو، یقیناً اللہ اہل تقویٰ کو دوست رکھتا ہے۔ اور اسی طرح فرمایا: جس سے آپ نے عہد لیا پھر وہ اپنے عہد کو ہر بار توڑ ڈالتے ہیں اور وہ ڈرتے نہیں ہیں۔ (سورہ انفال، آیہ ۵۶)

ان آیات سے یہ ظاہر ہوتا ہے کہ کفار کے ساتھ صلح جایز ہے اور مسلمانوں اور کفار کے درمیان ہونے والے معاہدے کو حکومتی سطح پر قبول کرتے ہوئے تصدیق کی جاتی ہے اگرچہ صلح (ہدینہ) اور جنگ بندی پر منحصر نہیں ہے لیکن ہدینہ اس کا یقینی مصداق ہے۔

اسی طرح خداوند متعال کا ارشاد ہے: **وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ**۔ اور (اے رسول) اگر وہ صلح و آشتی کی طرف مائل ہو جائیں تو آپ بھی مائل ہو جائیے اور اللہ پر بھروسہ کیجیے۔ یقیناً وہ خوب سننے والا، جاننے والا ہے۔ (سورہ انفال، آیہ ۶۱) اگرچہ اس آیت کی دلالت اور ظہور کا دائرہ ہمارے دعوے سے محدود تر ہے چونکہ یہ آیت دشمن کی طرف سے اظہار رضامندی کی شرط کے ساتھ صلح کی اجازت دیتی ہے جبکہ ہمارا دعویٰ عمومی ہے البتہ اس بات سے انکار نہیں کیا جاسکتا کہ آیہ کریمہ کی روشنی میں مخصوص مواقع پر صلح جائز ہے۔

سنت:

الف – سیرہ قطعی رسول اکرم (ص): صلح کیلئے ایک اہم دلیل کافروں، یہودیوں، اور عیسائیوں کے ساتھ کئے گئے عہد و پیمانہ کا واضح نبوی (ص) کردار ہے، جو کہ بالواسطہ یا واضح طور پر، دشمنی کے خاتمے اور عارضی طور پر جنگ بندی اور صلح کے قیام کے متعلق، مزید ثبوت ہیں۔

ب۔ اقوال ائمہ: حضرت امام علی (ع) کا فرمان جو مالک اشتر سے اپنے مشہور صلح میں بیان کیا ہے صلح کی اجازت کی نشاندہی کرتا ہے: جب آپکا دشمن صلح کا خواہان ہو اور اس میں رضای پروردگار بھی شامل ہو تو اس صلح کو مسترد نہ کریں کیونکہ اس صلح میں آپ کی فوجیوں کی راحت اور آپ کی پریشانیوں سے آزادی اور اپنے شہروں کی حفاظت ہے۔ مستدرک نے اسی متن کو تحف العقول سے نقل کیا ہے۔ اور انہوں نے کتاب دعائم الاسلام میں بھی اسی معنی کے قریب اور ایک روایت حضرت امام علی (ع) سے پیغمبر اکرم صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم کا حوالہ دیکر نقل کیا ہے۔

اجماع:

تمام مسلمانوں نے صلح کو قبول کیا ہے اور اسکے جائز ہونے پر سب اتفاق کرتے

ہیں۔

ربرمعظم کا نظریہ:

آپ فرماتے ہیں کہ اس مسئلے کے جواز سے متعلق بہت سے واضح دلائل ہیں، حتیٰ کہ اس مسئلے کو ہمارے فقہاء نے مسائل مسلمات اور بدیہی مسائل میں سے سمجھا

ہے اسی لئے اسکے بارے میں زیادہ سے زیادہ بحث نہیں کی ہے اور بہت ہی حقیقت کے نزدیک ہے۔ (مقام معظم رہبری کے درس خارج سے اقتباس / فقہ اہل بیت، سال ۳، ش ۱۱، ۱۲، (پاییز، زمستان ۱۳۷۶): ص ۳ - ۱۲۰)۔

دلایل

۱. عقل

عقل واضح طور پر حکم کرتی ہے کہ صلح کیلئے مصلحت کا ہونا ضروری ہے اور صلح کرنے کی حکمت کا تقاضی بھی یہی ہے۔

۲. کتاب

بہت ساری آیات اور احادیث واضح طور پر مسلمانوں کو اپنے دشمنوں کے خلاف جہاد کرنے اور خدا کی راہ میں لڑنے کی ترغیب دینے کی تاکید کرتے ہیں، اور اگر وہ اس فریضہ کو ترک کر دیں تو انہیں سخت دھمکیاں دیں گے۔ پھر ایک آیت یا کچھ آیات صلح کو قبول کرنے کا حکم دیتی ہیں۔

وَ مَا لَكُمْ لَا تَقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ اور آخر تمہیں کیا ہو گیا ہے کہ تم اللہ کی راہ میں

جہاد نہیں کرتے ہو (نساء، ۷۵)۔

لہذا، ایسی صورتحال میں، یہ دعویٰ نہیں کیا جاسکتا ہے کہ کسی بھی وقت یا کسی بھی صورتحال میں صلح جائز ہے، چاہے ہمیں اس کی ضرورت نہ بھی ہو اور اس میں کوئی مصلحت یا حکمت بھی نہ ہو، حتیٰ اسکو ترک کرنا بہتر ہو پھر بھی صلح جایز سمجھا جائے چونکہ اسکا ملازمہ قرآن و حدیث نے جہاد کیلئے جو اہمیت اور ترغیب و تہدید کی ہے سب بیکار ہو جائینگے اور اس کے نتیجے میں، یہ کہا جاسکتا ہے کہ قرآن مجید میں جہاد کے بارے میں جو سخت احکام آئے ہیں لازمی نہیں ہے بلکہ دشمن سے لڑنا جایز ہے، اور ان آیات میں صرف جواز کی طرف اشارہ ہے۔ اور یہ جنگ حرام نہیں ہے بلکہ افضل ہے۔

تاہم، یہ دعویٰ اور اس کا نتیجہ حکمت کے تقاضوں کے برخلاف ہے اور بات کلام پروردگار کے حکمت کے بھی منافی ہے لہذا صلح میں ضروری ہے کہ مصلحت مسلمین ہو تب جا کے ہم صلح کرسکتے ہیں۔

لہذا، ان آیات کے مطابق جو جہاد کے بارے میں نازل ہوئی ہیں، ہم نتیجہ لے سکتے ہیں کہ کسی بھی حالت میں دشمن سے صلح کرنا ہمیشہ کیلئے جائز نہیں ہے بلکہ اسکے جواز کیلئے ضروری ہے کہ حالات کے مطابق اور اسکے شرائط موجود ہو اسے ہم مصلحت یا حکمت سے تعبیر کرتے ہیں۔

اور اسکے علاوہ بہت ساری آیات اور روایات آیا ہے کہ ان تمام دلائل کا خلاصہ یہ ہے کہ صلح کو قبول کرنا یا دشمن کو معاہدے کی پیش کش کرنا اس میں مسلمانوں کیلئے مصلحت کا ہونا شرعی طور پر شرط اور ضروری ہے۔

اما جو مصلحتیں علما نے بیان کی ہیں اس پر محدود نہیں ہے، جیسے کہ مسلمانوں کی کمزوری اور کافروں کے خلاف مزاحمت کرنے میں ان کی ناکامی، یا کافروں کے مسلمان ہونے کی امید یا ان سے دولت حاصل کرنے کی امید وغیرہ پر منحصر نہیں ہے، بلکہ کسی خاص صورتحال کے تحت کسی بھی وقت یا خاص شرائط کی ساتھ صلح باندھ سکتے، یا دوسرے مفادات اور مصالح پر غور کیا جاسکتا ہے اور ان کے مطابق صلح اور امن معاہدہ قائم کیا جاسکتا ہے۔ جیسے کہ ایک نظام کی حیثیت سے اسلامی نظام کے حق میں مثبت تبلیغ کرنا جو اپنے دشمنوں کو پیش کش کرتا ہے، یا کسی دوسرے دشمن کو ڈرا دھمکا دیتا ہے جو اسلامی نظام کی جنگ میں ملوث ہونے کی وجہ سے لالچ میں آیا ہے اور وہ اس موقع سے فائدہ اٹھانا چاہتا ہے۔ ایسے حالات میں جب بھی دشمن یہ دیکھے کہ مسلمانوں کا امام دشمن کے ساتھ صلح نامہ کرنے کی کوشش کر رہا ہے تو وہ ڈرتا ہے اور اپنے گردن پے جو عہد و پیمانہ آیا ہے اور اسکے علاوہ دیگر مفادات کو بھول جاتا ہے لیکن ولی امر مسلمین اس معاملہ کو زمان و مکان کا خیال رکھتے ہوئے مصلحت کو پہچانتا ہے اور ان کے مطابق صلح کرنے کا حکم دیتا ہے۔

اس نکتہ کو ذکر کرنا ضروری ہے کہ جس طرح جہاد کیلئے خاص شرائط اور مراتب ہے اسی طرح امن معاہدے کیلئے بھی اپنے خاص شرائط اور مصالح کا ہونا ضروری ہے جنکو ہم مکمل طور پر منحصر اور مشخص نہیں کر سکتے ہے بلکہ امام (ولی امر مسلمین) کا وظیفہ ہے کہ کن شرائط اور زمان و مکان میں صلح کرنا ہے اور کس وقت جہاد کرنا ہے۔

لہذا مصلحت کے مختلف درجے ہوتے ہیں اور دشمن کے ساتھ جنگ بندی کرنا اسی مصلحت کے درجہ بندی کے حساب سے ہوتا ہے اور صلح کرانا اس شرط پر مشروط ہے کہ اس مرحلے میں صلح کرانا جہاد کرنے سے زیادہ اہم ہو، اور یہ بات بھی قبول کرنی ہوگی کہ بعض اوقات صلح واجب ہو جاتا ہے۔ جیسا کہ علامہ حلی (ر ح) نے اپنی کتاب القواعد میں صراحت سے بیان کیا ہے اور اس مطلب کو مرحوم صاحب جواہر (ر ح) نے بھی پسند کیا ہے۔ کیونکہ جو اہم بات ہے اسکو ترجیح دی جاتی ہے اور جو امن و سکون کی اہمیت اس حد تک پہنچ سکتی ہے کہ اسے قبول کرنا واجب ہو جاتا ہے۔ اور اسکو رد کرنا ممنوع ہے۔

تاہم، کچھ فقہاء کی واضح بیان سے یہ ظاہر ہوتا ہے کہ صلح کبھی بھی وجوب کے مرحلے تک نہیں پہنچتا ہے اور وہ کسی بھی صورت میں واجب نہیں ہے اور ہمیشہ جائز ہے۔ علامہ حلی (ر ح) نے کتاب المنتہی اور تذکرہ کے آخر میں کہا ہے: إلا أن ظاهر بعض و صریح آخر عدم وجوب الهدنة بحال. کسی بھی معاملے میں بدنہ واجب نہیں ہے، خواہ مسلمان مضبوط ہوں یا کمزور، لیکن یہ جائز ہے۔ (حلی، علامہ، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، منتہی المطالب ج ۲، ص ۹۷۴)۔

محقق حلی (ر ح) نے بھی اپنی کتاب شرایع میں کہا ہے : اگر صلح مسلمانوں کی بھلائی کی ضمانت دیتا ہے تو جایز ہے...؛ یعنی، اگر یہ مسلمانوں کے بہترین مفاد میں ہو تو صلح جائز ہے۔" اس بیان کے ظاہری معنی سے یہ معلوم ہوتا ہے کہ کسی بھی صورت میں صلح واجب نہیں ہوگا۔

امن معاہدہ کے جائز ہونے کے لئے علامہ اپنے دلائل کو یوں بیان فرماتے ہیں (الف) آیات قرآنی: یقیناً اللہ نے مومنوں سے ان کی جانیں اور ان کے اموال جنت کے عوض خرید لیے ہیں، وہ اللہ کی راہ میں لڑتے ہیں پھر مارتے ہیں اور مارے جاتے ہیں۔ اور بھی متعدد آیات ہے جو کہ طولانی ہونے سے بچنے کی خاطر ذکر نہیں کرتے ہے۔ (سورہ توبہ، ۱۱۱)

ب. عمل حضرت امام حسین (علیہ السلام): حضرت امام حسین (ع) کا عمل جو شہید ہونے تک لڑے۔

ج. سیرت حضرت رسول اکرم (ص): رسول خدا (ص) نے ایک گروہ کو ہذیل سے مقابلہ کرنے کیلئے بھیجا یہاں تک کہ اس گروہ کے تمام افراد شہید ہو گئے اور ان میں سے صرف حبیب نامی ایک صحابی زندہ بچ گیا اور اسے بھی قیدی بنا لیا گیا۔ لہذا، ان دلائل کے تقاضی کے مطابق مکلف جنگ کرنے اور امن معاہدہ کرنے میں صاحب اختیار ہے، اور اگر ان کیلئے جنگ میں کوئی فائدہ نہ ہو تو وہ صلح کا انتخاب کر سکتا ہے۔ آنحضرت صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم اور معصوم اماموں نے بھی کبھی کبھار وقت اور حالات کے تقاضوں کے مطابق صلح کا انتخاب کیا ہے۔ جیسا کہ پیغمبر اکرم (ص) نے صلح ہدییبہ کی اور امام حسن مجتبیٰ (ع) نے معاویہ کے ساتھ صلح کی اور امام حسین (ع) نے کربلائی معلیٰ میں جنگ لڑی۔

علامہ (ر ح) اسی طرح اپنی دلیل کو ادامہ دیتے ہیں اور صاحب جواہر (ر ح) نے بھی اپنے درس میں ان مطالب کو پسند کیا ہے۔ محقق کرکی (ر ح) نے جامع المقاصد میں اس دلیل کی تردید کرتے ہوئے اشکال کیا ہے فرماتے ہیں: "لڑنے کا جو حکم اس آیت میں " (ولا تلقوا بایدیکم الی التھلکة) (سورہ بقرہ، ۱۹۵) مقید بہ عدم ہلاکت کیا ہے اس کا مطلب یہ ہے کہ جب بھی ہم یہ فرض کرتے ہیں کہ جنگ تباہ کن ہے، اور مرنے کا خطرہ ہو تو ہمیں اور جنگ بندی کے تابع ہونا چاہئے۔

یہ بات مخفی نہ رہے کہ اس شرط کی قبولیت کا معنی یہ بنتا ہے کہ اگر جنگ کسی بھی صورت میں تباہی کا باعث بنے، اور اسی جنگ کی وجہ سے ایک یا زیادہ لوگوں کی موت کا سبب بنے، تو اس صورت میں جن کیلئے جانی خطرہ ہو، جنگ حرام ہوگی، اگرچہ دوسرے لڑنے والے مسلمان جن کیلئے موت کا کوئی خطرہ نہ ہو ان کیلئے اب بھی جنگ واجب ہے۔ لہذا، موت سے بچنا صرف اور صلح کے معاملے تک محدود نہیں ہے، بلکہ اس میں کسی کو موت سے بچنے کیلئے، حتیٰ اگر جنگ سے بھاگنے کے

لئے بھی کوئی اقدام کرنا پڑے تو بھی شامل ہے۔ پس ہم اس معاملے میں ناچار ہے کہ ،
جہاد سے فرار کرنا واجب ہے جس طرح صلح واجب ہے ۔
لہذا، اگر کوئی اس بات کا قائل ہو جائے حفظ نفس فوقیت حاصل کرتی ہے وجوب
جہاد کے دلائل پر، باوجود اسکے کہ جہاد کے ان تمام شواہد اور ترک کرنے کی
صورت میں کیے گئے وعدوں اور وعید کے باوجود، اور صلح کے وجوب کو اس قید
کے ساتھ مقید کرے کہ اگر جان کیلئے کوئی خطرہ نہ ہو، جس طرح محقق کرکی (ر ح)
اسکے قائل ہوے ہے لہذا ہم ناچار ہے جنگ سے بھاگنے کیلئے بھی اسی شرط کے قائل
ہو جائے۔ جیسا کہ محقق کرکی (ر ح) کے بیانات سے ظاہر ہوتا ہے کہ حفظ جان کے
شرایط کو مقدم جانتے ہے پس صاحب جواہر نے جو بات بیان کی تھی اسکی کوئی دلیل
نظر نہیں آتی ہے ۔

مصلحت

عام طور پر صلح کے جواز کیلئے مصلحت کا ہونا شرط ہے اور اس پر تمام علما کا
اجماع ہے اگر صلح و معاہدہ میں کوئی مصلحت یا حکمت نہ ہو تو کسی عالم نے بھی
اسکے جواز پر حکم نہیں دیا ہے اور اسپر فریقین کا اتفاق بھی ہے اس مطلب پر
علمائے متعدد دلائل پیش کیا ہے ہم مختصراً کچھ ادلہ کی طرف اشارہ کریں گے چونکہ
مسلمانوں اور کفار کے درمیان میں ہونے والے معاہدوں کی بنیادی شرط یہی مصلحت
کا ہونا کوئی نہ کوئی حکمت کا ہونا ضروری ہے۔

رببرمعظم کا نظریہ

لیکن حقیقت یہ ہے کہ معاملہ اس کے برعکس ہے، اور جان کی تحفظ کے شواہد
کے تقاضے اور جان کو خطرے میں ڈالنا حرام ہونے کے شواہد، جہاد کے دلائل تک
ہی محدود ہیں۔ کیونکہ یہ بات واضح ہے کہ جان کو تباہی میں مبتلا کرنے کی ایک
واضح مثال جہاد واجب ہے، اور اگر ہم اس فریضہ کو ان دلائل کے ساتھ مختص کریں
تو تخصیص اکثر لازم آئیگا اور بسا اوقات اس الہی فریضہ کے مکمل خاتمے کا سبب
بن سکتا ہے۔

اس کا صحیح جواب مرحوم علامہ (رحمت اللہ) نے دیا ہے۔ جہاں تک جان کو ہلاکت
سے بچانے کے حوالے سے جو شواہد بیان کیا ہے، وہی بات ہے جو ہم بھی پہلے کہہ
چکے ہیں۔ جہاں تک صلح کے شواہد کا جواب یہ ہے کہ جہاد کے حکم اور اس کے
دلائل کا تناظر اور ساتھ ہی دونوں معاملات میں حکم اور موضوع کے درمیان جو نسبت
ہے، ہمیں یہ قبول کرنے کی طرف رغبت کرتا ہے کہ جہاد ایک قاعدہ ہے اور صلح
اسے استثناء ہے اور اگر صلح لازم قرار پائے تو مقید بہ مصلحت ہے تاکہ کو جہاد پر
ترجیح دی جائے۔ یہ تمام دلائل کو جمع کرنے اور انکو بررسی کرنے سے نتیجہ نکلتا
ہے۔ اما حقیقت کیا ہے خدا بہتر جانتا ہے۔

لیکن قیام امام حسین (ع) کے دلیل کے جواب میں یہ کہا جاسکتا ہے: امام کا عمل دفاعی جہاد کی سمت رکھتا ہے۔ قیام امام حسین (ع) کے متعدد پہلو بیان ہوئے ہیں ان میں سے اہم پہلو دفاعی جہاد کہا جاسکتا ہے۔ اس پر غور کرنے کی ضرورت ہے۔

"حقیقت یہ ہے کہ، قیام امام حسین علیہ السلام ایک ایسا معاملہ ہے جو کہ ایک خاص واقعہ کے ساتھ مربوط ہے جو عملی سنت میں شمار ہوتا ہے جو کہ اطلاق و تقیید قابل پذیر ہے، لہذا حکم کے مطلق ہونے سے ہم اسکو استفادہ کرسکتے ہے یہی مطلب پیغمبر گرامی اسلام ﷺ کے فرمان کے بارے میں بھی ہے جو ایک جہادی گروہ کو ہذیل نامی قبیلہ کے ساتھ جنگ کرنے کیلئے بھیجا تھا اسکے بارے میں بھی صدق آجایگا۔ جیسا کہ آیہ شریفہ فرمایا: وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ: آخر تم لوگوں کو کیا ہو گیا ہے کہ تم اللہ کی راہ میں اور ان سے بس کیے گئے مردوں عورتوں اور بچوں کی خاطر نہیں لڑتے جو پکارتے ہیں۔ (نساء، آیہ ۷۵)۔

اور اسی طرح ارشاد خداوندی ہے: وَإِذْ قَالَتْ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ يَا أَهْلَ يَثْرَبَ لَا مَقَامَ لَكُمْ فَارْجِعُوا (سورہ احزاب، ۱۳)۔ اور جب ان میں سے ایک گروہ کہنے لگا: اے یثرب والو! تمہارے لیے یہاں ٹھہرنے کی کوئی گنجائش نہیں ہے پس لوٹ جاؤ۔

اور اسی طرح جنگ سے بھاگنے اور اسی کے مشابہ کافی سارے آیات موجود ہے۔ (درس خارج مقام معظم رہبری بحث قرارداد ترک مخاصمہ و آتش بس)

مدت کے بارے میں علماء کے اقوال

قول اول: اگر مسلمان دفاعی میدان میں مضبوط ہو تو صلح قطعاً اور مسلم طور پر جایز ہے اور اس کی مدت چار مہینے تک ذکر کیا ہے۔ لہذا، چار ماہ یا اس سے کم عرصے کیلئے صلح کا باندھنا جائز ہے، اور ہمارے بعض فقہاء کی کتابوں میں، اس معاملے پر اجماع کا دعویٰ کیا ہے۔ مرحوم شیخ طوسی (رحمت اللہ علیہ) نے اس آیہ شریفہ سے استدلال کیا ہے: فَسَيُخَوِّفُ فِي الْأَرْضِ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ. (سورہ توبہ، آیہ ۲)۔

لہذا، مسلمانوں کے لئے یہ جائز ہے کہ وہ چار مہینوں تک جنگی کافروں سے صلح کریں، خواہ وہ مضبوط ہی کیوں نہ ہوں۔ بظاہر، اس معاملے میں بھی مصلحت کی رعایت کرنا ضروری ہے۔ اس معنی میں کہ مسلمانوں کی طاقت اور اس سلسلے میں صلح کے مفادات، دوسرے مفادات کے وجود کے منافی نہیں ہو، اور شیخ طوسی (رح) نے کتاب المبسوط میں جو کہا ہے اسکا مفہوم یہ ہو سکتا ہے، جہاں وہ کہتے ہیں: جب بھی مسلمانوں کے امام نے مشرکین کے ساتھ کسی ایسی جگہ پر صلح کیا ہو جہاں صلح جائز ہے تو، ان کے ساتھ چار مہینوں تک صلح کرنا جائز ہے اور اس سے زیادہ صلح جائز نہیں۔ (دراسات في ولاية الفقيه و فقه الدولة الإسلامية؛ ج ۲، ص: ۷۲۹)۔

بہر حال، جہاں تک علماء کے فرامین سے آشنائی رکھتے ہے اس نکتے کی طرف سوائے مرحوم شیخ طوسی (رح) کے کسی اور نے اس کی طرف صریحاً بیان نہیں کیا ہے۔

ہر حالت میں اس آیت سے استدلال اسکے شان نزول کو منسلک کر کے مکمل ہوجاتی ہے۔ ہم جانتے ہیں کہ یہ آیت اس وقت نازل ہوئی تھی جب نبی اکرم (ص) جنگ تبوک سے واپس آئے تھے ، اور اس وقت نبی اکرم (ص) پوری طاقت اور اختیار میں تھا۔ تاہم، مرحوم صاحب جواہر (ر ح) نے اس آیت سے استدلال کرنا مورد اشکال قرار دیا ہے اور اس آیت کو محل بحث سے ہٹ کر سمجھا اور کہا ہے کہ آیت کا معنی چار مہینوں تک صلح کا باندھنا نہیں ہے ، بلکہ خاص طور پر ان مشرکین کو مہلت دینا ہے جن کے ساتھ وعدوں اور دھمکیوں کی زبان میں صلح ہواتھا۔

مرحوم صاحب جواہر کے اعتراض اور اشکال حق بجانب ہے ، مزید یہ کہ اس وقت مسلمانوں کی طاقت کا مفروضہ واضح طور پر معلوم نہیں تھا، اگرچہ تاریخ میں ایسا ہی لگتا ہے۔ کیونکہ یہ ممکن ہے کہ صحابہ کرام رضی اللہ عنہم سخت گرمی اور لمبے سفر کے ساتھ تبوک میں منتقل ہونے کے بعد تھک گئے اور بور ہو گئے تھے، خاص طور پر چونکہ یہ جنگ کم فاصلہ میں کسی اور غزوہ کے فوری بعد ہوا تھا۔ لہذا ، رسول خدا (ص) اپنی الہی پالیسی کے مطابق مشرکوں کو چار ماہ کی مہلت دے کر اپنے ساتھیوں کی جوش اور طاقت کو بحال کرنا چاہتے تھے۔ لہذا ، صاحب جواہر (ر ح) کی بات بالکل صحیح ہے جو کہ فرماتے ہے: نعم لا خلاف في أنه تجوز الهدنة إلى أربعة أشهر فما دون مع القوة، (جفی، محمد حسن، جواہر الکلام في شرح شرائع الإسلام؛ ج ۲۱، ص: ۲۹۷)۔ لہذا اس معاملے میں ، اس مدت کو ثابت کرنے کی سب سے بڑی دلیل ، عام طور پر ، اجماع ہے ، اگر اس طرح کا اجماع ثابت ہوجائے ۔

ربرمعظم کا نظریہ

ہماری نظر میں ، یہ اجماع کبھی ثابت نہیں ہوتا ہے، کیوں کہ اس کا ذکر شیخ اور ان کے ہم عصر علماء کے بیانات میں نہیں پایا جاتا ہے ، اور انہوں نے اس فیصلے کو ثابت کرنے کیلئے صرف آیہ مذکورہ سے استدلال کیا ہے، جس سے اس قول کو تقویت ملتی ہے کہ یہ اجماع مدرکی ہے ۔ اور اس کو ذکر کرنے کا مقصد صرف فقہاء کے درمیان اس قول کا پائے جانے کی طرف اشارہ کرنا ہے اور کوئی بھی اس کی مخالفت نہیں کرتا ہے، نہ کہ وہ مشہور اجماع جو چار دلائل میں سے ایک ہے۔ (مقام معظم رہبری کے درس خارج ، فقہ اہل بیت، سال ۳، ش ۱۱، ۱۲ ، (پابیز، زمستان ۱۳۷۶))

اس میں جو بات قطعی طور پر کہی جاسکتی ہے وہ یہ ہے کہ صلح اگر مسلمانوں کیلئے فائدہ مند ہو اور مصلحت بھی پایا جائے تو چار مہینے تک جائز ہے، یہاں تک کہ اگر مسلمان جنگ کے صلاحیت بھی رکھتے ہوں۔ کیوں کہ اطلاق شواہد کا تقاضی اس طرح کے صلح ، یقینی طور پر ثابت ہونا ہیں ، اور اس سلسلے میں کتاب اور روایت سے بھی کہیں کوئی ثبوت نہیں ملتا ہے۔ لہذا ، اس کی جواز کو ثابت کرنے کے لئے ،

مذکورہ بالا آیت سے استدلال کرنے کی ضرورت نہیں ہے ، جیسا کہ مرحوم شیخ نے استدلال کیا ہے۔

قول دوم : فقہائے کرام نے مشرکین کے ساتھ صلح کے لئے زیادہ سے زیادہ مدت ایک سال تک کا معین کیا ہے وہ بھی اس شرط کے ساتھ اگر مسلمان مضبوط اور مستحکم ہو تو، اور ایک سال سے زیادہ صلح کرنا جائز نہیں ہے۔ محقق حلی کتاب شرایع میں کہتے ہیں: «ولا تجوز اکثر من سنة علی قول مشہور» (حلی، علامہ، حسن بن یوسف بن مطہر اسدی، تذکرۃ الفقہاء، ج ۱) یعنی ایک مشہور قول کے مطابق ، مشرکین کے ساتھ صلح ایک سال سے زیادہ کے لئے جائز نہیں ہے۔ علامہ حلی (رح) اپنی کتاب تذکرہ میں کہتے ہیں: اگر مسلمان طاقتور ہو تو ، امام کے لئے ایک سال سے زیادہ صلح کرنا جائز نہیں ہے ، مرحوم محقق اور علامہ کی کلام ہے ، لیکن شیخ طوسی (رحمت اللہ علیہ) کا کلام اس سے الگ ہے۔ وہ کتاب المبسوط فرماتے ہیں: «ولا يجوز إلى سنة وزيادة عليها بلا خلاف» (طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن، المبسوط في فقه الإمامية، ج ۲؛ ص ۵۰ و ۵۱)۔

بغیر کسی اختلاف کے ایک سال سے زیادہ صلح جائز ہے اور یہ سنت کے لئے جائز نہیں ہے " لہذا ، اس تاویل کا مطلب یہ ہے اگر مسلمان مضبوط ہو تو صلح ایک سال کیلئے بھی جائز نہیں ہے - ، جبکہ علامہ (رح) اور محقق (رح) کے نقل کردہ کلام سے یہ معلوم ہوتا ہے کہ ایک سال تک کے لئے جائز ہے۔ لیکن شیخ (رح) نے جو استدلال اس سلسلے میں کیا ہے اس آیت کے توسط سے یعنی: فَإِذَا انْسَلَخَ الْأَشْهُرُ الْحُرْمُ فَاقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ.... (سورہ توبہ، ۵) مناسب تر ہے کیونکہ جو لوگ اس مطلب کے قائل ہیں وہ اس آیت سے سمجھ گئے ہیں کہ ہر قمری سال میں ، ممنوعہ مہینوں کی میعاد ختم ہونے کے بعد ، جہاد فرض ہے اور یہ بات ظاہر ہے کہ ایک سالہ صلح کے دوران اگر جنگ پوجائے اگرچہ ایک دن ہی کیوں نہ ہو مطلب متضاد ہے۔ البتہ یہ بھی ممکن ہے کہ علامہ (رح) اور محقق (رح) بھی شیخ (رح) کے نظریہ سے متفق ہوں ، اور ان کے بیانات میں سال کی تشریح فقط چشم پوشی کی خاطر ہے۔ بہر حال ، اس حکم کو ماننے والوں کے کلمات و بیانات پر غور کرنے سے ، انکے دلائل کو مندرجہ ذیل سمجھا جاسکتا ہے:

صلح کا انکار کرنے والوں کے دلائل

پہلی دلیل: اجماع : جیسا کہ علامہ (رح) اور دوسرے علماء نے اجماع کا دعویٰ کیا ہے ، اور شیخ (رح) نے اپنے بیانات میں بہت کم اختلاف جیسے کلمات استعمال کیا ہیں۔ سوائے محقق، کہ انہوں نے اس اجماع کی مخالفت کر کے اس کو کسی مشہور قول سے منسوب کیا ہے ، اور یہی نکتہ اجماع کے دعوے کو کمزور کرتا ہے۔ کیونکہ بظاہر ان

کے مخالفت کا پہلو - جیسا کہ شہید ثانی (ر ح) نے مسالک میں بیان کیا ہے۔ اس کے نزدیک اجماع حاصل نہیں ہوا ہے۔
دوسری دلیل آیات قرآنی آیہ شریفہ: «فَاذَا انْشَلَخَ الْأَشْهَرُ الْحَرَامَ، فَاقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ يُعْنَى ، جب ممنوع مہینے ختم ہوجائیں تو مشرکین کو قتل کرو۔» اس آیت پر دو طریقوں سے استدلال کی گئی ہے۔

پہلا استدلال : شیخ طوسی (ر ح) کی دلیل جو کتاب المبسوط میں بحث کیا ہے کہ اس آیت کا تقاضی ہے کہ ہر صورت میں مشرکین کو قتل کرنا ضروری ہے ، لیکن مسلم بات ہے کہ چار ماہ کا حرام ہونا کسی دوسری خاص دلیل کی بناء پر خارج ہوتا ہے اسکے علاوہ اپنے عموم پر باقی رہتا ہے۔

دوسرا استدلال: اس آیت پر بحث کرنے کا دوسرا طریقہ مسالک میں شہید نے استدلال کیا ہے۔ اس سلسلے میں شہید فرماتے ہے اس آیت کا تقاضا ہے کہ ماہ های حرام کے میعاد ختم ہونے کے بعد جہاد واجب ہوتا ہے جو کہ ہر سال میں ایک بار پیش آتا ہے، شہید اس استدلال پر ایک اشکال کرتا ہے جو کہ تکرار سے بچنے کی خاطر ذکر نہیں کرتے ہے ۔

مرحوم محقق ضیاء الدین (رحمہ اللہ) نے اپنی کتاب تبصرہ کی شرح میں اس آیت کے استدلال پر اعتراض کیا ہے اور اس آیت سے ہم جو نتیجہ لے سکتے ہیں ہے ، ہر سال میں ایک دفعہ جہاد کا واجب ہونا مصلحت ہونے کی بناء پر ہے اور صلح کے وجوب ہونے میں قوی مصلحت ہوتو اسکے جواز کے ساتھ کوئی منافات نہیں رکھتا ہے۔ اور جب چہار مہینہ ختم ہوجائے یا صلح کرنے میں کوئی مصلحت نہ پایا جائے تو حکم اصلی اپنے جگہ میں باقی رہتا ہے۔

تیسری دلیل

وہ لوگ جو صلح کو ایک سال سے زیادہ مدت کیلئے جایز سمجھتے ہیں انکی تیسری دلیل آیہ شریفہ سے استدلال کرنا ہیں: فَلَا تَهْتُوا وَتَدْعُوا إِلَى السَّلْمِ وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ وَاللَّهُ مَعَكُمْ وَلَنْ يَتْرِكَكُمْ أَعْمَالَكُمْ. (سورہ محمد، ۳۵). تم ہمت نہ بارو اور نہ ہی صلح کی دعوت دو جب کہ تم ہی غالب ہو اور اللہ تمہارے ساتھ ہے اور وہ ہرگز تمہارے اعمال ضائع نہیں کرے گا۔
علامہ حلی (ر ح) نے اپنی کتاب المنتہی میں اس آیہ شریفہ سے مطلوبہ نظریہ کی اثبات کیلئے استدلال کیا ہے ، اور ہم نے ان کے سوا کسی اور کو اس سے بحث کرتے ہوئے نہیں دیکھا ہے۔ اس آیت سے جیسا کہ انہوں نے استدلال کیا ہے وہ یہ ہے کہ اس آیت کا تقاضا صلح کیلئے پیش قدمی کرنے پر ممانعت ہے۔ تاہم، ہم نے اپنی دلائل کی بنا پر ایک سال سے کم عرصے کے لئے صلح کا جایز ہونا اس سے خارج کیا ہے، لیکن اس سے زیادہ (ایک سال سے زیادہ صلح) ممنوع ہے ۔ اس دلیل میں متعدد طریقوں سے اشکال وارد ہوتا ہے:

پہلا اشکال: آیہ شریفہ میں صلح کو قبول کرنے سے منع نہیں کیا ہے بلکہ صلح کی طرف پیش قدمی کرنا اور اپنی طرف سے پیش کش کرنے سے روکتی ہے۔ لہذا، ہم جس چیز کو ثابت کرنے کی کوشش کر رہے ہیں، اس سے ثابت کرسکتے ہیں یا یہ کہا جاسکتا ہے کہ یہ دلیل، دعویٰ سے اخص ہے۔

دوسرا اشکال: ایک سال سے زیادہ عرصے تک صلح کے حرمت کا ثابت ہونا چشم پوشی کی بنا پر ہے۔ کیونکہ ہماری مخصوص دلیل چار ماہ یا اس سے کم مدت کیلئے صلح کو جائز سمجھتا ہے۔ نتیجے کے طور پر، جو بات عموم حرمت میں باقی رہتا ہے وہ چار مہینے سے زیادہ ہے۔ ایک سال سے زیادہ نہیں، اور یہ بات مدعی علیہ کے خلاف ہے۔

جس خدا نے تمام لوگوں کو اس کے حکم کے سامنے سر تسلیم خم کرنے کی دعوت دیا ہے اسی خدا نے رحمت کو اپنے اوپر واجب کر رکھا ہے (کتب علی نفسہ الرحمہ) اور قرآن کریم کے (ایک سورہ کے علاوہ) تمام سوروں میں اپنے آپ کو رحمن و رحیم کی صفت سے پہچانوا یا ہے، اصل اسلام، اسلام کا راستہ اور اسلام کا ہدف رحمت اور صلح ہے، اسلامی معاشرہ کی تعریف میں کہتے ہیں کہ بھیڑ اور بھیڑیا ایک ساتھ زندگی بسر کریں گے! یعنی اس حد تک لوگوں کے درمیان صلح اور آرام و سکون بڑھ جائے گا لیکن یہی خدا جس کے نام کے ساتھ ”ارحم الراحمین“ کی صفت مخصوص ہے، یہی خدا ”اشد المعاقبین“ کی صفت سے بھی مخصوص ہے! جو گروہ خدا کو قبول نہیں کرتا، صلح و آرام کو قبول نہیں کرتے، ان کے ساتھ شدت عقاب کے اسلحہ کو استعمال کرتا ہے تاکہ ان کی بیداری کا سبب بن جائے، یا ان کی نابودی اور محو ہونے کا سبب بن جائے۔

امن معاہدے میں شرائط رکھنا

شرائط جو کہ معاہدے میں شامل ہیں اور فریقین کو ان کی تعمیل کرنے کا پابند کریں، وہ جائز اور الزامی ہیں، اور اس مطلب میں کوئی حرج نہیں ہے، شرائط کو پورا کرنے کی ذمہ داری کی دلائل کے مطابق صلح اور دیگر عقود جو کسی شرط کے ساتھ مشروط ہیں کوئی فرق نہیں ہے، یہ مطلب فی الجملہ اتفاقی ہے اور اس میں کسی قسم کی اختلاف نہیں پایا جاتا ہے جیسا کہ کتاب المنتہی اور صاحب جواہر نے بھی اسی مطلب کی طرف اشارہ کیا ہے۔ صرف حرام کے مرتکب ہونے کی شرائط کو استثناء کیا ہے، جیسا کہ دوسرے معاہدوں میں بھی ایسا ہی ہے، اور اس نکتہ کو تمام فقہاء قبول کرتے ہیں اور اس میں کوئی بحث و اختلاف نہیں ہے۔

فاسد شرط کے ساتھ معاملے کی صحت کو ثابت کرنے کے لئے، بنیادی طور پر مندرجہ ذیل دلائل سے استدلال کیا گیا ہے۔

عقود عامہ:

عقود کے دلائل عام اور اسی امن معاہدے کی دلیلیں جو مورد بحث ہے جیسا کہ یہ آیہ کریمہ میں ارشاد فرماتے ہیں: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ.. (سورہ مائدہ، ۱)۔ اے ایمان والو! عہد و پیمان پورا کیا کرو۔ اور اسی طرح یہ آیہ شریفہ «...وَ أَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَ حَرَّمَ الرِّبَا (سورہ بقرہ، ۲۷۵)۔ حالانکہ اللہ نے تجارت کو حلال اور سود کو حرام قرار دیا ہے۔ اور آیہ شریفہ: «وَإِنْ جَحَحُوا لِسَلَامٍ فَاجْنَحْ لَهَا وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ» (سورہ انفال، ۶۱) یہ دلائل، ان کی اطلاق یا عمومی حیثیت سے، کسی بھی معاہدے اور خرید و فروش کے صحیح اور نافذ ہونے کی نشاندہی کرتے ہیں، اور ان معاہدوں اور عقود کو محدود کرنے یا تخصیص کرنے کی کوئی خاص دلیل بھی موجود نہیں ہے، سوائے وہ عقود کے، جو کسی فاسد شرط پر مشتمل ہو۔ کتاب و سنت کے خلاف شرط اور باقی فاسد شرائط کے باطل ہونے کی جو دلیلیں ہیں، خود شرائط کے بطلان ہونے کے علاوہ باقی کسی چیز پر دلالت نہیں کرتی ہیں اور یہ دلائل باقی ادلہ عموم پر حکومت بھی نہیں رکھتی ہیں۔

روایات:

خرید و فروش اور شادی کے بارے میں موصولہ روایتیں جو واضح طور پر یا علی الظاہر فاسد شرط کے ساتھ عقد کے صحیح ہونے پر دلالت کرتی ہے۔ ان میں سے کچھ روایات حسب ذیل ہیں:

(الف) شیخ صدوق (رحمت اللہ علیہ) نے خود حلبی سے اور اس نے حضرت امام جعفر صادق (ع) سے نقل کیا ہے کہ بریرہ ایک شادی شدہ نوکرانی تھی، حضرت عائشہ نے اسے خریدا اور اسے آزاد کر دیا۔ پھر رسول خدا (صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم) نے اس کنیز کو اختیار دیا کہ اپنے شوہر کے ساتھ رہنے کے لئے اور وہ چاہیں تو اس سے الگ ہو جائیں۔ اس عورت کو فروخت کرنے والے مالکان نے عائشہ کے ساتھ یہ شرط رکھی تھی کہ ان کے پاس ابھی بھی ان کی "سرپرستی" رہیگی، لیکن رسول اللہ (صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم) نے فرمایا: "ولایت صرف اسی کا حق ہے جو اسے آزاد کرے۔" عبید اللہ ابن علی حلبی کے نقل کے مطابق صدوق کی یہ روایت، روایت صحیحہ ہے۔ (عاملی، حرّ، محمد بن حسن، وسائل الشیعہ، کتاب العتق، باب ۳۷، حدیث ۲)۔

(ب) یہ صحیح حدیث ہے کہ عیص ابن قاسم نے حضرت امام جعفر صادق (ع) سے نقل کیا ہے کہ انہوں نے فرمایا: "عائشہ نے رسول خدا (ص) سے کہا: اس عورت کو فروخت کرنے والے مالکان نے میرے ساتھ یہ شرط رکھی تھی کہ ان کے پاس ابھی بھی ان کی "سرپرستی" رہیگی، رسول خدا (ص) نے جواب دیا: "ولایت صرف اسی کا حق ہے جو اسے آزاد کرے۔" اس حدیث کا مفہوم یہ ہے کہ یہ شرط عائشہ کے ساتھ خرید و فروش کے عقد میں شامل تھی، اور آنحضرت (ص) نے اصل عقد اور اس کی رہائی پر دستخط کیے اور اس شرط کو مسترد کر دیا۔ (حدیث عاملی، حرّ، محمد بن حسن وسائل، الشیعہ، کتاب العتق، باب ۳۷، حدیث ۲۱)

ج) والثناء نے حضرت امام رضا (ع) سے روایت نقل کی ہیں کہ میں نے انہوں سے یہ کہتے ہوئے سنا: اگر مرد کسی عورت سے شادی کرے اور اس کا جہیز بیست ہزار [درہم] طے کرے اور اس عورت کے والد کے لئے دس ہزار درہم مقرر کرے تو وہ جہیز جائز ہے اور اس نے انکے والد کے لئے جو کچھ مقرر کیا ہے وہ باطل ہوگا۔" (عاملی، حرّ، محمد بن حسن، وسائل الشیعہ، باب ۹ از ابواب مہور، حدیث ۱.)

صاحب وسائل، نے اس حدیث کو مرحوم کلینی (رحمت اللہ) سے؛ دوسند کا حوالہ دے کر نقل کیا ہے۔ ان میں سے ایک حسین ابن محمد اشعری کے ذریعہ سے ہے، جو ان کے استاد اور قابل اعتماد ہیں، اور اس میں معلیٰ ابن محمد بھی ہیں، جن کے توثیق کے بارے میں کوئی خاص تصدیق نہیں ملی، یہاں تک کہ نجاشی (رحمت اللہ علیہ) نے بھی اسے غیر مطمئن قرار دیا ہے اور اس کے نتیجے میں یہ سند کمزور پڑ جاتی ہے۔ لیکن دوسری سند احمد بن محمد سے محمد ابن یحییٰ العطار کے ذریعہ ہے، جو صحیح ہے۔ حدیث کی دلالت بیوی کے باپ کو رقم ادا کرنے کی شرط کو باطل قرار دیتی ہے اور اسی کے ساتھ نکاح نامہ صحیح ہونے کے بارے میں بھی حکم واضح اور روشن ہے۔

د) محمد ابن قیس نے حضرت امام محمد باقر (ع) سے روایت کیا کہ ان سے کسی مسئلے کے حکم کے بارے میں پوچھا گیا، اس شرط پر مرد نے کسی عورت سے شادی کی، کہ اگر وہ مرد اسے ایک خاص مدت تک اس عورت کا جہیز دے دیں تو، وہ عورت اس کی بیوی ہوگی اور اگر وہ مقررہ مدت تک جہیز ادا نہیں کرتا ہے تو اس مرد کا اس عورت پر کوئی حق نہیں رکھتا ہے اور یہ شرط نکاح نامے میں شامل کیا گیا ہے۔ امام باقر (علیہ الصلوٰۃ والسلام) نے حکم دیا کہ عورت اپنے شوہر سے تعلق رکھتی ہے اور اس شرط کو باطل سمجھا جاتا ہے۔ اس حدیث کی سند صحیح ہے۔ اور اگر کوئی عقد، فاسد شرط پر مشتمل ہو تو عقد کے صحیح ہونے پر حدیث کی دلالت واضح و روشن ہے۔

ہ) حضرت امام محمد باقر (ع) کی اور ایک مستند روایت جسے محمد بن قیس نے نقل کیا ہے، کوئی مرد کسی عورت سے نکاح کرتا ہے اور اس عورت نے اپنے شوہر کے لئے جہیز مقرر کرتی اور اس کے ساتھ شرط لگا دیتی ہے کہ جماع اور طلاق کا حق بیوی کے ہاتھ میں ہوگا اس مسئلے کے بارے میں امام (ع) نے مندرجہ ذیل بات فرمائی: یعنی، عورت نے اس روایت کی مخالفت کی اور ایک ایسا حق مختص کیا ہے جس کا وہ حقدار نہیں تھا۔ "پھر امام (ع) نے فیصلہ سنایا کہ جہیز شوہر کی ذمہ داری ہے اور اس کے ساتھ قربت اور طلاق کا حق بھی شوہر ہی کا ہے اور یہی سنت رسول (ص) ہے۔" اس حدیث کا مفہوم پچھلی احادیث کی طرح واضح اور روشن ہے۔

و) حضرت امام محمد باقر (ع) سے محمد ابن قیس کی تیسری مستند حدیث ہے کہ امام نے اس شخص کے بارے میں فرمایا جس نے کسی عورت سے شادی کی اور اس کے ساتھ یہ شرط رکھی کہ اگر وہ کسی اور عورت کے ساتھ شادی کرے، یا اسے طلاق دینا چاہے، یا اپنے گھر کوئی نوکرانی لائے، تو اس صورت میں طلاق دینے کا حق اس عورت کے ہاتھ میں ہوگا۔ (عاملی، حرّ، محمد بن حسن، وسائل الشیعہ، باب ۹ از ابواب

مہور، حدیث (۱) یہاں امام نے فیصلہ دیا اور فرمایا: خدا کی شرط آپ کی شرط سے پہلے ہے۔ "لہذا اگر مرد چاہے تو وہ اپنی شرط پوری کرسکتا ہے، اور اگر وہ چاہے تو وہ اسی عورت کو رکھ کر اور کسی دوسری عورت کے ساتھ بھی شادی کرسکتا ہے یا نوکرانی کو گھلے آسکتا ہے۔" شیخ نے اس حدیث کو صحیح سند کے ساتھ علی ابن محبوب سے اور انہوں نے محمد ابن قیس سے صحیح سند کے ساتھ نقل کیا ہے۔ اور شیخ نے ابن محبوب سے جو نقل کیا ہے وہ سلسلہ سند بھی معتبر ہے۔ (طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن، تہذیب الأحکام؛ ج ۸، ص: ۵۱)۔

اس ضمن میں ہمارے پاس دوسری روایتیں موجود ہیں کہ ان سب کا مضمون ان عقود کی صحیح ہونے کے بارے میں ہے جو فاسد شرط پر مشتمل ہو۔ اگرچہ اکثر یہ روایات خرید و فروش یا شادی کے عقد کے بارے میں وارد ہوئے ہیں جہاں سوال پوچھا گیا ہے کہ اگر یہ عقود باطل شرط پر مشتمل ہو تو کیا حکم ہے؟ لیکن یہ دعویٰ کرنا کہ ان روایات کو انہی دو مورد کے ساتھ مختص کرنا، ان ابواب میں مذکورہ بیشتر روایات کے ظہور کے منافی ہے۔ ان روایات سے یہ معلوم ہوتا ہے کہ ان کا جواب کسی خاص معاملے یا عقد کی طرف اشارہ کرنا مقصود نہیں، بلکہ ایک اصول اور قاعدہ کلی کو بیان کرنا ہے کہ ایک فاسد شرط، جس کی شرعی طور پر کوئی حیثیت نہیں ہے اور اس کا وجود اور عدم وجود دونوں یکساں ہے۔

یہ اصل معاملہ اور معاہدے کو متاثر نہیں کرسکتی اور اسے باطل نہیں کرسکتی ہے۔ ان روایات میں مذکورہ خاص اشارے، جیسے محمد ابن قیس کی روایت میں امام (ع) کا فرمان: (خدا کی شرط آپ کی شرط پر مقدم ہے) تو وہ چاہے تو پوری کرے گا اور اگر وہ چاہتا ہے تو (ترک کرسکتا ہے) اور اسی طرح یہ تعبیر: "اس نے ان کی شرط باطل کردی۔" اس کا مطلب یہ ہے کہ ایسی شرائط بنیادی طور پر پابند اور عمل کرنا ضروری نہیں ہیں کیونکہ یہ شرائط خدا کی شرائط کے منافی ہیں۔ نتیجے کے طور پر، ایسا معاملہ جس میں ایسی شرائط ہوں حقیقت میں ان شروط سے خالی سمجھا جائیگا، اور یہ مطلب باب نکاح اور خرید و فروخت کے معاملے سے مخصوص نہیں ہے۔ کیونکہ ان دونوں معاملوں میں کوئی خاصیت موجود نہیں ہے جو ان کے ساتھ مختص کرے، لیکن یہ ایک مطلب کلی ہے اور اس میں دیگر معاملوں اور معاہدوں کو بھی شامل کیا گیا ہے۔

نتیجہ

اسلام امن اور سلامتی، محبت اور عدم تشدد کا دین ہے۔ جو کہ تمام اقوام عالم کو امن اور بھائی چارے کا پیغام اور ساتھ ہی تمام بنی نوع انسان کے لیے باہمی اخوت و محبت، تعظیم و تکریم اور عدل و انصاف کی تلقین کرتا ہے۔ اسلام خود بھی امن و سلامتی کا دین ہے اور دوسروں کو بھی امن اور عافیت کے ساتھ رہنے کی تلقین کرتا ہے۔ اسلام اپنے لفظ، معنی اور عنوان کے لحاظ سے کلیتاً امن و سلامتی، خیر و عافیت

اور حفظ و امان کا نام ہے۔ دوسرے لفظوں میں اسلام فساد و ہلاکت سے نہ صرف اجتناب کرنے بلکہ ہر ایک کو اس سے دور رہنے پر زور دیتا ہے۔ اسلام میں فساد انگیزی، تباہی و بربادی اور تفرقہ و انتشار کی گنجائش نہیں۔ یہی وجہ ہے کہ اس کی تعلیمات کا ہر پہلو انتہا پسندی اور دہشت گردی کی نفی کرتا ہے اور بھلائی، آبادی، شادابی، سلامتی، ترقی، عافیت اور نفع بخشی کی ترغیب اور ضمانت دیتا ہے۔ گویا جس شخص کا طرز عمل اسلام کے حقیقی معارف اور اس کے فکری عملی اطلاق سے متصادم ہوگا اس کا اسلام سے کوئی تعلق نہیں ہوگا۔ حتیٰ کفار کے ساتھ بھی امن اور صلح کے ساتھ رہن سہن کی تلقین کرتا ہے۔ کفار کے ساتھ اگر مذکورہ شرائط کے ساتھ امن معاہدہ کر سکتے ہیں اور اس پر عمل کرنا ضروری ہے۔

منابع

۱. القرآن
۲. ابن نجار، محمد بن احمد، الکوکب المنیر. شرح، جلد ۱، مکتبۃ العیکان عربستان - ریاض، ۱۹۹۳م، ۱۴۱۳ق.
۳. ابو جعفر، محمد بن حسن، المبسوط فی فقہ الإمامیة، المکتبۃ المرتضویة لإحیاء الآثار الجعفریة، تہران - ایران، سوم، ۱۳۸۷ھ ق.
۴. اصفہانی، مجلسی اول، محمد تقی، روضۃ المتقین فی شرح من لا یحضرہ الفقیہ، مؤسسہ فرہنگی اسلامی کوشانبور، قم - ایران، دوم، ۱۴۰۶ھ ق
۵. انصاری مسعود، دانشنامہ قرآن و قرآن پژوهی، ج ۲، تہران: دوستان [و] ناہید، ۱۳۷۷ھ ش.
۶. جمعی از مؤلفان، مجلہ فقہ اہل بیت علیہم السلام (فارسی)، ۵۶ جلد، مؤسسہ دائرۃ المعارف فقہ اسلامی بر مذهب اہل بیت علیہم السلام، قم - ایران، اول، ھ ق .
۷. حلّی، علامہ، حسن بن یوسف بن مطہر اسدی، إرشاد الأذهان إلی أحكام الإیمان، دفتر انتشارات اسلامی وابستہ بہ جامعہ مدرسین حوزہ علمیہ قم ۱۴۱۰، اول قم ایران ھ ق -
۸. حلّی، علامہ، حسن بن یوسف بن مطہر اسدی، تذکرۃ الفقہاء (ط - الحدیث)، ۱۴ جلد ۱، مؤسسہ آل البیت علیہم السلام، قم - ایران، اول، ۱۴۱۴ھ ق.
۹. حلّی، علامہ، حسن بن یوسف بن مطہر اسدی، قواعد الأحکام فی معرفۃ الحلال و الحرام؛ دفتر انتشارات اسلامی وابستہ بہ جامعہ مدرسین حوزہ علمیہ قم، قم - ایران، اول، ۱۴۱۳ھ ق.
۱۰. حلّی، علامہ، حسن بن یوسف بن مطہر اسدی، مختلف الشیعۃ فی أحكام الشریعۃ، ۹ جلد، دفتر انتشارات اسلامی وابستہ بہ جامعہ مدرسین حوزہ علمیہ قم، قم - ایران، دوم، ۱۴۱۳ھ ق.
۱۱. حلّی، محقق، نجم الدین، جعفر بن حسن، شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام، مؤسسہ اسماعیلیان، قم - ایران، دوم، ۱۴۰۸ھ ق.
۱۲. خامنہ ای، سید علی بن جواد حسینی، المہادئ، در یک جلد، مؤسسہ دائرۃ المعارف فقہ اسلامی بر مذهب اہل بیت علیہم السلام، قم - ایران، اول، ۱۴۱۸ھ ق
۱۳. دزفولی، مرتضی بن محمد امین انصاری، کتاب مکاسب المحرمۃ و البیع و الخیارات، کنگرہ جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری، قم - ایران، اول، ۱۴۱ھ ق
سایت مقام معظم رہبری دامت برکاتہ
۱۴. سبزواری، سید عبد الأعلى، مہذب الأحکام فی بیان الحلال و الحرام، مؤسسہ المنار - دفتر حضرت آیۃ اللہ، قم - ایران، چہارم، ۱۴۱۳ھ ق.

١٥. السنن الكبرى، باب المهادنة الى غير مدة.
١٦. سيد رضى، محمد، نهج البلاغة، مؤسسه نهج البلاغه، قم - ايران، اول، ١٤١٤ هـ ق
١٧. طوسى، ابو جعفر، محمد بن حسن، تهذيب الأحكام، دار الكتب الإسلامية، تهران - ايران، چهارم، ١٤٠٧ هـ ق
١٨. عاملی، حرّ، محمد بن حسن، تفصيل وسائل الشيعة إلى تحصيل مسائل الشريعة، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، قم- ايران، اول، ١٤٠٩ هـ ق.
١٩. عاملی، شهيد ثانی، زين الدين بن علی، فوائد القواعد، در يك جلد، انتشارات دفتر تبليغات اسلامى حوزة علميه قم، قم - ايران، اول، ١٤١٩ هـ ق.
٢٠. عاملی، كركى، محقق ثانی، على بن حسين، جامع المقاصد في شرح القواعد، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، قم- ايران، دوم، ١٤١٤ هـ ق.
٢١. عريضى، على بن جعفر، مسائل علي بن جعفر و مستدركاتهما، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، قم- ايران، اول، ١٤٠٩ هـ ق.
٢٢. قزوینی، سيد على موسوى، ينابيع الأحكام في معرفة الحلال و الحرام، دفتر انتشارات اسلامى وابسته به جامعه مدرسين حوزة علميه قم، قم- ايران، اول، ١٤٢٤ هـ ق.
٢٣. كلينى، محمد بن يعقوب، روضة الكافي، موعود اسلام، قم، ايران، ١٣٨٨ ش .
٢٤. كلينى، ابو جعفر، محمد بن يعقوب، الكافي، دار الحديث دار الحديث للطباعة و النشر، قم - ايران، اول، ١٤٢٩ هـ ق.
٢٥. مولانا محمد شفيق، المنجد اردو، دارالاشاعه مقابل مولوى مسافر خانه كراچى نمبر ١، ١٩٧٤ء.
٢٦. نجف آبادى، حسين على منتظرى، دراسات في ولاية الفقيه و فقه الدولة الإسلامية، نشر تفكر، قم - ايران، دوم، ١٤٠٩ هـ ق.
٢٧. نجفى محسن على، تفسير قرآن، ترجمه قرآن، مصباح القرآن ترست لاہور، ٢٠١٦ .
٢٨. نجفى، محمد حسن، جواهر الكلام في شرح شرائع الإسلام، جواهر الكلام في شرح شرائع الإسلام؛ دار إحياء التراث العربي، بيروت - لبنان، هفتم، ١٤٠٤ هـ ق
٢٩. نوري، محدث، ميرزا حسين، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، بيروت - لبنان، اول، ١٤٠٨ هـ ق.
٣٠. واحدی، على بن احمد، اسباب نزول القرآن (واحدی)، اجد، دار الكتب العلمية، منشورات محمد علي بيضون - لبنان - بيروت، اول، ١٤١١ هـ ق.

31. "Tatbir is a wrongful and fabricated tradition: Imam Khamenei". Khamenei.ir

کامیاب جوان کی خصوصیات آیت اللہ خامنہ ای کے قرآنی افکار کی روشنی میں

اکبر علی^۱، محمد عسکری مقدس^۲، جاوید اقبال^۳

اشاریہ

جوانی انسان کی زندگی کے ایک اہم ترین اور حساس ترین مراحل میں سے ایک ہے۔ زندگی کے اس دور میں جو نوجوانی کے بعد شروع ہوتا ہے اور درمیانی عمر تک جاری رہتا ہے، خاص واقعات رونما ہوتے ہیں۔ نوجوان عام طور پر منفرد اخلاقی، جذباتی، علمی اور روحانی خصوصیات کے حامل ہوتے ہیں۔ قرآن و روایات میں اس اہم دور کی خصوصیات اور جوانوں کی ذمہ داریوں کے حوالے سے تاکید کی گئی ہے۔ یقیناً کامیاب ہونا ہر ایک جوان کا خواب ہوتا ہے اور وہ اسے حاصل کرنے کے لیے مختلف طریقے استعمال کرتے ہیں۔ جوانی میں کامیابی حاصل کرنا بہت زیادہ لذت مند ہوتا ہے اور اس دوران اپنی زندگی میں بہتر حالات کا تجربہ کر سکتے ہیں۔ جوانی میں کامیابی حاصل کرنے کے بہت سے طریقے ہیں، جن کو استعمال کر کے اپنی نئی زندگی کے مراحل کو طے کر سکتے ہیں۔ قرآن اور روایات میں جوانوں کی کامیابی کے راز اور مختلف خصوصیات کے حوالے سے جابجا ذکر ملتا ہے یہاں تک کہ بعض روایات میں جوانوں کو فرشتوں کے برابر قرار دیا ہے۔ مقالہ ہذا میں آیت اللہ خامنہ ای کے قرآنی افکار کی روشنی میں کامیاب جوان کی خصوصیات کو اجاگر کیا ہے تحلیل اور تجزیاتی تحقیق کی روشنی میں یہ نتیجہ اخذ کیا جا سکتا ہے کہ آیت اللہ خامنہ ای قرآن اور روایات کی روشنی میں جوانوں کی تربیت کے ساتھ ساتھ تقویٰ، پرہیزگاری اور تزکیہ نفس کو بھی ضروری سمجھتے ہیں۔

کلیدی الفاظ: کامیاب، پرہیزگاری، تقویٰ، پرہیزگاری، تزکیہ نفس۔

۱ طلبہ کارشناسی ارشد، مدرسہ عالی تفسیر و علوم قرآن akbaraliwajri14@gmail.com

۲ طلبہ دکتری، قرآن و علوم گرایش روانشناسی، askarimuqaddas@gamil.com

۳ طلبہ کارشناسی ارشد، مدرسہ عالی فقہ و معارف iqbal1214javeed@gmail.com

مقدمہ :

نوجوان نسل کسی بھی ملک کا اصل سرمایہ ہوتے ہیں جو دوسرے امور کے ساتھ ملکی سرحدوں کی حفاظت اور آزادی اور امن و امان کو برقرار رکھتے ہیں۔ انقلاب اسلامی ایران کی کامیابی میں نوجوانوں نے بنیادی کردار ادا کیا۔ جوانی زندگی کی رونقوں اور خوشیوں کا دور ہے اور انسان کے لئے بہترین زندگی گزارنے کا موسم ہے جوانی کے ختم ہو جانے پر رونا اور اسے کھونے کے سانحے پر رونے سے درد کا مداوا نہیں ہوتا، جیسا کہ دوست سے جدائی کے غم میں آنسو بہانا مفید نہیں، بلکہ شعوری طور پر بڑھاپے کو پہنچنے سے پہلے جوانی کی قدر کو سمجھنا چاہئے اور اسی وقت فائدہ اٹھانا چاہئے۔

آج کی افراتفری کی دنیا میں نوجوان نسل سینکڑوں مادی و معنوی، اخلاقی اور نفسیاتی مسائل کا شکار ہے۔ آج کے دور میں بد قسمتی سے ہم نوجوان نسل میں بہت سے نامناسب رویے اور بے ضابطگیوں کا مشاہدہ کرتے ہیں بعض جوان والدین اور خاندان کے افراد کے ساتھ نامناسب رویہ، اسکول اور کالج میں تشدد آمیز سلوک، اساتذہ کی بے حرمتی، منشیات کی بری عادت اور خودباختہ مغربی کلچر کی تقلید جیسی برائیوں میں مبتلا ہیں۔ جوانی کی اہمیت سے بے خبر ہونے کی وجہ سے یہ بری عادتیں انسان کو گھیر لیتی ہیں اور وہ جوانی کے قیمتی اوقات کو بے ہودہ کاموں میں گزارتے ہیں۔

جوانوں کو اپنی زندگی میں کامیابی سمیٹنے کے لئے درج ذیل خصوصیات کا حامل ہونا چاہئے

قرآن کی تعلیم حاصل کریں، خدا پر توکل کریں، جذبہ خود اعتمادی کو تقویت دیں اور اپنی علمی توانائیاں بڑھانے کے سلسلے میں کوتاہی نہ کریں۔ کامیاب جوان انتہائی اہم موضوع ہے جس کے بارے میں بہت ساری کتابیں اور مقالات موجود ہیں لیکن رہبر معظم (مدظلہ) کی نگاہ میں کامیاب جوان کی اہمیت کو مستقل طور پر بیان نہیں کیا گیا ہے۔ مقالہ ہذا میں کامیاب جوان کی خصوصیات کو امام خامنہ ای کے نظریات کی روشنی میں بیان کیا گیا ہے۔

رہبر معظم (مدظلہ) نے بھی اس موضوع کو بہت اہمیت دی ہے اور اپنی اکثر تقریروں میں جوانی کی اہمیت کو مختلف زاویوں سے بیان فرمایا ہے۔

جوانی کی خصوصیات

جوانی ایساکور ہے جو بچپن اور بڑھاپے کے درمیان واقع ہوتا ہے۔ اس دور میں جوانی کی مستی اور خوشحالی کے دن گزرتے ہیں جوانی وہ گرہ ہے جو بچپن کو بڑھاپے سے جوڑتی ہے۔ جوانی وہ ستارہ ہے جو زندگی کے آسمان پر صرف ایک بار طلوع ہوتا ہے۔ جوانی ایک ایسا مجموعہ ہے جو ناتجربہ کاری، خوشی اور غفلت کے ملنے سے وجود میں آتا ہے۔ جوانی زندگی کے تین ادوار کی بہار ہے۔ جوانی ایک ایسی

طاقت ہے جسے شکست نہیں دی جا سکتی۔ جوانی ایک ایسا کھلونا ہے جس کی قدر و قیمت اس کو کھونے کے بعد معلوم ہوتی ہے۔ جوانی ایک ایسا موقع ہے جو ایک بار سے زیادہ حاصل نہیں کیا جا سکتا۔ جوانی وہ سورج ہے جو غروب ہونے پر نقصان اور افسوس کے سوا کچھ نہیں چھوڑتا۔ جوانی ایک ایسی نعمت ہے جسے بھلائی کے لئے یاد رکھا جاتا ہے اور اس کا نہ ہونا ہمیشہ پشیمانی کا باعث بنتا ہے۔ (کشکول جاویدان، ص ۶۰)

کامیاب اور خوشحال زندگی گزارنے کا بہترین وقت جوانی ہے جوانی میں انسان معمولاً بے احتیاطی کرتا ہے لیکن اس سنہری دور میں پختہ ارادے کے ساتھ جسمانی اور روحانی اعتبار سے انسان پیشرفت کرسکتا ہے اس لئے ہمیں اپنی جوانی کی قدر کرنی چاہئے۔

رہبر معظم جوانوں کے ساتھ ایک ملاقات میں فرماتے ہیں : جوانی کا جو ستارہ ہے وہ ایک بہت ہی روشن اور مبارک ستارہ ہے اگر نوجوان اس قیمتی اور منفرد جواہر کو اپنے اندر محسوس کریں تو میں سمجھتا ہوں کہ وہ انشاء اللہ اس کا خوب استعمال کریں گے۔ (نوجوانوں کے ایک گروہ سے ملاقات میں بیان، ۰۷/۰۲/۱۳۷۷، <https://khl.ink/f/2884>)

ہمیں جوانی میں علم، دولت، دین وغیرہ جیسے اہم امور کی طرف توجہ دینا چاہئے اور ان پر عمل کرنا اور اپنے آپ کو بڑھاپے کے لئے آمادہ کرنا چاہئے۔ برے دوست اور غیر شرعی اور غیر اخلاقی کاموں سے دور رہتے ہوئے ایک کامیاب اور خوشحال زندگی گزارنے کی کوشش کرنی چاہئے جس سے خدا اور رسول (ص) بھی خوش ہوں۔

حصول علم

کامیابی کا پہلا درجہ علم حاصل کرنا ہے جب تک آپ علم حاصل نہ کریں کامیابی اور سعادت کا دروازہ نہیں کھلے گا جتنا آپ اپنے معلومات میں اضافہ کریں گے، اتنا ہی سعادت کی منزلیں طے کریں گے۔ ہم ترقی اور ارتقا کے جدید مراحل سے سائنس اور علم سیکھ کر خوش قسمتی کو اپنا سکتے ہیں اسی کے بارے میں مولا علی علیہ السلام فرماتے ہیں « إِعْمَلُوا بِالْعِلْمِ تَسْعُدُوا » (آمدی، غررالحکم، ۱۳۹۵، ص، ۲۳۴۹) سعادت حاصل کرنے کے لئے علم کی بنیاد پر عمل کریں۔

علم حاصل کرنے کی دین اسلام میں بہت تاکید ہوئی ہے خصوصاً جوانی میں حصول علم کا جو جذبہ ہوتا ہے وہ عمر کے کسی دوسرے حصے میں نہیں ہوتا، رسول اکرم ﷺ فرماتے ہیں: *مَنْ تَعَلَّمَ فِي شَبَابِهِ كَانَ بِمَنْزِلَةِ الرَّسَمِ فِي الْحَجَرِ ، وَ مَنْ تَعَلَّمَ وَ هُوَ كَبِيرٌ كَانَ بِمَنْزِلَةِ الْكِتَابِ عَلَى وَجْهِ الْمَاءِ* جو جوانی میں سیکھتا ہے اس کا علم پتھر پر لکھی ہوئی نشانی کی طرح ہے اور جو جوانی میں سیکھتا ہے اس کا کام پانی پر لکھنے جیسا ہے۔ (بحار الانوار، ج ۱، ص ۲۲۲، ج ۶)

منقول ہے کہ جب بھی امام زین العابدین علیہ السلام کسی جوان کو حصول میں مشغول دیکھتے تو اس کے پاس تشریف لے جاتے اور اس کو سلام کرتے اور اس کی

حوصلہ افزائی بھی کرتے اور فرماتے تم علم کے خزانے ہو۔ آج قوم کے بچے ہو اور مستقبل قریب میں قوم کے بزرگوں میں سے ہوجاؤ گے۔ جب بھی کوئی طالب علم آپ کے پاس آتا تو آپ علیہ السلام اس کا استقبال و تعظیم کرتے اور فرماتے: آپ خدا کے رسول کے ولی اور طالب علم ہیں علم زمین پر ایک قدم رکھتا ہے تو زمین سات منزلوں تک اس کی تعریف کرتی ہے۔

رہبر معظم جوانی کی اہمیت بیان کرتے ہوئے فرماتے ہیں کہ آپ جو کچھ کرنا چاہتے ، آپ اپنی جوانی میں کرسکتے ہیں خصوصاً تین چیزیں ،حصول علم ،تہذیب نفس اور ورزش۔ (جوانوں کے ایک گروہ سے ملاقات میں بیان، ۰۴/۰۲/۱۳۷۷،
(<https://khl.ink/f/2884>)

عبادت

جوانی ایک ایسا دور جس میں ایمان، علم اور دور اندیشی کا حامل انسان اپنے قریب ترین سفر یعنی آخرت کے ابدی گھر کے سفر کی تیاری کرتا ہے۔ انداز، ضروریات، صلاحیتوں کا زیادہ استعمال، اور مختصر یہ کہ وہ اس نمونے سے متعلق تمام مسائل سے زیادہ واقف ہے خداوند عالم، انسان اور تمام موجودات کا خالق ہونے کے ناطے انسان اور اس کی ضروریات سے زیادہ واقف ہے۔ اس دور میں پہلے سے زیادہ، انسان کو خدا کے ساتھ ارتباط رکھنے اور اس کی عبادت کرنے اور اس سے دعا کرنے کی ضرورت ہے۔ وہ عبادات جو اسلام سمیت دیگر مذاہب میں واجب یا مستحب ہیں، یہ انسان کی بنیادی اور اساسی ضرورت ہیں۔ اس لیے مناسب یہی ہے کہ آج کے نوجوان اپنے رب سے اچھا اور مضبوط تعلق قائم کریں اور اپنی زندگی کے بہترین دور سے مستفید ہونے کے لیے اللہ کی عبادت کریں۔ رسول اکرم صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم نے جوانی میں عبادت کی اہمیت کے بارے میں فرمایا: ”جوانی میں عبادت کی طرف متوجہ ہونے والے نوجوان کی فضیلت ان بوڑھوں پر جو جوانی میں عبادت کی طرف متوجہ ہو گئے ہوں۔ دوسرے لوگوں پر انبیاء کی فضیلت کی طرح ہے۔ (متقی، ۱۳۰۹ق، ج ۱۵، ص ۷۷۶، ح ۳۳۰۵۹)۔ رہبر معظم جوانوں کو نصیحت کرتے ہوئے فرماتے ہیں: نوجوانوں کو میرا مشورہ ہے کہ عبادت کو توجہ کے ساتھ کریں، میں اصرار نہیں کرتا کہ آپ عبادت زیادہ کریں بلکہ کم کریں لیکن توجہ کے ساتھ کریں البتہ تمام واجبات کو انجام دینا چاہیے۔

(رہبر انقلاب کاجوانوں کے ایک گروہ کے ساتھ دوستانہ گفتگو میں بیان،
(<https://khl.ink/f/2873>، ۱۳/۱۱/۱۳۷۶)

جوان صالح ملانکہ سے افضل

انسان اگر جوانی کی اس نعمت سے آشنا ہو جائے اور اسی جوانی کو اطاعت الہی کی راہ میں خرچ کرے تو وہ پاکیزگی میں فرشتوں کے درجے کو پہنچ جائے گا جیسا کہ رسول اللہ صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم نے فرمایا: ”کوئی نوجوان دنیا کی لذتوں اور اس کی دیگر خوشیوں کو چھوڑ کر جوانی میں خدا کی بندگی قبول نہ کرے، سوائے اس کے

کہ اللہ تعالیٰ نے اسے ۷۲ نیک لوگوں کا اجر عطا فرمایا۔" پھر فرمایا کہ خدا {نوجوان کو مخاطب کرتے ہوئے} فرماتا ہے: اے نوجوان جو میری خاطر شہوت کو چھوڑتا ہے اور اپنی جوانی میرے لیے خرچ کرتا ہے! تم میرے سامنے کچھ فرشتوں کی طرح ہو۔ (اصفہانی ابونعیم، ۱۴۰۷ ق، ج ۴، ص ۱۳۹)

یہ روایت اور اس جیسے دوسرے روایات میں تشبیہ سے مراد یہ ہے کہ طہارت کے لحاظ سے جوانوں کو فرشتوں سے تشبیہ دی ہے یہ نہیں کہ ان کا مقام فرشتوں کے برابر ہے کیونکہ انسان خدا کی مخلوقات میں بہترین مخلوق ہے اور فرشتوں کے مقام سے کہیں زیادہ اعلیٰ مقام تک پہنچنے کی صلاحیت رکھتا ہے۔ اس سے بہتر انجام کیا ہوگا کہ آخرت میں ایک شخص جنت میں ایک ابدی زندگی حاصل کرے اور یہ خدا کی اطاعت اور اس کے تابع ہونے سے حاصل ہوگا۔ (https://noo.rs/xHPsC)

ائمہ معصومین علیہم السلام کی روایتوں کے مطابق جوانی میں اطاعت الہی اور عبادت کو اسلام میں بلند مقام حاصل ہے جس کے بارے میں اس مختصر تحریر میں بیان کرنا ممکن نہیں ہے۔ اس لئے رہبر معظم کی اس قول پر اختتام کرتا ہوں جوانوں سے مخاطب ہوتے ہوئے فرماتے ہیں: کہ نماز کو حضور قلب کے ساتھ پڑھے، نماز اول وقت میں پڑھے، اور نماز کو جہاں تک ممکن ہو جماعت کے ساتھ پڑھے آپ کو روحانی بلندی ملے گی، آپ فرشتہ بن جائیں گے بلکہ فرشتہ سے بھی بلند مقام ملے گا۔ (طلباء کی ایک گروپ سے ملاقات میں بیان، ۲۰/۰۴/۱۳۹۴، ۳۰/۰۴/۱۳۹۴، https://khl.ink/f/30255)

اچھے دوست کا انتخاب

انسان فطری طور پر معاشرتی زندگی گزارنے کا خواہاں ہے، باہمی میل جول، تعلقات و روابط اور دوست و احباب کی تلاش میں رہتا ہے تاکہ اس معاشرے میں اپنا کردار ادا کر سکے۔ اچھا دوست اور مہربان رفیق اللہ کی عظیم نعمتوں میں سے ہے مصیبت میں دوست ہی انسان کی پناہ ہوتا ہے اور قلب و روح کے آرام کا ذریعہ، مشکلات سے بھری اس دنیا میں ایک حقیقی دوست کی موجودگی پر انسان کی ضرورت ہے جو شخص ایک مہربان دوست کی نعمت سے محروم ہو وہ وطن سے دور تنہائی کی سی کیفیت میں ہوتا ہے اور کوئی اس کا غمخوار نہیں ہوتا کہ زندگی کی مشکلات میں وہ جس کا سہارا لے سکے۔ چنانچہ امیرالمومنین علیہ السلام فرماتے ہیں: (وَ قَالَ (عليه السلام): اَعْجَزُ النَّاسِ مَنْ عَجَزَ عَنِ الْاِخْوَانِ، وَ اَعْجَزُ مِنْهُ مَنْ ضَيَّعَ مِنْ ظَفَرٍ بِهِ مِنْهُمْ.) "کمزور ترین شخص وہ ہے جو کسی کو دوست نہ بنا سکے اور اس سے بھی زیادہ عاجز و ناتوان وہ ہے جو بنے بنائے دوستوں سے بھی ہاتھ دھو بیٹھے"۔ (نہج البلاغہ۔ حکمت ۱۲) دوستی کے سلسلہ میں سب سے اہم مرحلہ "دوستوں کا انتخاب" ہے کیونکہ دوستی کا رشتہ صرف باہمی تعلقات اور زبانی جمع خرچ کا نام نہیں بلکہ یہ ایسا انتہائی نازک رشتہ ہے، جو انسان کی دنیا و آخرت کو بگاڑنے یا سنوارنے کے لئے تنہا ہی کافی ہے لیکن اس سلسلہ میں جب ہم اپنے معاشرے میں جوانوں کی طرف نظر ڈالتے ہیں تو دو قسم کے طرز فکر سامنے آتے ہیں کچھ لوگ دوستی سے زیادہ تنہائی اور مطلب

برآوری کو ترجیح دیتے ہیں اور بڑے فخر سے کہتے ہوئے نظر آتے ہیں کہ میں کسی کو دوست نہیں بناتا کیونکہ دوستی، فضول کام اور بے کار لوگوں کا شیوہ ہے، جو فقط وقت گزارنے کے لئے اکٹھے ہوتے ہیں۔ ان کے برعکس، کچھ لوگ ایسے بھی ہوتے ہیں جو ہر ایرے غیرے کے ساتھ دوستی کی پینگیں بڑھا لیتے ہیں اور پھر قدم قدم پر ٹھوکریں کھا کر یہ کہتے ہوئے نظر آتے ہیں دیکھا جو تیر کھا کے کمیں گاہ کی طرف اپنے ہی دوستوں سے ملاقات ہو گئی۔ بنیادی طور پر یہ دونوں طرز تفکر غلط ہیں۔

دوست کے انتخاب کے سلسلہ میں انسان کو خوددار ہونا چاہئے۔ کیونکہ دوستی ایک ایسا ناظم ہے جسے برابری کی بنیاد پر جوڑا جاتا ہے۔ لہذا ایسے افراد کی دوستی سے پرہیز کرنا چاہیے جو خود کو برتر سمجھیں یا دوستی استوار کرنے سے پہلو تہی کریں۔ اسی لئے تو امیر المومنین علیہ السلام فرماتے ہیں: ”وَلَا تَرْعَبَنَّ فِيمَنْ رَهَدَ عَنْكَ، وَلَا يَكُونَنَّ أَحْوَكَ أَقْوَى عَلَى قَطِيعَتِكَ مِنْكَ عَلَى صَلَاتِهِ۔“ (نہج البلاغہ۔ مکتوب ۳۱)

ایسے افراد کی دوستی کے طلبگار نہ بنو جو تم سے پیچھا چھڑانا چاہتے ہوں۔ اور اگر کوئی شخص تمہاری دوستی کا طلبگار ہو تو اسے مایوس نہ کرو کیونکہ اس طرح تم ایک اچھے ساتھی سے محروم ہو جاؤ گے۔ چنانچہ امیر المومنین علیہ السلام فرماتے ہیں:

رُهِدَكَ فِي رَاغِبِ فِيكَ، نُفْصَانُ حَظٍّ؛ وَ رَعْبَتُكَ فِي رَاهِدِ فِيكَ، ذُلُّ نَفْسٍ يَعْنِي جَو تَمَّهَارِي
دوستی کا طلبگار ہو اس سے کنارہ کشی خسارہ ہے اور جو تم سے کنارہ کش ہو اس کی دوستی کے حصول کی کوشش خود کو رسوا کرنے کے مترادف ہے (نہج البلاغہ حکمت ۴۵۱)

دوستی کے سلسلہ میں باہمی تعلقات کے مقام سے روشناس کروانے کے بعد امیر المومنین علیہ السلام ایسی صفات کے حامل افراد کی ہم نشینی اختیار کرنے کی تاکید فرماتے ہیں جو انسان کی دنیاوی و اخروی سعادت کا باعث ہوں چنانچہ آپ علیہ السلام فرماتے ہیں:

”قَارِنْ أَهْلَ الْخَيْرِ تَكُنْ مِنْهُمْ“ اہل خیر کی ہم نشینی اختیار کرو ممکن ہے کہ تم بھی ان جیسے ہو جاؤ (نہج البلاغہ مکتوب ۳۱)
جوانوں کے لئے ضروری ہے کہ اپنے دوست کے انتخاب میں احتیاط کریں اچھے اور برے دوست کو پہچانیں، اچھے دوست کا انتخاب کرے تاکہ درست راستے کی ہدایت ہو اور خدا تک پہنچ سکیں۔ جو شخص مسلسل اللہ کو یاد کرتا ہے، اللہ کی محبت اس کے دل میں گھر کر لیتی ہے۔ جیسا کہ روزمرہ کی زندگی میں بھی ہوتا ہے، اگر انسان کسی خاص شخص کو ہر وقت یاد رکھے تو آہستہ آہستہ اس کی محبت اس کے دل میں راج کرتی ہے۔ روایت میں آیا ہے کہ (مَنْ أَكْثَرَ ذِكْرَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَحَبَّهُ اللَّهُ)۔ جو اللہ کو بہت یاد کرتا ہے اس کے دل میں اللہ کی محبت راج کرتی ہے۔ (کلینی، ۱۳۹۲، ۲ / ۵۰۰ /

رہبر معظم جوانوں کو مشورہ دیتے ہوئے فرماتے ہیں کہ خدا کے ساتھ قربت حاصل کریں خصوصاً جوانی میں ہی خدائے مہربان کے ساتھ دوستی کرنے کی کوشش کریں، خدا سے دوستی کیسی ہے؟ خدا سے دوستی کرنے کا ایک طریقہ یہ ہے کہ آپ نماز میں خدا سے بات کریں، اور یاد رکھیں کہ آپ خدا سے گفتگو کر رہے ہیں۔ (رہبر معظم انقلاب کاسن بلوغ تک پہنچنے والی طالبات کے تقریب میں خطاب، ۱۴/۱۱/۱۴۰۱، <https://khl.ink/f/51873>)

شہوت پر کنٹرول

شہوت سے مراد روح کی خواہشات اور مادی لذتوں کی خواہش ہے۔ بعض اوقات کسی مادی چیز میں شدید دلچسپی کو بھی شہوت کہا جاتا ہے۔ شہوت کا مفہوم، عام مفہوم کے علاوہ، "جنسی شہوت" کے حوالے سے بھی استعمال ہوتا ہے۔ لفظ "شہوت" قرآن پاک میں عمومی اور خصوصی معنی دونوں میں استعمال ہوا ہے۔ "فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَاتَّبَعُوا الشَّهْوَاتِ فَسُوفَ يَلْقَوْنَ عَذَابًا" پھر ان کے بعد ایسے ناخلف ان کے جانشین ہوئے جنہوں نے نماز کو ضائع کیا اور خواہشات کے پیچھے چل پڑے پس وہ عنقریب ہلاکت سے دچار ہوں گے۔ (مریم، ۵۹)

آج کل کے جوانوں پر شہوت کے تباہ کن اور نقصان دہ اثرات دیگر مادی خواہشات سے زیادہ ہیں۔ رہبر معظم اپنے ایک خطاب میں فرماتے ہیں: نوجوان مومنین کو عقیدے کی متعصب پابندیوں سے باز رکھنے کی کوشش کریں، جو ایک تہذیب کو برقرار رکھنے والے عوامل ہیں۔ وہی کچھ جو انہوں نے پچھلی صدیوں میں اندلس میں کیا یعنی انہوں نے دنیا کے نوجوانوں کو فسق و فجور، شہوت اور ان چیزوں میں مصروف کر دیا۔ یہ اب بھی کیا جا رہا ہے۔ جوانوں کو پہلے ایک معمولی ویڈیو دکھاتے ہیں پھر ایسے ویڈیوز دکھانا شروع کرتے ہیں جس سے جوانوں کو فحش جنسی ویڈیوز دیکھنے پر مجبور کیا جاتا ہے، اور اب دشمن یہ کر رہا ہے کہ انہوں نے اس کی شہوت کو ابھارا اور پھر اسے گھسیٹ کر کئی جگہوں پر لے گئے۔ یہ سارے کام دشمن کر رہے ہیں اس کے نتیجے میں نوجوان شہوت کا شکار ہو جاتے ہیں اور اپنا ایمان کھو بیٹھتے ہیں۔

(ثقافتی میدان میں فعال ایک گروہ سے ملاقات میں بیان، ۲۱/۰۵/۱۳۷۱،

<https://khl.ink/f/2630>)

جنسی شہوت انسان کی طاقتور، حساس اور زندگی کا سلسلہ جاری رکھنے والی خواہشات میں سے ایک ہے، جس سے اس کی ذہنی اور جسمانی صحت پر نمایاں اثرات مرتب ہوتے ہیں۔ یہ اللہ تعالیٰ کی امانت ہے جسے انسان کے وجود میں رکھا گیا ہے جو چھری کی تیز دھار کی طرح، دو جہتی خصوصیت کا حامل ہے، جو انسانی ترقی اور سربلندی کا ذریعہ بھی بن سکتا ہے۔ اور یہ اس کی پستی اور ذلت بھی فراہم کر سکتا ہے۔ لہذا اگر اس کی صحیح پرورش ہو اور اس کی تسکین اعتدال اور الہی تعلیمات پر مبنی ہو اور فطرت کے دائرے میں ہو تو یہ زندگی کو خوشگوار اور آرام دہ بنائے

گی، اس لیے دین اسلام نے انسان کی خواہشات پر قابو پانے اور اعتدال کا حکم دیا ہے۔ آج بھی پوری دنیا کے سائنسدان اور ماہر نفسیات اسی کو اپنے کام کی بنیاد بناتے ہیں اور کہتے ہیں کہ ان خواہشات کی شدت اور کمزوری کی وجہ سے ضروری اعمال میں خلل پڑتا ہے اور جسمانی اور ذہنی صحت میں رکاوٹ پیدا ہوتی ہے۔ جنسی شہوت بلوغت کے ساتھ جاگتی ہے اور تقریباً تمام نوجوان اس کے زیر اثر ہوتے ہیں۔ بنیادی طور پر نوجوان طوفانوں اور بحرانوں سے نبرد آزما ہوتے ہیں۔ یہ خدائی حکمتوں میں سے ایک ہے کہ ایک نوجوان اپنی نفسانی خواہشات اور خواہشات پر قابو پاتا ہے اور اپنی قوت ارادی سے ترقی اور پختگی حاصل کرتا ہے متقی اور پرہیزگار لوگ شروع سے ہی متقی اور پرہیزگار نہیں تھے اور فطری طریقے سے، ان کی بھی بہت سی ضروریات اور خواہشات تھیں لیکن انہوں نے ان خواہشات پر کنٹرول کیا۔ اس طرح بڑی محنت اور پختہ ارادے سے ہم اپنے اندر تقویٰ اور عفت کا بیج بو سکتے ہیں۔ لہذا ایک جوان جو اپنی زندگی میں کامیابی چاہتا ہے تو یہ کوئی ناممکن نہیں ہے۔ پہلے تو اپنے نفس کے خلاف جدوجہد کرنا اور عفت و تقویٰ کا ملکہ حاصل کرنا مشکل معلوم ہوتا ہے۔ لیکن جب ہم اس راہ میں قدم اٹھاتے ہیں اور خدا سے مدد مانگتے ہیں تو خدا اپنی غیب سے اس راہ میں ہماری مدد اور رہنمائی ضرور کرتا ہے۔ اور یہ اللہ تعالیٰ کا وعدہ ہے کہ فرماتا ہے " وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ۔" اور جن لوگوں نے ہمارے حق میں جہاد کیا ہے ہم انہیں اپنے راستوں کی ہدایت کریں گے اور یقیناً اللہ تعالیٰ حسن عمل والوں کے ساتھ ہے۔ (عنکبوت/سورہ ۲۹، آیہ ۶۹)۔

شہوت پر کنٹرول کرنے کے عملی طریقے:

جنسی دباؤ پر قابو پانے کے کئی طریقے استعمال کر سکتے ہیں جن کا ذیل میں ہم ذکر کرتے ہیں:

الف۔ تقویت ایمان (ایمان کو مضبوط کرنا اور روحانیت اور تقویٰ کو فروغ دینا)
بلاشبہ حقیقی ایمان کی علامات میں سے ایک شہوت پر قابو پانا اور خواہشات اور ناجائز خواہشات پر غلبہ حاصل کرنا ہے۔ (قاسمی، ۱۳۷۳، ص ۱۹۱،)
دینی اجتماعات میں شرکت کر کے اور ائمہ اطہار علیہم السلام سے توسل، دعا اور تلاوت قرآن اور حضور قلب کے ساتھ دعا کر کے خدا سے روحانی تعلق قائم کریں تو ایمان مضبوط ہو سکتا ہے۔ رہبر معظم اپنے ایک بیان میں فرماتے ہیں کہ جوان اگر اللہ تعالیٰ سے تعلق قائم کریں، قرآن کی تلاوت، دعا و مناجات اور صحیفہ سجادہ (جو دینی تعلیمات سے بھری پڑی ہے) سے متوسل ہو جائیں تو اپنی مذہبی اور انقلابی بنیاد کو مستحکم و مضبوط کر سکتے ہیں۔

(شیرازی کی یونیورسٹیوں کے طلباء اور اساتذہ سے خطاب،
(<https://khl.ink/f/3431۰۱۳/۰۲/۱۳۸۷>)

ب۔ روزہ رکھنا (بفتے میں ایک یا دو دن روزہ رکھنا)

رسول اکرم صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم نے ایک حدیث میں نوجوانوں کو شادی کی ترغیب دینے کے بعد فرمایا: "جو شادی کرنے کی استطاعت نہ رکھتا ہو وہ کثرت سے روزے رکھے۔ کیونکہ روزہ شہوت کی طاقت کو کم کرتا ہے۔ (نوری، ۱۳۶۹، ج ۲، ص ۵۳۱)۔ ربہر معظم اپنے ایک بیان میں فرماتے ہیں کہ ماہ رمضان کے روزے جو کہ ایک مشق اور آزمائش ہے، خواہشات نفسانی پر قابو پانے کا ذریعہ ہے کیونکہ خواہشات نفس پر قابو رکھے بغیر کوئی بھی بڑا کام کامیابی سے انجام نہیں دیا جاسکتا۔ (حکومتی عہدیداروں کے ساتھ میٹنگ میں بیان، ۰۳/۰۱/۱۳۷۲، <https://khl.ink/f/11684>)

ج۔ عزت نفس (وقار اور خود اعتمادی کو برقرار رکھنے اور مضبوط کرنا) اگر کوئی شخص اپنے نفس اور روح کے جوہر پر توجہ دے تو وہ کبھی بھی گناہ اور شہوت کے پیچھے نہیں جائے گا۔ امام علی علیہ السلام فرماتے ہیں: "وہ شخص جس میں بڑائی اور عزت نفس ہو۔ اس کی نگاہ میں اس کے جنسی رجحانات ذلت آمیز ہیں۔ (محمدی ری شہری، محمد، میزان الحکمہ، ج ۱۳، ص ۷۸)۔ ربہر معظم بیان فرماتے ہیں کہ اگر عزت نفس انسانی وجود کی گہرائی میں گھس جائے تو شیطان انسانوں پر اثر انداز نہیں ہو گا، ہوائی نفس انسانوں کو متاثر نہیں کرتے شہوت اور غصہ لوگوں کو اپنا کھلونا نہیں بناتے ہیں۔

(امام خمینی (رح) کہ تئیسویں برسی کے موقع پر خطاب، <https://khl.ink/f/19996>، ۱۳/۰۳/۱۳۹۱)

د۔ آنکھوں پر کنٹرول (زہر آلود نظروں اور اشتعال انگیز مناظر سے دور) آنکھ کے برابر جسم کا کوئی حصہ بیرونی دنیا سے اتنا متاثر نہیں ہوتا۔ اللہ تعالیٰ نے انسان کو یہ حکم دیا ہے کہ وہ اپنی نظریں نیچی کر کے اپنے اردگرد کی نامحرموں کی طرف توجہ نہ کرے۔ ربہر معظم اپنے ایک بیان میں فرماتے ہیں کہ ہمیں سب سے زیادہ اپنا خیال رکھنا چاہیے؛ سب سے بڑھ کر یہ کہ ہم اپنے ہاتھ، زبان، خیالات، آنکھوں اور اعمال کو قابو میں رکھیں۔

(دو کوہ فوجی چھاؤنی میں بیان، ۰۹/۰۱/۱۳۸۱، <https://khl.ink/f/3113>)

۵۔ توبہ

اگر آپ نے کوئی گناہ کیا ہے تو توبہ کریں اور جان لیں کہ اللہ توبہ کرنے والوں سے محبت کرتا ہے۔ کچھ لوگ اس معاملے سے ناواقف ہونے کی وجہ سے لمحہ بہ لمحہ گناہ کی دلدل میں دھنس جاتے ہیں اور گناہوں پر گناہ کرتے جاتے ہیں اس لئے ہمیشہ توبہ کو اپنے لئے پیشہ قرار دو توبہ کا دروازہ ہمیشہ کھلا ہے۔ ربہر انقلاب توبہ کے بارے میں فرماتے ہیں کہ توبہ کے پہلے مرحلے میں کام کے نقائص پر توجہ دینا، یہ سمجھنا کہ ہمارے کام میں کہاں خرابی ہے، کہاں ہماری غلطی ہے، کہاں ہمارا گناہ، کہاں ہمارا قصور، آئیے اپنے آپ سے آغاز کریں اور پھر وسیع تر سماجی حلقوں تک

پہنچیں۔ پہلے اپنا محاسبہ کرتے ہیں کہ ہم سے کہاں غلطی ہوئی ہے یہ سب کا فرض ہے۔ (رمضان المبارک میں بیان، ۰۹/۰۵/۱۳۹۲، <https://khl.ink/f/23381>)

نظم و ضبط

بنیادی طور پر زندگی، ملازمت، تعلیم اور دیگر انسانی سرگرمیوں میں کامیابی کا ایک اصول ہے، شہادت کے لمحات میں، امام علی علیہ السلام نے اپنے پیروکاروں کو زندگی میں نظم و ضبط پیدا کرنے کے طریقے بتائے۔ زندگی میں نظم پیدا کرنا، دو مؤثر عوامل ہیں؛ پہلا عنصر خود انسان کے متعلق ہے، جو ایک سخت نظام الاوقات اور نظم و ضبط پر عمل پیرا ہونا ہے دوسرا عنصر زندگی میں تخلیقی صلاحیتوں کو بروئے کار لانا؛ اگر کوئی شخص اپنی زندگی کے لیے کوئی خاص منصوبہ بندی کرتا ہے تو اس کو اپنے کام میں سب سے پہلے درجہ بندی اور اولویت بندی کرنا چاہیے۔ پہلے قدم پر انسان کو ہر کام کو تولنا چاہیے۔ اس کے فائدے اور نقصانات کو ذہن میں رکھتے ہوئے منصوبہ بندی کرنی چاہیے۔

نظم و ضبط کے سائے میں انسان بہتر جانتا ہے کہ کیسے جینا ہے، اپنے فارغ وقت کا صحیح استعمال کیسے کرنا ہے۔ نظم کے معنی ایسے کاموں اور افعال کو ایک خاص مقصد کے ساتھ کرنا ہے جس میں ضروری اتحاد اور ہم آہنگی ہو، تاکہ آسانی کے ساتھ انسان اپنے مقصد میں کامیاب ہوسکے۔ زندگی کے موجودہ اصول و ضوابط کا مشاہدہ کرنا اور ہر چیز کو اس کے مقررہ مقام پر رکھنا اور ہر کام کو اپنے وقت پر کرنا نظم کی ایک مثال ہے۔ ایک نوجوان جو اپنی زندگی میں کامیابی چاہتا ہے تو اس کو معلوم ہونا چاہیے کہ کب سونا ہے، کب جاگنا ہے، کب مطالعہ کرنا ہے، کب تفریح اور ورزش کرنی ہے اور ہوم ورک کب کرنا ہے۔ رہبر معظم فرماتے ہیں: آج جوانوں کو اپنے بزرگوں کے کاموں کو تکمیل تک پہنچانا ہو گا اور اچھی طرح پڑھائی کے ساتھ نظم و ضبط پر سختی سے عمل کرنا چاہئے۔ (انجمن اسلامی کے طلباء کے ایک گروہ کے ساتھ ملاقات میں بیان، ۲۴/۱۲/۱۳۸۳، <https://khl.ink/f/3273>)

امیرالمومنین علی ابن ابی طالب علیہ السلام نے اپنی آخری وصیت میں اپنے بیٹے حسن اور حسین کو نزدیک بلا کر فرمایا: اَوْصِيكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ وَ تَنْظِمِ أَمْرِكُمْ۔ یعنی تقویٰ الہی اختیار کرو اور اپنے معاملات میں نظم و ضبط قائم کرو۔ (نہج البلاغہ مکتوب 47)

امام علیہ السلام نے تین اہم چیزوں کی وصیت فرمائی، یعنی "تقویٰ الہی"، "نظم امر" اور "اصلاح نفس"۔ حالیہ صدیوں میں، "نظم امرکم" کی اصطلاح کو "انفرادی نظم" یعنی "ہر چیز کو اس کی جگہ پر رکھنا" سے تعبیر کیا گیا ہے۔ تاہم خط کے متن میں موجود شواہد بشمول وقت کے حساس حالات، خط کے سامعین، اس دور میں حکم کے لفظی اور عملی مفہوم اور امام علیہ السلام کی دیگر تشریحات کی بنا پر معلوم ہوتا ہے کہ ایک اور معنی مقصود تھا۔ روایات میں جسے تقدیر المعیشہ سے تعبیر کیا ہے کہ جس کی زندگی میں نظم و ضبط موجود ہو بہت ساری مشکلات سے دور ہوگی اور جس کی

زندگی میں نظم و ضبط نہ ہو تو اپنی توانائی کو ضائع کر دینے کے برابر ہے۔ بعض اوقات تو لوگوں کے گھروں میں کئی کئی نوکر اور خدمت گزار اور دیگر بہت سارے وسائل زندگی ہونے کے باوجود بھی وہ اپنے گھر کا نظام نہیں چلا سکتے اور حالات خراب ہونے کی شکایت کرنے لگتے ہیں۔ زندگی میں نظم کا بنیادی مقصد وقت کا استعمال اور بچت ہے۔ نیز، نفسیاتی نقطہ نظر سے روزمرہ کی زندگی میں نظم و ضبط لانے سے نوجوانوں کو مطالعہ اور علم کے حصول کے دوران معلومات کے حصول میں مدد ملتی ہے اس کا نوجوان کے مستقبل پر خاصا اثر پڑتا ہے، خاص طور پر اس کی پڑھائی کے دوران، جب وہ یونیورسٹی کے داخلے کے امتحانات کی تیاری کرنا چاہتا ہے۔ نظم و ضبط کی پابندی دماغ اور جسم کی صحت اور انسانی روح کے اعتدال میں بہت مؤثر ہے۔

ورزش

ورزش اور جسمانی صحت انسانی زندگی کی ضروریات میں سے ہے اور انسان کی روح اور جسم کی سلامتی کے لئے بہت ہی مؤثر ہے۔ کلی طور پر یہ استنباط کیا جا سکتا ہے کہ ورزش اور جسمانی صحت آخری ہدف نہیں ہے، بلکہ یہ انسان کے جسم، عقل اور روح کی خدمت اور بالآخر الہی مقاصد اور اللہ تعالیٰ کی رضا کے حصول کا ذریعہ ہے۔

ورزش کرنے کا نتیجہ صرف جسمانی صحت نہیں ہے؛ بلکہ یہ ایک تربیتی اور رہنمائی کا ذریعہ ہے اور یہ نتیجہ حاصل ہوتا ہے بشرطیکہ اخلاقی تقاضے پورے ہوں۔ آج کل ورزش اور کھلاڑیوں کو مختلف معاشروں میں جو اہمیت حاصل ہوئی ہے، اس کی وجہ سے ان کی اقدار اور اخلاقیات کا خاص خیال رکھنا بھی اتنا ہی ضروری ہے کیونکہ ایک ورزش کرنے والا اجتماعی شخصیت کا بھی مالک ہوتا ہے جو اسے دوسروں کے لئے رول ماڈل اور علامت بناتا ہے اس لئے اگر ورزش کرنے والا کچھ اخلاقی مسائل میں گرفتار ہو جائے تو اس کے اس کھیل اور یہاں تک کہ اس معاشرے کے لوگوں پر بھی منفی اثرات مرتب ہوتے ہیں اور اس سے کھیل کی روح اور اس کے مقاصد پر پردہ پڑ جائے گا۔

امیر المومنین علی ابن ابی طالب علیہ السلام دعائے کمیل میں فرماتا ہے «قَوِّ عَلٰی خِدْمَتِكَ جَوَّارِحِي» میرے اعضاء کو اپنی خدمت میں مضبوط کر۔ (دعائے کمیل)

یہ اس حقیقت پر مبنی ہے کہ تمام مادی جسمانی قوتیں خدا اور الہی مقاصد کے لئے ہونی چاہئیں اور اسی لئے ورزش کی اہمیت دو بالا ہو جاتی ہے۔

رہبر معظم نے مختلف بیانات میں ورزش کے اخلاقی تقاضوں کا بھی اظہار کیا ہے، جس میں وہ فرماتے ہیں: عالمی مقابلوں میں گولڈ میڈل جیتنا کوئی مشکل کام نہیں ہے۔ بلکہ حقیقی چیمپئن وہ ہے جو ورزش میں اخلاقیات اور روحانیت کا پیکر ہوتا ہے۔ (اولمپک اور پیرا اولمپک تمغہ جیتنے والوں کے ساتھ ملاقات کے دوران گفتگو،

رہبر معظم نے اپنے اہم بیانات اور خطوط میں اس مسئلے پر خصوصی توجہ دی ہے اور ورزش میں اسلامی اقدار پر بھروسہ اور اخلاقی معیارات کی پاسداری کو ضروری سمجھا ہے۔ (شہید کھلاڑیوں کے اسپورٹس کانفرنس میں بیان ، ۱۳۹۴/۱۰/۲۱ ، <https://khl.ink/f/32076>)۔ رہبر معظم نے ملک ایران میں ورزش کے ماحول کو معنویت، بہادری، تقویٰ، پربیزگاری، عفت اور روحانی رونقوں سے بھرا روحانی ماحول قرار دیا اور اس بات پر زور دیا کہ اس کی نورانیت ملک کے تمام طبقوں پر ظاہر ہو۔ (اولمپک اور پیرا اولمپک میڈلسٹ کے وفد سے ملاقات کے دوران گفتگو، ۱۳۹۱/۱۲/۲۱ ، <https://khl.ink/f/22168>)

رہبر معظم نے اپنے ایک اور بیان میں فرماتے ہیں کہ قرآنی آیات کی رو سے ایمان اور اخلاق خدا کے انبیاء کی اہم ترین خصوصیات میں سے تھے اور ان کا ذکر متعدد آیات میں کیا گیا ہے جن میں سورہ البقرہ کی آیات ۱۲۹ اور ۱۵۱، آیات ۹ اور ۱۰ شامل ہیں۔ سورہ شمس، سورہ الاعلیٰ کی آیات ۱۴ اور ۱۵ جو کہ ورزش سمیت زندگی کے تمام شعبوں میں اخلاقی مسائل کی طرف توجہ دلاتی ہیں۔

نتیجہ

نوجوانوں کو کامیاب ہونے کے لیے، کچھ اہداف اور امید رکھنے کی ضرورت ہے۔ کسی شخص کو جوانی میں اپنی ترقی اور نشوونما کا مشاہدہ کرنے کے لیے، اسے اپنی نوعمری اور بچپن میں بھی اپنے خیالات اور نظریات کی تربیت کرنی چاہیے۔ نوجوانی میں تخیل اور غور و فکر کرنے کی طاقت بہت زیادہ ہوتی ہے اور بعض اوقات یہ انسان کو فرش سے عرش یا عرش سے فرش تک پہنچا سکتی ہے، آج کی دنیا میں، ٹیکنالوجی اور انٹرنیٹ کی ترقی کے ساتھ، کامیاب ہونا اور بڑھنا بہت آسان ہوا ہے۔ کامیاب جوان کے لیے ایک ہدف کا ہونا ضروری ہے، کیونکہ اہداف انسان کو ترقی کی راہ پر گامزن رکھتے ہیں، اور آپ کا ذہن اور عمل مسلسل آپ کے ہدف کی طرف گامزن رہتے ہیں۔ بچپن اور جوانی میں ہر سوچ و فکر کو بلند سے بلند تر رکھیں اور اپنے اہداف کے حصول کے لیے اپنی توجہ کا مسلسل استعمال کریں۔ اپنی زندگی کے راستے کے کسی بھی موڑ پر، ایک یا زیادہ چھوٹے بڑے اہداف رکھیں، اس سے آپ کی زندگی بیکار نہیں گزرے گی اور آپ کو ہمیشہ کوشش کرنے کی لگن ہوگی۔ نوجوانی زندگی کا ایک خاص دور ہے جس پر ہمارے معاشرے میں کم توجہ دی جاتی ہے۔ آزادی کی تلاش، سماجی ذمہ داریوں کو قبول کرنا، بامقصد تجسس اور پے در پے سوالات کرنا اس عمر کے لوگوں کی خصوصیات میں سے ہیں۔

کامیاب نوجوان مستقبل کے لیے پر امید ہوتا ہے، وہ جانتا ہے کہ ہم میں سے ہر کوئی کامیاب انسان بن سکتا ہے۔ وہ زندگی کے بارے میں پر امید ہوتا ہے اور اپنی آنکھوں پر کبھی مایوسی کا چشمہ نہیں لگاتا۔ نوجوانوں میں خود اعتمادی ہوتی ہے اور وہ اپنی صلاحیتوں سے واقف ہوتے ہیں اور جانتے ہیں کہ وہ بہت سے کام کرنے کی طاقت

رکھتے ہیں۔ وہ اپنے آپ کو اور اپنی صلاحیتوں کو اچھی طرح جانتے ہیں اور جانتے ہیں کہ کامیابی کے لیے کس راستے پر چلنا ہے۔

منابع:

قرآن کریم
نہج البلاغہ

- ۱ آمدی، عبد الواحد بن محمد، غرر الحکم، امام عصر عج، 1395
- ۲ اصفہانی ابونعیم، احمد بن عبداللہ، حلیۃ الاولیاء، دارالکتاب العربی، 1407-ق
- ۳ دعائے کمیل از مفاتیح الجنان.....
- ۴ سائٹ، حوزہ، پایگاہ اطلاع رسانی حوزہ، <https://noo.rs/xHPsC>
- ۵ قائمی، نیکنام، علی، محمد کاظم، کوتاہ سخن، آشیانہ کتاب، 1357
- ۶ قاسمی، حمید محمد، اخلاق جنسی از دیدگاہ اسلام، Organisation De Propagation Islamique، 1373
- ۷ کتابچی، محسن، کشکول جاویدان، الف، 1383
- ۸ کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، اجود، 1392
- ۹ متقی، علی ابن حسام الدین بندی، کنزل العمال، موسسہ الرسالہ، بیروت، ۱۳۰۹ ق، چ ۱
- ۱۰ مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، موسسہ الوفاء، 1404 ق
- ۱۱ محمدی ری شہری، محمد، میزان الحکمہ، موسسہ فرہنگی دار الحدیث، 1398
- ۱۲ نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، موسسہ آل البیت، 1369

رہبر معظم کے نقطہ نظر سے جہاد تبیین کے طریقے اور قرآنی مثالیں

سید محمد علی موسوی²۔ علی جعفر ہاشمی¹

اشاریہ

دنیا میں متجاوزین (حد سے گزرنے والے) سے نمٹنے کے لیے جہاد ایک عمومی اور کلی حل ہے۔ نرا غور و فکر کرنے سے معلوم ہوتا ہے کہ آج پوری دنیا میں یہ کام تمام جانداروں بشمول حیوانات اور نباتات میں دیکھا جاتا ہے کہ یہی جدوجہد ان کی بقا کی ضمانت ہے۔ حالیہ برسوں میں، سپریم لیڈر، کمانڈر انچیف نے بار بار اس پر زور دیا۔ انسانی معاشرے میں مادی اور روحانی اہداف کے حصول کے لیے جہاد فرضوں میں سے ایک فرض سمجھا جاتا ہے، خصوصاً آج کے دور میں جب دشمن اپنے تمام کھلے اور چھپے شیطانی ہتھیاروں سے اسلامی معاشرے کی رنگینی کو تباہ و برباد کرنے کی کوشش کر رہا ہے، اور اپنے تسلط اور طاقت کے پیچھے لگا ہوا ہے اور دشمن اس کے حصول کے لیے بہت زیادہ سازشیں کر رہا ہے اور یقینی طور پر جابلانہ اور جھوٹے رسم و رواج کو مقبول بنانے اور جھوٹے مغربی اور انسانیت پسند کلچر کو مقبول بنانے کی کوشش کر رہا ہے۔

اس تحریر میں جو کہ وضاحتی طریقے کے ساتھ نظریاتی نوعیت کی ہے، رہبر معظم کے قرآنی نقطہ نظر سے جہاد تبیین کے طریقوں اور قرآنی نمونوں کے بارے میں ہے، اس تحریر میں جہاد کے طریقوں، حکمت عملیوں، شرائط اور اس دنیا میں اس کی ضرورت کے بارے میں بتایا گیا ہے۔ گمراہ ہونے اور انسانیت کے معاشرے سے دور ہونے کی وضاحت قرآن کی آیات سے کی گئی ہے۔

نتیجتاً جہاد ایک الہی فریضہ ہے، یہ خاص خصوصیات کا حامل ہے جیسے کہ اس کے طریقے اور تاریخی مثالیں، اگر رہبر معظم کے ارشادات کے مطابق تمام عناصر کے ساتھ جہاد کیا جائے، اخلاقی تقاضے، امانت و اخلاص، تقویٰ و پرہیزگاری، قول و فعل میں شجاعت، حکمت اور عزم کے ساتھ، فیصلہ کن اور چونکے رہتے ہوئے اگر اسے اچھی طرح سے انجام دیا جائے تو یقیناً نتیجہ خیز ہوگا، ورنہ جہاد کی کوششیں حقیقی نہیں ہوں گی۔

کلیدی الفاظ:

جہاد تبیین، قرآنی مثالیں، تفسیر جہاد تبیین، اسلامی ثقافت، رہبر معظم۔

تعارف:

رہبر معظم کی مخلصانہ کوشش اور سنجیدگی اور فنون جو کہ انتہائی قابل تعریف ہے وہ معاشرے میں ثقافت کی تشکیل ہے۔ رہبر معظم کا ایک اہم کام اسلامی ثقافت اور فصاحت و بلاغت کو پھیلانا ہے اور یہ وضاحت ثقافت اور کمیونٹی کی تعمیر کی مختلف شکلوں میں ملک کی ضروریات کے مطابق کی جاتی ہے۔ جس میں ہر سال کا ملک کی شرائط اور ضرورت کے مطابق نام رکھنا بھی شامل ہے جو کہ انہوں نے سنجیدگی اور عمومی نقطہ نظر سے پوری دنیا بالخصوص اسلامی ممالک کو مدنظر رکھتے ہوئے اور اس معاشرے کی ضروریات کے پیش نظر، آیات و روایات کو مدنظر رکھتے ہوئے اس مسئلہ کو بہت اہمیت دی اور اس کی تاکید بھی فرمائی۔

مفہوم شناسی:

مقام عظمائے ولایت رہبری کی جانب سے جہاد اور تبیین دونوں الفاظ کو یکجا کر دیا گیا ہے۔ (خامنہ ای، ۱۳۹۸: ۳۰)

جہاد کا مطلب نوجوانوں کے ذہنوں کو متاثر کرنے کے لیے دشمن کے مقاصد کا مقابلہ کرنے کی کوشش کرنا ہے۔ کیونکہ لفظ "جہاد" کے معنی ہیں لڑنا اور کسی ایسے مقصد کو آگے بڑھانے کی کوشش کرنا جس کا تعلق دشمن سے تصادم سے ہو۔ (خامنہ ای، ۱۳۹۸: ۳۰)

لہذا اس مفہوم کے مطابق کسی بھی قسم کی کوشش کو جہاد نہیں کہا جاتا۔ کیونکہ دشمن کی سازشہ حرکات کا مقابلہ کرنا جہاد کی بنیادی شرط ہے۔ (خامنہ ای، ۱۳۹۸: ۲۹)

تبیین کے لفظ کا مطلب وضاحت، استدلال اور منطقی اظہار ہے۔ (خامنہ ای، ۱۳۹۷: ۳۰)

جو انبیائے الہی کے اہم مقاصد میں سے ایک ہے۔ تبیین 'کتمان' کا مقابل میں آتا ہے کسی لفظ کے معنی سمجھنے کے لیے اس کے مخالف لفظ کے معنی کا جائزہ لینا ضروری ہے۔ اس لیے کتمان کا مطلب ہے حقائق پر پردہ ڈالنا۔ تبیین کا اصل "بان یبیین" ہے جس کے معنی حق کو ظاہر اور آشکار کرنا ہے، اور یہی حق کا اظہار اور انکشاف ہے، جو کہ جہاد کی ایک واضح مصادیق میں سے ایک ہے۔ (قرشی، ۱۴۱۲: ۹۰/۶)

اس کے مقابلے میں 'کتمان' یعنی حقیقت کو چھپانا ہے۔ جیسا کہ قرآن کہتا ہے کہ: اِنَّ

الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا آتٰنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالْهُدٰى مِنْ بَعْدِ مَا يَبَيِّنٰهُ لِّلنَّاسِ فِى الْكِتَابِ اُولٰٓئِكَ يَلْعَنُهُمُ اللّٰهُ وَيَلْعَنُهُمُ
اللّٰعِنُونَ) (البقرة/۱۵۹) جو لوگ ہماری نازل کردہ واضح نشانوں اور ہدایت کو چھپاتے ہیں باوجود یہ کہ ہم کتاب میں انہیں لوگوں کے لیے کھول کر بیان کر چکے ہیں، تو ایسے لوگوں پر اللہ اور دیگر لعنت کرنے والے سب لعنت کرتے ہیں۔ (البقرة/۱۵۹)

اسی طرح حدیث نبوی میں مذکور ہے: «من سئل عن علم يعلمه فکتمه الجم یوم القیمہ بلجام من النار وهو قوله (أُولَئِكَ يَلْعَنُهُمُ اللَّهُ وَيَلْعَنُهُمُ اللَّاعِنُونَ) (بقرہ/۱۵۹) پس حق کو چھپانے والوں پر خدا کی لعنت ہو گی اور وہ رحمت خدا سے دور ہوں گے۔

لہذا مسلم اقوام اور اسلامی معاشرے کا امریکہ مردہ باد کا نعرہ اس آیت و حدیث کا مصداق ہے۔ اس بیان سے میں یہ نتیجہ اخذ کرتا ہوں کہ مسئلہ تبیین اور حق کو بیان کرنا، انبیائے الہی کے اہم مقاصد میں سے ہے۔ لہذا فکری جہاد بھی جہاد کی اقسام میں سے ہے اور یہ بات ثابت شدہ ہے کہ دشمن سوچ و افکار کے انحراف کے ذریعے معاشرے میں داخل ہوا ہے اور لوگوں کو گمراہ کیا ہے، جس کا مقابلہ اسی جہاد تبیین کے ذریعے کرنا چاہیے۔ (خامنہ ای، ۱۳۹۸: ۳۳)

اہمیت جہاد تبیین:

جہاد تبیین کو بہت اہمیت دی گئی ہے کہ قرآن کریم فصاحت کو پیغمبر کے فرائض میں سے ایک فرض سمجھتا ہے: (تَبَيَّنْتَهُ لِلنَّاسِ) (آل عمران/۱۸۷)۔

رہبر معظم نے جہاد کی اہمیت کے بارے میں فرمایا: جہاد کی اہمیت دو پہلوؤں سے ہے، الہی اور انسانی، کیونکہ اس میں الہی اور انسانی دونوں پہلو ہیں۔ (خامنہ ای، سید علی، ایران کے ائمہ جمعہ سے ملاقات پہ دیے گئے بیانات ۱۳۹۴)

اس لیے اس اسلامی معاشرے میں چھپے ہوئے دشمنوں کا مقابلہ کرنے کے لیے جو لوگوں کے افکار کو تباہ کرنے، لوگوں کے ذہنوں میں خلل ڈالنے اور سازشیں کرنے کے درپے ہیں، رہبر معظم کا فرمان جو کہ آیہ کریمہ (الَّذِينَ يُبَيِّنُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَيَحْشُرُونَ وَلَا يَحْشُرُونَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ وَكَفَى بِاللَّهِ حَسِيبًا) کے مطابق ہے، اسے جہاد تبیین کے اظہار کے طور پر لیا گیا ہے۔ لہذا جہاد تبیین سب سے اہم تبلیغی کاموں میں سے ایک ہے۔ (خامنہ ای

سید علی، علما اور روحانیوں سے ملاقات پہ دیے گئے بیانات، ماہ محرم ۱۳۷۷) رہبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت اللہ العظمیٰ خامنہ ای نے اس امر کی اہمیت کو بیان کرتے ہوئے فرمایا: آپ اپنے معاشرے، اپنے ملک اور اپنے انقلاب کے حقائق بیان کرتے ہیں۔ اگر تم بیان نہیں کرو گے تو دشمن بیان کرے گا، وہ جو چاہے سچ ہو یا جھوٹ۔ یقیناً دشمن سچا نہیں ہے۔ (خامنہ ای، سید علی، نرسوں اور شہدای سلامت کے خانوادہ سے ملاقات پہ دیے گئے بیانات ۱۴۰۰/۰۹/۲۱)

جہاد تبیین کی اہمیت کے بارے میں جو کچھ بیان کیا گیا ہے اس کے مطابق یہ نتیجہ اخذ کیا جا سکتا ہے کہ اسلامی فکر اور ہمارے معاشرے کی بنیاد آیت (فَأَمَّا عَلَيْكَ الْبَلَاغُ) ہے۔ (نحل/۸۲)

نیز حدیث «رحم الله عبدا من احيا امرنا»۔ (کلینی، ۱۴۰۷: ۲/۱۷۶) کے مطابق، نتیجہ یہ نکلتا ہے کہ جہاد تبیین کا جہاد ائمہ (ع) کی اہم تحریکوں میں سے ایک تھا اور ائمہ نے اس جہاد پر بہت زیادہ تاکید کی ہے۔

جہاد تبیین کے فوائد اور اثرات:

تبیین کے معنی الفاظ شناسی اور تحقیق کو مدنظر رکھتے ہوئے، ضروری ہے کہ تبیین کے فائدے اور آثار سے بھی آگہی حاصل کی جائے۔ رہبر مٹھے ۹۰ کی دہائی میں اس امر کی بہت تاکید فرمائی تھی۔ لہذا جہاد تبیین کو مجاہدانہ اور آگاہانہ طریقوں سے انجام دینا چاہیے، جہاد تبیین کا سب سے اہم فائدہ اور اثر سیاسی، سماجی اور ثقافتی میدانوں میں جو ہوتا ہے، اسے ہم مختصراً بیان کریں گے۔

جہاد تبیین کے طریقے اور مثالیں:

رہبر معظم قرآنی طریقوں اور نمونوں سے لیے گئے احکامات کی طرف اشارہ کرتے ہوئے آیت (وقولوا قولاً سدیداً) (احزاب/۷) سے یا کسی اور جگہ قرآنی آیت کا حوالہ دیتے ہوئے بیان کرتے ہیں: (فَأْتِمَا عَلَیْكَ الْبَلَاغُ) (نحل/۸۲) میں رسول اللہ (ص) کو بتایا گیا

ہے کہ آپ کا کام پہنچانا ہے۔ آپ کو ضرور یہ باتیں پہنچانی چاہئیں، آپ لوگوں کے لیے تبیین کرنا ضروری ہے، اپنی باتیں، اپنے نظریات بتائیں؛ ملک کے اہم مسائل میں؛ مزاحمتی اور معیشت کے مسئلے میں، سائنسی ترقی کے مسئلے میں۔ یہ ملک کے اہم مسائل ہیں۔ امریکہ کے ساتھ تعلقات کے مسئلے میں وضاحت کریں؛ یہ بہت سے لوگوں کے لیے واضح نہیں ہے۔ آپ میں سے ان لوگوں کے لیے جو طلاب کے مجموعے ہیں، اگر ان پہ واضح نہیں ہے، تو خود جا کر اسے سمجھیں اور اگر آپ کے لیے یہ مطالب روشن ہیں تو طلاب کے مجموعے کو سمجھائیں۔ (خامنہ ای، سید علی، یونیورسٹی کے طلاب سے ملاقات پہ دیے گئے بیانات، تیر ۱۳۹۵)

جہاد تبیین کی مثالیں:

ایک انتہائی سنجیدہ اور اہم مسئلہ وہ شخصیات ہیں جنہیں پوری تاریخ میں جہاد تبیین کے نمونے کے طور پر متعارف کرایا جا سکتا ہے جو کہ جہاد تبیین کا ایک اہم ذریعہ ہے تاکہ معاشرہ اسلام کی صحیح اور حقیقی راہ پر گامزن ہو سکے۔

اس مسئلہ کو مدنظر رکھتے ہوئے انبیاء اور معصومین (ع) کو جہاد تبیین کے پیش رو کے طور پر ذکر کیا جا سکتا ہے۔ کیونکہ امیر المومنین علی (ع) نے فرمایا: «يَذْكُرُوهُمْ مَنَسَى نِعْمَتَهُ وَ يَحْتَجُّوا عَلَيْهِم بِالْتَّبْلِيغِ»؛ "سچ بولو اور لوگوں پہ تبلیغ سے حجت کو تمام کرو"۔ (خامنہ ای، سید علی، فوجی مسئولین اور اسلامی ممالک کے سفیروں سے ملاقات پہ دیے گئے بیانات ۱۳۹۵)

اسی طرح پیغمبر اکرم (ص) جن کا سب سے اہم کام دعوت حق اور جہاد تھا، اس دعوت کی کامیابی کا سبب بھی یہی تھا کہ اسلامی معاشرہ اپنے عروج پر پہنچا۔ (خامنہ ای، سید علی، نماز جمعہ کے خطبے میں دیے گئے بیانات ۱۳۷۰)

اسی طرح آپ کے بعد حضرت علی (ع) اس تبیین کے معاملے کے ذمہ دار تھے جس کا ذکر نہج البلاغہ میں خطبات اور خطوط میں موجود ہے۔ (خامنہ ای، سید علی،

عید الفطر کی مناسبت سے معاشرے کے مختلف طبقات سے ملاقات پہ دیے گئے بیانات (۱۳۹۵)

اس کے علاوہ اہل بیت (ع) کی طرف سے ظلم و باطل افکار کے خلاف جہاد اور تبیین کا سلسلہ ۲۵۰ سال سے مختلف شکلوں میں جاری ہے اور خالص محمدی دین کے علماء، رہنما اور پیروکار اس راستے کو جاری رکھے ہوئے ہیں۔ (خامنہ ای، سید علی، تیسری عالمی کانگریس امام رضا ع پہ پیغام، ۱۳۶۸)

اس کے علاوہ، اسلام کے آغاز میں، دیگر تبیینی نمونے تھے جیسے عمار یاسر اور دیگر صحابہ جنہوں نے اس معاملے میں حصہ لیا۔ نیز تحریک عاشورہ کو اس بات کی بھی برکت حاصل ہے کہ حضرت امام (رہ) نے اسی نمونے کو لے کر منظر عام پر تشریف لائے اور اپنے طریقے اور اصول لوگوں کے سامنے پیش کیے اور شعوری اور روشن خیالی کے ساتھ لوگوں کو جہاد تبیین کی دعوت دی۔ اسی طرح شہدائے محراب مدنی، مطہری، بہشتی، انہوں نے بیان اور تبیین کے حق کا یہ راستہ جاری رکھا اور اس راہ میں اپنی جانیں قربان کیں۔ (خامنہ ای، سید علی، چند علما سے ملاقات پہ دیے گئے بیانات، ۱۳۷۸/۰۱/۲۳)

اخلاق اور ابلاغی وسائل کی ضرورت:

جہاد تبیین اور حق بیان کرنے کے لیے ضروری ہے کہ ہم اسلامی اور دینی اخلاقیات کے ساتھ صحیح، پختہ اور تدبیر سے کام لیں، کیونکہ جہاد دشمن کی شیطانی حرکت کے خلاف ہے، تاکہ اس کے نتائج حاصل کیے جاسکیں، ورنہ تمام تلاش، کوششیں اور بیان کرنا بے کار ہو جائے گا۔ اس کی تاکید حضرت علی (ع) نے بھی کی ہے۔ (خامنہ ای، سید علی، ارکان مجلس خبرگان رہبری سے ملاقات پہ دیے گئے بیانات، ۱۴۰۰/۱۲/۱۹)

امام حسن (ع) کے نام اپنے ایک خط میں حضرت علی (ع) نے فرمایا: «اللہ اللہ فی الجہاد باموالکم و انفسکم و السننکم فی سبیل اللہ»؛ یعنی جہاد میں اللہ اللہ ہے۔ مال، جان اور زبان سے خدا کی راہ میں جہاد کو ترک نہ کرنا۔ (نہج البلاغہ، نامہ ۴۷)

اسی مناسبت سے مجاہدانہ تبیین اس وقت وقوع پذیر ہوگی جب اس کے ساتھ دین اسلام کے اخلاقی تقاضے ہوں گے۔

جہاد تبیین کی ضرورت کو تسلیم کرنے کے بعد، ایک مذہبی نمونے کے طور پر جو انبیاء اور اولیاء کی زندگی میں جڑا ہوا ہے، ہمیں کچھ اخلاقی تقاضے بیان کرنا ہوں گے جن کا جہاد تبیین پر گہرا اثر ہے۔ کچھ دوسری مثالیں بھی مندرجہ ذیل میں ذکر کیا جاتا ہے:

اخلاص اور توکل:

حقائق کی وضاحت کے سلسلے میں خالصتاً اور خدا پر توکل کے ساتھ غور کرنا چاہیے، کیونکہ حقائق کی وضاحت دشمنوں کی سازشوں کے خلاف جہاد ہے، تاکہ خدا

کی مدد اس حال میں شامل ہو، جیسا کہ قرآن میں مذکور ہے اور رببر معظم کا کہنا ہے:
(لَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ). (حج/ ۴۰)؛ جو شخص خدا کی مدد کرے گا خدا اس کی مدد کرے
گا۔ لَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ - چند تاکیدی نشانات کے ساتھ - یا «إِنْ تَصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ»؛ (محمد/ ۷) یہ
ایک الہی طریقہ کار ہے۔ آپ جس راستے پر جاتے ہیں، جو آپ کرتے ہیں، آپ کی
سمت، خدا کی نصرت ہے، خدا کی نصرت کا مطلب خدا کے مذہب کی نصرت ہے،
یعنی خدائی اقدار کی نصرت؛ اس کا مطلب ہے کہ اگر آپ اس سمت بڑھیں گے تو آپ
جیت جائیں گے، اللہ آپ کی مدد کرے گا۔ البتہ اس شرط کے ساتھ کہ عمل کریں اور آپ
حرکت کریں۔ (خامنہ ای، سید علی، صدر اور چیف جسٹس سے ملاقات پہ دیے گئے
بیانات، تیر ۱۴۰۱)

لہذا جو کوئی خدا کے دین کی حمایت اور مدد کرے گا وہ کبھی تنہا نہیں ہوگا اور
خدا اس کی مدد کرے گا۔ (خامنہ ای، سید علی، فوجی مسئولین سے ملاقات پہ دیے گئے
بیانات ۱۳۸۲)

اس بیان سے یہ ثابت ہوتا ہے کہ اخلاص اور خدا پر توکل کے ساتھ عمل کرنے کے
ثمرات اور نتائج ہیں جن کا ذکر قرآن نے بھی اس بیان میں کیا ہے۔ حضرت امام راہ نے
بھی اس معاملے کو کتاب میں ذکر کیا ہے۔ (خمینی، ۱۳۸۹: ۱۰ / ۲۴۵)

تحریر اور بیان میں تقویٰ:

ایک اہم مسئلہ جو معاشرے میں پھیلنا چاہیے:

۱۔ اسلامی شائستگی کی پابندی کرنا

۲۔ خاص طور پر بات کرنے میں شائستگی

جو مؤثر ہے اور قرآن اور ائمہ (ع) کے کلام میں اس کا خیال رکھا گیا ہے۔ قرآن
کریم اس سلسلے میں ارشاد فرماتا ہے: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَرْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبِيِّ وَ
لَا تَجْهَرُوا لَهُ بِالْقَوْلِ كَجَهْرِ بَعْضِكُمْ لِبَعْضٍ أَنْ تَحْبَطَ أَعْمَالُكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تَشْعُرُونَ)؛ اے ایمان والو! اپنی آوازیں
نبی کی آواز سے بلند نہ کرو اور نبی کے ساتھ اونچی آواز سے بات نہ کرو جس طرح
تم آپس میں ایک دوسرے سے اونچی آواز میں بات کرتے ہو کہیں تمہارے اعمال حبط
ہو جائیں اور تمہیں خبر بھی نہ ہو۔ (حجرات/ ۲)

اونچی آواز میں بات کرنا جاہلی دور کے قابل مذمت رسموں میں سے تھا۔ اس لیے
خدا اس آیت کو نازل کر کے لوگوں کو دھیمی آواز میں بولنے اور آواز کو آہستہ رکھنے
کی دعوت دیتا ہے۔ ایک پرسکون آواز ہمیشہ خوشگوار، نرم اور دلپذیر ہوتی ہے اور
انسانی فطرت سے زیادہ ہم آہنگ ہوتی ہے۔ امام سجاد علیہ السلام گفتگو اور اجتماعیت
کے آداب میں فرماتے ہیں: "تمہیں سکھانے والے کا حق یہ ہے کہ اپنی آواز کو اس کی
آواز سے بلند نہ کرے۔" (مکارم، ۱۳۷۴: ۱۴۵/۲) رببر معظم نے بھی اسی بات کی
طرف اشارہ کیا کہ بات کرنے میں شائستگی کو ملحوظ رکھا جائے۔ (خامنہ ای، سید

علی، حضرت زہرا س کی ولادت کے موقع پہ مداحوں سے مجازی ملاقات پہ دیے گئے
(بیانات، ۱۳۹۹)

دوسری طرف نرم اور مہربان لہجے میں بات کرنا بہت مؤثر ہے، یہ دشمنی اور
نفرت کو دور کرتا ہے جیسا کہ حضرت امیر (ع) سے منقول ہے: «من لان عودہ کثفت
اعصانہ». (نہج البلاغہ، قصار ۳۰)

جس کے وجود کا تنا نرم ہو، اس کی شاخیں گھنی اور بکثرت ہوں گی۔ لہذا دوستی،
ہمدردی اور دشمنی کا خاتمہ، کلام میں نرمی کے اثرات میں سے ہیں۔

سیاہ نمائی (حقیقت کو چھپانا) سے بچنا:

جہاد کی وضاحت کا ایک مؤثر طریقہ یہ ہے کہ سیاہ نمائی سے بچا جائے، حقیقت
پسند ہونا چاہیے اور حقیقت کو چھپانے سے اجتناب کرنا چاہیے، نوجوانوں کو امید دلانا
جہاد کی مصداق میں سے ایک ہے، کیونکہ جہاد مستقبل کو روشن کرتا ہے، لیکن اگر
ہم اس معاشرے اور نوجوانوں کو ناامیدی دیں تو دراصل ان میں مہلک زہر تزیق کیا
ہے جو کہ جہاد کا مصداق نہیں ہے۔ (خامنہ ای، سید علی، عوام سے ملاقات پہ دیے
گئے بیانات ۱۳۹۶)

بیان میں شجاعت اور آزادی:

وہ لوگ جو معاشرے کے حقائق اور واقعیت کو بیان کرنا چاہتے ہیں، انہیں چاہیے
کہ وہ اپنے مطالب کو روشن بینی اور بلند نظری کے ساتھ بیان کریں اور ان اخلاقی
تقاضوں کو لاگو کریں جو "جہاد تبیین" کے بارے میں بیان کیے گئے ہیں۔

جو سچ ہے اس کو بہادری کے ساتھ بیان کرنا چاہیے اور اس میں کسی قسم کے تقیہ
کے بغیر ڈھٹائی سے اظہار کرنا چاہیے۔ (خامنہ ای، سید علی، پارلیمنٹ کے ارکان سے
ملاقات پہ دیے گئے بیانات ۱۳۸۳)

نتیجہ:

اس بیان کے مطابق جہاد تبیین ایک اہم مسئلہ ہے جو اتحاد کو ظاہر کرتا ہے کیونکہ
جہاد تبیین کا یہ راستہ اسلامی معاشرے کو ایک دوسرے سے جوڑتا ہے اور اس
معاشرے میں پیدا ہونے والے توہمات، باطل اور مسخ شدہ افکار کے ایک بڑے حصے
کو دور کرتا ہے۔ جہاد کا یہ راستہ انبیاء کا راستہ ہے جس کی تاکید کتاب خدا اور سنت
دونوں میں اس بیان کے ساتھ کی گئی ہے کہ قرآن کی آیات کے مطابق تمام انبیاء کے
فرائض میں سے ایک اہم ترین فریضہ ہے۔ جہالت کے خلاف لڑنا اور بنی نوع انسان کو
سچائی سے آشنا کرنا اور یہ مقصد ہمیشہ سے رہا ہے۔

تمام انسانوں کو آگاہ کرنے کے لیے انبیاء کرام اور اولیاء اللہ اس طرح مسلسل جدوجہد
کے ساتھ آئے ہیں۔

لہذا "جہاد تبیین" ایک قطعی فریضے کے طور پر، جب کہ یہ ہر ایک کے لیے لازم
اور ضروری ہے، یہ دشمن میڈیا کی طرف سے پیدا کردہ بگاڑ کو دور کر سکتا ہے

اور مسائل کے خاتمے کی راہ میں سماجی حمایت کو برقرار رکھتے ہوئے ایک درست،
منطقی اور مدلل گفتگو قائم کر سکتا ہے؛ اور یہ اہم بات اس وقت وقوع پذیر ہوگی، اگر
جہاد تبیین میں مذکورہ مثالوں کو اخلاقی تقاضوں اور طریقوں کا مشاہدہ کر کے معاشرے
میں رائج کیا جائے۔

کتابيات:

- ۱- قرآن کریم
- ۲- نهج البلاغه
- ۳- خامنه ای، سید علی، ارمغان ، تحقيق موسی هلودی، تهران، انتشارات انقلاب اسلامی، ۱۳۹۸ش
- ۴- خامنه ای، سید علی، انتخاب صالحان، تهران، انتشارات انقلاب اسلامی، ۱۳۹۸ش.
- ۵- خامنه ای، سید علی، جهاد تبیین، تحقيق سعید صلح میرزایی، تهران، انتشارات انقلاب اسلامی، ۱۴۰۰ش.
- ۶- خمینی، روح الله، صحیفه امام، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۹ش.
- ۷- طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، اسماعیلیان، بی تا.
- ۸- قرشی، علی اکبر بنابی، قاموس القرآن، دارالکتب الاسلامیه، چاپ ششم ۱۴۱۲ ق.
- ۹- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.
- ۱۰- مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، اول، ۱۳۷۴ش.
- ۱۱- نرم افزار حدیث ولایت، قم، تولید مرکز تحقیقات کامپیوتری نور. ۱۳۹۹ش.
- ۱۲- Khamenei.ir
- ۱۳- Derasat.ir
- ۱۴- Leader.ir
- ۱۵- Wikivahdat.com
- ۱۶- Shora-gc.ir
- ۱۷- Pkn.isu.ac.ir
- ۱۸- Imam-Khamenei.ir
- ۱۹- Mag.rcipt.ir
- ۲۰- Rimag.ricest.ac.ir

رہبر معظم زید عزه کے افکار خاص کے مطابق انسان کی اعتقادی و اخلاقی زندگی میں توبہ کا اثر قرآن اور صحیفہ سجادیہ کی نگاہ میں

سید فیاض حسین^۱ - سید علی حیدر^۲

سید ساجد حسین^۳ - ریاض حیدر^۴

اشاریہ

توبہ، اللہ تعالیٰ کی نعمتوں، رحمتوں اور برکتوں میں سے ایک نعمت، برکت، رحمت ہے جو اس کے خاص فضل و کرم کے گہرے اور بلبلے چشموں سے جڑی ہوئی ہے اور ہر وقت انسانی زندگی کے دھاروں میں بہتی رہتی ہے، تمام آلودگیوں کو دور کرتی ہے یہی وہ عظیم نعمت اور رحمت خداوند منان ہے جو گنہگار انسان کو تارکیوں سے نکال کر خدا کا مقرب بندہ بنا دیتی ہے اور خدا کی رحمت اس کو اپنے آغوش میں جگہ دیتی ہے۔ توفیق توبہ ہی معرفت الہی کی راہ میں پہلا قدم ہے فردی اور اجتماعی زندگی میں اس توفیق کے وسیلہ سے انسان کا ایمان خدا اور رسول اور ائمہ معصومین علیہم السلام کے بانسبت اور بڑھتا ہے اور انسان اپنی زندگی میں اس کے اثرات کا احساس کرتا ہے، توبہ ہی ایک بہترین روش ہے کہ جو اصلاح معاشرہ پر بھی اثر انداز ہوتا ہے دوست، اہل خاندان، حتی دوسرے مذہب والے بھی آپ کے اس توبہ کی توفیق سے بدلے ہوئے کردار کا احساس کر کے آپ کی طرف متوجہ ہوتے ہیں، توبہ انسان کے لئے سعادت واقعی ہے جو انسان کے فردی اور اجتماعی پہلو سے تمام شعبہ زندگی میں پر برکت ثابت ہوتا ہے اور یہ ہر شعبے میں تاثیر گزار ہے صحیفہ سجادیہ میں امام سجاد علیہ السلام کا طریقہ توبہ اور استغفار ہمارے لئے تربیتی اور اخلاقی نقطہ نظر سے بہت مفید درس ثابت ہوتا ہے لہذا اس مقالہ میں توبہ کے اثرات جو انسان کی زندگی میں اثر انداز ہوتے ہیں اس کو قرآن کریم کی آیات اور صحیفہ سجادیہ کی دعاوں خصوصاً امام خامنہ ای زید عزه کے افکار خاص کے مطابق اس موضوع پر قلم ارائی نہیں کی ہے میں نے اس عنوان سے اس کو انتخاب کیا ہے جو اردو زبان میں ابھی تک منظر عام پر نہیں آیا ہے یا حد اقل اس روش سے کسی نے قلم ارائی نہیں کی ہے۔

۱ طالب علم، دکتوری، مدرسہ امام خمینی رہ، مجتمع آموزش عالی قرآن وحدیث، مدرسہ عالی حدیث wafajafar076@gmail.com

۲ طالب علم، دکتوری، مدرسہ امام خمینی رہ، مجتمع آموزش عالی قرآن وحدیث، مدرسہ عالی حدیث syedalihaidar2526@gmail.com

۳ طالب علم، دکتوری، مدرسہ امام خمینی رہ، مجتمع آموزش عالی قرآن وحدیث، مدرسہ عالی حدیث sajjdraviravazi@gmail.com

۴ طالب علم، دکتوری، مدرسہ امام خمینی رہ، مجتمع آموزش عالی قرآن وحدیث، مدرسہ عالی تفسیر riyazalvi5@gmail.com

کلید واژه (اصل کلمات) توبہ، اخلاق، اعتقاد، قرآن، صحیفہ سجادیہ

تعارف

انسانی فطرت خطاؤں اور غلطیوں سے بھری ہوئی ہے۔ ایک طرف، انا اور شیطان اسے فتنہ میں ڈالنے کی کوشش کر رہے ہیں، اور دوسری طرف، ذرائع ابلاغ، جدید ترین ٹیکنالوجی، اگرچہ وہ معاشرے میں لوگوں کی زندگیوں میں ایک موثر اور ناقابل تردید کردار ادا کرتے ہیں۔ وہ کمزور انسان کو راہ حق سے منحرف کر کے خدا کی بندگی سے دور کر کے اندھیرے راستوں کے انتخاب پر مجبور کرتے ہیں۔ انسان دنیا کی تمنا، موت و حساب، جنت و جہنم سے فراموشی اور اپنے خالق و رب سے غافل ہو کر ان نفسانی کششوں کا حامی و مددگار بن جاتا ہے اور ایسا ہوتا ہے کہ یہ اشرف المخلوقات رسوا اور عہد شکنی کرتا ہے۔ بندگی کی حدود و قیود مٹ جاتی ہیں، دروازے بند کر دیے جاتے ہیں اور اپنے، خدا اور بنی نوع انسان کے حقوق پامال ہوتے ہیں۔ اب اگر اس انسان کا روحانی اور باطنی پہلو، امید و رحمت الہی سے بھرا ہو تو اس معبود کی طرف سے دروازہ رحمت ”تُوبُوا إِلَى اللَّهِ“ کی شکل میں کھول دیئے جاتے ہیں اور صدائے «لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ» اپنے سایہ رحمت میں لینے کو آمادہ و تیار رہتی ہے۔ توبہ ایک اہم و حیاتی امر ہے جس کی امت اسلامیہ کو ہر دور میں ضرورت ہے، اس وسیع موضوع پر تمام علوم، اخلاقیات، تصوف، فقہ اور اسلامی قانون میں ایک معروف اور عام عنوان ہے، جس پر طولانی بحثیں ہے۔ اس سلسلے میں مختلف تصانیف موجود ہیں اور اس موضوع پر کئی طریقوں سے تجزیہ اور تحقیق کی گئی ہے اور موجودہ تحقیق بھی توبہ کے اسلامی طرز زندگی پر اثرات کو بیان کرتی ہے اور اس حوالے سے مضامین اور تحقیقی مضامین لکھے گئے ہیں۔ لیکن ان میں سے اکثر کا تعلق اسلوب اخلاق سے ہے، اجتماعی اور اخلاقی حوالے سے توبہ کے اثرات پر کم بحث کی گئی ہے۔ اس میدان میں کچھ تصانیف درج ذیل ہیں: (۱) ریاض حیدر کی تحریر کردہ "قرآن اور صحیفہ سجادیہ کے نقطہ نظر سے انسانی طرز زندگی پر توبہ کا اثر (۲) فقہ کے نقطہ نظر سے محدود جرائم میں توبہ کا کردار محمد مصلح نے لکھا۔ یہ کچھ ایسی تحریریں ہیں جو اسلامی طرز زندگی پر توبہ کے اثرات سے متعلق لکھی گئی ہیں، لیکن وقت گزرنے کے ساتھ ساتھ انسانوں کو اپنی اور دوسروں کی طرف سے توجہ کی ضرورت رہی ہے تاکہ وہ مختلف قسم کے مسائل کا جواب دے سکیں۔ اپنی اور دوسروں کی ضروریات، اور آج جب کہ مختلف طرز زندگی کے عنوانات تجویز کیے گئے ہیں، کسی بھی اسلامی طرز زندگی میں اجتماعی و اخلاقی بحث اور اس کی وضاحت سب سے اہم ضرورت ہے، اس لیے اس تحقیق کا مقصد انسان کی اجتماعی اور اخلاقی طرز زندگی پر توبہ کے اثرات کی تحقیق کرنا ہے۔ ، تو اس تحقیق کا بنیادی سوال یہ ہے: قرآن اور صحیفہ سجادیہ کے نقطہ نظر سے، رہبر معظم کی فکر پر زور دیتے ہوئے، انسانی طرز زندگی پر توبہ کا اخلاقی و اجتماعی اثر کیا ہے؟

موجودہ تحقیق ۳ حصوں پر مشتمل ہے۔

پہلا حصہ: مفہیم و معانی

اس حصہ میں پہلے توبہ کے معنی کو لغت اور اصطلاح میں بیان کیا گیا ہے اور پھر قرآن اور صحیفہ سجادیہ کے نقطہ نظر سے توبہ کی بر رسی کی گئی ہے۔

۱- توبہ کے لغوی معنی

لغت نویسوں نے لفظ توبہ کے متعدد معانی ذکر کئے ہیں جامع اور مکمل معنی رجوع و پلٹنے کے ہیں۔ (فراہدی، کتاب العین؛ جلد ۸، صفحہ ۱۳۸)۔ گناہ پر شرمندہ ہونا؛ (راغب اصفہانی، مفردات الفاظ القرآن؛ ص: ۱۶۹) ارتکاب گناہ پر اظہار پشیمانی (فرہنگ ابجدی الفبائی عربی فارسی؛ صفحہ ۲۰۱؛ ابن منظور، لسان العرب؛ جلد ۱، صفحہ ۲۳۳)۔

مندرجہ بالا معانی کے مطابق لفظ توبہ کے بارے میں سب سے اہم قول مطلق رجوع و پلٹنے کے ہیں (قرشی، قاموس قرآن؛ جلد ۱، صفحہ ۲۸) اور یہی مناسبترین معنی ہے کیونکہ یہ لفظ قرآن میں خدا اور غیر خدا دونوں کے لئے استعمال ہوا ہے۔ لہذا اگر گناہ کی طرف رجوع کرنا مراد ہے تو اس میں خدا بھی شامل ہے جو کہ غلط ہے، لیکن اگر مطلق حوالہ مراد لیا جائے تو یہ خدا کے بارے میں بھی درست ہوگا، جیسا کہ مختلف قرآنی آیات میں استعمال ہوا ہے اور تفسیروں میں واضح کیا گیا ہے۔ لیکن یوں کہا جائے کہ جنہوں نے پچھلے اعمال سے پھرنے یا گناہوں سے باز آنے کی شق بیان کی، شاید ان کی مراد صرف بندوں کے سلسلے میں لفظ توبہ کے استعمال کے بارے میں ہو۔

راغب لفظ توبہ کے بارے میں کہتے ہیں:

”توبہ“ کا مطلب ہے گناہ کو بہترین طریقے سے چھوڑنا، لفظ - توبہ، معافی و عذر خواہی سے زیادہ وسیع وتر مفہوم کو بیان کرتا ہے۔ معافی مانگنے کے تین طریقے ہیں: (۱) معافی مانگنے والا کہتا ہے کہ میں نے نہیں کیا۔ (۲) یا تو میں نے اس وجہ سے گناہ کیا ہے (۳) یا یہ کہ میں نے گناہ کیا ہے، میں نے برا کیا ہے، اور میں یہ نہیں دہراؤں گا اور اسی آخری حصے کا مطلب توبہ ہے۔“ (راغب اصفہانی، الفاظ القرآن، صفحہ ۱۶۸)۔

بندے کی توبہ اور خدا کی توبہ میں فرق ہی یہی ہے کیونکہ بندے کی توبہ کی باز گشت گناہ اور زیادتی اور خطا کو ترک کر کے خدا کی طرف پلٹ جانا ہے اور خدا کی طرف توبہ کی نسبت دینا یعنی بندے کو توبہ، رحمت اور استغفار میں توفیق و کامیابی کی طرف بازگشت دینا ہے۔

۲- توبہ کے اصطلاحی معنی

توبہ کے مفہوم کو مختلف علوم میں مختلف تعریفوں کے ساتھ بیان کیا گیا ہے: "توبہ یعنی حال میں گناہ کو ترک کر دیا جائے، ماضی میں کیے گئے گناہ پر پشیمان ہو، اور آئندہ اسی گناہ کی طرف نہ جانے کا قطعی ارادہ بھی ہو۔ (زحیلی، الفقہ الاسلام و ادلتہ، ج ۹، ص ۷۳۹)۔

"توبہ گناہ اور جرم سے ندامت اور پلٹ آنے پر مشتمل ہے، اور مجرم کو جرم اور گناہ کے ارتکاب اور دہرانے سے باز رکھنا" (محمد صالح، ولیدی، جنرل کریمنل لاء، جلد ۴، صفحہ ۲۹۔ ناشارڈ داد، ۱۳۷۴)۔

غزالی توبہ کے بارے میں کہتے ہیں: جان لو کہ سب سے پہلے علم اور ایمان کا نور ہے جو وجود میں آتا ہے اور اس میں گناہ زہر کی طرح نظر آتا ہے اور جب دیکھے کہ اس نے اس زہر کو بہت کھالیا ہے اور تباہی کے قریب ہے۔ (یعنی اس نے بہت گناہ کیا ہے)، اسے پچھتاوا اور خوف محسوس ہوتا ہے، اور ندامت سے قے کرنے کے لیے اپنے گلے میں انگلی کرتا ہے اور مستقبل میں ان کا ارتکاب نہ کرنے کا عزم بھی رکھتا ہو..." (غزالی، کمیائبی سعادت، جلد ۲، صفحہ ۳۲۰)۔

یہ بھی کہا گیا ہے: "توبہ دل سے نادم ہونا، زبان سے استغفار کرنا، اعضاء سے برے کاموں کو ترک کرنے اور دوبارہ نہ کرنے کا عزم کرنے پر مشتمل ہے۔" حبیب اللہ طاہری، نقش توبہ در استقاط حدود، مجلہ پژوهش های فقہی، ص ۷ (حدیث امام علی ع)

۳- قرآن اور صحیفہ سجادیہ میں توبہ کی شرائط:

توبہ کی حقیقت اور فطرت، جیسا کہ بیان کیا گیا ہے کہ پاک و سلامتی کی طرف پلٹنا ہے، اس لیے یہ سوال اٹھتا ہے کہ کیا یہ حالت بغیر کسی مقدمہ اور شرائط کے وجود میں آتی ہے؟ یقیناً توبہ کی حقیقت کا ادراک اس وقت ہوگا جب اس میں شرطیں اور شرائط ہوں گی۔ اور اس امر کی حقیقت کا جائزہ لیتے ہوئے یہ بھی بیان کیا گیا ہے کہ پشیمانی، عزم وغیرہ توبہ کے حصول اور قبولیت کی اہم ترین شرائط میں سے ہیں اور یہ اس کے ستون اور شرائط ہیں۔

قرآن کریم کی آیات اور اہل بیت علیہم السلام کی روایات میں بار بار استغفار کی تاکید کی گئی ہے۔

ہمیں اپنے گناہوں کی معافی مانگنی چاہیے۔ معافی کا بڑا فائدہ یہ ہے کہ یہ ہمیں اپنے آپ کو غفلت کرنے سے روکتا ہے۔ ہم کبھی کبھی اپنے بارے میں غلط فہمی کا شکار ہو جاتے ہیں۔ جب ہم معافی مانگنے کے بارے میں سوچتے ہیں، گناہ، غلطیاں، مظالم وہ ناانصافی جو ہم نے اپنی جان کے ساتھ کی ہے، وہ ناانصافی جو ہم نے دوسروں کے ساتھ کی ہے، ہماری آنکھوں کے سامنے مجسم ہوتے ہیں اور ہم انہیں یاد کرتے ہیں، ہم نے کیا کیا؟ پھر ہم غرور، تکبر اور غفلت سے خود کو دور کر لیتے ہیں۔ استغفار کا یہ پہلا فائدہ ہے۔

اور خدائے بزرگ و برتر نے وعدہ کیا ہے کہ استغفار کرنے والا، یعنی اللہ تعالیٰ سے سچی دعا کے طور پر، حقیقی معنوں میں معافی مانگتا ہے اور گناہ سے توبہ کرتا ہے، "لَوْجِدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَّحِيمًا (64)"

"اللہ تعالیٰ توبہ قبول کرتا ہے یہ معافی خدا کی طرف لوٹ رہی ہے۔ یہ غلطیوں اور گناہوں سے منہ موڑنا ہے، اور خدا ان کو اس شرط پر قبول کرتا ہے کہ معافی سچی ہے۔"

البتہ اگر کوئی شخص بغیر توجہ کے استغفر اللہ، استغفر اللہ، استغفر اللہ کہے اور دل کی طرف توجہ نہ کرے تو یہ استغفار نہیں ہے، استغفار ایک دعا ہے، یہ ایک درخواست ہے، انسان کو چاہیے کہ وہ حقیقی معنوں میں اللہ سے مانگے۔ معافی اور خدا کی بخشش، اس سے کہو کہ میں نے یہ گناہ کیا ہے۔ رب! مجھ پر رحم فرما، میرے گناہ معاف فرما۔ ہر گناہ کے لیے اس طرح معافی مانگنا یقیناً الہی بخشش کا باعث بنے گا۔ اللہ تعالیٰ نے اس باب کو کھولا ہی اسی لئے ہے

توبہ کے شرائط کے سلسلہ میں امام خامنہ ای زید عزه کا نظریہ

بلاشبہ اسلام کے مقدس مذہب میں دوسروں کے سامنے گناہ کا اعتراف ممنوع ہے۔ بعض مذاہب میں عبادت گاہوں میں جانا، پادری کے سامنے بیٹھنا اور گناہ کا اقرار کرنا ضروری ہے، اسلام میں ایسی کوئی چیز نہیں ہے، اور مسلمانوں کو اس سے منع کیا گیا ہے۔ اپنی طرف دروازہ بند کرنا اور اپنے باطنی رازوں اور گناہوں کو دوسروں پر ظاہر کرنا حرام ہے۔ کوئی فائدہ نہیں [اور اس کے برے اثرات ہو سکتے ہیں]۔ کہ اب ان خیالی اور تحریف شدہ مذاہب میں مذکور ہے کہ پادری گناہوں کو معاف کرتا ہے، نہیں؛ اسلام میں صرف اللہ ہی گناہوں کو معاف کرتا ہے۔ نبی بھی گناہ معاف نہیں کرتے۔ آیت کریمہ میں ارشاد ہے: «وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَّسُولٍ إِلَّا لِيُطَاعَ بِإِذْنِ اللَّهِ وَ لَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَ اسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَّحِيمًا۔

اور ہم نے کسی رسول کو بھی نہیں بھیجا ہے مگر صرف اس لئے کہ حکم خدا سے اس کی اطاعت کی جائے اور کاش جب ان لوگوں نے اپنے نفس پر ظلم کیا تھا تو آپ کے پاس آتے اور خود بھی اپنے گناہوں کے لئے استغفار کرتے اور رسول بھی ان کے حق میں استغفار کرتا تو یہ خدا کو بڑا ہی توبہ قبول کرنے والا اور مہربان پاتے (سورہ نسا ۶۴)؛"۔ جب انہوں نے گناہ کیا تو انہوں نے اپنی جانوں پر ظلم کیا، اگر وہ آپ کے پاس آئیں جو کہ نبی ہیں اور اللہ سے معافی اور استغفار کریں اور آپ ان کے لیے استغفار کریں تو اللہ ان کی توبہ قبول کرے گا۔ یعنی نبی صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم ان کے لیے استغفار کرتے ہیں۔ گناہ صرف اللہ تعالیٰ ہی معاف کر سکتا ہے۔ یہ معافی مانگ رہا ہے، اور یہ معافی مانگنا واقعی ایک اہم مقام رکھتا ہے۔ (امام خامنہ ای زید عزه . اقتباس از خطبہ نماز جمعہ تہران در تاریخ ۱۳۸۶/۶/۲۳) (KHAMENEI.IR)

حقیقی توبہ کے ظہور کے لیے حالات اور سیاق و سباق وغیرہ کا الگ الگ جائزہ لینا ممکن ہے، لیکن یہاں ان سب کو شرطِ توبہ کے عنوان کے تحت جمع کیا گیا ہے، زیادہ تر مباحث اسی عنوان کے تحت ذکر کی جاتی ہیں، اس لیے یہاں قرآن و صحیفہ سجادہ کی نظر سے توبہ کی چند شرائط پیش کی جاتی ہیں۔

الف: دل سے نادم و پشیمان ہونا

توبہ کا ایک اہم اور بنیادی مرحلہ اور اس کی قبولیت و صحت کا دار و مدار ندامت قلبی پر ہے اور یہ توبہ کی طرف پہلا قدم ہے۔

جب تک انسان کے دل میں یہ کیفیت نہ ہو تو انسان توبہ کرنے اور خدا کی طرف رجوع کرنے کے لیے قدم نہیں اٹھاتا۔ توبہ و استغفار کے لیے ایک بنیادی شرط اور ایک اہم ستون ہے، اس لیے ان کی بعض احادیث میں توبہ اور پشیمانی کو توبہ کہا گیا ہے (بندی، علی منقی، کنز العمال، ح ۱۰۳۰۱)۔ یا پشیمانی کو توبہ کے لیے کافی کہا گیا ہے۔ (ابن بابویہ، الخصال، ۵۷ ۱۶)۔ یا کم از کم توبہ کے ستونوں میں سے ایک ابتدائی مرحلہ، پشیمانی کو بیان کیا گیا ہے (تمیمی عمادی، غرار الحکم، ح ۷۸۴۳ اور ۷۸۴۴)۔

ب: گناہوں کا اعتراف اور بندگی کا اعلان:

اللہ سے توبہ اور استغفار کی حالت میں بندے کے لیے ایک اہم ترین چیز جو ضروری اور بہت ضروری ہے وہ ہے اللہ کے سامنے اپنے گناہوں اور نافرمانیوں کا اقرار کرنا اور اس کا اعلان کرنا، یہ معاملہ متعلقہ قرآنی آیات میں اور صحیفہ سجادہ میں پایا جا تا ہے۔

قرآن پاک میں متعدد آیات میں انبیاء اور اولیاء کے توبہ اور استغفار کا ذکر ہے (گرچہ ترک اولیٰ ہی ہو)؛ جیسا کہ آدم و حوا (علیہما السلام) کے بارے میں کہا جاتا ہے و قالَا رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنفُسَنَا وَإِن لَّمْ تَغْفِرْ لَنَا وَتَرْحَمْنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ؛

انہوں نے کہا: "اے اللہ، ہم نے اپنے آپ پر ظلم کیا، اور اگر تو نے ہمیں معاف نہ کیا اور ہم پر رحم نہ کیا تو ہم نقصان اٹھانے والوں میں سے ہو جائیں گے" (اعراف، ۲۳)۔ لہذا توبہ کا مطلب ہے غلط راستے سے خدا کی طرف پلٹنا۔

توبہ، یعنی گمراہی سے راہ مستقیم راہ خدا کی طرف پلٹنا

جوانی کے لئے قدردانی کا سب سے اہم مظہر یہ ہے کہ اس پاکیزگی اور چمک اور اس پاکیزگی اور فطری حسن کو ایک نوجوان کے لیے استعمال کیا جائے۔ اس سے آپ کی ساری زندگی بچ جائے گی، انشاء اللہ۔ طریقہ یہ ہے کہ دو نکات کا مشاہدہ کیا جائے: یاد اور توبہ۔ یاد کرنے کا مطلب ہے یاد رکھنا۔ یاد رکھنا غفلت کے برعکس ہے۔ خدا سے غافل ہونا، اپنے فرائض اور ذمہ داریوں سے غفلت برتنا، مملکت خداداد کی دنیا میں خدائی ایجنٹوں کے ساتھ حساس مقابلے کے دوران اس سے غافل ہونا - جسمانییت سے گزرنے کے بعد کی دنیا - اور قیامت کے دن خدا کے سامنے انسان کا بڑا حساب کتاب؛ یہ یادداشتیں ہیں۔ یہ یادیں فیصلہ کن ہیں۔ ایسا نہیں ہے کہ وہ ہمیں سائنسی عقیدے جیسا عقیدہ رکھنے کے لیے قیامت پر یقین کرنے کو کہتے ہیں۔ نہیں، اس یادداشت کو

اپنے اندر رکھیں تاکہ یہ یقین ہماری زندگی، ہماری تحریک اور فیصلہ سازی پر اثر انداز ہو۔ ایک اور نکتہ توبہ ہے۔ کوئی کہے کہ ہم جوان ہیں اور ہم نے ابھی زندگی نہیں گزاری کہ ہم نے آپ کی طرح بہت سے گناہ کیے ہیں اور ہمیں توبہ کی ضرورت ہے۔ نہیں؛ یہ درست نہیں، توبہ انسان کا ابدی فریضہ ہے۔ پاک ترین لوگوں کو بھی توبہ کرنی چاہیے۔ توبہ کا مطلب ہے اللہ کی طرف لوٹنا، غلط راستے سے لوٹنا، رب کی طرف توجہ کرنا اور مکمل طور پر اللہ کی طرف منہ کرنا۔ بقول امام سجاد علیہ السلام۔ اس معصوم امام سجاد علیہ السلام سے زیادہ پاکیزہ کون ہے؟ سجادیہ شروع سے آخر تک پڑھیں۔ دیکھو کیسی کیفیت، کیا جلنا اور کیا جلنا اور اس میں کیسی توبہ چھپی ہوئی ہے۔۔۔ "یہ میرا مقام ہے، مجھے مانک کی روح پر فخر ہے، میں ان سے ناراض ہوں، اور میں تم سے راضی ہوں۔" امام سجاد علیہ السلام خداتعالیٰ سے فرماتے ہیں: پروردگار! میں اپنی انا سے ناراض ہوں کہ کبھی کبھی تیرے حکم کی نافرمانی کرتا ہوں۔ میں آپ سے خوش ہوں اور آپ کی ضد پر شرمندہ ہوں۔ یہ امام سجاد علیہ السلام کا راز اور ضرورت ہے۔

ج: اخلاص

توبہ کی قبولیت اور اس کے حصول کی ایک اہم ترین شرط قرآن مجید اور صحیفہ سجادیہ میں اخلاص بیان کی گئی ہے جیسا کہ قرآن کریم میں ارشاد ہے:

" يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا تُوبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَّصُوحًا " اے ایمان والو! خدا سے توبہ کرو! خالص توبہ... " (تحریم، ۸)۔

اس آیت میں اہم نکتہ "توبہ نصوح" ہے کہ اس توبہ کے معنی کے بارے میں بہت سے اقوال بیان ہوئے ہیں۔ اور جیسا کہ قرطبی نے (۳۲) اقوال کا تذکرہ کیا ہے (قرطبی، الجامع لاحکام القرآن، جلد ۱۸، صفحہ ۱۹۷)۔ لیکن ان میں سب سے اہم مخلصانہ توبہ ہے، جس کا ہونا انتہائی کمال کے ساتھ ضروری ہے۔ (ابن قیم جوزی، مدارج السالکین، جلد ۱، صفحہ ۳۳۶)۔

د: خدا اور بندوں کے حقوق کی ادائیگی:

توبہ کی قبولیت کے لیے ایک اور شرط گناہوں، زیادتیوں، خلاف ورزیوں، مظالم وغیرہ کی وجہ سے ضائع ہونے والے حقوق کو ادا کرنا ہے، کیونکہ جب تک انسان اپنی اصلاح نہیں کرتا، یعنی اپنی گزشتہ غلطیوں، ناکامیوں اور لغزشوں کو درست نہیں کرتا، معاملات کا تسلسل اور اگلا راستہ آسان نہیں ہوگا، اسی لیے متعدد قرآنی آیات میں جب توبہ و استغفار کا ذکر آیا ہے، تو ماضی کی اصلاح اور تلافی کا مسئلہ بھی اٹھایا گیا ہے، ان میں سے چوری اور چور کا ہاتھ کاٹنے کی سزا اس کے بارے میں بیان کیا گیا ہے کہ:

«فَمَنْ تَابَ مِنْ بَعْدِ ظُلْمِهِ وَ أَسْلَحَ فَإِنَّ اللَّهَ يَتُوبُ عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ» پس جو کوئی ظلم ہونے کے بعد توبہ کرتا ہے اور (اپنی غلطیوں کی اصلاح) کرتا ہے تو اللہ ضرور اس کی توبہ قبول کرے گا۔ کیونکہ خدا بڑا بخشنے والا اور مہربان ہے۔“ (مائدہ، ۳۹)۔

۴۔ استغفار کی چار شرائط

ایک بات یہ ہے کہ اگر ہم بخشش اور اس الہی نعمت کو حاصل کرنا چاہتے ہیں تو ہمیں اپنے اندر سے دو خصلتیں نکالنی ہوں گی۔

۱۔ غفلت سے بچنا

غفلت کا مطلب یہ ہے کہ ایک شخص کو احساس نہیں ہے کہ اس سے کوئی گناہ ہو رہا ہے۔ ویسے بھی دنیا میں اور انسانوں میں اس قسم کے لوگ ہیں جو غافل ہیں اور گناہ کرتے ہیں۔ وہ جھوٹ بولتا ہے، غیبت کرتا ہے، نقصان پہنچاتا ہے، برائی کا سبب بنتا ہے، تباہی پھیلاتا ہے، قتل کا ارتکاب کرتا ہے، انہیں خبر تک نہیں ہوتی۔ کہ وہ یہ غلط کام کر رہے ہیں۔ اگر کوئی اس سے کہے کہ تم گناہ کر رہے ہو تو وہ لاپرواہی سے ہنسے گا اور طنز کرے گا: گناہ؟ کیا گناہ!

ان میں سے کچھ غافل لوگ اجر و ثواب پر بالکل یقین نہیں رکھتے۔ بعض ثواب اور عقاب پر یقین رکھتے ہیں۔ لیکن وہ غفلت میں ڈوبے ہوئے ہیں اور جو کچھ کر رہے ہیں اس کی انہیں بالکل پرواہ نہیں ہے۔ اگر ہم اپنی روزمرہ کی زندگی میں اس کا تھوڑا سا تجزیہ کریں تو ہم دیکھیں گے کہ ہماری زندگی کے کچھ حالات غافل لوگوں سے ملتے جلتے ہیں۔ غفلت بڑی عجیب چیز ہے اور بہت بڑا خطرہ ہے۔ شاید انسان کے لیے غفلت سے بڑا کوئی خطرہ اور کوئی بڑا دشمن نہیں۔

غفلت سے بچنے سے مراد امام خامنہ ای زید عزه کے نگاہ میں

غافل انسان کبھی معافی مانگنے کا نہیں سوچتا۔ اسے فکر ہی نہیں رہتی کہ وہ گناہ کرتا ہے۔ گناہ میں غرق ہے نشے میں اور نیند میں ہے؛ یہ واقعی اس شخص کی طرح ہے جو اپنی نیند میں حرکت کرتا ہے۔

قرآنی لحاظ سے جو چیز اس غفلت کے متضاد ہے وہ تقویٰ ہے۔ تقویٰ کا مطلب ہے ہوشیار رہنا اور ہمیشہ اپنا خیال رکھنا۔ اگر کوئی شخص غفلت برتتا ہے تو درجنوں گناہ اس کے پاس سے گزر جاتے ہیں اور اسے یہ محسوس نہیں ہوتا کہ اس نے کوئی گناہ کیا ہے۔ ایک متقی شخص اس کے بالکل برعکس ہے۔ اگر وہ کوئی چھوٹا گناہ بھی کرتا ہے تو اسے فوراً یاد آتا ہے کہ اس نے گناہ کیا ہے اور اس کی اصلاح کا سوچتا ہے۔ «إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا» (صاحبان تقویٰ افراد صرف شیطان کے گذرنے سے اس کے ہونے کا احساس کر لیتے ہیں کہ شیطان کی گذر کا مطلب کوئی اشتباہ یا غفلت ضرور ہوئی ہے ”تذکروا“ فوراً یاد خدا میں پڑ جاتے ہیں ”فاذا هم مبصرون“ ایسے شخص کی آنکھیں کھلی ہوتی ہیں۔

میرے پیارے بھائیو اور بہنوں! تم جو بھی ہو، بیدار ہو۔ یہ خطاب صرف ایک خاص تعداد کے لوگوں کے لیے نہیں ہے، مثلاً کم علم، کم تعلیم والے، یا نوجوانوں کو اس پر

توجہ دینی چاہیے۔ نہیں، سب کو شامل ہونا چاہیے۔ علماء، سائنس دان، معززین، شخصیات، بڑے، چھوٹے، امیر، غریب، سب کو اس بات سے آگاہ ہونا چاہیے کہ کم از کم کبھی کبھار وہ غافل ہو جاتے ہیں۔ لیکن اگر گناہ کے بعد انہیں احساس نہیں ہوتا کہ وہ کوئی گناہ کر رہے ہیں۔ یہ بہت بڑی بات ہے۔

یہ گناہ جو تم اور میں کرتے ہیں، ہم متوجہ نہیں ہوتے۔ کیونکہ ہم نہیں جانتے تھے کہ ہم نے گناہ کیا ہے، ہم اس گناہ کے لیے توبہ نہیں کرتے اور معافی نہیں مانگتے۔ پھر جب فیصلے کا دن آتا ہے، جب ہماری آنکھ کھلتی ہے، تو ہم اپنے نامہ اعمال میں حیرت انگیز چیزیں دیکھتے ہیں۔ ایک حیرت ہے، میں نے یہ چیزیں کب کی ہیں؟ اسے بالکل یاد نہیں۔ یہ غفلت کا گناہ اور اس کی شکلیں ہیں۔ پس استغفار کی راہ میں ایک رکاوٹ غفلت ہے۔ (صحبت امام خامنہ ای دیدار با دانشجویان در دانشگاه شهید بہشتی، ۲۲/

۱۳۸۲/۲ (KHAMENEI.IR)

۲۔ غرور سے بچنا

دوسری رکاوٹ غرور و تکبر ہے۔ انسان جو چھوٹی چھوٹی بات کرتا ہے وہ مغرور ہو جاتا ہے۔ دعاؤں اور روایات کی تشریحات میں ہمارے پاس "الاغترار باللہ" ہے۔ صحیفہ سجادیه کی اس چھیالیسویں دعا میں جو جمعہ کے دن پڑھی جاتی ہے، ایک جملہ ہے جو بہت چونکا دینے والا ہے۔ وہ کہتا ہے: "و الشقاء الاشقاء لمن اغتریک": سب سے زیادہ بدبختی اس کی ہے جسکے بعد تم مغرور ہو جاؤ۔ "ما اکثر تصرّفہ فی عذابک و ما اطول تردّدہ فی عقابک و ما ابعث غایتہ من الفرج و ما اقلّطہ من سہولۃ المخرج۔ اس روایت کی تشریح میں جو شخص تکبر کرتا ہے وہ "اغترار باللہ" کی کیفیت سے دوچار ہوتا ہے تکبر، ایسا ہی ہوتا ہے۔ مغرور، وہ بستی سے بہت دور ہے، اس کا ہاتھ آزادی اور صحت سے بہت کم ہے۔ کیوں؟ اس نے جتنا چھوٹا کام کیا، وہ دو رکعت نماز پڑھی، مثلاً اس نے لوگوں کی کوئی خدمت کی، فلاں فنڈ میں پیسہ لگایا، یا خدا کی راہ میں کوئی کام کیا، اسے فوراً مغرور ہو جاتا ہے ہم نے اللہ کی بارگاہ میں ایک کام کیا ہے ہمیں کسی چیز کی ضرورت نہیں۔ وہ پہربازان سے نہیں کہتا، لیکن اس کے دل میں یہی ہوتا ہے۔

۳۔ گناہوں کو ہلکا نہ سمجھیں۔

بوشیار رہو، یہ حقیقت ہے کہ اللہ تعالیٰ نے توبہ کا دروازہ کھول دیا ہے اور کہا ہے کہ میں گناہوں کو معاف کرتا ہوں، اس کا یہ مطلب نہیں کہ گناہ چھوٹے اور چھوٹے ہیں۔ نہیں، بعض اوقات گناہ تمام حقیقی انسانی وجود کو تباہ کر دیتے ہیں اور انسانی زندگی کے اعلیٰ ترین درجے کے انسان کو ایک گندے، غلیظ، بیکار شکاری جانور میں تبدیل کر دیتے ہیں۔ جرم، ایسا ہی ہوتا ہے۔ گناہ کو چھوٹی چیز نہ سمجھو۔ یہی جھوٹ، یہی

غیبت، یہی ظلم، ولو ایک کلمے کے ذریعے سے ہی ہو البتہ یہ بھی چھوٹے گناہ نہیں ہیں۔

یہ ضروری نہیں کہ اگر کوئی شخص احساس گناہ کرنا چاہے تو وہ کئی سالوں سے گناہ میں ڈوبا ہوا ہو۔ نہیں، ایک گناہ بھی گناہ ہے۔ گناہ کو کم نہ سمجھا جائے۔ احادیث میں ہمارے پاس "استحقار الذنوب" کا باب ہے جس میں گناہوں کو حقیر سمجھنے کی مذمت کی گئی ہے۔ کیوں کہ اللہ تعالیٰ کہتا ہے، ہم معاف کرتے ہیں، خدا کی طرف بازگشت بہت ضروری ہے۔ ایسا نہیں کہ گناہ چھوٹا ہے۔ گناہ بہت خطرناک چیز ہے۔ البتہ خدا کی طرف لوٹنا اور اس کی طرف توجہ کرنا اور اس کو یاد کرنا اس قدر ضروری ہے کہ اگر کوئی یہ کام ایمانداری، صحیح اور سچائی سے کرے تو وہ لاعلاج مرض ختم ہو جائے گا۔ لہذا، ایک نیک عمل پر مغرور ہونا۔ ایک اچھا عمل جسے ہم ایک نیک عمل سمجھتے ہیں؛ لیکن ہو سکتا ہے کہ یہ اتنا اچھا نہ ہو، یا یہ بہت اہم نہ ہو۔ لیکن اس کی وجہ سے آپ معافی نہیں مانگیں گے۔

ایک اور دعا میں امام سجاد علیہ السلام خدا سے فرماتے ہیں: «فَمَا انت يا الهی فاهل ان لا یغتر بک الصدیقون» دیکھیں کہ اس دعا میں واقعی کیامعرفت ہے۔ یہ دعا کا طریقہ ہے۔ آپ فرماتے ہیں، نیک لوگ جو لوگوں کی خدمت میں اعلیٰ مقام رکھتے ہیں، انہیں اس بات پر غرور نہیں کرنا چاہیے کہ ہم خدا کے راستے پر چل پڑے ہیں اور ہمیں اب محنت اور کوشش کی ضرورت نہیں ہے۔ نہیں، "ان لا یغتر بک الصدیقون"۔ یہ بھی استغفار میں رکاوٹ ہے۔ اگر کوتاہی نہ ہوتی، "اغترار باللہ" نہ ہوتی، خود فریبی اور خود کلامی نہ ہوتی، تو بندہ استغفار کرتا۔

۴- سنجیدہ ہونا

اگلا نکتہ یہ ہے کہ استغفار موثر ہے اگر یہ سچا اور سنجیدہ ہو اور صحیح معنوں میں استغفار ہو۔ چلیں فرض کریں، آپ کو ایک بڑا مسئلہ درپیش ہے اور آپ اللہ تعالیٰ سے اس مسئلے کو حل کرنے کے لیے دعا کرنا چاہتے ہیں۔ مثال کے طور پر، خدا نہ کرے، آپ کے کسی عزیز کو کوئی مسئلہ ہے؛ آپ نے عام طریقوں پر عمل کیا ہے، لیکن آپ اس مسئلہ کو حل نہیں کر سکے؛ اب آپ نے رب العالمین سے التجا کی ہے اور دعائیں مانگ رہے ہیں۔ دیکھو جب کوئی شخص اس کا بچہ یا کوئی عزیز بیمار ہو اور اس نے خدا کے گھر جا کر دعا کی تو اللہ سے کیسے سوال کرتا ہے؟ اللہ سے اس طرح گناہوں کی معافی مانگیں۔ واقعی معافی مانگیں اور دوبارہ یہ گناہ نہ کرنے کا عزم کریں۔

شرائط استغفار میں "سنجیدہ ہونا" امام خامنہ ای زید عزه کے نگاہ میں

یقیناً، ایک شخص گناہ نہ کرنے کا عزم رکھتا ہو، لیکن ہو سکتا ہے وہ دوبارہ ٹھوکر کھا کر اس کا ارتکاب کر لے۔ دوبارہ وہ پھر توبہ کرتا ہے۔ اگر کوئی شخص سو بار توبہ کے باوجود گناہ کر لے تو ایک سو ایک بار توبہ کا دروازہ کھلا ہے۔ بہر حال آپ جو توبہ کر رہے ہیں اور معافی مانگ رہے ہیں، آپ کو شروع سے یہ فیصلہ نہ کریں

کہ اب ہم معافی مانگ رہے ہیں، واپس جا کر دوبارہ وہی غلط کام کریں گے۔ تو یہ توبہ نہیں ہے۔

میں نے ایک روایت دیکھی کہ ائمہ (علیہ السلام) میں سے ایک نے فرمایا: «من استغفرہ بلسانہ و لم یندم بقلبہ فقد استہزیٰ بنفسہ»، اگر کوئی صرف زبان سے استغفار کرے دل سے نادم نہ ہو تو یہ شخص اپنا مذاق اڑا رہا ہے۔ یہ معافی کیسی ہے؟! یہ معافی نہیں ہے۔ استغفار کا مطلب یہ ہے کہ آدمی واپس لوٹ جائے، سچے دل سے اللہ تعالیٰ سے اس غلطی کی معافی مانگے۔ ایک شخص دوبارہ وہی غلط کام کرنے کا فیصلہ کیسے کرتا ہے؟ کیا اس کے لیے یہ ممکن ہے کہ وہ اللہ تعالیٰ سے معافی مانگے؟

یہ کیسے قابل معافی ہے؟! یہ معافی کافی نہیں ہے۔ استغفار سنجیدہ اور حقیقی ہونا چاہیے۔ معافی مانگنا لوگوں کی ایک خاص تعداد کے لیے نہیں ہے، چلیں یہ کہتے ہیں کہ جن لوگوں نے بہت زیادہ گناہ کیے ہیں انہیں معافی مانگنی چاہیے۔ نہیں، تمام لوگوں کو۔ یہاں تک کہ نبی - کو بھی معافی مانگنی چاہیے۔ لیغیر لک اللہ ما تقدم من ذنبک و ما تأخر». (۲۹) رسول اللہ صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم اور آپ کے اہل و عیال کو بھی استغفار کرنا چاہیے۔ (صحبت امام خامنہ ای دیدار جمعی از نمایندگان دانشوران شوری و تشکل ہای اجتماعی بہ مناسبت آغاز ماہ رمضان، ۱۳۹۳) (KHAMENEI.IR)

دوسرا حصہ: انسانی عقائد کے سلسلے میں توبہ کا اثر
یہاں، انسانی عقائد کے سلسلے میں توبہ کے اہم ترین اثرات پر بحث کا ذکر کر رہیں ہیں:

۱- کفر، شرک اور نفاق کا علاج:

قرآن کریم میں اور دعائے صحیفہ سجادیہ میں بیان ہوا ہے کہ توبہ کر کے اللہ تعالیٰ کی طرف رجوع کرنے سے انسان مشرک، کافر، منافق اور کافروں کی صفوں سے نکل کر مومنین کی صف میں شامل ہوسکتا ہے۔

مختلف آیات میں حکم دیا گیا ہے کہ کافروں کو کفر، شرک اور نفاق سے توبہ کرنی چاہیے تاکہ اللہ تعالیٰ ان کے تمام سابقہ گناہوں اور کوتاہیوں کو معاف کر دے، اس لیے پہلا اور اہم اثر توبہ کا یہ ہے کہ توبہ سے کفر، شرک اور نفاق کا علاج کیا جا سکتا ہے۔ جیسا کہ ہم انبیاء علیہم السلام کی تبلیغی سیرت میں پڑھتے ہیں کہ انہوں نے اپنی دعوت کے آغاز میں اپنے رشتہ داروں کو توبہ و استغفار کی دعوت دی۔ سورہ ہود میں اس زمرے کی متعدد آیات ہیں، ان میں سے یہ پیغمبر اکرم (ص) کے اس ارشاد میں سے ہے جو آپ الہی دعوت کے تناظر میں فرماتے ہیں: **أَلَا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ... وَ أَنْ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ؛**

اللہ کے سوا کسی کی عبادت نہ کرو اور اپنے رب سے معافی مانگو اور اس کی طرف توبہ کرو۔“ (ہود، ۲-۳)۔

اللہ تعالیٰ کے ساتھ انسان کا تعلق انسان کی بنیادی ضرورتوں میں سے ہے، جو خوبصورت، نرم، رومانوی اور اسرار سے بھرا ہوا ہے اور واضح علم اور خوبصورت اور مضبوط منطق ہے۔

گھر کے مالک کے لیے دل کو نماز، دعا، راز، حاجت، توبہ اور استغفار کے بغیر سجانا ممکن نہیں۔ وہ بھی خلوص کے ساتھ۔

معصومین علیہم السلام سے موصول ہونے والی دعاؤں میں حاجت و نیازمندی کے ساتھ کوئی دعا ایسی نہیں ہے جس میں استغفار اور توبہ شامل نہ ہو۔ جو اللہ تعالیٰ کی ذات مطلق کے سامنے عبادات، اعمال اور طرز عمل میں گناہ اور کوتاہی سے عذر ہو۔ استغفار اور توبہ، دعا کے لیے راہ ہموار کرتی ہے اور دل کو مالکِ دل کی طرف دعوت کے لیے تیار کرتی ہے۔

ماہ رمضان اور توبہ کا رابطہ امام خامنہ ای زید عزه کی نگاہ میں

ماہ رمضان کے روزمرہ کے اہم اہداف میں سے ایک یہ ہے کہ ہم تقویٰ کو تلاش کریں، متقی بنیں، اور جب میں ان اعمال پر غور کرتا ہوں جن کا رمضان کے مہینے میں شریعت کے مطابق خیال رکھا جاتا ہے۔ ماہ رمضان کے روزے، قرآن کریم کی تلاوت، حضرت باری تعالیٰ کی بارگاہ میں توسل و ماثور دعاؤں کی تلاوت، ، استغفار! ان چار انتہائی اہم عناصر میں سے کہ رمضان کے مہینے میں روزے بھی فرض ہیں۔ جو چیز میں اپنے لیے بہت اہم سمجھتا ہوں وہ استغفار ہے۔ معافی مانگنا، رب کائنات سے معافی مانگنا جو ہمارے ساتھ غفلت، جہالت اور خطا کی وجہ سے ہوا ہے پچھلے سال رمضان المبارک کے ان ایام میں، میں نے اس مقدس مہینے میں توبہ و استغفار کے بارے میں تفصیلی تقریر پیش کی تھیں۔ آج میں اس کو دہرانا نہیں چاہتا بلکہ میں آپ کو شب قدر کی آمد کے موقع پر استغفار کا مسئلہ یاد دلانا چاہتا ہوں۔ یہ پیاری راتیں بہت اہم ہیں۔

میرے عزیزو! بھائیو اور بہنوں، پہلا قدم اللہ تعالیٰ سے معافی مانگنا اور اللہ کی طرف لوٹنا ہے۔ توبہ کا مطلب ہے خدا کی طرف لوٹنا۔ آپ جہاں کہیں بھی ہوں، کمال کے جس بھی درجے پر ہوں۔ یہاں تک کہ امیر المومنین (علیہ السلام) کے درجے پر بھی۔ آپ کو اب بھی معافی کی ضرورت ہے! اللہ تعالیٰ اپنے نبی سے کہتا ہے استغفر لذنوبک: «فسبح بحمد ربک و استغفره» "اور معافی مانگو" (۴) قرآن میں کئی بار خدا تعالیٰ نبی سے کہتا ہے: "معافی مانگو"؛ نبی معصوم ہونے کے باوجود گناہ نہیں کرتا، حکم الہی کی خلاف ورزی نہیں کرتا بلکہ اس سے یہ بھی کہتا ہے کہ "معافی مانگو" صحبت امام خامنہ ای بیانات در دیدار دانشجویان و نمایندگان تشکلہای

دانشجویی (۱۳۹۶، ۰۱، ۲۹) (KHAMENEI.IR)

۲۔ عقیدہ و ایمان کی اصلاح اور تقویت:

خدا پر ایمان لانے کے علاوہ توبہ کا ایک اہم ترین فائدہ یہ ہے کہ توبہ عقیدہ اور ایمان کی اصلاح کی بنیاد ہے، جیسا کہ مختلف آیات میں توبہ کے ساتھ اصلاح کی بھی

درخواست کی گئی ہے جیسے کہ "«الَّذِينَ تَابُوا وَ أَصْلَحُوا» (البقرہ، ۱۶۰؛ إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ وَ أَصْلَحُوا» (نساء ۱۴۶؛ " "

توبہ اور اصلاح کے درمیان قریبی تعلق بیان کیا گیا ہے اور اس اصلاح میں وہ خرابیاں، عیب، گناہ اور کوتاہیاں شامل ہیں جن کا تعلق عقیدہ، ایمان، خیالات، اعمال سے ہو۔ وہ آیات جو توبہ اور اصلاح کے درمیان تعلق کا اظہار کرتی ہیں (توبہ اور اصلاح سے متعلق آیات کا یہاں صرف حوالہ کے طور پر ذکر کیا گیا ہے، کیونکہ ان کا تفصیل سے ذیل کے عنوانات میں ذکر کیا جائے گا) دراصل یہ بتاتی ہیں کہ انسان اپنے گناہوں سے چھٹکارا پا سکتا ہے۔ توبہ کے ذریعے اس کی اصلاح کرے اور ماضی کے علمی، نظریاتی اور عملی گناہوں کے برے اثرات کو دور کرے اور ضائع ہونے والے حقوق ادا کرے، اور اگر ایسا ہو جائے تو اللہ تعالیٰ تمام گناہوں کو معاف کر دے گا اور ایمان کی مضبوطی کی بنیاد بھی فراہم کرے گا۔ اور حق تک پہنچنے کا راستہ جیسا کہ بیان کیا گیا ہے: «وَ آتَى لَعْفَاً لِمَنْ تَابَ وَ آمَنَ وَ عَمِلَ صَالِحاً ثُمَّ اهْتَدَى؛ طہ ۸۲)۔

- اور بیشک میں اس شخص کو بخشنے والا ہوں جس نے توبہ کی اور (خدا پر) ایمان لایا اور عمل صالح کیا پھر صراط مستقیم پر ثابت قدم رکھا۔“ (طہ ۸۲)۔

اور ایمان، تقویٰ اور استغفار کے اثرات بیان کرتے ہوئے فرماتے ہیں: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَاناً وَ يُكَفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَ يَغُفِّرْ لَكُمْ وَ اللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ؛ اے ایمان والو! اگر تم (خدا کے حکم کی نافرمانی سے) بچو گے تو وہ تمہارے لیے حق اور باطل کو الگ کرنے کا ذریعہ بنائے گا۔ اور آپ کے گناہوں پر پردہ ڈالتا ہے (انفال: ۲۹)

تیسرا حصہ: انسانی اخلاق کے سلسلے میں توبہ کا اثر

اسلامی طرز زندگی کی ایک اور سب سے اہم خصوصیت انسانوں کے اچھے اخلاق ہیں، قرآن و حدیث کی تعلیمات اور دینی تعلیم میں اخلاق کا مقام بہت بلند اور بلند ہے، قرآن و حدیث کی تعلیمات میں اخلاق کا مقام بہت بلند و بالا ہے۔ یہاں اس تحقیق میں اہم ترین اخلاقی مسائل کے سلسلے میں توبہ کے چند اثرات کا ذکر کیا جا رہا ہے :

۱- خود کی اصلاح

قرآن کریم اور دینی متون میں من جملہ صحیفہ سجادیہ میں "نفس" کے بارے میں مختلف امور و مسائل بیان کیے گئے ہیں اور نفس کے معنی کے لیے دل، سینہ، روح وغیرہ بہت سے الفاظ استعمال کیے گئے ہیں۔ قرآن اور دیگر مذہبی نصوص میں نفس کی خرابی اور تباہی اور اس کی اصلاح کی ضرورت کو بھی بیان کیا ہے جس کے مختلف عوامل ہیں جو نفس کی خرابی اور تباہی کا سبب بنتے ہیں۔ مختلف آیات میں نفس کی خواہشات کی پیروی (کہف، ۲۸؛ ۵۸؛ جاثیہ، ۲۳؛ اعراف، ۱۷۶؛)، خدا اور قیامت کے بارے میں شکوک (توبہ، ۴۵)، منافقت اور دورویی (بقرہ، ۹-۱۰؛ البقرہ، ۱۰-۹؛ منافقون، ۶۷)؛ توبہ، ۸؛ احزاب، ۱۲، حسد اور بغض (فلق، ۵)، شیطان اور فتنہ

(اعراف، ۱۷۵؛ ناس، ۵) وغیرہ نقس کے فساد اور تباہی کے عوامل میں سے ہیں۔
ابوالقاسم، نہج الفصاحة، ص ۱۳۲۱)

۲- توبہ، اپنی اصلاح اور قیامت کی تیاری

امیر المومنین نہج البلاغہ کے خطبہ میں فرماتے ہیں: "الا و انّ اليوم المضمار و غدّاً السّباق"۔ یہ دنیا تیاری اور مشق کرنے کی جگہ ہے۔ اس عظیم کیمپ میں، الہی ملاقات کے میدان میں داخل ہونے کے لیے تیار رہیں۔ جو کہ قیامت کا دن ہے۔ اپنے آپ کو الہی حساب کا سامنا کرنے کے لیے تیار کریں۔ آج تربیت اور تیاری اور خود کو بہتر بنانے کا دن ہے۔ اور کل - یعنی قیامت کا دن - اس انجام کی طرف تیزی اور دوڑ کا دن ہے جس کی وضاحت ہم نے اپنے لیے یہیں کی ہے۔ "و السّیّقة الجنّة و الغایة النّار"؛ قیامت کے دن جیتنے والوں کو جو دیا جائے گا وہ جنت ہے۔ اور جو نقصان اٹھانے والوں کو قیامت کے دن بھگتنا پڑے گا وہ جہنم اور آگ ہے۔ "میرے پچھلے گناہ سے توبہ کرو"؛ کیا موت سے پہلے توبہ و استغفار کرنے والا کوئی نہیں؟ امیر المومنین لوگوں کو دعوت دیتے ہیں کہ اگر ان سے کوئی غلطی ہوئی ہے تو اس کی اصلاح کریں۔ ہدایت کا راستہ تلاش کرو اور نیکی اور نیکی کی راہ پر چلو۔ صحبت امام خامنہ ای بیانات در مراسم مشترک دانش‌آموزی دانشجویان دانشگاه‌های افسری نیروهای مسلح (KHAMENEI.IR) (۱۸/۷/۱۴۰۰)

۳- توبہ، رزق میں اضافہ کا سبب

انسانی اجتماعی، زندگی میں توبہ کا ایک اہم ترین کردار اور اثر یہ ہے کہ توبہ زندگی کو میٹھا اور خوشگوار بناتی ہے اور دل کو گناہوں کے اثرات سے پاک کرنے اور اس کے صفحہ کو روشن کرنے کے علاوہ مادی اور دنیاوی معاملات میں بھی اضافہ کرتی ہے۔ انفرادی رزق کا بھی ایک اہم اثر ہوتا ہے، اس اثر کی وجہ یہ ہے کہ توبہ کرنے والا اپنے گناہوں، غلطیوں اور کوتاہیوں کے بوجھ کو ایک طرف رکھ دیتا ہے اور باطنی اعتماد اور اطمینان قلب کے ساتھ رزق کے حصول میں خوشگوار اور میٹھا سلوک کرنے میں مصروف ہو جاتا ہے۔ اپنی زندگی اور دوسری طرف ماضی کے گناہوں اور انحرافات اور غلطیوں کو یاد کرتا ہے اور دوبارہ کرنے اور سابقہ حالت میں لوٹنے سے خبردار کرتا ہے اور ماضی کے تلخ تجربات سے بچتا ہے اور اس طرح ایسے شخص کی زندگی میں پاکیزگی ہے۔ روحانیت بھی موجود ہے اور خدائی نعمتوں کی فراوانی ہے اور ایسا شخص حرام اور نفسانی لذتوں کے بجائے حلال اور روحانی لذتوں سے مستفید ہوتا ہے۔ اور یہ وہ چیز ہے جو قرآنی آیات اور احادیث میں اور صحیفہ سجادہ میں بیان ہوئی ہے، ان میں سے خدا نے سورہ ہود کی متعدد آیات میں انبیاء علیہم السلام کے قصوں میں بیان کیا ہے۔ اپنے رشتہ داروں سے کہو کہ تم توبہ کرو اور استغفار کرو تاکہ خدا تمہارے رزق میں اضافہ کرے جیسا کہ رسول اللہ صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم نے تمام لوگوں سے فرمایا تھا: وَ أَنْ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ يُمَتِّعْكُمْ مَتَاعاً حَسَنًا إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى وَ يُؤْتِ كُلَّ ذِي فَضْلٍ فَضْلَهُ وَ إِنْ تَوَلَّوْا فَإِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ

کبیر» (ہو: ۳)؛ (مقام معظم رہبری، خطبہ های نماز عید سعید فطر، ۵ / ۹ / ۱۳۸۲) (KHAMENEI.IR)

نظم و معنویت اجتماعی کی خاصیت مقام معظم رہبری کی نگاہ میں ۴- اجتماعی نظم

قرآن کریم اور مذہبی روایات اور احادیث میں انفرادی اور معاشرتی نظم و ضبط پر بہت زیادہ توجہ دی گئی ہے اور اس کے ساتھ ساتھ لوگوں اور معاشروں کے سلوک کے متعلق مختلف مسائل کا اظہار مختلف صورتوں میں کیا گیا ہے۔ اصولوں، قوانین اور عملی پروگراموں کا خلاصہ عام طور پر بندوں کے خدا اور دیگر مخلوقات کے ساتھ برتاؤ میں بیان کیا۔ اور اس اضطراب اور بے راہ روی کے خلاف اور ان کی مثالیں اور اثرات بھی بیان کیے گئے ہیں اور معاشرتی نظام کو کنٹرول کرنے کے لیے مختلف اصول و ضوابط ہیں جیسے عدل کا نفاذ، نیکی کا حکم، برائی سے منع کرنا، حدود و قیود کے مسائل۔ حد، بدلہ، اور انتقام، جرائم کی سزا، قانونیت، ذمہ داری، دوسروں کے حقوق کا احترام، تعلیم اور تعلیمی طریقے وغیرہ بیان کیے گئے ہیں، ان میں انحراف اور معاشرتی بدعنوانی کے خلاف جنگ ہے، جسے قرآن مجید اور مذہبی نصوص میں بیان کیا گیا ہے۔ کسی بھی انحراف اور بغاوت کے خلاف لڑنا اور گناہ اور معاشرتی نظام کو بگاڑنے والی چیزوں کی سخت مذمت کی گئی ہے اور ایسے عناصر اور لوگوں کے لیے حدیں اور سزائیں بھی مقرر کی گئی ہیں کیونکہ معاشرتی نظام ایک اچھی، صحت مند اور محفوظ زندگی کے لیے بہت ضروری ہے اور اس میں فساد کرنے والوں کے لیے سخت سزا مقرر کی گئی ہے: «وَأَلَّهِ لَا يُجِبُّ الْمُفْسِدِينَ» اور اللہ فساد کرنے والوں کو پسند نہیں کرتا" (مائدہ، ۶۴)؛

۵- اجتماعی سلامتی

معاشرے کی صحت یا معاشرے میں صحت کا وجود ایک اہم ترین موضوع ہے جو آج نفسیات اور سماجیات کے موضوعات میں بہت اہم ہے اور قرآن کریم اور مذہبی متون نے بھی اس پر زور دیا ہے اور مختلف عوامل کا اظہار کیا ہے۔ عام طور پر غیر مذہبی مسائل میں سماجی صحت کا تعلق صرف ظاہری اور مادی مسائل سے ہے لیکن دینی اور اخلاقی مسائل میں اس کا تعلق مادی اور روحانی مسائل دونوں سے ہے یعنی معاشرہ صحت مند ہونا چاہئے ایمان اور اعمال کے لحاظ سے، بے روزگاری، غربت اور ظاہری بیگانگی نہ ہو اور انسان کا دل ایمان و سلامتی سے خالی نہ ہو۔ لہذا اگر معاشرے کے افراد جسمانی اور ذہنی طور پر صحت مند ہوں گے تو اجتماعی صحت حاصل ہوگی۔ اس کے علاوہ، دوسروں کا احترام، معاشرے کے تئیں ذمہ داری اور معاشرے کے لیے اپنے وسائل خرچ کرنے کی تیاری اور دوسروں کے ساتھ صحت مند اور متوازن تعامل (اس طرح کہ نہ تو ہمارے ساتھ زیادتی ہو اور نہ ہی دوسروں کے ساتھ زیادتی) یہ اجتماعی زندگی کے لئے بہت ہی ضروری پہلو ہیں۔» (امیری، تاثیر رہبری معنوی

اسلامی از طریق توانمندسازی کارکنان بر بهبود عملکرد کارکنان در شرکت گاز استان لرستان، پایان نامہ کارشناسی ارشد، دانشگاه اصفہان، ۱۳۹۲ش، ص ۹. (KHAMENEI.IR.)

۶- اجتماعی معنویت

معنوی اجتماعی کی تعریف ایک بامعنی معاشرے کے طور پر کی جا سکتی ہے جس میں مطلوبہ زندگی ہو، جیسا کہ کہا گیا ہے:

انفرادی، خاندانی اور معاشرتی زندگی میں روحانیت کا وجود اسلامی زندگی کے تناظر میں بہت سے اثرات کا سبب ہے، فرد، خاندان اور معاشرے کی زندگی کے تناظر میں روحانیت کا فقدان نظریاتی اور معاشرتی زندگی میں بہت سے تباہ کن اثرات چھوڑ سکتا ہے۔ عملی میدان. روحانیت کے بغیر معاشرہ تمام شعبوں میں ناکام معاشرہ ہے۔ اگر چہ ٹیکنالوجی اور صنعت کے شعبوں میں بظاہر بہتری نظر آتی ہے۔ لیکن وہ اپنے اندر دیوالیہ ہو جائے گا اور سلامتی اور سکون سے لطف اندوز نہیں ہو گا۔ یہ روحانیت ہی ہے جو فرد، خاندان اور معاشرے کو اخلاقی اور روحانی بیماریوں اور یہاں تک کہ مختلف معاشی اور سیاسی بیماریوں سے بچاتی ہے اور روحانی معاشرہ مختلف خطرات سے محفوظ رہتا ہے۔ خاص کر معاشرے کی نوجوان نسل کو روحانی طور پر مضبوط کیا جائے۔ دوسری صورت میں، وہ زندگی کے مختلف شعبوں میں پھنس جائیں گے؛ کیونکہ کوئی بھی چیز انسان کو اتنی محفوظ نہیں رکھتی جتنی روحانیت۔ (محمدجواد رودگر، کارکردہای معنویت در عرصہہای اجتماعی از دیدگاه مقام معظم رہبری (مقالہ) (بیان رہبری ۱۳۶۸: ۳۱۲) (KHAMENEI.IR.)

نتیجہ:

توبہ کے سلسلہ میں جو مطالب بیان کئے گئے ہیں، درج ذیل نتائج حاصل ہوئے:
۱- قرآن کریم کی آیات اور ایماہ معصومین علیہم السلام کی احادیث سے جو مفہوم یہی نکلتا ہے خدا کتنا رحیم و کریم ہے جو توبہ کے باب کو مرتے وقت تک کھلا رکھتا ہے۔

۲- صحیفہ سجادیه میں بھی امام سجاد علیہ السلام سے انہیں باتوں کی طرف اشارہ کیا ہے توبہ ایک عظیم نعمت ہے جس کے ذریعہ انسان خدا وند عالم کا عزیز بندہ قرار پاتا ہے، جس میں بندہ اپنے خدا سے گناہوں پر ندامت کرتا اور دوبارہ نہ کرنے کا وعدہ کرتا ہے۔ اور یہی توبہ اور دعائیں ہیں جو انسانوں کو خدا کا مقرب بندہ بناتی ہیں

۳- قرآن اور صحیفہ سجادیه کی نگاہ میں توبہ اسی انسان کی قبول ہوتی ہیں جو انسان خدا اور امام کے بتائے ہوئے طریقہ سے توبہ کرتا ہے جیسے: ۱- دل سے نادم ہونا، ۲- گناہوں کا اعتراف، ۳- اخلاص، ۴- خدا اور اس کے بندوں کے حقوق کی ادائیگی

۴- انسان کی اعتقادی زندگی میں توبہ کا اثر ظاہر ہوتا ہے جیسے: ۱- کفر و شرک کا علاج، ۲- عقیدہ و ایمان کی اصلاح۔۔۔
۵- انسان کی اخلاقی زندگی میں توبہ کا اثر ظاہر ہوتا جیسے ۱- رزق میں اضافہ، خود کی اصلاح۔

منابع و مآخذ

قرآن پاک

- صحیفہ السجادیہ/ ترجمہ و تشریح از فیض الاسلام، فقیہ، تہران، ۱۱، ۱۳۷۶
۱. ابن بابویہ، محمد بن علی (شیخ صدوق)، الخصال، ترجمہ: فہری زنجانی، احمد، علمیہ اسلامیہ، تہران، اول، دوم۔
 ۲. ابن منظور، محمد بن مکرّم، لسان العرب، بیروت، سوم، ۱۴۱۴ھ
 ۳. امیری، Z. لارستان گیس کمپنی میں ملازمین کی کارکردگی کو بہتر بنانے پر ملازمین کو باختیار بنانے کے ذریعے اسلامی روحانی قیادت کا اثر، ماسٹرز تھیسس، اصفہان یونیورسٹی، ۲۰۱۳۔
 ۴. بوستانی، فواد افرام، فرہنگ ابجدی، اسلامک پبلی کیشنز، تہران، دوسرا ایڈیشن، ۱۳۷۵۔
 ۵. جوہری، اسماعیل بن حماد، صحاحۃ - تاج الغاۃ اور صحاحۃ العربیہ؛ ناشر: امیری، اول، ۱۳۶۹۔
 ۶. حبیب اللہ طاہری، حدود کا اندازہ لگانے میں توبہ کا کردار، فقہی تحقیقی رسالہ، (حدیث امام علی)۔
 ۷. خانی رضا/حشمت اللہ ریاضی، ترجمہ بیان السعاده فی مقام العبادہ، پرنٹنگ سینٹر اور پیام نور یونیورسٹی، تہران، ۱، ۱۳۷۲۔
 ۸. راغب اصفہانی، ابوالقاسم حسین بن محمد بن فضل، المفردات فی غریب القرآن، ترجمہ ڈاکٹر سید غلام رضا خسروی حسینی، مرتضوی، دوسرا ایڈیشن ۱۳۷۴۔
 ۹. زحیلی، وہاب، فقہ الاسلام و عدلتہ، ناشر: احسان، ۱، ۱۳۷۷۔
 ۱۰. طباطبائی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمہ: موسوی ہمدانی سید محمد باقر، جامعہ مدارسین، قم، ۵واں ایڈیشن، ترجمہ: ۱۳۷۴۔
 ۱۱. طوسی، محمد بن الحسن، مصباح المتہجد اور صلاح المتعبد - شیعہ فقہ ادارہ، بیروت، ایڈیشن: ۱، ۱۴۱۱ھ
 ۱۲. عاملی، محمد بن حسن (شیخ حرامی کے نام سے مشہور)، الشیعہ کے اوزار، البیت فاؤنڈیشن، قم، یکم، ۱۴۰۹ ہجری۔
 ۱۳. غرالی، محمد بن محمد، کمیائی سعادت، سائنسی اور ثقافتی پبلشنگ کمپنی، تہران، ایران، ۱۱، ۱۳۸۳۔
 ۱۴. فراہیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، بجزت پبلشنگ ہاؤس، قم، دوسرا ایڈیشن، ۱۴۰۹ھ
 ۱۵. فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر، دار الہجرہ انسٹیٹیوٹ، دوم، قم، ۱۴۱۴ھ
 ۱۶. قریشی، سید علی اکبر، قرآن لغت، تہران اسلامی کتب، چھٹا ایڈیشن، بہار ۲۰۱۲

رہبر معظم زید عزه کے افکار خاص کے مطابق انسان کی اعتقادی و اخلاقی زندگی میں توبہ کا اثر قرآن اور صحیفہ سجادیه کی نگاہ میں..... «224»

۱۷. محمد جواد ردگر، سپریم لیڈر کے نقطہ نظر سے سماجی میدانوں میں روحانیت کے افعال (مضمون) (قیادت کا بیان ۱۳۶۸)۔
۱۸. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر النشون، دار الکتب الاسلامیہ، تہران، ۱، ۱۳۷۴۔
۱۹. آیت اللہ سید علی خامنہ ای کے کاموں کے تحفظ اور اشاعت کے دفتر کا معلوماتی مرکز۔ خامنہ ای۔ آئی آر